

# بها هم سردی افزا



سال چهارم، شماره دوم  
شماره مسلسل ۱۴، تابستان ۱۴۰۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

صاحب امتیاز: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
مدیر مسئول: قاسم زائری  
سردبیر: ابراهیم حاجیانی

اعضای هیأت تحریریه:

- شهاب اسفندیاری؛ دانشیار گروه سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران
  - ناصر باهنر؛ استاد معارف اسلامی و فرهنگ - ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)
  - ابراهیم حاجیانی؛ دانشیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
  - مهدی حسین زاده یزدی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشگاه تهران
  - کریم خانمحمدی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)
  - حسین حسینی؛ عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
  - علی ربانی خوراسگانی؛ استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
  - حسین سوزنجی؛ استاد استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)
  - وحید شالچی؛ دانشیار دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
  - محمود شهابی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز
  - افشار کبیری؛ دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه
  - منصوره فصیح رامنندی؛ هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات
  - علی یوسفی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد
  - سیده راضیه یاسینی؛ دانشیار پژوهش هنر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- اعضای هیأت تحریریه بین المللی:

- محمد رضایی؛ پژوهشگر مرکز اسلام جهانی دانشگاه گوته
- عقیل دغاقله؛ پژوهشگر علوم اجتماعی دانشگاه راتگرز

مدیر داخلی: رقیه مهری

ویراستار فارسی: شهناز شفیع خانی

صفحه آرایی: حامد خلیلی

بهای تک شماره: ۱۱۰ هزار تومان

آدرس صفحه اینترنتی: <http://scsj.ricac.ac.ir>

نشانی: تهران، پایین تر از میدان ولیعصر، خیابان دمشق، شماره ۹

صندوق پستی: ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵

تلفن: ۸۸۹۱۹۱۸۶ - ۰۲۱

نمابر: ۸۸۸۹۳۰۷۶ - ۰۲۱

فصلنامه «مطالعات راهبردی فرهنگ» به صاحب امتیازی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات پس از اخذ پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۰۸۰ از معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات به منظور تقویت و زمینه تحقق اهداف و سیاست‌های فرهنگی کشور به طور مستمر و در قالب فصلنامه در حال انتشار است.

فصلنامه مذکور، در دو نسخه چاپی و الکترونیکی منتشر می‌شود و فصلنامه براساس اعلام وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و پایگاه استنادی جهان علوم اسلام (ISC) از بهار ۱۴۰۱ موفق به کسب «رتبه علمی» شد.







## اهداف فصلنامه

این فصلنامه به گسترش، ارتقاء و انتشار دستاوردها و یافته‌های تحقیقاتی در زمینه برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، مدیریت فرهنگی در کشور و ابعاد مختلف آن مانند آینده‌پژوهی، تحلیل‌های سیاستی، ارزیابی خط‌مشی‌ها، ارائه پیشنهادها، سیاستی، تجزیه و تحلیل ساختارهای مدیریتی، مالی، تصمیم‌گیری فرهنگی و موضوعاتی از این قبیل می‌پردازد تا به‌واسطه آن دانش مطالعات راهبردی در حوزه فرهنگ تقویت و زمینه تحقق اهداف و سیاست‌های فرهنگی کشور فراهم آید.

## محورهای فصلنامه:

### ۱) سیاست‌گذاری فرهنگی یا حکمرانی فرهنگی در ایران

۱-۱. ارائه ایده‌ها، طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های مسئله‌محور در حوزه فرهنگی با هدف حل یا مدیریت یک مسئله، معضل، بحران و مشکل فرهنگی؛  
۱-۲. تحلیل فرایندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی در دستگاه‌های مختلف فرهنگی کشور؛

۱-۳. تحلیل نظام‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات فرهنگی در ایران؛

۱-۴. تحلیل و ارزیابی گفتمان‌ها و سیاست‌های بالادستی کشور در حوزه فرهنگ.

### ۲) مدیریت تغییرات و تحولات فرهنگی

۲-۱. تحلیل تغییرات فرهنگی و مدیریت تحولات فرهنگی در ایران و سایر کشور؛

۲-۲. مباحث توسعه فرهنگی، دین و توسعه، فرهنگ و فناوری و...؛

۲-۳. دیده‌بانی یا رصد تحولات فرهنگی.

### ۳) مسائل فرهنگی بین‌المللی

۳-۱. دیپلماسی فرهنگی؛

۳-۲. روابط فرهنگی بین‌المللی؛

۳-۳. قدرت نرم، تهدیدات نرم و...؛

۴) آینده‌پژوهی در حوزه‌های مختلف فرهنگی.

مقالات سیاستی در حوزه فرهنگ عامه‌پسند، سبک زندگی، جوانان، زنان، هویت، قومیت، فرهنگ نخبه‌پسند، دموکراسی فرهنگی، انسجام ملی، تعلیم و تربیت، زبان، معماری، صنایع فرهنگی، صنایع خلاق، امنیت فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، مصرف‌کالاهای

فرهنگی و از این قبیل قابل پذیرش خواهد بود.

### چارچوب تنظیم و تدوین مقالات علمی

با توجه به ماهیت و خط‌مشی فصلنامه نحوه تنظیم، تدوین و تبویت مقالات در این مجله دارای تفاوت‌هایی با سایر مجلات است. البته با توجه تنوع مسائل و موضوعات سیاستی چارچوب پیشنهادی زیر عمدتاً می‌تواند برای مقالاتی که قصد ارائه ایده‌های جدید سیاستی برای حل مسئله معین را دارند بکار روند. لذا در سایر موضوعات که نویسندگان به مسائلی همچون آینده‌پژوهی، فرایندهای سیاست‌گذاری یا تصمیم‌گیری، ارائه ایده‌های جدید و خلاقانه، تحلیل محتوای اسناد بالادستی و از این قبیل موضوعات می‌پردازند. کمتر قابل پیاده‌سازی است. چارچوب این‌گونه مقاله‌ها می‌تواند به چارچوب‌های رایج مقالات عملی-پژوهشی نزدیک باشد اما و در هر حال انتظار آن است که این‌گونه تحلیل‌ها نیز معطوف به ارائه راهبردهای اجرایی و عملی به نظام اجرائی و دستگاه‌های فرهنگی کشور باشند. انتظار است که فرمت یا چارچوب ارائه مقالات به نحو زیر انجام پذیرد:

۱) عنوان و چکیده و کلیدواژه‌ها: در چکیده الزاماً باید مسئله (مشکل سیاستی)، نحوه دستیابی به راه‌حل‌ها و به‌ویژه راه‌حل‌ها بنحو شفاف بیان شود.

۲) طرح مسئله: از آنجا که مطالعات سیاست‌پژوهی با رویکرد حل یا مدیریت مسئله (مسئله محوری) انجام می‌شوند لذا در بیان مسئله نویسندگان باید به اثبات مسئله پرداخته، شواهد و قرائن وجود مسئله، سوابق و پیامدهای مخرب آن برای نظام فرهنگی کشور را بیان کنند. شایسته است در این جا خوانندگان با ابعاد و سطوح مشکل، مسئله، بحران یا چالش خاص فرهنگی آشنا شوند.

۳) مرور پیشینه: ارزیابی انتقادی تحقیقات پیشین که با رویکرد سیاست‌پژوهی به تحلیل مسئله و ارائه راهبرد پرداخته‌اند.

۴) مرور سوابق سیاستی: معرفی و تحلیل انتقادی مجموعه تدابیر، سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های اجراء شده یا در حال اجراء برای حل یا مدیریت مسئله در طول چند دهه گذشته در ایران یا کشورهای دیگر و بطور کلی در واحدهای تحلیل مختلف (سازمان‌ها، بنگاه‌ها، دولت‌ها، مقاطع زمانی مختلف و...) با رویکرد تطبیقی و با هدف استفاده از تجربیات سیاستی به‌دست آمده، شکست‌ها، موفقیت‌ها و یادگیری‌های سیاستی

۵) روش‌شناسی: بیان شفاف روش تولید شواهد و داده‌ها. در اینجا باید تأکید کرد که



روش‌شناسی مقالات سیاستی باید داده‌محور (شواهد محور) بوده و مبتنی بر اطلاعات و تجربیات عینی و ملموس باشد. این روش‌ها باید ریشه در ادبیات مطالعات راهبردی، سیاست‌پژوهی و برنامه‌ریزی استراتژیک داشته و مقاله باید علی‌القاعده از داده‌های ترکیبی و روش‌شناسی آمیخته بهره گرفته باشد. اشاره به روایی و اعتبار یافته‌ها نیز مهم است.

۶) ارائه راهبردها: انتظار دارد نویسندگان در این بخش یافته‌های حاصل را در چارچوب روش‌شناختی (آمیخته) بیان نموده (به‌خصوص با نقد و ارزیابی تجارب جهانی و ایرانی برای حل مسئله و نیز تبیین ارزش‌های ورودی) به تناسب گرایش تخصصی خود اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های مورد نظر خود را بصورت منقح و دسته‌بندی شده و تفصیلی بیان نمایند.

۷) باتوجه به ماهیت مقالات سیاست‌پژوهی پیشنهاد می‌شود نویسندگان محترم به مباحث تکمیلی از جمله نحوه ارزیابی سیاست‌ها و تدابیر پیشنهادی، نگاشت‌نهادی و تقسیم کار ملی و بین‌بخشی (برای اجراء سیاست‌ها)، الزامات و موانع پیاده‌سازی و اجراء، نحوه تخصیص و تأمین منابع و ... توجه نمایند.

#### ۸) فهرست منابع

نویسندگان محترم باید توجه داشته باشند که مخاطبان یا مشتریان این مقالات جامعه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور هستند. ضمن آنکه معیارهای قضاوت داوران فصلنامه نیز براساس ملاحظات بالا و به‌طور ویژه «دستاوردها و یافته‌های سیاستی مقاله» خواهد بود و لذا ارائه یافته‌ها و راهبردهای کلی، اجمالی، تکراری و فاقد ارزش افزوده Added Values برای مراجع سیاست‌گذاری کشور، باعث عدم پذیرش مقالات خواهد شد.





## فهرست مطالب

- بازشناسی اقلیم‌های فرهنگی ایران: به‌سوی یک چهارچوب مفهومی و روش‌شناختی  
بهروز روستاخیز، سمیه کاظمی..... ۹
- درآمدی بر مفهوم‌شناسی اقلیم فرهنگی با تأکید بر اقلیم‌بندی فرهنگی ایران  
علی احمدی..... ۵۳
- شهرنشینی و ضرورت حکمرانی فرهنگی چندسطحی در حمایت از تنوع زبانی در ایران  
ابراهیم علومی..... ۸۵
- مطالعه نقشه‌نگاری فرهنگی در فرایند توسعه و برنامه‌ریزی فرهنگی  
مریم حسین یزدی، ابراهیم فیاض..... ۱۱۷
- ارائه الگوی فرهنگی حکمرانی خوب در دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت  
حیدر محمدی، سیامک کورنگ بهشتی، حمید دوازده امامی..... ۱۴۷
- شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های تصمیم‌ساز در مکان‌یابی اماکن فرهنگی با روش AHP و TOPSIS:  
مورد مطالعه اماکن سینمایی  
محمد رضا علی، مهدی رفیعی، هادی اسماعیلی، عباس رحیمی..... ۱۷۳





## Recognizing Iran's Cultural Regions: Towards a Conceptual and Methodological Framework

**Behrouz Roustakhiz**, . Assistant Prof. of Anthropology & Member of Research Institute for Social Studies and Policy, Allameh Tabataba'i University; Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: [b.roustakhiz@atu.ac.ir](mailto:b.roustakhiz@atu.ac.ir)

**Somayeh Kazemi**, Ph.D graduate of Research of Art, Alzahra University; Tehran, Iran.

Email: [s.kazemi@alzahra.ac.ir](mailto:s.kazemi@alzahra.ac.ir)

### Abstract

Strategic planners emphasize cultural diversity in regional planning, but it is not adequately addressed in important documents like the “National Land Use Document.” To safeguard against potential repercussions such as heightened cultural inequality and the resulting erosion of the distinctive Iranian identity, some documents are being assembled in conjunction with the aforementioned document. The following article is taken from research that was carried out to compile the mentioned document and to conceptualize and recognize the cultural regions of Iran. The purpose of this article is to prepare the conceptual foundations and achieve a methodological framework to recognize the cultural regions of Iran and to get the answer to the question of what indices can be used to define and distinguish the cultural regions of Iran and to represent and preserve their integrity in the form of a national cultural region. To do this, library and comparative study methods were used, along with the opinions of several scientific and business experts. According to this paper's findings, the definition of a cultural region was made by combining the three concepts of “formal culture regions,” “combined formal cultural regions,” and “native or vernacular cultural regions,” or perceptual. Based on this research, the framework of a method for cultural regionalization is efficient if the material and non-material aspects of culture are taken into consideration at the same time and two simultaneous approaches are adopted. The cultural regionalization of Iran based on the focus of regions from the perspective of four indices of history, science, religion, and ethnicity is a practical method that has all the above features.

### Keywords

Cultural Regions; Cultural Regionalization; Conceptual Framework; Methodology.





## بازشناسی اقلیم‌های فرهنگی ایران: به سوی یک چهارچوب مفهومی و روش شناختی<sup>۱</sup>

بهروز روستاخیز<sup>۲</sup>، سمیه کاظمی<sup>۳</sup>

### چکیده

توجه به تنوع فرهنگ مناطق مختلف در برنامه‌ریزی منطقه‌ای ضرورتی است که برنامه‌ریزان راهبردی در اسناد مختلف بین‌المللی و ملی بر آن تأکید داشته‌اند؛ درحالی‌که به این امر در اسناد مهمی چون «سند ملی آمایش سرزمین» به شایستگی توجه نشده است. به منظور تکمیل سند ذکر شده و جلوگیری از پیامدهایی چون افزایش نابرابری در حوزه فرهنگ و به تبع آن تضعیف هویت یگانه ایرانی، «سند آمایش فرهنگ» در دست تدوین است. مقاله پیش‌رو برگرفته از پژوهشی است که در راستای تدوین سند ذکر شده و با هدف مفهوم‌شناسی و بازشناسی اقلیم‌های فرهنگی ایران انجام یافته است. هدف این مقاله تمهید بنیادهای مفهومی و نیل به چهارچوبی روش شناختی به منظور بازشناسی اقلیم‌های فرهنگی ایران و دریافت پاسخ این سؤال است که اقلیم‌های فرهنگی ایران را بر اساس چه شاخص‌هایی می‌توان تعریف کرد، تمایز بخشید و یکپارچگی آن‌ها در قالب اقلیم فرهنگی واحد ملی را بازنمایی و حفظ کرد. بدین منظور از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و تطبیقی و نظرات طیفی از صاحب‌نظران علمی و اجرایی بهره گرفته شده و حاصل آن ارائه تعریفی از مفهوم اقلیم فرهنگی بر اساس ترکیبی از تعاریف سه مفهوم «منطقه فرهنگی رسمی»، «منطقه فرهنگی رسمی ترکیبی» و «منطقه فرهنگی بومی یا ادراکی» است. بر اساس این پژوهش، چهارچوب روشی برای اقلیم‌بندی فرهنگی در صورتی کارآمد است که در آن هم‌زمان ابعاد مادی و غیرمادی فرهنگ مدنظر قرار گیرد و دو رویکرد هم‌زمانی و در زمانی توأمان اتخاذ شود. اقلیم‌بندی فرهنگی ایران بر اساس کانونیت مناطق از منظر چهار شاخص تاریخ، علم، مذهب و قومیت روشی کاربردی است که تمامی ویژگی‌های فوق را دارد.

### واژگان کلیدی

اقلیم‌های فرهنگی، منطقه‌بندی فرهنگی، چهارچوب مفهومی، روش‌شناسی، آمایش فرهنگ.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

۱. این مقاله برگرفته از یک گزارش پژوهشی است که به سفارش دبیرخانه تدوین سند آمایش فرهنگ کشور و با حمایت پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات به شماره قرارداد ۰۲/۹۱/۴۱۱۹ تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ تدوین شده است.

۲. استادیار مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی و عضو پژوهشکده مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
b.roustakhiz@atu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته دکترای تخصصی پژوهش هنر دانشگاه الزهرا (س)؛ تهران، ایران.  
s.kazemi@alzahra.ac.ir

## مقدمه

تا پیش از دهه ۷۰ میلادی، به اهمیت توسعه فرهنگی در توسعه کشورهای موسوم به جهان سوم توجه چندانی نمی‌شد و عامل عقب‌ماندگی این کشورها توسعه در فناوری دانسته می‌شد؛ اما در سند کنفرانس جهانی مکزیکو<sup>۱</sup> بر ضرورت توجه به عوامل فرهنگی و به عبارت دیگر، بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به‌عنوان جزئی از برنامه‌های راهبردی در جهت توسعه متوازن، تأکید گردید (احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۹۰). به بیان دیگر، توجه به تنوع فرهنگ مناطق مختلف در برنامه‌ریزی منطقه‌ای ضرورتی است که برنامه‌ریزان راهبردی در این سند به آن اذعان داشتند. در ایران نیز به‌ویژه در یک دهه اخیر، امعان‌نظر به مقوله فرهنگ در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای همواره مورد تذکار قرار گرفته است. تا حدی که رهبر جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور تأکید داشته است «همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، [بلکه] اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگ‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). با وجود این، نظر داشت مقوله فرهنگ در تدوین اسناد و برنامه‌های آمایشی ایران، همواره محل نقد و نظر بوده است. برای نمونه، در «سند ملی آمایش سرزمین» که می‌توان آن را از مهم‌ترین این اسناد و برنامه‌ها دانست، در حوزه فرهنگ تمرکز اصلی تنها بر «ارتقاء گردشگری و آوازه میراث فرهنگی، تاریخی و طبیعی ایران و گسترش گردشگری بوم‌آورد، اجتماع‌محور، فرهنگ‌مبنا، خلاق و متنوع در پهنه سرزمین» است. حتی در این سند «بهره‌گیری از برندسازی مکانی»، «احیا و تقویت رویدادهای فرهنگی مختلف انسجام‌بخش در پهنه جغرافیای کشور»، «حفظ و احیاء هویت، آیین‌ها، سنت‌ها و مراسم ویژه اقوام مختلف»، «احیاء هنرهای روبه‌فراموشی» و مواردی از این دست نیز با تأکید بر استفاده از آن‌ها در صنعت گردشگری ذکر شده است. در سند مذکور همچنین مناطق مختلف ایران بر اساس همین تمرکز بر صنعت گردشگری به چندین محور، حلقه، قطب و پهنه تقسیم گردیده که البته معیار تعیین اغلب این گروه‌ها ظرفیت‌های طبیعی مناطق بوده است (تصویب‌نامه شورای عالی آمایش سرزمین، ۱۳۹۹: ۲۹-۳۰)؛ بنابراین، در این سند مهم برنامه‌ریزی منطقه‌ای کشور، بی‌توجهی به اهمیت بستر فرهنگی در برنامه‌ریزی

۱. این کنفرانس به ابتکار سازمان یونسکو از ۲۶ ژوئیه تا ۶ اوت ۱۹۸۲ در شهر مکزیکو سیتی برگزار شد. هدف از این کنفرانس، بررسی تجربیات به‌دست‌آمده در رابطه با سیاست‌ها و عملکردهای فرهنگی دولت‌ها به‌منظور جست‌وجوی راه‌هایی جهت توجه بیشتر به ابعاد فرهنگی برنامه‌های توسعه‌ای بود (ر.ک به: گزارش نهایی یونسکو از کنفرانس مکزیکو سیتی، ۱۹۸۲).

منطقه‌ای آشکار است. چه بسا با توجه به چنین خلأهایی بوده است که تدوین اسنادی همچون «سند آمایش فرهنگ» به‌عنوان مکمل و لازمه موفقیت برنامه آمایش سرزمین، در دستور کار قرار گرفته است (زائری، ۱۴۰۲).

آمایش فرهنگی سرزمین چنان که در مصوبه «شورای فرهنگ عمومی کشور» آمده است، ناظر است به «توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع مادی و معنوی در کشور و توجه به تکثر و تنوع فرهنگی نواحی مختلف ایران به‌عنوان مهم‌ترین ظرفیت توسعه درون‌زا، پایدار و فرهنگ‌بنیان» (احکام پیشنهادی ناظر به عرصه فرهنگ و فرهنگ عمومی در برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱)<sup>۱</sup> و بی‌توجهی به آن ضمن افزایش نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی اثرات زیان‌باری چون نارضایتی قومی، تضعیف هویت یگانه ایرانی (رمضان‌زاده و بهمنی قاجار، ۱۳۸۷: ۶۹)، تمایل به ارزش‌های فرهنگی بیگانه یا تجزیه‌طلبی را به‌دنبال خواهد داشت. لازمه آمایش فرهنگی یا همان برنامه‌ریزی فضایی فرهنگی، شناخت این فضاها و به‌عبارت دیگر، اقلیم‌ها یا واحدهای فرهنگی مختلفی است که باید هویت‌های فرهنگی متمایز آن‌ها به رسمیت شناخته شود و برنامه‌ریزی بر اساس تنوع این هویت‌ها، ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی آن‌ها (باصری و مجیدی‌زاده، ۱۳۹۶) در عین در نظر داشتن حفظ هویت ایران واحد انجام گیرد. بازتولید هویت مکانی اقلیم‌های فرهنگی مختلف ذیل هویت واحد ملی، به ایجاد تعلق خاطر به قومیت و محل سکونت در ساکنین هر اقلیم و در نهایت، ایجاد تعلق خاطر به ایران و هویت ایرانی خواهد انجامید. بدین ترتیب، در جهت اقدام چهارم از اقدامات مدنظر در «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، یعنی «ارتقاء سطح امنیت فرهنگی و مقابله نظام‌مند با تهدیدها و آسیب‌های جنگ نرم همچون هویت‌زدایی، هویت‌سازی کاذب، ناامنی و بی‌اعتمادی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، القاء ناکارآمدی نظام اسلامی و تخریب شخصیت‌ها» گام برداشته خواهد شد (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۳)<sup>۲</sup>. اقلیم‌های فرهنگی علاوه بر حفظ توأمان وحدت و تکثر واحدهای فرهنگی کشور، می‌توانند بازنما و توضیح‌دهنده امتداد واحدهای فرهنگی به خارج از مرزهای ملی نیز باشند و امکان تازه‌ای برای دیپلماسی فرهنگی کشور فراهم آورند و اقتصاد فرهنگ را در مسیر تازه‌ای قرار دهند. در همین راستا، پهنه‌بندی این اقلیم‌ها و برنامه‌ریزی متناسب با آن‌ها می‌تواند از طریق برن‌سازی منطقه‌ای و پاسداشت و احیای ارزش‌ها و سنت‌ها و

ظرفیت‌های فرهنگی مناطق به هدف مورد توجه در سند آمایش سرزمین، یعنی استفاده از ظرفیت‌های مناطق مختلف برای ارتقاء صنعت گردشگری نیز جامعه عمل ببوشاند. با توجه به اهمیت و ضرورت‌های ذکرشده، پژوهش مبنای مقاله حاضر با این هدف انجام یافته که گامی باشد در جهت مفهوم‌شناسی و بازشناسی اقلیم‌های فرهنگی ایران، به‌عنوان اولین شاخص از شاخص‌های آمایش فرهنگی بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی (احکام پیشنهادی ناظر به عرصه فرهنگ و فرهنگ عمومی در برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱)<sup>۱</sup>. یافته‌های ارائه‌شده در این مقاله، ناظر به بخش نخست هدف ذکرشده و به‌طور مشخص معطوف به دریافت پاسخ این سؤال است که اقلیم‌های فرهنگی ایران را بر اساس چه شاخص‌هایی می‌توان تعریف کرد، تمایز بخشید و یکپارچگی آن‌ها در قالب اقلیم فرهنگی واحد ملی را بازنمایی و حفظ کرد؟

### پیشینه پژوهش

در جست‌وجوی ادبیات پژوهشی موجود [و در دسترس پژوهشگران] به زبان فارسی، به‌طور مشخص نمی‌توان از اثری یاد کرد که در عنوان‌گذاری آن به‌صراحت از مفهوم «اقلیم فرهنگی» یا «اقلیم‌بندی فرهنگی» استفاده شده باشد. کوشش برای توسعه نظری این مفهوم در ایران به‌ویژه پس از ایده تدوین سند آمایش فرهنگ (۱۴۰۱)<sup>۲</sup> و متعاقب آن تشکیل کمیته‌های علمی در این خصوص، شکل هدفمندتری به خود گرفت. چنان‌که در یک نمونه، علی احمدی (۱۴۰۲) مطالعه‌ای را درباره «مفهوم‌شناسی اقلیم فرهنگی» انجام داد و در مورد دیگر، مریم حسین‌یزدی (۱۴۰۲) گزارشی را درباره «نقشه‌نگاری فرهنگی» تدوین نمود. در این بین، اگرچه پژوهش احمدی (۱۴۰۲) با مقاله حاضر قرابت‌هایی دارد و توانسته است شاخص‌های مستندی را به‌منظور اقلیم‌بندی فرهنگی ارائه دهد، اما از این حیث که به یک منظر مفهومی دقیق و چهارچوب روش‌شناختی عملی برای پهنه‌بندی فرهنگی ایران منجر نشده است، تفاوت‌های محسوسی با مطالعه پیش‌رو دارد. البته نگارندگان مقاله حاضر مدعی نیستند که شاخص‌ها و چهارچوب روشی ارائه‌شده در این مقاله خالی از ایراد است، اما تلاش داشته‌اند با بهره‌گیری از نکات ارزشمند پژوهش‌های پیشین و تلاش برای پرکردن خلأهای موجود در آن‌ها گامی به پیش در جهت ارائه شاخص‌ها و چهارچوبی برای اقلیم‌بندی فرهنگی ایران

بردارند. از همین رو، لازم است اشاره کنیم که پیش از این، پژوهش‌های ارزشمندی با هدف اصلی یا ضمنی ناحیه‌بندی فرهنگی ایران انجام شده که هم از حیث روش‌شناسی و هم به لحاظ یافته‌هایی که ارائه داده‌اند، جای تأمل دارند. چنان‌که در بخشی از مقاله حاضر، به‌طور دقیق روش‌های مورد استفاده در آن‌ها برای تقسیم‌بندی فضایی فرهنگی را نقد و بررسی کرده و به‌نحوی که خواهیم دید، اغلب این منابع به دلیل اینکه شاخص‌های دقیق و مستندی ارائه نداده یا مبتنی بر روش‌شناسی علمی انجام نشده‌اند، در تقسیم‌بندی‌های خود دقت لازم را ندارند. برای مثال، پژوهش‌های قدیمی‌تر اغلب به پهنه‌بندی یا اقلیم‌بندی به‌نسبت فرهنگی و البته بدون رویکرد روشمند دانشگاهی و اغلب با نگاه به تقسیم‌بندی جهان (برای نمونه: بیرونی، ۱۳۶۲؛ مستوفی، ۱۳۸۱؛ مقدسی، ۱۳۸۵) پرداخته‌اند. یا از این پژوهش‌ها که بگذریم، به پژوهش‌هایی برمی‌خوریم که با توجه به تک‌مؤلفه‌های فرهنگی (برای مثال، تک‌مؤلفه ادبیات) و مردم‌شناختی (برای مثال، تک‌مؤلفه قومیت) به ارائه منطقه‌بندی‌هایی برای ایران پرداخته‌اند (برای نمونه ن.ک. به: آژند، ۱۳۶۹؛ سپانلو، ۱۳۷۶؛ امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۰؛ شیری، ۱۳۸۲؛ صادقی شهیر، ۱۳۹۱؛ پیرنیا، ۱۳۹۲؛ جاوید، ۱۳۹۳؛ محمدی، ۱۳۹۳؛ عامریان، ۱۳۹۷). در این میان، تنها پژوهش پورموسوی و همکاران او (۱۳۸۷) با عنوان «سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران»، مبنای نظری و مفهوم‌شناختی مفصل‌تری درباره اقلیم‌بندی یا تقسیم‌بندی ناحیه‌ای یا اقلیم‌بندی فرهنگی ارائه داده که بیشتر مبتنی است بر تعاریف جردن و راونتری (۱۳۸۰) و سپس به پهنه‌بندی فرهنگی ایران بر اساس شاخص‌هایی نه‌چندان دقیق پرداخته‌اند. به تشریح مفصل و نقد و بررسی این آثار در صفحات آتی بازخواهیم گشت.

## روش پژوهش

نظر به اهداف پژوهش حاضر و با توجه به مبانی پارادایمی و پیش‌فرض‌های فلسفی رویکرد کیفی (ن.ک. به: بلیکی، ۱۳۹۶)، از بین رویکردهای مختلف روش‌شناختی (ن.ک. به: Creswell, 2011)، بهره‌گیری از نوعی رویکرد کیفی برای این پژوهش مناسب به نظر می‌رسید. بر این اساس، روش غالب گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر، مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است. در این روش از ابزارهای جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعات علمی، مطالعه کتابخانه‌ای، فیش‌برداری و فیش‌نویسی بهره بردیم. مبنای جست‌وجو در این پایگاه‌ها برای چهارچوب نظری پژوهش، کلیدواژه‌هایی بود که از

نظر معنایی قرابت بیشتری با اهداف پژوهش و معنای مدنظر از «اقلیم‌بندی فرهنگی» داشتند، از جمله: منطقه‌بندی فرهنگی؛ پهنه‌بندی فرهنگی؛ تقسیم‌بندی منطقه‌ای؛ جغرافیای فرهنگی؛ برنامه‌ریزی منطقه‌ای. این کلیدواژه‌ها به تدریج با مطالعه آن دسته از ادبیات نظری که مرجعیت علمی بیشتری در حوزه مدنظر داشتند، دقت بیشتری یافت و نتیجه کلیدواژه‌هایی بود چون: منطقه فرهنگی کارکردی؛ منطقه فرهنگی رسمی؛ منطقه فرهنگی رسمی ترکیبی؛ منطقه فرهنگی ادراکی یا بومی؛ منطقه‌بندی فرهنگی کارکردی؛ منطقه‌بندی فرهنگی ساختاری؛ پهنه فرهنگی؛ مناطق گذار فرهنگی؛ جزایر فرهنگی. در نتیجه، تمرکز موضوعی منابع به دست آمده از جست‌وجوی کلیدواژه‌هایی که به تدریج تدقیق می‌شدند نیز به مرور بیشتر شد. علاوه بر این، از مطالب گفت‌وگوها و نشست‌هایی که با موضوع آمایش فرهنگ و اقلیم‌بندی فرهنگی ایران به‌ویژه در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد (ن. ک. به: مطالب مربوط به سند آمایش فرهنگ در وب‌گاه پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات)<sup>۱</sup> نیز برای تدقیق شاخص‌ها استفاده کردیم. همچنین در تحلیل و سازمان‌دهی یافته‌های پژوهش از نوعی «تحلیل موضوعی» بهره بردیم. در نهایت، نتایج تحلیل‌های مذکور را به‌منظور تعریف شاخص‌های بازشناسی اقلیم‌های فرهنگی و انجام پهنه‌بندی‌های آغازین با نظر به مناقشات نظری درباره شاخص‌های اقلیم‌های فرهنگی استفاده کردیم. در این مسیر، جدای از بهره‌گیری از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و تطبیقی، همچنین به بحث گذاشتن شاخص‌های احصاشده و چارچوب طراحی شده، نقطه‌نظرات طیفی از صاحب‌نظران علمی و اجرایی در نهایی ساختن این چارچوب مدنظر قرار گرفت. به‌طور مشخص، بر پایه شکل دهی به دست‌کم چهار جلسه بحث گروهی، دیدگاه‌های قریب به بیست نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و نیز نمایندگان نهادهای ذی‌مدخل به‌منظور نهایی‌سازی و اعتباربخشی به چارچوب مفهومی و روش‌شناختی بازشناسی اقلیم‌های فرهنگی ایران دریافت شد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. مفهوم‌شناسی اقلیم فرهنگی

لازمه ارائه تعریفی دقیق‌تر از تعاریف اندک ارائه‌شده در منابع موجود درباره مفهوم «اقلیم فرهنگی» و از خلال آن احصای شاخص‌های اقلیم فرهنگی، بررسی تعریف



۱. قابل دسترسی به آدرس <https://www.ricac.ac.ir/search?str=%D8%A2%D9%85%D8%A7%DB%8C%D8%B4+%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF>

مفاهیمی است که به نظر می‌رسد نزدیکی مفهومی به «اقلیم فرهنگی» دارند. در بررسی منابع خارجی به اصطلاحاتی نظیر Cultural Region، Cultural Area، Cultural Sphere یا Cultural Realm برمی‌خوریم که معانی تقریباً مشابهی برای آن‌ها ذکر شده است. در ترجمه این عبارات به زبان فارسی نیز می‌توان معادل‌های مشابهی برای آن‌ها به کار برد. در این مقاله به پرکاربردترین عبارات فوق که در منابع علمی به تعریف آن‌ها بیشتر پرداخته شده است، اشاره می‌کنیم و برای سهولت استفاده در ادامه متن، آن‌ها را با معادل فارسی «منطقه فرهنگی» برای Culture Region و «پهنه فرهنگی» برای Culture Area ذکر می‌کنیم.

#### ۱-۱-۴. مفهوم منطقه فرهنگی<sup>۱</sup> و انواع منطقه‌بندی

نخست به مفهوم «منطقه فرهنگی» می‌پردازیم که آن را به‌عنوان معادلی برای Cultural Region به کار می‌بریم. برای تعریف این مفهوم ابتدا باید تعریف «منطقه»<sup>۲</sup> روشن گردد که از مفاهیم بنیانی دانش جغرافیا (امیرانتخابی، ۱۳۸۸: ۱۵۰) و دانستن آن لازمه برنامه‌ریزی منطقه‌ای است؛ پس از تعریف «منطقه» تعاریف ارائه‌شده از «منطقه فرهنگی» را تشریح می‌کنیم. از دیرباز در تعاریف پژوهشگران از «منطقه» ترکیبی از ملاک‌ها و ضوابط طبیعی مثل ناهمواری، آب‌وهوا و خاک با معیارهای انسانی از جمله نژاد، قومیت، زبان، دین و زیرساخت‌های اقتصادی اجتماعی استفاده می‌شده است؛ برای مثال، اولیویه دلفوس منطقه را «بخشی سازمان‌یافته از فضا می‌داند که در مجموعه‌ای گسترش‌یافته‌تر از خود جای گرفته و [...] از برخورد و تماس میان محیط طبیعی و مداخلات یک اجتماع انسانی ایجاد می‌شود». به نظر او همین «رابطه انسان و محیط طبیعی و مداخلات اجتماع انسانی در آن، موجب می‌شود یک منطقه از مناطق دیگر متمایز شود» (امیرانتخابی، ۱۳۸۸: ۱۵۰؛ به نقل از: دلفوس، ۱۳۷۴: ۱۲۵). در این تعریف چند ویژگی برای منطقه استنباط‌پذیر است: ۱. فضایی سازمان‌یافته است؛ ۲. با ویژگی‌هایی از فضای اطراف خود متمایز می‌شود؛ ۳. بستری است برای رابطه بین اجتماع انسانی و محیط طبیعی؛ ۴. رابطه بین اجتماع انسانی و محیط طبیعی ویژگی‌های تمایزبخش آن از محیط اطرافش را ایجاد می‌کند. در مجموع، پژوهشگران ارکان اصلی تعریف منطقه را بدین ترتیب برمی‌شمرند: ۱. نداشتن مقیاس و اندازه مشخص؛ ۲. داشتن وحدت و همگونی درونی؛ ۳. دارا بودن کیفیت و چشم‌انداز خاصی که وجه تمایز آن از مناطق دیگر است؛ ۴. محو و مبهم بودن مرزهای میان مناطق و وجود یک محدوده

1. Culture Region

2. Region

گذار بین مرزهای آن‌ها؛ بدین معنی که نمی‌توان دقیقاً آن‌ها را مرزبندی کرد و ممکن است در ویژگی‌هایی با مناطق هم‌جوار خود مشابهت و هم‌پوشانی داشته باشند؛ ۵. تجلی ویژگی‌های منطقه در یک هسته یا مرکز که فعالیت‌ها و نقش‌های منطقه را تنظیم می‌کند؛ ۶. دارا بودن کارکردی مشخص به این معنی که «در آن عملکردهای فرهنگی، اجتماعی و بازتولید اجتماعی صورت می‌گیرد» (امیرانتخابی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). به‌طور خلاصه، از نگاه دانش جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، منطقه «سیستمی جغرافیایی است که ساختارها و کارکردهای مشخص، آن را از وحدت و همگنی خاصی برخوردار می‌سازد» و شناخت اجزا، ترکیب و کارکردهای آن برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای مناسب در جهت بهبودبخشی به کارکرد منطقه ضروری است (امیرانتخابی، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

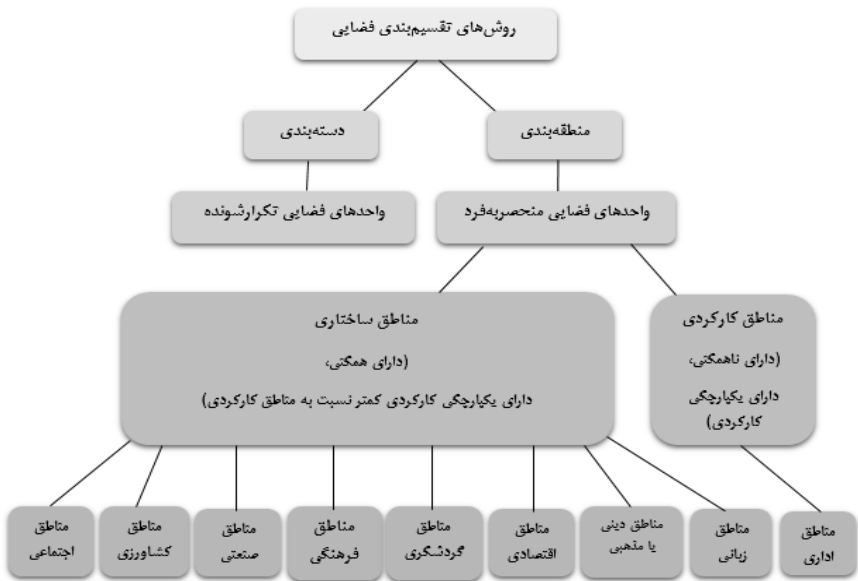
شکل ۱ شاخص‌های مفهوم منطقه را نشان می‌دهد.



شکل ۱. شاخص‌های مفهوم منطقه (ترسیم از نگارندگان)

اما با توجه به اینکه پژوهشگران ممکن است اصطلاح Region را برای موضوعات مختلفی به کار ببرند و همین موجب ابهام در فهم این واژه شود، برای درک بهتر مفهوم آن می‌توان از تشریح روش‌های تقسیم‌بندی فضایی بهره برد: روش اول، روش «دسته‌بندی»<sup>۱</sup> است. در این روش، فضاهای جغرافیایی به واحدهایی تکرارپذیر در مکان‌های مختلف و به عبارت دیگر، بر اساس ویژگی‌هایی که منحصر به فرد نیستند، تقسیم می‌شوند؛ برای مثال، ممکن است دسته‌بندی مناطق بر اساس پوشش گیاهی آن‌ها صورت گیرد. روش دوم، روش «منطقه‌بندی»<sup>۲</sup> است که مورد تأیید تمامی پژوهشگران نیست. در این روش، ویژگی‌های منحصر به فرد فضاهای جغرافیایی در نظر گرفته می‌شود. فضاهای تعریف‌شده به این روش به اندازه روش «دسته‌بندی» در مکان‌های مختلف تکرارپذیر نیستند. در روش ذکر شده که در حوزه جغرافیای انسانی کاربرد زیادی دارد، باز هم با انواع مختلفی از منطقه‌بندی روبه‌رویم. شناخت این روش‌ها به فهم بهتر مفهوم منطقه‌بندی فرهنگی کمک می‌کند (Jordan, 2005: 14).

در ادامه به تفصیل به این روش‌ها که در شکل ۲ نمایش داده شده است، می‌پردازیم:



شکل ۲. روش‌های تقسیم‌بندی فضا بر اساس Jordan, 2005, 13 (ترسیم از نگارندگان)

## ۲-۱-۴. منطقه‌بندی کارکردی

در «منطقه‌بندی کارکردی» بر خلاف «منطقه‌بندی ساختاری»، اغلب میزانی از ناهمگنی موجود است؛ ولی از نظر کارکردی یکپارچگی بیشتری در این نوع منطقه‌بندی نسبت به «منطقه‌بندی ساختاری» وجود دارد؛ به‌عنوان مثال و زیرگروهی از منطقه کارکردی می‌توان به مناطق حکمرانی یا اداری اشاره کرد که برای مثال، حوزه‌های انتخابی نمایندگی مجلس، نمایندگی‌های شعب پرداخت مالیات و ادارات آموزش و پرورش بر اساس آن در کشور تعیین می‌شوند (Jordan, 2005: 14). به عبارت دیگر، این همان منطقه‌بندی مرسوم در تقسیمات سیاسی کشور ما برحسب استان‌هاست.

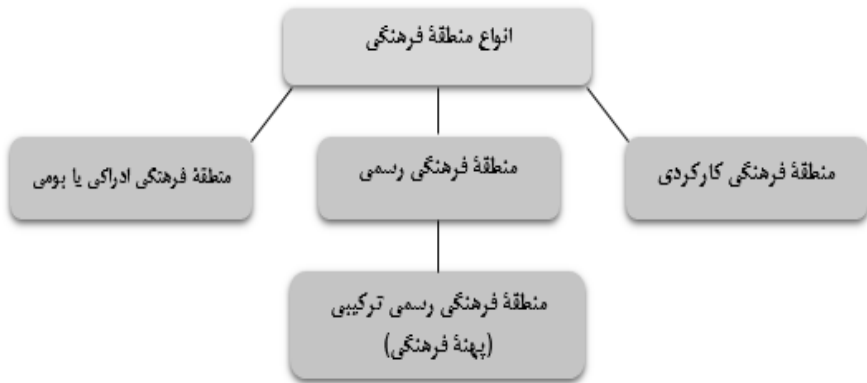
## ۳-۱-۴. منطقه‌بندی ساختاری

در «منطقه‌بندی ساختاری» مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشابه در سرتاسر یک منطقه وجود دارد (Jordan, 2005: 13 - 14). «منطقه فرهنگی» را می‌توان زیرمجموعه این نوع از منطقه‌بندی تلقی کرد. چون «منطقه فرهنگی» منطقه‌ای تعریف می‌شود که در آن یک سیستم فرهنگی ویژه، مثلاً گونه‌ای خاص از سیستم کاربری زمین غالب است (Hasan, 2021: 8). نمونه‌ای دیگر از این منطقه‌بندی، منطقه‌بندی برحسب زبان است؛ به‌عنوان مثالی از این زیرگروه از منطقه‌بندی ساختاری، می‌توان به تقسیم‌بندی ممالک اسلامی به چهارده اقلیم (شش اقلیم عرب و هشت اقلیم عجم) توسط مقدسی، جغرافی‌دان مسلمان، اشاره کرد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۳۲). منطقه‌بندی اقتصادی - اجتماعی نمونه‌ای دیگر از «منطقه‌بندی ساختاری» است و به همین ترتیب می‌توان از مناطق کشاورزی، صنعتی و گردشگری یاد کرد. البته چون زبان، دین، اقتصاد، ویژگی‌های اجتماعی، کشاورزی، صنعت می‌توانند مؤلفه‌های فرهنگی به شمار روند، تمامی مناطق مذکور را جزو تعریف و شاخص‌های مناطق فرهنگی به شمار آورده‌اند (Jordan, 2005: 14-15). در آینده بیشتر به این شاخص‌ها می‌پردازیم؛ اما آنچه به‌طور کلی در تعریف منطقه ساختاری ذکر می‌شود این است که گرچه همگنی کامل در یک منطقه ساختاری ممکن است وجود نداشته باشد، میزان زیادی از همگنی وجود دارد؛ اما در این تقسیم‌بندی مناطق لزوماً بر اساس کارکرد تقسیم‌بندی نمی‌شوند (Ibid: 14). «منطقه فرهنگی» نیز به‌نوبه خود به سه دسته تقسیم می‌شود که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

## ۲-۴. انواع منطقه فرهنگی

در تعریف کلی، منطقه فرهنگی، واحدی جغرافیایی تعریف می‌شود که «بر اساس ویژگی‌ها یا کارکردهای فرهنگ» شکل گرفته است (Jordan, 2012: ۴). بر اساس

اینکه ویژگی‌ها منطقه فرهنگی را تعریف کنند یا کارکردها و نیز بر اساس اینکه این تعریف بر اساس ادراک ساکنین منطقه یا دیگران شکل بگیرد، سه نوع منطقه فرهنگی می‌تواند تعریف شود: منطقه فرهنگی رسمی<sup>۱</sup>؛ منطقه فرهنگی کارکردی<sup>۲</sup>؛ و منطقه فرهنگی بومی یا ادراکی<sup>۳</sup>. منطقه فرهنگی رسمی ترکیبی یا همان «پهنه فرهنگی» که در آینده به آن می‌پردازیم، گونه‌ای از منطقه فرهنگی رسمی به شمار می‌رود که در تعیین آن ترکیبی از ویژگی‌های فرهنگی استفاده می‌شود (شکل ۳).



شکل ۳. انواع منطقه فرهنگی

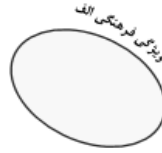
(ترسیم از نگارندگان بر اساس تقسیم‌بندی ارائه‌شده در 14-7: Jordan et al., 1997؛ Alam, 2019, 143)

#### ۱-۲-۴. منطقه فرهنگی رسمی

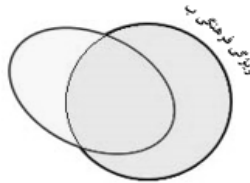
«منطقه فرهنگی رسمی» منطقه‌ای تعریف می‌شود که افراد ساکن در آن دست‌کم یک ویژگی فرهنگی مشترک دارند. این ویژگی مشترک می‌تواند شامل موارد متعددی باشد: زبان (نه فقط زبان‌های استاندارد، بلکه حتی لهجه‌ها و گویش‌هایی از یک زبان استاندارد)؛ دین و مذهب و مظاهر مادی آن (مثل ساختمان‌های دینی و مذهبی، اشیای آیینی دینی و مذهبی، کنش‌های دینی و مذهبی)؛ باور؛ انواع روستاها و مزارع سنتی؛ دانش بومی مثل شیوه‌های سنتی بهره‌برداری از زمین و کشاورزی؛ سنت‌های تغذیه؛ شیوه‌های زندگی روزمره و نگرش‌های عمومی مردم؛ تعطیلات و روزهای خاص تقویمی؛ آیین‌های سنتی مثل جشن گرفتن و عزاداری کردن؛ سکونتگاه‌ها؛ آگاهی تاریخی مشترک؛ نظام سیاسی؛ نظام خویشاوندی؛ سیستم حمل و نقل؛ برتری جنسیت؛

1. Formal Cultural Regions
2. Functional Cultural Regions
3. Vernacular Cultural Regions

و به‌طور کلی فرهنگ مادی و غیرمادی (نک به: Jordan, 2005: 144; Alam, 2019). مشخصه مناطق فرهنگی رسمی، همگنی فرهنگی یعنی مشابهت در یک یا گروهی از ویژگی‌های فرهنگی در مناطق جغرافیایی هم‌جوار است. بسیاری از ویژگی‌های ذکر شده در تاریخ و گذشته مردم منطقه ریشه دارد (Jordan, 2005: 15; Alam, 2019, 144). در فرهنگ‌های پیچیده‌تر ممکن است مناطق فرهنگی اصلی به مناطق فرهنگی فرعی دارای چند ویژگی فرهنگی تقسیم شوند. از آنجا که ممکن است در تعیین منطقه فرهنگی رسمی، با توجه به اهداف منطقه‌بندی، بخشی از ویژگی‌های فرهنگی برگزیده شوند و بر اساس آن‌ها منطقه‌بندی صورت گیرد، این مناطق و گستره آن‌ها تا حدی اختیاری و دل‌خواهانه تعیین می‌شود؛ بنابراین برای این اساس که هر پژوهشگری چه ویژگی‌هایی را مبنای منطقه‌بندی قرار دهد، بی‌نهایت منطقه فرهنگی می‌توان تعریف کرد. علاوه بر این، به دلیل هم‌پوشانی‌ها و ترکیب فرهنگ‌ها با هم مرز مناطق فرهنگی تعیین شده نیز به شدت مبهم و دارای هم‌پوشانی است؛ در نتیجه «به‌جای وجود مرزهای واضح، مناطق فرهنگی رسمی از یک هسته یا مرکز تشکیل شده‌اند که تمامی ویژگی‌های منطقه در آن وجود دارد» و با افزایش فاصله از این مرکز یا هسته، مشخصه‌های مشترک فرهنگی در مناطق پیرامونی کاهش می‌یابد. «بنابراین، [چنان‌که در شکل ۴ مشاهده می‌شود]، منطقه فرهنگی رسمی از یک مدل مرکز / پیرامونی پیروی می‌کند» (Jordan & Domosh, 2012: 5-6). چنان‌که در شکل زیر مشاهده می‌شود، «هیچ دو ویژگی فرهنگی، توزیع فضایی یکسانی ندارند. با افزودن هر ویژگی فرهنگی، هسته کمتر رشد می‌کند و نوارهای حاشیه‌ای<sup>۱</sup> بزرگ‌تر می‌شوند» (Jordan & Domosh, 1999: 10).

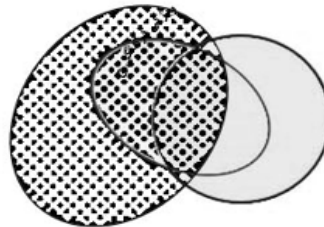


منطقه فرهنگی شکل گرفته بر اساس ویژگی فرهنگی الف



منطقه فرهنگی شکل گرفته بر اساس ویژگی فرهنگی الف و ب

حاشیه‌های مرزی



منطقه فرهنگی شکل گرفته بر اساس ویژگی فرهنگی الف و ب و ج

حاشیه‌های مرزی

شکل ۴. مناطق فرهنگی رسمی فرضی براساس یک، دو و سه ویژگی فرهنگی (Jordan, & Domosh, 1999: 10)

محل مرکز منطقه فرهنگی در اثر رخدادی تاریخی تعیین می‌شود؛ اما محیط، ثبات این مرکز و وابستگی مناطق پیرامونی به آن را حفظ می‌کند. این محیط، گرچه ایجادکننده فرهنگ نیست، شرایط رشد و اشاعه آن را فراهم می‌کند؛ چون در بسیاری

از مناطق، فرهنگ باید خود را با محیط طبیعی‌ای که بستر آن است، وفق دهد (Linton, 1936: 384; Kroeber, 1939: 6; Wissler, 1917: 339). محیط همچنین بر شکل‌گیری فرهنگ مادی نیز تأثیرگذار است؛ چون این فرهنگ بر اساس امکانات محیطی شکل می‌گیرد؛ برای مثال، خاک مناسب برای سفال‌گری، لاله‌جین همدان را مرکز سفال ایران ساخته است؛ البته اینکه ساکنین یک منطقه کدام امکانات محیطی را برای استفاده برگزینند و از کدام یک چشم‌پوشی کنند نیز در شکل‌گیری منطقه فرهنگی اهمیت دارد. مبنای این انتخاب ممکن است باورها یا ویژگی‌های قومی باشد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد عوامل قومیتی در شکل‌گیری هسته فرهنگی تأثیرگذارتر از عوامل جغرافیایی است (Wissler, 1917: 338-339).

اگر در منطقه‌ای مهاجرت اتفاق بیفتد، یعنی محیط تغییر کند، ثبات مرکز با تهدید مواجه می‌شود و فرهنگ به ناچار تغییر می‌کند؛ البته بیشتر، از جنبه‌های اساسی مانند مواردی که با امرار معاش در ارتباطاند (Ibid: 369-373). با اینکه مهاجران تلاش می‌کنند خود را با ویژگی‌های منطقه فرهنگی جدید وفق دهند، همچنان وابستگی خود به منطقه فرهنگی قبلی‌شان که هویت آن‌ها در آن شکل گرفته را تا حدودی حفظ می‌کنند (Jordan, 2005: 16). میزان این وابستگی تعیین می‌کند که به هسته اصلی خود وفادار می‌مانند یا به هسته فرهنگی جدید وابسته می‌شوند. علاوه بر این، نوع تعاملات با منطقه فرهنگی میزبان نیز در تغییر هسته فرهنگی مهاجران مؤثر است. از سوی دیگر، ممکن است این تعاملات به نحوی باشد که منطقه فرهنگی میزبان، تحت تأثیر مهاجرین، هسته فرهنگی خود را تغییر دهد. البته چنان‌که کروبر معتقد است علاوه بر اینکه مرکز تغییرپذیر است، ممکن است یک منطقه فرهنگی چند مرکز داشته باشد یا هر جنبه‌ای از فرهنگ، مرکزی مخصوص به خود داشته باشد (Kroeber, 1997: 261).

اما درباره اقوام کوچ‌رو به چه نحوی می‌توان سخن گفت؟ آن‌ها با وجود مهاجرت مداوم، به سرزمین‌های خاصی تعلق دارند که بین آن‌ها ییلاق و قشلاق می‌کنند (بازن، ۱۳۷۷: ۳۹)؛ ولی گرچه ممکن است تحت تأثیر فرهنگ این مناطق قرار بگیرند، هسته شکل‌دهنده به فرهنگ آن‌ها، در خود ساختار اجتماعی قومی آن‌ها قرار دارد. شاید بتوان برای این گروه‌های فرهنگی به جای اصطلاح «منطقه فرهنگی» که به مکان جغرافیایی وابستگی بیشتری دارد، از اصطلاح «فضای قومی» یا «ناحیه قومی» استفاده کرد که بازن نیز در مقاله خود از آن‌ها بهره برده است (بازن، ۱۳۷۷: ۳۹). همچنین ممکن است یک

منطقه فرهنگی یک هستک، یک هسته، یک واسطه انتقال فرهنگ، یک حاشیه فرعی و یک حاشیه اصلی داشته باشد (Kroeber, 1997: 262). این ابهام اجزا و مرزهای مناطق فرهنگی اهمیت این نکته را نشان می‌دهد که هیچ دو فرهنگی کاملاً با یکدیگر شباهت ندارند و هیچ‌گاه نمی‌توان منطقه‌بندی فرهنگی دقیقی انجام داد.

## ۲-۴. منطقه فرهنگی کارکردی

«منطقه فرهنگی کارکردی» واحدی فضایی است که کارکردی سیاسی، اجتماعی، فناورانه یا اقتصادی به آن ماهیتی متمایز بخشیده است. این مناطق فرهنگی برای مثال، حول یک شهر یا پرستشگاه شکل می‌گیرند. برخلاف منطقه فرهنگی رسمی که تجانس و همگن‌بودگی فرهنگی در تعیین آن اهمیت دارد، در منطقه فرهنگی کارکردی این موضوع مهم نیست. در مقابل، عینیتی که در تعیین منطقه فرهنگی کارکردی حاکم است، در تعیین منطقه فرهنگی رسمی مهم نیست (Jordan, 2012: 6-7; Alam, 2019: 145). به عبارت دیگر، در «منطقه فرهنگی کارکردی» ویژگی‌های ذهنی، انتزاعی و همگنی قومی یا مذهبی وجود ندارد. هماهنگی و هدایت کارکردها در این مناطق از طریق یک گره<sup>۱</sup> یا نقطه مرکزی انجام می‌پذیرد و افزایش یا کاهش جریان انرژی از مرکز به پیرامون و بالعکس موجب قبض و بسط مرزهای مناطق فرهنگی کارکردی می‌شود (امیرانتخابی، ۱۳۸۸: ۱۵۳). به عنوان نمونه‌هایی از گره‌ها یا نقاط مرکزی در «منطقه فرهنگی کارکردی» می‌توان شهرداری، پایتخت ملی، کارخانه‌ها و بانک‌ها را ذکر کرد؛ بنابراین مدل مرکز / پیرامونی بر «منطقه فرهنگی کارکردی» نیز مثل «منطقه فرهنگی رسمی» حاکم است؛ اما یکی دیگر از وجوه تمایز منطقه کارکردی این است که اغلب، مرزهای این مناطق از هم تا حد زیادی روشن و بدون ابهام است؛ مثل مرز میان استان‌ها (Jordan, 2012: 7). ممکن است در مواردی منطقه فرهنگی کارکردی با منطقه فرهنگی رسمی تطابق داشته باشد؛ برای نمونه در ایران، نام استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد با نام اقوام غالب ساکن در آن‌ها یعنی کردها، سیستانی‌ها و بلوچ‌ها، بختیاری‌ها و بویراحمدی‌ها متناسب است؛ البته نمی‌توان درباره این مناطق نیز مدعی انطباق کامل منطقه رسمی و کارکردی شد؛ چون برای مثال، بیلاق ایلی بختیاری در شمال اصفهان و لرستان و قشلاق آن در خوزستان است؛ یا قوم کرد نه تنها در کردستان، بلکه در کرمانشاه و بخش غربی استان آذربایجان غربی هم زندگی می‌کنند. در تقسیم‌بندی‌های کوچک‌تر مناطق

فرهنگی کارکردی نیز ممکن است به تطابق نسبی منطقه کارکردی و رسمی بربخوریم، مثل شهرستان طوالش و بخش گوکلان (بازن، ۱۳۷۷: ۳۴ و ۴۰): البته چنان که در آینده تشریح خواهد شد، اگرچه قومیت، شاخص مهمی برای تعیین مناطق فرهنگی رسمی است، نمی‌تواند به‌عنوان تنها شاخص در نظر گرفته شود. نکته دیگر اینکه همیشه منطقه فرهنگی کارکردی با منطقه فرهنگی رسمی منطبق نیست.

### ۳-۲-۴. منطقه فرهنگی بومی یا ادراکی

«منطقه فرهنگی بومی» یا «ادراکی»، فضایی همگن از نظر فرهنگی است که البته بر اساس ادراکی که ساکنین آن از ویژگی‌های همگن فرهنگی منطقه خود دارند و برآن اساس «آن را از نظر فرهنگی متمایز از مناطق اطراف‌شان می‌دانند» تعریف و مرزهای آن تعیین می‌شود. محیط جغرافیایی، اشکال محیط طبیعی، ابعاد اقتصادی، سیاسی، تبلیغی و تاریخی یا ویژگی‌های اجتماعی و فکری مردم یا ترکیبی از موارد مذکور عوامل تمایزبخش این مناطق از نظر ساکنین‌شان هستند (Jordan, 2012: 145; Alam, 2019: 8). تعریف این منطقه فرهنگی «به‌طور کامل مبتنی است بر ادراک / یا احساس فضایی جمعی مردم» (Alam, 2019: 145). از آنجاکه این فضا مبتنی است بر حس تعلق و خودآگاهی فضایی مردم، رسانه‌های عمومی که در ایجاد این حس‌ها نقش چشمگیری دارند، در تعریف این فضا نیز نقش‌آفرین هستند (Jordan, 2012: 8): بنابراین، در تعیین مرزهای این منطقه نه ابداع ذهنی اندیشمندان، بلکه آراء عمومی مردم ساکن در منطقه و ترکیب نقشه ذهنی آنان تعیین‌کننده است. محله‌های معروف به پایین‌شهر و بالاشهر در شهرها نمونه‌ای از «منطقه فرهنگی بومی» یا «ادراکی» است (امیرانتخابی، ۱۳۸۸: ۱۵۳). به‌دلیل تعیین‌کنندگی ذهنیت و ادراک مردم در تعیین مرزهای مناطق فرهنگی بومی، این مناطق نیز مانند مناطق فرهنگی رسمی، مرزهای مشخصی ندارند (Jordan, 2012: 8).

حس تعلق و خودآگاهی فضایی که در منطقه ادراکی وجود دارد و می‌تواند نتایج سیاسی و اجتماعی حیاتی‌ای داشته باشد، ممکن است در مناطق کارکردی و رسمی در مردم وجود نداشته باشد (Ibid). در ایجاد این حس تعلق و خودآگاهی علاوه‌بر آثار و اشیای مادی، فعالیت‌های فرهنگی، ایده‌های اجتماعی، احساسات و ایدئولوژی‌ها و معانی در ترکیب با متن‌های وسیع‌تر شکل‌دهنده فضاها، نقش‌آفرینی می‌کنند (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۳). علاوه‌بر این، وجوه محیطی فیزیکی و ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری منطقه فرهنگی بومی مؤثرند.

در این مناطق «سازمان‌دهی آن‌چنان‌که در منطقه کارکردی ضروری است، ضرورت ندارد و اگرچه اغلب حول یک نقطه شهری شکل می‌گیرند، لزوماً همگنی فرهنگی که مشخصه منطقه فرهنگی رسمی است، در منطقه فرهنگی بومی وجود ندارد؛ بلکه ریشه در فرهنگ عمومی یا مردمی دارد» (Jordan, 2012: 8).

نحوه تعریف منطقه فرهنگی اخیر می‌تواند به تفکیک اجتماعی در بحث آمایش نزدیک باشد. در بحث آمایش دو نوع تفکیک فضایی مدنظر قرار می‌گیرد: «یکی تفکیک فضایی و مرزبندی مناطق» که می‌تواند با منطقه کارکردی هم‌خوانی داشته باشد؛ و دیگری تفکیک اجتماعی بر مبنای «درک مردم از چگونگی رابطه خود با دیگران در فضاهای پیرامونی» یا بر اساس تعبیر میلز، «تخیل جامعه‌شناختی» که هاروی در مقابل آن مفهوم «تخیل جغرافیایی» را مطرح کرد. تخیل جغرافیایی «فرد را قادر می‌سازد تا نقش فضا و مکان را در زندگی خود دریابد و تشخیص دهد که چگونه ارتباطات میان افراد و سازمان‌ها از فضایی که آن‌ها را از هم جدا می‌کند، تأثیر می‌پذیرد. این تخیل، آدمی را از وجود رابطه‌ای مطلع می‌سازد که بین او، محله و سرزمین وجود دارد. همچنین فرد می‌تواند درباره ارتباط بین رویدادها در دیگر جاها قضاوت کند» (احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۱). در آمایش و برنامه‌ریزی فضایی، در نظر گرفتن هر دو نوع تفکیک فضایی فوق اهمیت دارد تا مرزبندی نه صرفاً بر اساس مقتضیات سازمان‌ها بلکه بر اساس مقتضیات ساکنان مناطق، انجام پذیرد (احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

به‌طور کلی باید در نظر داشت که مرزهای مناطق فرهنگی تغییرناپذیر و دائمی نیستند و میزان دوام آن‌ها به میزان انزوای آن‌ها بستگی دارد. علاوه بر این، ممکن است ویژگی‌ها و مجموعه‌های فرهنگی که می‌توانند شاخص‌های یک فرهنگ شناخته شوند، متفاوت از شاخص‌های فرهنگی دیگر باشند. به همین دلیل، اندیشمندان حوزه فرهنگ «یک منطقه فرهنگی را در تمامیت آن بررسی می‌کنند؛ یعنی به‌عنوان تمامیت منحصر به فردی که در طول تاریخ تغییر یافته و شکل گرفته است» (Alam, 2019: 143-147).

### ۳-۴. مفهوم پهنه فرهنگی<sup>۱</sup>

مفهوم متداول دیگری که در علوم مختلف از جمله جغرافیای فرهنگی و انسانی، مردم‌شناسی و سایر علوم اجتماعی استفاده می‌شود و گاه هم‌معنا و معادل «منطقه فرهنگی» به کار می‌رود، Culture Area یا Cultural Area است که در این مقاله آن

را با ترجمه «پهنه فرهنگی» به کار می‌بریم. تحلیل پهنه فرهنگی، برای تسهیل مقایسه بین مناطق و بازسازی تاریخی توسعه فرهنگی و ایجاد سؤالاتی درباره تأثیر محیط طبیعی بر شکل فرهنگ‌های انسانی می‌تواند به کار گرفته شود (Brown, 2001: 1). چنان‌که کروبر اذعان می‌دارد، باید توجه داشت که در عبارت مفهومی «پهنه فرهنگی» تأکید بر بخش «فرهنگ» است، نه بر بخش «پهنه» که آن را به جغرافیا نزدیک می‌کند؛ منظور، نوع منحصربه‌فرد یا نوع خاصی از فرهنگ است که به‌طور طبیعی در یک منطقه رشد یافته است (Kroeber, 1963: 2). آغاز کاربرد مفهوم «پهنه فرهنگی» را از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در میان مردم‌نگاران و تحت تأثیر نظریه «دایره فرهنگی» فردریش راتزل می‌دانند (Brown, 2001: 1; Kiki & Guimarães, 2022) که «به توجیه شباهت‌های فرهنگی به دلیل نحوه توزیع فضایی آن‌ها» اشاره داشت (فکوهی، ۱۳۹۵: ۱۴۸).

بر اساس تعریف بریتانیکا که در منابع دیگر نیز به مشابه آن برمی‌خوریم (برای مثال ن. ک. به: Kiki & Guimarães, 2022) منظور از پهنه فرهنگی «یک منطقه جغرافیایی به هم پیوسته است که اغلب جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، دارای ویژگی‌های [فرهنگی] مشترک زیادی باشند» (Pauls, n.d).<sup>۱</sup> در برخی از منابع، «به هم پیوستگی» در تعریف، مدنظر قرار نگرفته و برای مثال، تمام جوامعی را که یک یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی مشترک دارند، در قالب یک پهنه فرهنگی جای داده‌اند (Brown, 2001: 1). در تعریفی دیگر، بیرو پهنه‌های فرهنگی را فضاهایی تعریف می‌کند که «ویژگی‌های فرهنگی در آن‌ها به آسانی و به سرعت تبادل می‌شوند». در این مناطق شباهت‌هایی در روابط انسان‌های ساکن در این مناطق با طبیعت و روابط انسان‌ها با یکدیگر وجود دارد (Kiki & Guimarães, 2022). عالم آن را «منطقه فرهنگی رسمی ترکیبی» نیز تعریف می‌کند و معتقد است در تعیین این محدوده، «کل فرهنگ‌ها یا تمام ویژگی‌هایی که یک فرهنگ به نمایش می‌گذارد» نقش دارند. او «پهنه فرهنگی» را شامل دو بخش می‌داند: «خرده فرهنگ‌های رسمی» و یک «هسته» که مرکز اولیه اشاعه فرهنگ است. «پهنه فرهنگی» ویژگی‌های پیچیده‌تری نسبت به «منطقه فرهنگی رسمی» دارد؛ بنابراین، تعیین محدوده آن بسیار دل‌خواهانه‌تر از «منطقه فرهنگی رسمی» است. عالم معتقد است «پهنه فرهنگی» تا حد زیادی مبتنی است بر شهود جغرافی‌دانان و دانش از نزدیک آنان درباره منطقه (Alam, 2019: 143)؛ در حالی که ویسلر (۱۹۲۷: ۸۸۳) معتقد است «به هیچ وجه مرزهای این مناطق را پژوهشگران

تعیین نکرده‌اند؛ بلکه این مرزبندی به‌طور ذاتی در خود پدیده‌ها وجود دارد و بازشناسی آن‌ها توسط انسان‌شناسان موجب تعریف پهنه‌های فرهنگی می‌شود». او پیش از آن به دل‌بخواانه بودن تقسیم‌بندی پهنه‌های فرهنگی روی نقشه اذعان داشته بود؛ ولی معتقد بود هسته این پهنه‌ها با موقعیت جغرافیایی زیستگاه‌های قبایل هم‌خوانی دارد (Wissler, 1917: 242).

در تعیین پهنه‌های فرهنگی، ترکیبی از ویژگی‌های فرهنگی و شرایط محیطی و مکانی در نظر گرفته می‌شود (Hasan, 2021: 8)؛ به عبارت دیگر، این پهنه‌ها مبتنی بر امور عینی تعریف می‌شوند و بنابر گفته ویسلر حاصل خیال‌پردازی انسان‌شناسان نیستند. ویسلر به تعریف جغرافیایی پهنه فرهنگی این نقد را وارد می‌کند که تنها فرهنگ مادی را در بر می‌گیرد؛ درحالی‌که فرهنگ غیرمادی نیز منطقه‌ای است (Wissler, 1927: 886). او که از پیروان اشاعه‌گرایی است، پهنه فرهنگی را یک منطقه جغرافیایی در نظر می‌گیرد که تعداد قابل‌توجهی از قبایل در آن ساکن هستند. این قبایل با وجود استقلال نسبی، از نظر فرهنگی با یکدیگر مشابهت دارند و شباهت آن‌ها در هسته یک مجموعه فرهنگی مشترک قرار می‌گیرد. به عقیده او ویژگی‌های فرهنگی در هسته ابداع و به باقی بخش‌های منطقه فرهنگی اشاعه می‌یابند و این ویژگی‌ها در مناطق حاشیه‌ای با هم تلفیق می‌شوند (Newman, 2007: 10). نقدی که به دیدگاه او وارد می‌دانند این است که ویژگی‌های مناطق حاشیه‌ای مشخص نیست تا بتوان آن‌ها را از هسته تمایز داد (Ibid: 15).

در مجموع، مفهوم «پهنه فرهنگی» از جهات بسیاری با مفهوم «منطقه فرهنگی رسمی» شباهت دارد؛ از نظر وجود اشتراک فرهنگی بین مردم ساکن در یک منطقه؛ از نظر تبعیت از الگوی هسته / پیرامونی؛ اهمیت تأثیر محیط بر فرهنگ؛ از نظر به‌هم‌پیوستگی فضایی؛ وجود دست‌کم یک ویژگی مشترک فرهنگی در میان ساکنان پهنه؛ اما تفاوت‌های تعریف پهنه فرهنگی با منطقه فرهنگی رسمی در پیچیدگی بیشتر آن نسبت به پهنه فرهنگی رسمی و مبتنی بودن تعریف آن بر صرفاً امور عینی است که ویسلر بر این اساس آن را نقد می‌کند؛ اما نقدی که به‌طور کلی به پهنه‌بندی فرهنگی وارد می‌کنند این است که در مکان‌ها و در دورانی که راه‌های ارتباطی بیشتری وجود دارد و امکان جابه‌جایی مردم و تعاملات فرهنگی بیشتر است، ارائه تعریفی از پهنه‌های فرهنگی به‌آسانی ممکن نیست و در نتیجه این مفهوم در عمل، ارزش خود را از دست می‌دهد. در این شرایط نمی‌توان تعیین کرد که ویژگی‌های فرهنگی به‌صورت جغرافیایی چگونه اشاعه می‌یابند و مرزها مبهم‌اند (Ibid).

در ادامه پس از مقایسه ویژگی‌های تقسیم‌بندی‌های فضایی فرهنگی در جدول ۱، با بیان نمونه‌هایی از تقسیم‌بندی فضایی فرهنگی در ایران و جهان در جهت احصای شاخص‌های بیشتری برای تعریف آنچه با عنوان «اقلیم فرهنگی» در این پژوهش مدنظر است، گام برمی‌داریم.

جدول ۱. ویژگی‌های انواع مناطق فرهنگی

ویژگی‌ها	نوع منطقه فرهنگی
<p>ابزار توصیف تفاوت / تنوع فضایی ویژگی‌های فرهنگی است؛ تداوم زمانی و توسعه مکانی ویژگی‌های فرهنگی در آن برقرار است؛ همگنی فرهنگی در مناطق جغرافیایی هم‌جوار در آن حاکم است؛ ویژگی‌های عینی و ذهنی فرهنگ، هردو در تعیین آن اهمیت دارد؛ دست کم یک ویژگی فرهنگی مشترک بین ساکنین آن وجود دارد؛ در شکل‌گیری و ثبات به محیط وابسته است؛ مرزهای آن نامشخص و دارای هم‌پوشانی با مناطق مجاور فرهنگی است؛ از مدل مرکز / پیرامونی پیروی می‌کند؛ تعیین محدوده آن با توجه به ویژگی فرهنگی منتخب و در نتیجه دل‌بخواهانه است.</p>	منطقه فرهنگی رسمی
<p>کارکرد سیاسی، اجتماعی، فناورانه یا اقتصادی به آن ماهیتی متمایز بخشیده است؛ تجانس و همگنی فرهنگی و قومی - مذهبی در تعیین مرزهای آن اهمیت ندارد؛ تنها ویژگی‌های عینی فرهنگ در تعیین آن اهمیت دارد؛ از مدل مرکز / پیرامونی پیروی می‌کند؛ مرزهای این مناطق از هم تا حد زیادی روشن و بدون ابهام است.</p>	منطقه فرهنگی کارکردی
<p>همگنی فرهنگی در تعیین مرزهای آن اهمیت دارد؛ همگنی فرهنگی و در نتیجه مرزها بر مبنای ادراک ساکنان آن تعیین می‌شود؛ محیط جغرافیایی، اشکال محیط طبیعی، ابعاد اقتصادی، سیاسی، تبلیغی و تاریخی یا ویژگی‌های اجتماعی و فکری مردم یا ترکیبی از آن‌ها عوامل تمایزبخش این مناطق از نظر ساکنینشان هستند؛ ویژگی‌های عینی و ذهنی هردو در تعیین آن اهمیت دارند؛ البته ویژگی‌های عینی نیز مبتنی بر ذهنیت ساکنان هستند. به‌طور کلی، مبتنی است بر ادراک / یا احساس فضایی جمعی مردم؛ این مناطق نیز مانند مناطق فرهنگی رسمی، مرزهای مشخصی ندارند؛ رسانه‌های عمومی در تعیین آن نقش دارند؛ روابط درون و بیرونی گروه‌های قومی موجب اعتبار [منطقه] می‌شوند؛ سازمان‌دهی موجود در منطقه کارکردی در آن ضروری نیست؛ اگرچه اغلب حول یک نقطه شهری شکل می‌گیرد، لزوماً همگنی فرهنگی که مشخصه منطقه فرهنگی رسمی است، در آن وجود ندارد؛ ریشه در فرهنگ عمومی یا مردمی دارد؛ وجه محیطی فیزیکی و ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری منطقه فرهنگی بومی مؤثرند.</p>	منطقه فرهنگی ادراکی یا بومی

ویژگی‌ها	نوع منطقه فرهنگی
<p>در تعریف آن تأکید بر بخش «فرهنگ» است، نه بر بخش «پهنه» که آن را به جغرافیا مرتبط می‌سازد؛</p> <p>یک منطقه جغرافیایی به هم پیوسته است؛</p> <p>به تأثیر محیط طبیعی بر شکل فرهنگ‌های انسانی می‌پردازد؛</p> <p>ویژگی‌های فرهنگی در آن‌ها به آسانی و به سرعت تبادل می‌شوند؛</p> <p>شباهت‌هایی در روابط انسان‌های ساکن در این مناطق با طبیعت و روابط انسان‌ها با یکدیگر وجود دارد؛</p> <p>کل فرهنگ‌ها یا تمام ویژگی‌هایی که یک فرهنگ به نمایش می‌گذارد را در نظر می‌گیرد؛</p> <p>از مدل مرکز / پیرامونی پیروی می‌کند؛</p> <p>ویژگی‌های پیچیده‌تری نسبت به «منطقه فرهنگی رسمی» دارد؛</p> <p>تعیین محدوده آن بسیار دل‌بخواهانه‌تر از «منطقه فرهنگی رسمی» است؛</p> <p>در تعیین آن ترکیبی از ویژگی‌های فرهنگی و شرایط محیطی و مکانی در نظر گرفته می‌شود؛</p> <p>پهنه‌ها مبتنی بر امور عینی تعریف می‌شوند و حاصل خیال‌پردازی پژوهشگران نیستند.</p>	<p>منطقه فرهنگی رسمی ترکیبی (پهنه فرهنگی)</p>

(تنظیم از نگارندگان)

#### ۴-۴. روش‌های تقسیم‌بندی فضایی فرهنگی بر اساس نمونه‌های داخلی و خارجی

نمونه‌های متعددی از تقسیم‌بندی فضایی فرهنگی در ایران و جهان از گذشته تا به امروز وجود داشته است که به تقسیم‌بندی فضایی فرهنگی جهان به‌طور کلی و کشورهای مختلف به‌طور جزئی پرداخته‌اند؛ البته اغلب آن‌ها بیشتر بر تقسیم‌بندی فضایی کل دنیا متمرکز بوده‌اند؛ درحالی‌که هدف ما در این پژوهش، اقلیم‌بندی فرهنگی کشور ایران است. در ادامه روش‌های مختلف تقسیم‌بندی فضایی فرهنگی بر اساس نمونه‌های داخلی و خارجی تشریح می‌شوند.

##### ۴-۴-۱. اقلیم‌بندی فرهنگی بر اساس یک یا چند ویژگی فرهنگی

در این روش، اقلیم‌بندی فرهنگی بر اساس یک یا چند ویژگی فرهنگی صورت می‌گیرد و در آن ممکن است تمرکز بر نژاد یا قومیت باشد و یا یک یا چند ویژگی فرهنگی با تأکید یا عدم تأکید بر ویژگی‌های جغرافیایی مدنظر قرار گیرد. از قدیمی‌ترین معیارهای اقلیم‌بندی فرهنگی، نژاد و قومیت است که نمونه‌ای از آن را در کتاب *التفهیم لوائل صناعة التنجیم* ابوریحان بیرونی و نیز در اقلیم‌بندی حضرت نوح می‌توان مشاهده

کرد. او زمین را بر اساس رنگ چهره ساکنانش که می‌توان آن را نشانه نژاد و قومیت دانست، بین سه پسرش تقسیم کرد. بیرونی به منطقه‌بندی یونانیان بر اساس معیاری مشابه و البته ترکیبی نیز اشاره می‌کند: لوبیه در جنوب دریای شام، سرزمین سیاهان و گندم‌گونان؛ اوربی در شمال دریای شام، سرزمین سپیدان و سرخان؛ ایسیا، در مشرق مصر؛ ایسیا خُرد شامل عراق و پارس و خراسان؛ و ایسیا بزرگ. ابوریحان بیرونی همچنین بیان می‌دارد که «پارسیان بحسب مملکت‌ها به هفت کشور تقسیم کردند»: ۱. کشور هندوان؛ ۲. کشور عرب و حبشان؛ ۳. کشور مصر و شام؛ ۴. کشور ایران‌شهر؛ ۵. کشور صقلاب و روم؛ ۶. کشور ترک و یاجوج؛ ۷. کشور چین و ماچین (بیرونی، ۱۳۶۲: ۱۹۴-۱۹۶). این تقسیم‌بندی مشابه با منطقه‌بندی فرهنگی کارکردی است. حمدالله مستوفی در کتاب *نزهة القلوب*، به نقل از هرمس، اقلیم‌بندی مذکور را بر اساس هفت دایره، یکی در وسط و شش دایره دیگر حول آن بیان می‌کند که در آن مدویش در میانه زمین، مخصوص ایرانیان است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۵۵-۵۷).

در میان اقلیم‌بندی‌های قدما می‌توان به منطقه‌بندی ابو عبدالله احمد مقدسی در کتاب *احسن التقسیم فی معرفة الاقالیم* نیز اشاره کرد. او جهان را در یک سطح به چهارده اقلیم تقسیم کرده و از نظر سرسبزی آن‌ها را به دو گروه مساوی «اقلیم‌های آباد» و «اقلیم‌های ویران» تقسیم کرده است. وی از سوی دیگر، با توجه به اعتقاد ساکنین مناطق به دین اسلام، جهان را در دو گروه «کشورهای کافر» و «کشور اسلام» از هم متمایز کرده است. سپس به منطقه‌بندی «کشور اسلام» پرداخته و آن را بر اساس زبان در دو دسته «اقلیم‌های عرب» و «اقلیم‌های عجم» جای داده است. در دسته‌بندی بعدی، شش اقلیم را برای عرب و هشت اقلیم را برای عجم برشمرده است. اقلیم‌های عجم از نظر مقدسی شامل این موارد بوده است: ۱. خاوران؛ ۲. دیلم؛ ۳. رحاب؛ ۴. کوهستان (جبال)؛ ۵. خوزستان؛ ۶. فارس؛ ۷. کرمان؛ و ۸. سند (مقدسی، ۱۳۸۵؛ صدقی، ۱۳۸۲). به نظر می‌رسد مقدسی معیار ثابتی برای اقلیم‌بندی اقلیم‌های عرب و عجم نداشته و هریک را بنابر دلیل خاص خود منطقه‌بندی و نام‌گذاری کرده است. از نمونه‌های دیگر تقسیم‌بندی منطقه‌ای در گذشته، می‌توان به ساتراپی‌های دوران هخامنشی اشاره کرد. این تقسیم‌بندی بر اساس قومیت صورت گرفته بود و می‌توان آن را نمونه بارزی از تطابق منطقه فرهنگی رسمی و کارکردی به شمار آورد (یوسف‌جمالی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۰).

از نمونه‌های جدیدتر می‌توان به پژوهش امان‌اللهی بهاروند (۱۳۸۰) اشاره کرد که البته بدون پهنه‌بندی مکانی، اقوام ایرانی را بر اساس تفاوت‌های زبانی و دینی به ۲۲

گروه تقسیم کرده است: بلوچ؛ ترکمن؛ آسوری؛ ارامنه؛ گیلکی؛ فارس زبانان؛ مازندرانی؛ آذری؛ لرها؛ پارسیان زرتشتی؛ طالشی؛ مندایی‌ها (صبی‌ها)؛ اکراد؛ اعراب؛ لاری؛ لک‌ها؛ ترک‌ها (غیرآذری)؛ براهویی؛ هزاره (بربری)؛ کلیمیان؛ کولی‌ها؛ اسماعیلیان (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۰: ۲۱). تقسیم‌بندی امان‌اللهی بهاروند اگرچه از این نظر حائز اهمیت است که زبان و دین و مذهب اقوام مختلف کشور را نسبتاً دقیق بررسی کرده است، پهنه‌بندی مکانی ندارد. علاوه بر این، از این حیث که تنها دو بعد از فرهنگ را مدنظر قرار داده، دچار کاستی است. درست است که این دو بعد، ابعادی کلیدی در اقلیم‌بندی می‌توانند باشند، اما باید در کنار ابعادی دیگر مدنظر قرار گیرند.

نمونه‌های فوق اغلب یک یا دو ویژگی یا عنصر فرهنگی را معیار تقسیم‌بندی فضایی فرهنگی قرار داده‌اند. از نمونه‌های مشابه می‌توان به روش دیگری اشاره کرد که در منطقه‌بندی فرهنگی استفاده شده است و آن، روش در نظر گرفتن یک یا چند عنصر محدود فرهنگی برای تعیین نقاط اشتراک و افتراق فرهنگی است؛ روشی که در مقاله‌ای درباره منطقه‌بندی فرهنگی در نیجریه می‌توان کاربرد آن را مشاهده کرد. در این مقاله نویسندگان بر مبنای زبان، سازمان سیاسی، نظام اقتصادی / محیط فیزیکی و دین، نیجریه را به شش منطقه فرهنگی تقسیم کرده‌اند (Okumagba & Ogege, 2009). این روش همچنین توسط نوردنسکیولد در آمریکای شمالی، دنس درباره فرهنگ اسکیموها و سایر درباره‌ها و اواسویایی و همسایگانشان به کار رفته است (صمدی و احمدی، ۱۳۹۶: ۱۴۱ و ۱۴۲). پورموسوی و همکاران (۱۳۸۷) نیز با معیار قراردادن سه مؤلفه زبان، قومیت و مذهب، ایران را به مناطق فرهنگی که در پی می‌آید، تقسیم کرده‌اند: ۱. مرکزی (فارسی)؛ ۲. آذربایجان؛ ۳. کردستان؛ ۴. بلوچستان؛ ۵. لرستان؛ ۶. بختیاری؛ ۷. خوزستان (عرب)؛ ۸. ترکمن؛ ۹. سیستان؛ ۱۰. مازندران؛ ۱۱. گیلان؛ ۱۲. هرمزگان؛ ۱۳. بوشهر و پارس جنوبی.

از نمونه‌های دیگر منطقه‌بندی فرهنگی می‌توان به منطقه‌بندی فرهنگی آمریکا توسط ویسلر (۱۹۲۷) اشاره کرد. ویسلر در مقاله‌ای انتقادی سه روش برای پهنه‌بندی فرهنگی ارائه می‌دهد: ۱. «برحسب جغرافیا» و هم‌بستگی‌های جغرافیایی ویژگی‌های فرهنگی؛ ۲. «بر اساس گروه‌های قبیله‌ای تشکیل‌دهنده» و تماس‌های بین قبیله‌ای؛ ۳. «برحسب روابط بین ویژگی‌های فرهنگی که در واحدهای قبیله‌ای مشترک است» و در واقع مبتنی است بر هم‌بستگی ویژگی‌های فرهنگی در زمان و فضا. او روش‌های فوق را از دید انسان‌شناسی اجتماعی یک‌به‌یک، بررسی انتقادی

می‌کند و برای مثال، روش اول را از منظر انسان‌شناسی اجتماعی درباره محیط بررسی می‌کند و معتقد است این‌گونه بررسی محیطی که انسان را نیز گونه‌ای مانند سایر جانداران در نظر می‌گیرد، به‌جای پیشرفت پژوهشی، تعارضات پژوهشگران حوزه‌های مختلف انسان‌شناسی، فیزیولوژی، پزشکی، روان‌شناسی و بیولوژی را افزایش می‌دهد؛ برای مثال، اگر بر اساس موضع غالب پژوهشگران، فرهنگ چیزی در خود و جدا از محیط طبیعی در نظر گرفته شود، توزیع جغرافیایی ویژگی‌های فرهنگی معنا نخواهد داشت؛ درحالی‌که محیط طبیعی در شکل‌گیری بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی مؤثر است. از سوی دیگر، اگر مطابق با دیدگاه زیست‌شناسی و وراثت نگریسته شود، در نظر گرفتن تأثیر فرهنگ بر انسان و فرهنگش غلو صورت گرفته است. او روش دوم، یعنی در نظر گرفتن شباهت‌ها و تماس‌های بین‌قبیله‌ای را از این نظر نقد می‌کند که در صورت انتقال ویژگی‌های فرهنگی از طریق تماس قبایل، موقعیت جغرافیایی آن‌ها اهمیتی ندارد. از طرفی هم تماس بین قبایل زنده صورت می‌گیرد و این وجهی زیست‌شناسانه به موضوع می‌دهد. در روش سوم او تمرکز را از روی گروه‌های قبیله‌ای، بر ویژگی‌های خاص فرهنگی می‌برد و پهنه فرهنگی را منطقه‌ای می‌داند که توزیع این ویژگی‌های فرهنگی در آن بیشتر است. او اذعان می‌دارد که در نظر گرفتن یک ویژگی فرهنگی واحد، کاری باستان‌شناسانه است، نه مردم‌شناسانه. دیدگاه باستان‌شناسانه به فرهنگ تنها مبتنی است بر وجوه عینی فرهنگ و نکاتی چون عملکرد گروه‌های قبیله‌ای و فرایند شکل‌گیری فرهنگ در یک منطقه در آن نادیده گرفته می‌شود. این در حالی است که ویسلر، پهنه فرهنگی را ویژگی منطقه‌ای رفتار انسانی تعریف می‌کند و معتقد است پژوهش باید با تمرکز بر ویژگی‌های خاص فرهنگی در مناطق خاص صورت گیرد و ویژگی‌های غیرمادی نیز در پژوهش در نظر گرفته شود (Wissler, 1927).

روش به‌کارگرفته‌شده توسط ویسلر در پهنه‌بندی فرهنگی را در کتاب او با عنوان *هندوهای آمریکایی* می‌توان مشاهده کرد. ویسلر ابتدا چند مرحله منطقه‌بندی با معیار قراردادن این شاخص‌ها انجام می‌دهد: روش غالب تأمین غذا؛ روش حمل و نقل؛ هنرهای بومی؛ ابتکارات و اختراعات خاص مثل ماشین‌آلات؛ گروه‌بندی‌های اجتماعی؛ سیستم‌های خویشاوندی؛ تابوها و امتیازات اجتماعی؛ مراتب سنی و اجتماعی؛ ویژگی‌های توتیمیک نظام‌های اجتماعی؛ ملاحظات آیینی و اعتقادی؛ اساطیر و روابط اسطوره‌شناختی. سپس داده‌های به‌دست‌آمده را به دو گروه فرهنگ تاریخی و باستان‌شناختی تقسیم می‌نماید و اقدام به منطقه‌بندی نهایی بر اساس تمام معیارهایی

که پیش از این بیان شد، در قالب دو دسته فوق می‌کند. همچنین او هر منطقه جغرافیایی را به چند زیرگروه و هر زیرگروه را برحسب ضرورت به چند زیرگروه شامل طوایف یا قبایل تقسیم نموده و معیارهای مذکور را در قالب دو گروه ویژگی‌های مادی و غیرمادی برای هر زیرگروه فهرست می‌کند. او در بیان این ویژگی‌ها اشتراکات با مناطق هم‌جوار را نیز ذکر می‌نماید (Wissler, 1917).

هرسکویتس (۱۹۲۴) نیز ضمن تحلیل دیدگاه‌های اندیشمندان آمریکایی و آلمانی در تقسیم‌بندی منطقه‌ای فرهنگی، با موافقت بیشتر با دیدگاه مردم‌شناسان آمریکایی متذکر می‌شود که نباید معیارهای تقسیم‌بندی فرهنگی از جمله فرهنگ مادی به صورت مکانیکی و بدون انعطاف به کار بسته شود؛ چون یک شیء مشابه ممکن است در دو منطقه معنا و کاربردی متفاوت داشته باشد. او معتقد است محیط روانی و فرهنگی هر دو باید در منطقه‌بندی فرهنگی در نظر گرفته شود و روابط متقابل فرهنگ‌ها و عملکرد معیارهای در نظر گرفته شده در درون فرهنگ‌ها نیز نباید نادیده گرفته شود. هرسکویتس بر اساس شاخص‌هایی مشابه با آنچه ویسلر در نظر گرفته است، از جمله لباس، شیوه معیشت و تهیه غذا، نوع خوراک و غذا، ساختار مسکن‌ها، ساختار اجتماعی و طبقاتی و مناسبات خویشاوندی، نقش‌های اجتماعی جنسیتی، هدایا، روش حمل و نقل و ویژگی‌های زبانی مردم منطقه، مناطق فرهنگی آفریقا را معرفی می‌کند.

چنان‌که کروبر معتقد است این روش‌ها و روش ویسلر که جامع‌تر از آن‌هاست، بخشی از فرهنگ را از آن جدا می‌کنند و معیار تعیین منطقه فرهنگی قرار می‌دهند؛ درحالی‌که فرهنگ یک کل است و باید آن را با تمامی اجزایش تعریف کرد. تعیین منطقه فرهنگی نیز باید با در نظر گرفتن فرهنگ به عنوان یک کل با تمامی اجزایش صورت گیرد. لذا کروبر روشی دیگر برای منطقه‌بندی فرهنگی آمریکا در پیش می‌گیرد. او ویژگی‌های منطقه‌بندی خود را در چهار ویژگی خلاصه می‌کند:

۱. توجه ویژه به عوامل جغرافیایی و اکولوژیکی؛

۲. تلقی فرهنگ‌ها به عنوان غیرهم‌ارزهای تاریخی؛

۳. وضوح حداکثری در تعریف مراکز یا نقاط اوج فرهنگ؛

۴. بیان روابط تبعی بین و درون فرهنگ‌های مورد جست‌وجو و بیان، کاستن از تعداد نواحی اصلی نسبت به پژوهش‌های پیشین و افزودن بر تعداد مناطق مشخص (خاص).

او آمریکا را به شش منطقه تقسیم کرده و مبنای تقسیم‌بندی خود را مرکزیت مناطق در توسعه تاریخی یا جریان قالب فرهنگی عنوان نموده است و تأکید کرده که شش

منطقه مزبور با هم مرتبط‌اند و در تشریح ویژگی‌های مناطق برخلاف پژوهش‌های قبلی، به‌ویژه پژوهش‌های ویسلر، از مناطق پیرامونی و تأثیرپذیری‌های آن‌ها از مناطق فرهنگی مجاور آغاز نموده و بعد به مرکز پرداخته است (Kroeber, 1939: 20).

استرانگ (۱۹۳۳) نیز به روشی مشابه ولی با نقد رویکرد صرفاً اتنوگرافیک ویسلر و کروبر درباره‌گریت‌پلین در آمریکای شمالی، به منطقه‌بندی فرهنگی آن می‌پردازد. او معتقد است پژوهش‌های قبلی درباره این منطقه احتمالاً به‌دلیل کمبود اطلاعات باستان‌شناختی بیشتر مبنای اتنوگرافیک دارند؛ بنابراین، با یافته‌های جدید باستان‌شناختی درباره نبراسکا در مرکز منطقه‌گریت‌پلین او تلاش می‌کند دیدگاه‌های اتنوگرافیک و باستان‌شناسی را با یکدیگر ترکیب کند تا منطقه‌بندی فرهنگی با دقت بیشتری انجام گیرد. بدین‌منظور استرانگ مطالعات باستان‌شناختی درباره محیط محلی، جایگاه تاریخی قبایل و فرهنگ‌های پیشاتاریخی و مربوط به دوران پیش از اختراع خط در منطقه مزبور را به‌ویژه با تمرکز بر شاخص‌هایی همچون مواردی که ذکر می‌شود بررسی می‌کند: محیط طبیعی؛ شیوه معیشت و سکونت؛ فرهنگ مادی تجاری؛ ویژگی‌های مصنوعات مادی همچون نقوش، بافت و رنگ سفال‌ها و همچنین شیوه ساخت آن‌ها؛ ویژگی‌های مصنوعات و ابزارهای استخوانی، سنگی و صدفی؛ نمادها؛ و شیوه دفن مردگان.

## ۲-۴-۴. اقلیم‌بندی فرهنگی بر اساس کانون‌بودگی فرهنگی

کانون‌بودگی فرهنگی یعنی قرارداشتن به‌عنوان مرکز اشاعه نیز از معیارهایی است که در منطقه‌بندی فرهنگی در منابع بررسی شده می‌توان مشاهده کرد. در این روش مرکزیت اشاعه از نظر ویژگی‌های مختلف فرهنگی چون علوم و هنرها و محوریت در موضوعات معرفتی و سیاست‌گذاری بین‌المللی مدنظر قرار گرفته است. همچنین می‌توان به تقسیم‌بندی‌هایی اشاره کرد که بر اساس گونه‌های هنری یا علوم و حکمت و فلسفه انجام شده است که بیشتر ناظر بر تاریخ فرهنگی ایران در دوره اسلامی است. از جمله این تقسیم‌بندی‌ها تقسیم‌بندی‌های مبتنی بر کانون‌های جغرافیایی اشاعه در حوزه فلسفه و حکمت به ترتیبی است که در پی می‌آید: مکتب شیراز؛ مکتب اصفهان؛ مکتب سبزوار؛ مکتب مشهد یا مکتب معارفی خراسان (مکتب تفکیک)؛ مکتب تهران؛ مکتب قم؛ مکتب قزوین؛ و مکتب آذربایجان. علاوه بر این، سبک‌های تعریف‌شده در حوزه ادبیات کهن فارسی نیز ملاحظات جغرافیایی را تا حدودی در

تقسیم‌بندی خود مدنظر داشته‌اند. تقسیم‌بندی مزبور بدین‌گونه است: خراسانی یا ترکستانی (در خراسان بزرگ شامل خراسان کنونی، افغانستان و تاجیکستان کنونی، سرزمین‌های ماورالنهر و ترکستان)؛ عراقی (عراق و آذربایجان؛ برخی سبک آذربایجانی را از عراقی جدا می‌کنند (بامدادی، ۱۳۸۲))؛ وقوع (مابین سبک هندی و عراقی بود و حوزه جغرافیایی مشخصی به‌عنوان کانون آن معرفی نشده است)؛ هندی یا اصفهانی؛ بازگشت (ابتدا در اصفهان و سپس در کاشان، شیراز و تهران رخ داد (دانشنامه جهان اسلام، بی‌تا)<sup>۱</sup>. در حوزه ادبیات، همچنین داستان‌نویسی اقلیمی معاصر بر اساس بازنمود ویژگی‌های نشان‌دهنده اقلیم‌های کشور در آثار، به چند گونه تقسیم‌بندی شده است: مکاتب خوزستان، اصفهان، تبریز و گیلان (سپانلو، ۱۳۷۶)؛ ادبیات شمال و جنوب (بدون ذکر واژگان مکتب یا سبک) (میرعابدینی، نقل در: آژند، ۱۳۶۹)؛ هشت سبک تهرانی، اصفهانی، جنوب، خراسانی، شمال، آذربایجان، شیرازی و کرمانشاهی (آژند، ۱۳۶۹)؛ هفت سبک آذربایجان، اصفهان، خراسان، جنوب، شمال، غرب و مرکز (شیری، ۱۳۸۲)؛ و مکاتب شمال، جنوب، خراسان، غرب (کرمانشاه) و آذربایجان (صادقی شهپر، ۱۳۹۱).

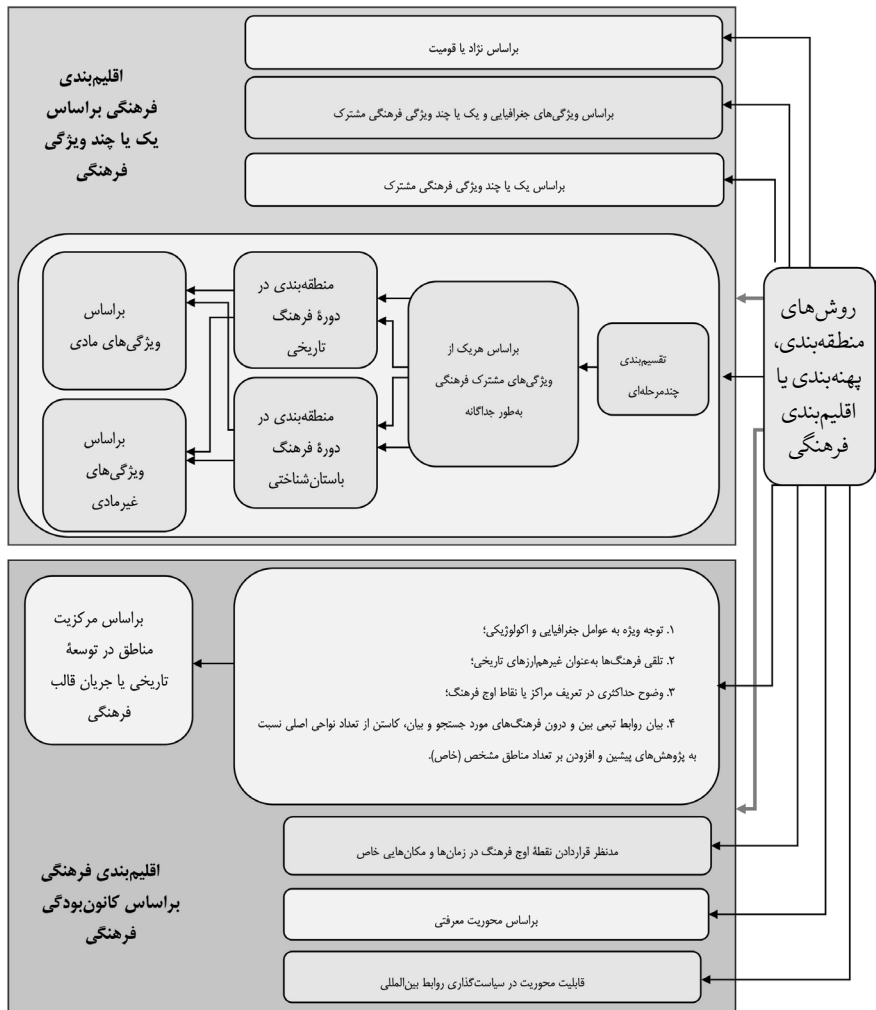
علاوه‌بر حوزه ادبیات، در سایر هنرها نیز با تقسیم‌بندی‌هایی بر اساس مراکز اشاعه روبه‌رو هستیم؛ برای مثال، مکاتب نگارگری در یک شیوه بر اساس دوره تاریخی و در شیوه دیگر بر مبنای کانون‌های اشاعه و در برخی به روشی ترکیبی معرفی شده‌اند. بنابر روش دوم، مکاتب نگارگری شامل این موارد است: مکاتب بغداد، تبریز، شیراز، هرات، سمرقند، بخارا، ترکمن یا ترکمانان، قزوین، اصفهان، مشهد و تهران (محمدی و کفاش‌زاده، ۱۳۹۳). همچنین در حوزه موسیقی و در موضوع موسیقی کهن، از مکاتب موسیقی خراسان و غرب ایران (عراق عجم با تأکید بر اصفهان) (حجاریان، ۱۳۹۳)، در موسیقی ردیفی ایران گاه از دو مکتب اصفهان و تهران و گاه از مکاتب اصفهان، تهران و تبریز یاد می‌شود. به‌علاوه در موسیقی نواحی ایران دسته‌بندی‌های مختلفی وجود دارد از جمله: موسیقی تهران و حومه؛ ترک‌های ایران؛ ترکمن‌های ایران؛ کردهای ایران؛ کردهای شمال و شرق ایران (کرمانجی‌ها)؛ لرهای ایران؛ بختیاری؛ کولیان ایران؛ گیلان و تالش؛ سیستان و بلوچستان؛ جنوب خراسان و خراسان میانه؛ مازندران؛ گلستان (جاوید، ۱۳۹۳).

در اغلب روش‌هایی که تاکنون ذکر شد، مرکزیت فرهنگ از نظر مکانی اهمیت ویژه‌ای دارد و گرچه کانون‌ها بر اساس تاریخ فرهنگی معرفی شده‌اند، به‌صراحت

اشاره‌ای به زمان در آن‌ها نشده است؛ اما در برخی پژوهش‌های دیگر مانند پژوهش کروبر به نقطه اوج فرهنگ در زمان‌هایی خاص و در مکان‌هایی خاص اشاره می‌شود که موجب اشاعه فرهنگ در طول تاریخ و در گستره مکانی شده‌اند؛ برای مثال، آتن مرکز فرهنگی فلسفه در قرن پنجم بوده است. همچنین در ایران می‌توان به سبک‌های معماری ایرانی اسلامی اشاره کرد: سبک خراسانی (قرن ۱ تا ۴ ق)؛ سبک رازی (سده ۵ تا آغاز سده ۷ ق)؛ سبک آذری (دوره مغول)؛ سبک اصفهانی (دوره صفویه تا قاجار) (پیرنیا، ۱۳۹۲). تقسیم‌بندی سبک‌های ادبی در ادبیات فارسی نیز در این زمره است: خراسانی (از آغاز نیمه دوم قرن سوم تا پایان قرن پنجم)؛ آذربایجانی (قرن ششم)؛ عراقی (قرن هفتم تا اواخر قرن نهم)؛ هندی (از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم)؛ مکاتب فلسفی شیراز (قرن هفتم تا دهم)؛ اصفهان (دوره صفوی)؛ تهران (قرن سیزدهم و چهاردهم)؛ و... در تمامی موارد مذکور باز هم تنها جزئی از فرهنگ معیار منطقه‌بندی قرار گرفته است. البته فرهنگستان هنر نیز دسته‌بندی جامع‌تری انجام داده و از مکاتب فرهنگی هنری شیراز، اصفهان، تبریز، مراغه و تهران نام برده است (وب‌گاه فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۹). هرچند به‌صراحت هدف فرهنگستان هنر اقلیم‌بندی یا پهنه‌بندی فرهنگی اعلام نشده است، رویکرد آن را می‌توان مبنایی برای تقسیم‌بندی زمانی- مکانی در نظر گرفت.

فیاض هم با برگرفتن جزئی از فرهنگ، پنج منطقه فرهنگی را بر مبنای معیارهای معرفی برای ایران برمی‌شمرد: اصفهان؛ شیراز؛ خراسان؛ آذربایجان؛ و تهران. در ادامه وی شهرهایی را به‌عنوان شهرهای دارای قابلیت محوریت در سیاست‌گذاری روابط بین‌المللی ایران معرفی می‌کند: بوشهر؛ بندرعباس؛ زاهدان؛ اهواز؛ همدان؛ تبریز؛ ارومیه؛ رشت؛ گرگان و بجنورد و قوچان؛ و مشهد (فیاض، ۱۳۸۷: ۴۴-۴۲). پژوهش فیاض (۱۳۸۷) نیز از حیث در نظر گرفتن تنها جزئی از فرهنگ در تقسیم‌بندی جغرافیای فرهنگی ایران و ارائه‌ندادن مبنا و استدلالی مشخص برای تقسیم‌بندی خود، انتقادپذیر است. همچنین در پژوهشی جامع‌تر، عامریان (۱۳۹۷) بر اساس عناصر فرهنگی مختلف از جمله اهمیت تاریخی، مذهب، زبان، قومیت، آداب و رسوم، معماری و پوشاک منطقه‌بندی یازده‌گانه‌ای ارائه داده است: منطقه ۱ فرهنگی، خوزستان؛ منطقه

۲ فرهنگی، لرستان و ایل بختیاری؛ منطقه ۳ فرهنگی، آذربایجان و سرزمین ماد؛ منطقه ۴ فرهنگی، کردستان، ماد کوچک؛ منطقه ۵ فرهنگی، مازندران؛ منطقه ۶ فرهنگی، فلات مرکزی و حاشیه کویرهای ایران؛ منطقه ۷ فرهنگی، خراسان بزرگ و گرگان؛ منطقه ۸ فرهنگی، سیستان و بلوچستان؛ منطقه ۹ فرهنگی، کرمان؛ منطقه ۱۰ فرهنگی، هخامنشیان و ساسانیان؛ منطقه ۱۱ فرهنگی، ایل قشقایی.



شکل ۵. روش‌های تقسیم‌بندی فضایی فرهنگی (ترسیم از نگارندگان)

در مجموع، بر اساس منابع داخلی و خارجی بررسی شده روش های تقسیم بندی فضایی فرهنگی را می توان در هشت روش خلاصه کرد که در شکل ۵ نیز مشاهده می شوند:

۱. بر اساس نژاد یا قومیت؛
۲. بر اساس ویژگی های جغرافیایی همراه با یک یا چند ویژگی فرهنگی مشترک؛
۳. بر اساس یک یا چند ویژگی فرهنگی مشترک؛
۴. تقسیم بندی چند مرحله ای شامل این مراحل: الف. بر اساس هریک از ویژگی های مشترک فرهنگی به طور جداگانه؛ ب. منطقه بندی در دوره فرهنگ تاریخی و در دوره فرهنگ باستان شناختی؛ ج. بر اساس ویژگی های مادی و غیرمادی فرهنگی.
۵. بر اساس مرکزیت مناطق در توسعه تاریخی یا جریان قالب فرهنگی؛
۶. مدنظر قراردادن نقطه اوج فرهنگ در زمان ها و در مکان هایی خاص؛
۷. بر اساس محوریت معرفتی؛
۸. قابلیت محوریت در سیاست گذاری روابط بین المللی.

با توجه به روش های ذکر شده، روشی که در این پژوهش برای تقسیم بندی اقلیم های فرهنگی ایران پیشنهاد می شود، یک روش ترکیبی است که در ادامه تشریح می گردد.

#### ۵-۴. منظر پیشنهادی برای تعیین اقلیم های فرهنگی ایران

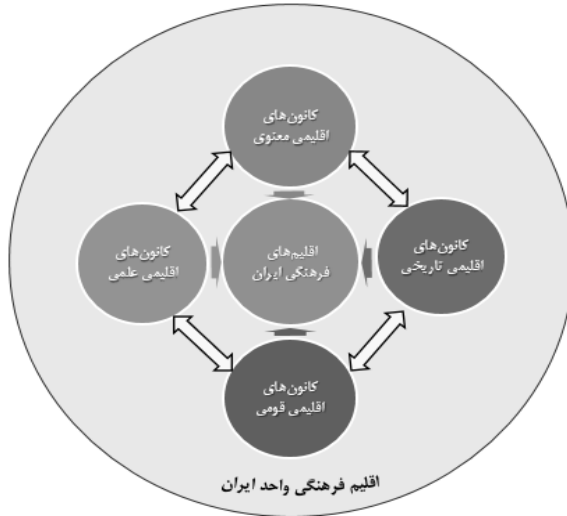
نتایج حاصل از بررسی منطقه بندی های انجام شده در پژوهش های متعدد خارجی و داخلی، نشان داد که ریشه هویتی و آگاهی مشترک افراد ساکن در هر منطقه فرهنگی با ویژگی های فرهنگی آن منطقه رابطه ای متقابل دارد؛ بدین معنی که ریشه هویتی و آگاهی مشترک افراد ساکن در منطقه فرهنگی، تحت تأثیر ویژگی های فرهنگی آن منطقه شکل می گیرد و به صورت متقابل، این ویژگی های هویتی و آگاهی مشترک افراد، به منطقه فرهنگی محل سکونت، ویژگی هایی خاص می بخشد. این ویژگی ها می تواند مؤلفه های مادی شکل دهنده به منطقه فرهنگی یا مؤلفه های غیرمادی شکل دهنده به آن باشد؛ بنابراین، در تعیین منطقه فرهنگی، هر دو گروه مؤلفه های مادی و غیرمادی باید در نظر گرفته شود. تحلیل تقسیم بندی هایی که از مناطق فرهنگی ایران پیش از این با توجه به محدودیت های زمانی، حجمی و محدودیت های دسترسی به منابع، بررسی و انجام شده است، نشان می دهد که اغلب این منابع جامعیت کافی ندارند و ضمن اینکه برخی از آنها تنها بر استفاده از یکی دو مؤلفه در اقلیم بندی فرهنگی تمرکز کرده اند، همچنین به ویژه در منابع متمرکز بر اقلیم بندی فرهنگی ایران، به اهمیت تبادلات فرهنگی مناطق که شکل دهنده اقلیم فرهنگی واحد ایران است، کم توجه یا

بی‌توجه بوده‌اند؛ بنابراین، در ادامه این پژوهش با استفاده از این منطقه‌بندی‌های مختلف انجام‌شده، چهار شاخص موضوعی اصلی برای اقلیم‌بندی فرهنگی ایران احصاء شد. به بیانی دیگر چهار حوزه موضوعی فرهنگی برگزیده شدند که میزان شاخص بودن آن‌ها در هر منطقه می‌تواند علاوه‌بر مشخص کردن وجوه تمایز مناطق مختلف کشور، روابط متقابل آن‌ها با یکدیگر - که عامل شکل‌گیری اقلیم فرهنگی و هویتی واحد ایران است - را نشان دهند: شاخص بودن در تاریخ، علم، مذهب و قومیت - که خود تحت تأثیر عواملی چون زبان، مذهب و پیشینه تاریخی مشخص می‌شود. این شاخص‌ها را می‌توان با مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایرانیان در تناظر دانست که آشنا و روحانی در بررسی اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران احصاء کرده‌اند (۱۳۸۹: ۱۸۱-۱۸۲). بدین ترتیب که مذهب با مؤلفه دیانت در تناظر است؛ تاریخ و حافظه فرهنگی با تاریخ و علم متناظر است؛ زبان و نظام اجتماعی و از سوی دیگر تاریخ اقوام با قومیت می‌تواند متناظر دانسته شود و همه در راستای تعریف مؤلفه پنجم هویت فرهنگی ایرانیان یعنی جغرافیای فرهنگی یا همان اقلیم‌های فرهنگی استفاده می‌شوند (ن. ک. به: آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۷۹-۱۸۲). نکته مهمی که در این روش اقلیم‌بندی حائز اهمیت است، این که با وجود تمایزبخشی شاخص‌های مذکور، این شاخص‌ها نیز خود رابطه‌ای متقابل با یکدیگر دارند؛ به نحوی که برای مثال، ارتباط متقابل شاخص‌های علمی با حوزه‌های فرهنگی تاریخی پس از اسلام، اعم از هنرهای مختلف و ادبیات چنان چشمگیر است که کانون‌های احصاء شده برای آن‌ها به راحتی از یکدیگر تفکیک‌پذیر نیست.

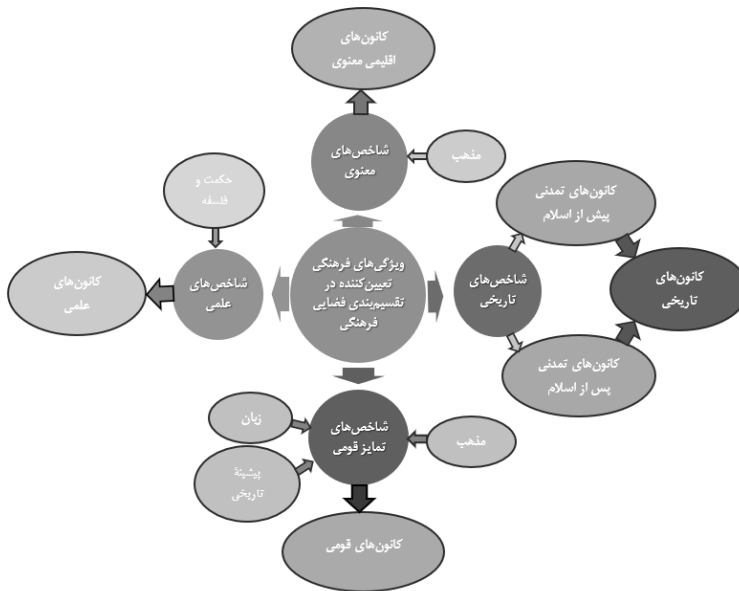
#### ۱-۵-۴. شاخص‌های اقلیم‌بندی فرهنگی

بررسی مجموع تقسیم‌بندی‌های فضایی ارائه‌شده در منابع موجود و در دسترس این موضوع را به ذهن متبادر می‌سازد: چنان که در مدل «منطقه فرهنگی رسمی ترکیبی» عنوان شد و با الهام از تعریف فرهنگ در نقشه مهندسی فرهنگی کشور به عنوان کلیتی واحد و متعامل از «عقاید و باورهای اساسی، ارزش‌ها، آداب، الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، نمادها و مصنوعات»، می‌توان با تمرکز بر چهار شاخص موضوعی معنوی، تاریخی، علمی و اجتماعی - فرهنگی چهار کانون اقلیمی متناسب با هریک از این شاخص‌ها استخراج کرد. احصای این کانون‌ها در درجه اول به تشخیص تمایز بین اقلیم‌های فرهنگی مختلف ایران با توجه به ارتباط و تعامل بین آن‌ها و در نهایت به ترسیم اقلیم واحد فرهنگی ایران کمک می‌کند که تحت تأثیر گیرندگی و فرستندگی

ویژگی‌های فرهنگی اقلیم‌های فرهنگی اکثر ایران شکل گرفته است (شکل ۶).



شکل ۶. مدل دستیابی به اقلیم‌های فرهنگی ایران در اقلیم فرهنگی واحد ایران



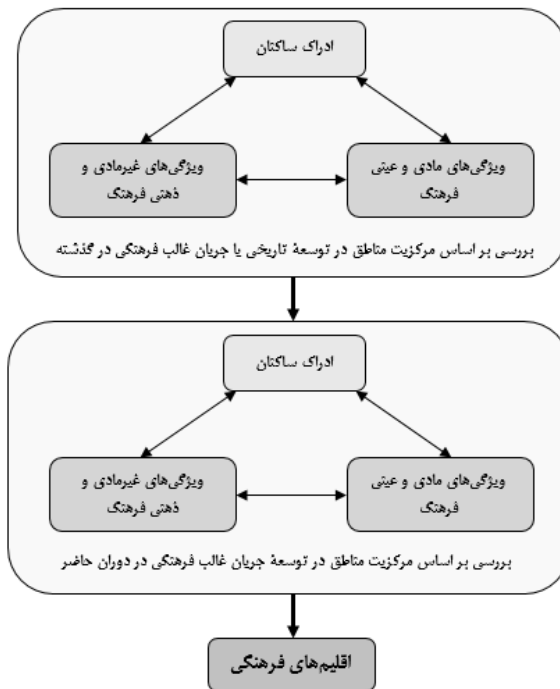
شکل ۷. ویژگی‌های فرهنگی تعیین‌کننده در تقسیم‌بندی فضایی فرهنگی

چنان‌که در شکل ۷ نشان داده شده است، مؤلفه‌ای که برای احصای شاخص معنوی، می‌توان استفاده کرد، مذهب و توزیع فضایی باورمندان به مذاهب پذیرفته‌شده در قانون اساسی کشور است. این شاخص علاوه بر باورهای دینی و مذهبی، مظاهر مادی آن همچون ساختمان‌های دینی و مذهبی، اشیای آیینی دینی و مذهبی و کنش‌های دینی و مذهبی را نیز شامل می‌شود. این تقسیم‌بندی فضایی تنها به معنی تراکم حضور پیروان مذاهب در نقاط مختلف کشور در کنار پیروان سایر مذاهب و البته تعامل و ارتباط دوستانه با آن‌هاست، نه تفکیک فضایی پیروان مذاهب مختلف. در احصای شاخص تاریخی، دو دوره پیش و پس از اسلام باید مدنظر قرار گیرد که می‌تواند بر اساس منطقه‌بندی‌های فرهنگی در منابع حوزه باستان‌شناسی و تاریخ پیش از اسلام و بررسی منابع تاریخی درباره کانون‌های هنری و ادبی مختلف در تاریخ پس از اسلام انجام شود. به منظور احصای شاخص علمی، می‌توان بر حوزه‌هایی که پیشینه تاریخی علمی دارند تمرکز کرد از جمله پزشکی، نجوم و به‌ویژه حکمت و فلسفه که در تاریخ علم ایران اهمیت زیادی دارند و فرایندی در زمانی داشته‌اند. در این مورد نیز لازم به تأکید است کانون‌های احصاشده تنها کانون اشاعه هستند و مناطقی که به دست آمده با یکدیگر هم‌پوشانی و تعامل دارند. در جهت احصای شاخص قومیت به مؤلفه‌های زبان، پیشینه تاریخی و مذهب باید پرداخته شود. با توجه به اشتراکاتی که ممکن است اقوام مختلف از حیث شاخص‌های ذکر شده داشته باشند، علاوه بر هم‌پوشانی بین مناطق به دست آمده، بنابر مفهوم بیان‌شده توسط پورموسوی و همکاران (۱۳۸۷) با «جزایر فرهنگی»، یعنی گروه‌هایی از یک فرهنگ که در منطقه فرهنگی خاصی در اقلیت هستند و «مناطق گذار فرهنگی»، یعنی مناطقی که ویژگی‌های دو منطقه مجاور خود را دارند، روبه‌رویم؛ به عنوان نمونه‌ای از جزایر فرهنگی می‌توان به حضور قوم تالش در بخش‌هایی از مازندران اشاره کرد؛ در حالی که کانون اصلی این قوم در شهرستان تالش از استان گیلان است. نمونه مناطق گذار فرهنگی نیز حضور کردها در مازندران در قالب ایل مردانلو و عمرلو به شکل نقطه گذار فرهنگی است. چنان‌که پیش از این آمد و در شکل ۶ نیز مشاهده می‌شود، مجموع کانون‌هایی که از بررسی شاخص‌های چهارگانه معنوی، علمی، تاریخی و قومی بازشناسی می‌شوند، در تعامل با هم اقلیم فرهنگی واحد ایران را شکل می‌دهند.

## نتیجه‌گیری

این پژوهش، گامی کوچک و درآمدی بود به منظور ارائه پیشنهاداتی برای پهنه‌بندی اقلیم‌های فرهنگی ایران که در عین ارائه چشم‌اندازی از کثرت و تنوع فرهنگی ارزشمند در کشور به حفظ وحدت فرهنگی ملی کمک کند. برای نیل به این هدف ابتدا به منظور دستیابی به روش علمی اقلیم‌بندی فرهنگی، مفهوم‌شناسی اقلیم فرهنگی از خلال بررسی منابع دردسترس داخلی و خارجی انجام یافت. بدین‌منظور دو مفهوم کمک‌کننده «منطقه فرهنگی» و «پهنه فرهنگی» که ارتباط مفهومی چشمگیری نیز با یکدیگر داشتند، در تعریف مفهوم اقلیم فرهنگی بررسی شد. از آنجا که به‌طور معمول، تعریف مفاهیم از بیان روابط بین شاخص‌ها و نیز دسته‌بندی‌های مبتنی بر این شاخص‌ها صورت می‌گیرد، مشخص شد که منطقه فرهنگی، حاصل‌گونه‌ای از منطقه‌بندی ساختاری است که وجود کارکردها و ویژگی‌های مشابه فرهنگی - که می‌توان آن‌ها را همان شاخص‌های فرهنگی قلمداد کرد - در یک منطقه جغرافیایی و نیز تعیین‌کننده بودن ادراک ساکنان منطقه یا دیگران در تعریف محدوده آن اهمیت دارد. بر اساس تعاریفی که از منطقه فرهنگی و پهنه فرهنگی بررسی شد، در نهایت این نتیجه حاصل شد که چهار گونه از منطقه فرهنگی وجود دارد: رسمی؛ کارکردی؛ ادراکی یا بومی؛ و رسمی ترکیبی یا همان پهنه فرهنگی. علاوه بر شاخص‌های تعیین‌کننده‌ای که پیش از این برای تقسیم‌بندی‌های فضایی مذکور بیان شد، این مناطق بر اساس چهار ویژگی دسته‌بندی می‌شوند: میزان اهمیت همگنی فرهنگی در تعیین محدوده‌های آن‌ها؛ میزان ابهام و متغیر بودن مرزهای آن‌ها؛ میزان سازمان‌مند بودن آن‌ها؛ میزان اهمیت امور عینی یا ذهنی در تعیین محدوده مناطق. نکته حائز اهمیت در تمامی آن‌ها، پیروی از مدل مرکز / پیرامونی است؛ بدین معنی که به‌طور معمول، تمرکز ویژگی‌های تعیین‌کننده محدوده اغلب متغیر و سیال منطقه - به‌جز منطقه کارکردی - در بخشی از منطقه است و این ویژگی‌ها هرچه به مرزهای منطقه نزدیک می‌شوند، از شباهتشان با کانون اصلی کاسته شده و به منطقه مجاور تمایل می‌یابند. در نهایت و بر اساس آنچه در این پژوهش به دست آمد اقلیم فرهنگی را می‌توان فضایی فرهنگی تعریف کرد که در آن همگنی در مجموعه‌ای از ویژگی‌های عینی و ذهنی و مادی و غیرمادی فرهنگی وجود دارد و ادراک / یا احساس فضایی جمعی مردم در تعیین مرکز اشاعه و مرزهای آن نقش مهمی دارد. به‌دلیل اهمیت عوامل ذهنی در تعیین محدوده این اقلیم‌ها مرزهای آن مبهم و دارای هم‌پوشانی است.

بنابر تعریف فوق و تحلیل منابع موجود داخلی و خارجی چهار شاخص در تمایزبخشی به اقلیم‌های فرهنگی ایران تعیین‌کننده تشخیص داده شد که در اغلب آن‌ها هر دو ویژگی در زمانی و هم‌زمانی و هر دو بخش مادی و غیرمادی فرهنگ حائز اهمیت است. فرایند عملیاتی بهره‌گیری از این شاخص‌ها در شکل ۸ نشان داده شده است. بر اساس این شکل لازم است نقاط اوج نقش‌آفرینی فرهنگی مناطق مختلف کشور و عوامل مؤثر بر آن شامل ادراک ساکنان و ویژگی‌های مادی و عینی و ذهنی فرهنگی که با ادراک ذهنی و با یکدیگر تأثیر متقابل دارند، در طول تاریخ تا زمان پژوهش بر اساس منابع مختلف بررسی شود؛ سپس وضعیت موجود این مناطق از نظر نقش‌آفرینی فرهنگی و عوامل ذکرشده مؤثر بر آن بر مبنای داده‌های موجود مطالعه گردد و سرانجام اقلیم‌بندی نهایی بر اساس برآیندی از اطلاعات به‌دست‌آمده انجام گیرد. در مجموع و با توجه به روابط متقابل اقلیم‌های فرهنگی به‌دست‌آمده از این روش و هم‌پوشانی‌ها و مرزهای مبهم بین آن‌ها که بر اساس نوع شاخص‌ها ایجاد می‌شود، اقلیم‌های فرهنگی ایران را می‌توان تار و پودهایی دانست که در عین تمایز از یکدیگر، بافته‌ای یکپارچه ولی رنگارنگ از اقلیم فرهنگی واحد ایران را شکل می‌دهند.



شکل ۸. فرایند عملیاتی به‌نبند اقلیم‌های فرهنگی ایران

## منابع و مأخذ

شورای فرهنگ عمومی کشور (۱۴۰۱). احکام پیشنهادی ناظر به عرصه فرهنگ و فرهنگ عمومی در برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران؛ مطرح شده در تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۴. قابل دسترس در وبگاه شورای فرهنگ عمومی کشور به آدرس:

[https://www.pcci.ir/ershad\\_content/media/image/2023/01/1275360\\_orig.pdf](https://www.pcci.ir/ershad_content/media/image/2023/01/1275360_orig.pdf).

احمدی، علی (۱۴۰۲). مفهوم‌شناسی اقلیم فرهنگی (گزارش طرح پژوهشی). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۳۸۸). «نگرشی بر آمایش فرهنگی سرزمین و جایگاه آن در برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی». راهبرد توسعه، ۷ (۱۷)، ۸۸-۱۲۳.

امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۰). «بررسی علل گونه‌گونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی». مطالعات ملی، ۳ (۹): ۱۳-۳۴.

امیرانتخابی، شهرام (۱۳۸۸). «رویکرد فرهنگی در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای». مجله پژوهشنامه، ۳۷، ۱۳۷-۱۹۵.

آشنا، حسام‌الدین و روحانی، محمدرضا (۱۳۹۰). «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی». تحقیقات فرهنگی ایران، ۳ (۴)، ۱۵۷-۱۸۴.

آژند، یعقوب (۱۳۶۹). «وضع ادبیات داستانی در قبل و بعد از انقلاب». سوره اندیشه، ۲ (۱۲)، ۱۲-۱۶.

بازن، مارسل (۱۳۷۷). «هویت قومی و ناحیه‌ای در ایران و آسیای مرکزی» (ترجمه فروزان خزانئی). تحقیقات جغرافیایی، ۵۱، ۳۳-۵۴.

باصری، علی و مجیدی‌زاده، رضا (۱۳۹۶). آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری پویه مهر اشراق.

بامدادی، بهروز (۱۳۸۲). «سبک آذربایجانی در شعر فارسی». متن پژوهی ادبی، ۶ (۱۷)، ۸۴-۱۰۲.

بلیکی، نورمن (۱۳۹۶). طراحی پژوهش‌های اجتماعی (ترجمه حسن چاوشیان). تهران: نی.

بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۲). التفهیم لوائیل صناعة التنجیم. تهران: انتشارات بابک.

پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۱). «هفت اقلیم». تحقیقات جغرافیایی، ۶۳ و ۶۴، ۱۲-۶۱.

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۹۲). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: سروش دانش.

پورموسوی، سیدموسی، میرزاده کوهشاهی، مهدی و رهنما قره‌خاننگلو، جهانبخش (۱۳۸۷). «سازمان‌دهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران». بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۴ (۱۳): ۷۵-۱۰۱.

معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۹). تصویب‌نامه شورای عالی آمایش سرزمین؛ مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ قابل دسترس در سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران؛ به آدرس

<https://qavanin.ir/Law/PrintText/292235>.

جاوید، هوشنگ (۱۳۹۳). آشنایی با موسیقی نواحی ایران. تهران: سوره مهر.

حجاریان، محسن (۱۳۹۳). مکتب‌های کهن موسیقی ایران. تهران: گوشه.

حسین‌یزدی، مریم (۱۴۰۲). نقشه‌نگاری فرهنگی (گزارش طرح پژوهشی). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). *بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی*. وب‌گاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. تاریخ مراجعه: ۱۶ بهمن ۱۴۰۲. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24721>.

دانشنامه جهان اسلام (بی‌تا). *بازگشت ادبی*. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵. قابل دسترس در: <https://rch.ac.ir/article/Details/5617>.

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۳). *نقشه مهندسی فرهنگی کشور*; مصوب ۱۳۹۳/۰۸/۲۰. قابل دسترس در وب‌گاه شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ به آدرس <https://sccr.ir/Files/6559.pdf>.

رمضان‌زاده، عبدالله و بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۷). «*هویت ایرانی و چندگانگی قومی*». *مطالعات ملی*، ۹ (۳۳)، ۶۹-۹۵.

زائری، قاسم (۱۴۰۲). *با حضور نمایندگان کمیته: جلسه اول کمیته تدوین سند آمایش فرهنگ برگزار شد*. تاریخ مراجعه: ۱۶ دی ۱۴۰۲. قابل دسترس در: <https://www.ricac.ac.ir/news/4631>.

سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۶). «*داستان‌نویسی معاصر؛ مکتب‌ها و نسل‌هایش*». *اندیشه آزاد* (نشریه کانون نویسندگان ایران)، دوره جدید ۱ (۱)، ۷-۹.

شیری، قهرمان (۱۳۸۲). «*پیش‌درآمدی بر مکتب‌های داستان‌نویسی در ادبیات معاصر ایران*». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ۱۸۹، ۱۴۷-۱۹۰.

صادقی شهپر، رضا (۱۳۹۱). «*حوزه‌های پنج‌گانه اقلیمی‌نویسی در ادبیات داستانی معاصر ایران*». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۱۰ (۴)، ۹۹-۱۲۴.

صدقی، ناصر (۱۳۸۲). «*تقسیم‌بندی سرزمین ایران در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ۵۴-۵۷.

صمدی، مجتبی و احمدی، علی (۱۳۹۶). «*اطلس فرهنگی ایران: مؤلفه‌محوری در پیوست‌نگاری و مهندسی فرهنگی*». *دین و ارتباطات*، ۲ (۵۲)، ۱۳۳-۱۶۵.

عامریان، حمید (۱۳۹۷). *شناخت فرهنگ و اقوام ایران‌زمین*. تهران: جهاد دانشگاهی.

فکوهی، ناصر (۱۳۹۵). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نی.

فیاض، ابراهیم (۱۳۸۷). *ایران آینده؛ به سوی الگویی مردم‌شناختی برای ابرقدرتی ایران*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

محمدی، رامونا و کفاش‌زاده، ابوالفضل (۱۳۹۳). *مکاتب نقاشی و نگارگری ایرانی*. تهران: مؤلف.

مرصوسی، نفیسه، حیدری‌فر، محمدرئوف و پاهکیده، اقبال (۱۳۹۵). «*جغرافیای فرهنگی و تهدیدهای نظام مهندسی فرهنگی در ایران*». *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، ۵ (۸)، ۱۲۶-۱۵۳.

مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). *نزوة القلوب*. قزوین: حدیث امروز.

ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۴۰۱). *مصوبه تدوین سند آمایش فرهنگ*; مصوب ۱۴۰۱/۱۰/۱۹. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳. قابل دسترس در سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران؛ به آدرس: <https://www.qavanin.ir/Law/TreeText/300474>.

مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۸۵). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* (مترجم: علینقی منزوی). تهران: کومش.  
وب‌گاه فرهنگستان هنر (۱۳۸۵). *گذار از مکتب تبریز به مکتب اصفهان*. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۰۷/۱. قابل دسترس در:

<https://honar.ac.ir/index.aspx?&siteid=1&pageid=3132&newsview=2929&keyword>.

وب‌گاه فرهنگستان هنر (۱۳۸۷). *در نشست خبری گردهمایی مکتب شیراز عنوان شد: مکتب شیراز تاریخ فرهنگ و هنر ایران را دگرگون کرد*. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۰۷/۱. قابل دسترس در:

<https://www.honar.ac.ir/index.aspx?pageid=2427&newsview=2442>.

وب‌گاه فرهنگستان هنر (۱۳۸۹). *فراخوان مقاله پیش همایش فرهنگ و هنر قاجار در تبریز*. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۰۷/۱. قابل دسترس در:

<https://www.honar.ac.ir/index.aspx?pageid=3132&newsview=749>

یوسف‌جمالی، محمدکریم، ایمان‌پور، محمدتقی و شهاب‌ادی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). «نقش و جایگاه ساتراپی‌ها در شاهنشاهی هخامنشی». *تاریخ اسلام و ایران*، ۲۳ (۱۸)، ۸۹-۱۰۰.

Ahmadi, A. (2023). *Conceptualization of Cultural Climate* (Research Report). Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication. [In Persian]

Ahmadi Shaporabadi, M. (2009). The Role of Cultural Spatial Planning in Cultural Development Planning, *Journal of Development strategy*, 7(17), 73-88. [In Persian]

Ajand, Y. (1990). The Status of Fictional literature Before and After the Revolution. *Soureh Andisheh*, 2(12), 12-16. [In Persian]

Alam, S. (2019). *Unit-8 Cultural Regions*. India: Indira Gandhi National Open University, New Delhi.

Amanollahi Baharvand. S. (2001). Investigating the Causes of Ethnic Diversity in Iran from an Anthropological Point of View. *Journal of National Studies*, 3(9), 13-34. [In Persian]

Amerian, H. (2017). *Knowing the Culture and Peoples of Iran*. Tehran: Academic Center for Education, Culture, and Research. [In Persian]

Amir Entekhabi, Sh. (2009). Cultural Approach in Regional Planning. *Journal of Research*, 37: 137-195. [In Persian]

Ashna, H. & Roohani, M. R. (2011). Iranian's Cultural Identity: from Theoretical Perspective to Principles. *Journal of Iranian Cultural Research*, 3(4), 157-184. Doi: 10.7508/ijcr.2010.12.007. [In Persian]

Bamdadi, B. (2003). The Azarbayjani Style in the Persian Poetry. *Literary Text Research*, 6(17), 84-102. Doi: 10.22054/ltr.2003.6246. [In Persian]

Baseri, A. & Majidzadeh, R. (2018). *Spatial Planning in the Ministry of Culture and Islamic Guidance*. Tehran: Pooye Mehr Eshragh. [In Persian]

Bazin, M. (1998). Ethnic and Regional Identity in Iran and Central Asia. (Translated by Foroozan Khazraeni). *Geographical Researches*, 51, 33-54. [In Persian]

- Biruni, A. (1983). *Al-Ta'fhim li Awa'il Sana'at al-Tanjim*. Tehran: Babak Publications. [In Persian]
- Blaikie, Norman W. H2009 ). *Designing Social Research: The Logic of Anticipation* (translated by Hasan Chavosian). Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
- Brown, N. (2001). *Friedrich Ratzel, Clark Wissler, and Carl Sauer: Culture Area Research and Mapping*. CA: University of California, Santa Bárbara.
- Creswell, J. W. (2011). *Research Design: Qualitative, Quantitative and Mixed Method Approaches*. CA: Sage.
- Encyclopedia of Islamic World (n.d). *Literary Return*. Retrieved January 1, 2024, from <https://rch.ac.ir/article/Details/5617>. [In Persian]
- Fakuhi, N. (2015). *History of Anthropological Thought and Theories*. Tehran: Ney. [In Persian].
- Fayaz, I. (2008). *Future Iran; Towards an Anthropological Model for Iran's Superpower*. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication. [In Persian]
- Hajarian, M. (2013). *Old Schools of Iranian Music*. Tehran: Gousheh. [In Persian]
- Hasan, A. (2021). *Human Geography: Culture, Society and Space*. Department of Geography Avadh Girls' Degree College (Affiliated to University of Lucknow).
- Herskovits, M. J. (1930). The Culture Areas of Africa. *Africa*, 3 (1), 59-77. Doi: <https://doi.org/10.2307/1155124>.
- Hosseini Yazdi, M. (2023). *Cultural Mapping* (Research Report). Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication. [In Persian]
- Iranian Academy of Arts website (2008). *Transition from Tabriz School to Isfahan School*. Retrieved October 23, 2023. from: <https://honar.ac.ir/index.aspx?&siteid=1&pageid=3132&newsview=2929&keyword>. [In Persian]
- Iranian Academy of Arts website (2008). *In the press conference of Shiraz school gathering, it was stated: Shiraz school changed the history of culture and art of Iran*. Retrieved October 23, 2023. from: <https://www.honar.ac.ir/index.aspx?pageid=2427&newsview=2442>. [In Persian]
- Iranian Academy of Arts Website (2008). *Call for Papers before the Qajar Culture and Art Conference in Tabriz*. Retrieved October 23, 2023. from: <https://www.honar.ac.ir/index.aspx?pageid=3132&newsview=749>. [In Persian]
- Javid, H. (2013). *Getting to Know the Music of Iran's Regions*. Tehran: Surah Mehr. [In Persian]
- Jordan, P. (2005). "The Concept of the Cultural Region and the Importance of Coincidence between Administrative and Cultural Regions". *Romanian Review of Regional Studies*, 1: 13-18.
- Jordan, P. (2012). "Place Names as Ingredients of Space-related Identity." *Oslo Studies in Language*, 4 (2), 117-131.
- Jordan Terry G., & Domosh, M. (1999). *The Human Mosaic: A Thematic Introduction to Cultural Ge-*

- ography. New York: Longman.
- Jordan Terry G., & Domosh, M. (2012). *The Human Mosaic: A Thematic Introduction to Cultural Geography*. New York: Longman.
- Kiki, K. F. S., & Guimarães, D. S. (2022). "Cultural Area as a Guide in the Construction of the Person: The Case of Adjatado of Dogbo in Benin". *Human Arenas* 1-11 .
- Khamenei, S. A. (2012). *Statements at the Meeting of the Members of the Supreme Council of the Cultural Revolution*. The website of the Office of Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Ali Khamenei. Retrieved January 10, 2024, from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24721>.  
**[In Persian]**
- Kroeber, A. L. (1939). *Cultural and natural areas of native North America* (Vol. 38). Univ of California Press.
- Kroeber, A. L. (1963). *Anthropology: Culture Patterns & Processes*. (No Title).
- Kroeber, A. L. (1997). The Culture-area and Age-area Concepts of Clark Wissler. In *Americanist Culture History: Fundamentals of Time, Space, and Form* (pp. 121-138). Boston, MA: Springer US.
- Linton, R. (1936). *The study of man: An introduction*. Appleton-Century.
- Maghdasi, M. (2006). *Ahsan al-Taqasim fi Ma'arif al-Aghalim* (Translator: Alineqi Manzavi). Tehran: Komesh. **[In Persian]**
- Marsousi, N., Heidari Far, M. R., & Pahkideh, E. (2017). Cultural Geography and the Threats of Cultural Engineering Systems of Iran. *Iranian Pattern of Progress*, 4(8), 125-152. Doi: 20.1001.1.23295599.1395.4.8.7.3. **[In Persian]**
- Mohammadi, R. & Kafashzadeh, A. (2013). *Iranian Painting and Drawing Schools*. Tehran: Author.  
**[In Persian]**
- Mostofi, H. (2008). *Nuzhat al-Qulub*. Qazvin: Hadith-e Emrouz. **[In Persian]**
- Newman, J. L. (2007). "The Culture Area Concept in Anthropology". *Journal of Geography*, 70 (1), 8-15.
- Okumagba, O., & Ogege, S. O. (2009). Culture Areas of Nigeria and their Characteristics. *General Studies: Nigerian Peoples, Culture and Entrepreneurial Skills*.
- Papoli Yazdi, M. Seven Climatological Regions. *Geographical Researches*, 63 & 64, 12-61. **[In Persian]**
- Pauls, E. P. (n.d.) *Culture Area; Anthropological Concept*. Retrieved January 20, 2023. from: <https://www.britannica.com/topic/culture-area>.
- Pimia, M K. (2012). *Iranian Architectural Stylistics*. Tehran: Soroush Danesh. **[In Persian]**
- Pourmosavi, S. M., Mirzadeh Kouhshahi, M., & Rahnama Qarakhn Biglou, J. (2008). Political Organization of Cultural and Functional Spaces and Areas in Iran. *Geopolitics Quarterly*, 4(13), 75-101. **[In Persian]**
- Ramezanzadeh, A., & Bahmani Ghajar, M. A. (2008). Iranian Identity and Ethnic Diversity. *National*

*Studies Journal*, 9(33), 69-95. [In Persian]

Sadeqi Shahpar, S (2013). Quintuple Areas of Regional-writing in Contemporary Story Literature of Iran, *Research in Persian Language & Literature*, 10(4), 99-124. [In Persian]

Samadi, M., & Ahmadi, A. (2018). Iranian Cultural Atlas; Central Component in Cultural Engineering and Peivastnegari (Cultural Impact Assessment). *Religion & Communication*, 24(2), 133-165. Doi: 10.30497/rc.2018.2101. [In Persian]

Sedghi, N. (2008). The Division of Iran's land in the Book Ahsan al-Taqasim fi Ma'rafeh al-Akalim. *Book of the Month of History and Geography*, 57-54. [In Persian]

Sepanlo, M A (1997). Contemporary Fiction Writing; His Schools and Generations. *Andisheh Azad (Journal of the Iranian Writers' Association)*, New Period 1 (1), 7-9.

Shiri, Gh (2003). An Introduction to Schools of Fiction Writing in Contemporary Iranian literature. *Tabriz University Faculty of Literature and Human Sciences Journal*, 189: 147-190.

Strong, W. D. (1933). The Plains Culture Area in the Light of Archaeology. *American Anthropologist*, 35(2), 271-287.

UNESCO (1982). *World Conference on Cultural Policies: Final Report*. Retrieved September 20, 2023, from:

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000052505>.

Wissler, C. (1917). *The American Indian: An Introduction to the Anthropology of the New World*. DC McMurtrie.

Wissler, C. (1927). "The Culture-area Concept in Social Anthropology". *American Journal of Sociology*, 32 (6), 881-891.

YousefJamali, M., Imanpour, M. T., & Shahabadi, A. A. (2013). The Role and Position of Satraps in the Achaemenid Empire. *History of Islam and Iran*, 23(18), 89-110. Doi: 10.22051/hii.2014.772. [In Persian]

Zaeri, Q. (2023). *With the Presence of the Representatives of the Committee: The First Meeting of the Committee for the Preparation of the Culture Document Was Held*. Retrieved January 6, 2024, from <https://www.ricac.ac.ir/news/4631>. [In Persian]



## **An introduction to the conceptualization of cultural region with emphasis on the cultural regions of Iran**

*Ali Ahmadi, Scientific Member of culture and civilization Department of the Faculty of Culture and Communication of the Imam Sadiq University. Email: a.ahmadi@isu.ac.ir*

### **Abstract**

Cultural region is very important in regional and country studies; Because one of the necessities of studying culture is to know cultural characteristics, or so-called knowledge of “cultural regions”. Entering the field of cultural regionalization requires explanation and interpretation of different dimensions and aspects of the concept of region. Because this concept is considered to be a pioneer of national macro-planning and strategic policies in the framework of culture. These policies should be presented in accordance with the cultural requirements and environmental capacities of different regions, so that within the framework of observing the principles of culture, it will cause more growth and prosperity of each region and provide the grounds for the development and expansion of spatial justice in the country. This research seeks to answer these questions: What are the concepts and definitions of cultural region? What are the necessity and goals of cultural conditioning? What are the indicators, components and methods in regionology? The answers to these questions have been obtained by documentary method and reference to library resources, the results of which are to achieve some of the most important elements of cultural region, including moods, region personality, historical and geographical capacities, which are formed in the social, cultural and historical context.

### **Key words**

Cultural Region, Spatial Planning Of Culture, Cultural Geography, Cultural Regionology, Iran.





## درآمدی بر مفهوم‌شناسی اقلیم فرهنگی با تأکید بر اقلیم‌بندی فرهنگی ایران

علی احمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

اقلیم فرهنگی در مطالعات ناحیه‌شناسی و کشورشناسی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چراکه یکی از ضروریات آمایش فرهنگ آگاهی از ویژگی‌ها و خصیصه‌های فرهنگی یا به اصطلاح شناخت «اقلیم‌های فرهنگی» است. ورود به حیطه اقلیم‌بندی فرهنگی نیازمند تبیین و تفسیر ابعاد و وجوه مختلف مفهوم اقلیم است. چون این مفهوم در چارچوب آمایش فرهنگ راهگشای برنامه‌ریزی‌های کلان ملی و سیاست‌گذاری‌های راهبردی قلمداد می‌شود. این سیاست‌ها باید متناسب با اقتضائات فرهنگی و ظرفیت‌های محیطی اقلیم‌های مختلف ارائه شود تا در چهارچوب رعایت اصول آمایش فرهنگ، هم باعث رشد و شکوفایی بیشتر هر اقلیم گردد و هم زمینه‌های توسعه و گسترش عدالت فضایی در کشور فراهم آید. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤالات است: مفاهیم و تعاریف اقلیم فرهنگی چیست؟ ضرورت و اهداف اقلیم‌بندی فرهنگی چیست؟ شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و روش‌ها در اقلیم‌بندی کدام‌اند؟ پاسخ به این پرسش‌ها با روش اسنادی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای حاصل شده است که نتایج آن دستیابی به برخی از مهم‌ترین عناصر اقلیم فرهنگی از جمله خلیقات، شخصیت‌شناسی اقلیم، ظرفیت‌های تاریخی و جغرافیایی است که در بافتار اجتماعی و فرهنگی و تاریخی شکل می‌گیرد.

### واژگان کلیدی

اقلیم فرهنگی، آمایش فرهنگ، جغرافیای فرهنگی، اقلیم‌بندی فرهنگی، ایران.



## مقدمه

«اقلیم فرهنگی»<sup>۱</sup> اصطلاحی در متون جغرافیایی و تاریخی است که اندیشمندان قدیم برای معرفی اقلیم گوناگون فرهنگی از آن استفاده می‌کرده‌اند و در منابع جدید دانشگاهی، معادل‌هایی مانند «ناحیه فرهنگی» یا «منطقه فرهنگی» نیز به کار می‌رود. به دلیل خصلت پویایی و سیالی فرهنگ از یک سو که منجر به پخش فرهنگی<sup>۲</sup> در مناطق دیگر می‌شود و لزوم سیاست‌گذاری و آمایش فرهنگ هر یک از اقلیم‌های فرهنگی از سوی دیگر، توجه به اقلیم‌های فرهنگی در قالب یک فضای جغرافیایی همگن و منسجم را ضروری می‌سازد. بسیاری از کشورها، در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان ملی و برای تسهیل در امر مدیریت و توسعه و برنامه‌ریزی و تعادل‌بخشی فضای سرزمینی داخل مرزهای سیاسی، به منطقه‌بندی و آمایش توجه ویژه‌ای دارند. در ایران نیز منطقه‌بندی و آمایش سرزمین جزء اولویت‌های برنامه‌ریزی‌های کلان بوده و باتوجه به ضرورت تدوین آمایش فرهنگ در کشور، سازمان برنامه‌بودجه در برنامه‌های توسعه کشور و در حال حاضر در برنامه هفتم توسعه این مسئولیت را عهده‌دار است. از این رو، سازمان برنامه‌بودجه در چارچوب قانون اساسی و سیاست‌های فرهنگی کشور و نیز دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، این مهم را دنبال می‌کند. سازمان برنامه‌بودجه کشور موظف است با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت گردشگری و میراث فرهنگی نسبت به تدوین «آمایش فرهنگی ایران» بر اساس شاخص‌های ۱. اقلیم‌های فرهنگی ایران؛ ۲. وضعیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی؛ ۳. امکانات کالبدی حوزه‌های دین و فرهنگ و هنر؛ ۴. ظرفیت‌های نامشهود فرهنگی و اجتماعی تاریخی و تمدنی؛ ۵. ظرفیت‌های علمی و آموزشی در حوزه فرهنگ و هنر؛ و ۶. اقتصاد فرهنگ متناسب با مسائل و ظرفیت‌های اولویت‌دار فرهنگی-اجتماعی بومی هر منطقه اقدام نموده و آن را در طراحی راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ای و فرهنگی مدنظر قرار دهند» (شورای فرهنگ عمومی، ۱۴۰۱). نهادهای دیگری مانند شورای فرهنگ عمومی؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی؛ وزارت امور خارجه؛ وزارت کشور؛ مجلس شورای اسلامی در آمایش فرهنگ نقش دارند.

در این نوشتار به چرایی و چیستی و چگونگی اقلیم فرهنگی پرداخته می‌شود. در

1. Cultural Region

2. Cultural Diffusion

بحث چرایی، پس از بیان ضرورت‌ها و اهداف چپستی اقلیم فرهنگی که بر مفاهیم اصلی و پیرامونی تمرکز دارد، مطرح می‌شود. در مبحث چگونگی، روش‌ها و سازوکارهای اجرایی منطبق بر قوانین و اسناد بالادستی توضیح داده می‌شود. باتوجه‌به اینکه تمرکز این مقاله بر مفهوم «اقلیم فرهنگی» است، این مفهوم در چهارچوب تدوین «آمایش فرهنگی ایران» مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجایی که آمایش فرهنگ در کشور نیازمند استفاده از شاخص‌های مختلفی از جمله شاخص «اقلیم‌های فرهنگی ایران» می‌باشد، تبیین و تشریح و تعریف مفهوم اقلیم از ابعاد مختلف لازم است. در این پژوهش به این سؤالات پاسخ داده می‌شود. چرا اقلیم‌بندی فرهنگی ضرورت دارد؟ اهداف این اقلیم‌بندی فرهنگی چیست؟ و مفهوم و تعریف اقلیم فرهنگی چیست؟ جایگاه اقلیم فرهنگی و اقلیم‌بندی فرهنگی در سند چشم‌انداز و اسناد بالادستی چگونه است؟

### پیشینه پژوهش

تقسیم‌بندی مناطق طی زمان با اهداف گوناگون صورت گرفته است. گاهی مبنای این تقسیم‌بندی عوامل طبیعی بوده؛ گاه بر عوامل انسانی یا اجتماعی مبتنی بوده؛ و در مواردی، اقتصاد و توسعه اقتصادی یا نواحی کارکردی مثل ناحیه اداری یا ناحیه برنامه‌ریزی مثل توسعه اجتماعی محور چنین تقسیم‌بندی‌هایی بوده است. بر پایه عوامل انسانی، عناصری مانند دین، مذهب، قومیت، زبان و آداب و رسوم شکل‌گیری مناطق زبانی و قومی و مذهبی را به همراه داشته است. تقسیم کشور به مناطق مختلف به منظور مدیریت مناسب سرزمین، تبدیل نظام تصمیم‌گیری متمرکز به نظام غیرمتمرکز، ایجاد ساختار مناسب اداری، تسهیل در امور برنامه‌ریزی توسعه، کارایی اقتصادی، اداره مطلوب سیاسی و ایجاد تعادل فضایی در کشور بوده و این امر مستلزم شناخت ابعاد مختلفی مانند میزان جمعیت و منابع اقتصادی و رفاه اجتماعی است. مسائل متعدد مربوط به انتخاب مکان‌های مطلوب که اصطلاحاً مکان‌یابی گفته می‌شود و استفاده بهینه از سرزمین و منابع و توزیع فعالیت‌های انسانی متناسب با توانمندی‌های محیطی به پایه‌گذاری دانش جدیدی به نام «آمایش سرزمین» انجامید تا زمینه مطالعات دقیق‌تر مناطق و اقالیم را فراهم آورد.

ابوعبدالله احمد مقدسی (۱۳۸۵) در اواخر قرن چهارم هجری قمری کتابی تحت عنوان *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* نگاشت. این کتاب حاصل سفر وی به نقاط مختلف جهان اسلام (اقلیم عرب و اقلیم عجم) است. او در این سفر اطلاعاتی

جمع‌آوری کرده و جغرافیایی کامل از جهان اسلام با رویکرد فرهنگی ارائه داده و نقطه تمرکز وی «اقالیم فرهنگی» سرزمین‌های مختلف بوده است. ابی‌یعقوب کتاب‌هایی در این زمینه نگاشته که با عناوین دیگری مانند *المسالک و الممالک، البلدان و المعجم* بوده است. این آثار جزء منابع جغرافیایی محسوب می‌شوند و به‌منظور شناساندن اقالیم و نواحی فرهنگی نوشته شده‌اند.

در اینجا به پژوهش‌هایی اشاره می‌شود که مسئله منطقه‌بندی و تقسیمات اقالیم ایران را مد نظر قرار داده و به مفاهیم مشابه یا ملازم پرداخته‌اند.

محمدعلی احمدی شاپورآبادی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان *نگرشی بر آمایش فرهنگی سرزمین و جایگاه آن در برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی و با روش اسنادی* به موضوع آمایش فرهنگی پرداخته است. «در طرح آمایش فرهنگی وجه فرهنگی نیز باید برای استفاده از ظرفیت‌ها و منابع موجود در ابعاد مادی و انسانی مورد توجه قرار گیرد و متناسب‌ترین برنامه‌های فرهنگی برای بخش‌های مختلف کشور با استفاده از امکانات موجود طراحی گردند. شناخت این موضوع از طریق بررسی اسناد مربوط به برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز و ارزیابی نگرش شهروندان نسبت به تغییرات فرهنگی جامعه و به تصویر کشیدن نابرابری‌های فرهنگی، فضایی و اجتماعی و توزیع نابرابر منابع و امکانات و تفاوت در شاخص‌های توسعه فرهنگی - اجتماعی در کشور که ضرورت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش فرهنگی سرزمین را نشان می‌دهد، امکان‌پذیر گردیده است».

اعظمی و دبیری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران» به تقسیم‌بندی سیاسی ایران در دو دوره تاریخی باستان و معاصر پرداخته‌اند. در این پژوهش، عوامل مؤثر در تقسیم‌بندی فضای سرزمین از نظر زمانی به دو دسته تقسیم شده است: ۱. دوره تاریخی که از شکل‌گیری اولین حکومت سرزمینی در ایران، یعنی دوره هخامنشیان، آغاز می‌شود و تا تصویب اولین قانون تقسیمات کشوری ادامه می‌یابد؛ ۲. دوره معاصر که از تصویب این قانون آغاز می‌شود و همچنان ادامه دارد. به نظر می‌رسد در دوره تاریخی وسعت جغرافیایی کشور مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در نحوه تقسیمات کشوری بوده است. این عامل نه تنها یک عامل مؤثر، بلکه علت وجودی شکل‌گیری اندیشه تقسیمات کشوری نیز به حساب می‌آید؛ به طوری که سایر شاخص‌های تقسیمات کشوری در دوره تاریخی در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با آن قرار دارند. در واقع، وسعت جغرافیایی کشور باعث تنوع و تعدد قومی - نژادی،

عوارض طبیعی و نواحی جغرافیایی متعدد، تعدد ایلات و قبایل و شکل‌گیری قلمرویی ایلی در پهنه سرزمین، شکل‌گیری کانون‌های متعدد شهری در کشور، مناطق مرزی و سرحدی وسیع و تقسیم‌بندی سرزمین بر اساس جهات جغرافیایی شده بود. در دوره معاصر نیز، عوامل متعددی الگوی تقسیمات کشوری را تحت تأثیر قرار داده که به‌طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. شاخص‌های رسمی و قانونی (شاخص جمعیت، همگنی جامعه، شاخص دسترسی و فاصله، حوزه نفوذ مکان‌های مرکزی)؛ ۲. عوامل جغرافیایی، سیاسی و امنیتی و راهبردی (شکل حکومت، اقلیت‌های بوم‌شناختی، ویژگی‌های طبیعی، ملاحظات راهبردی)؛ و ۳. عامل غیررسمی (جغرافیای قدرت، جغرافیای حمایت، افراد و گروه‌های بانفوذ). هریک از این عوامل نیز به شاخه‌های دیگری تقسیم می‌شوند. در میان این عوامل، شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی در دوره معاصر بیشترین میزان تأثیر را در الگوی تقسیمات کشوری گذاشته است.

آذرباد (۱۳۹۲) در مقاله «روش‌های نوین ناحیه‌بندی در فضاهای جغرافیایی» روش‌های جدید ناحیه‌بندی فضاهای جغرافیایی را با هدف شفاف‌سازی زوایای پنهان در برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای شرح می‌دهد. تحلیل فضایی با لحاظ دیدگاه غالب مطالعات ناحیه‌ای در همگونی و فشردگی و برابری درونی و تمایز برون‌ناحیه‌ای امکان‌پذیر می‌شود. عموماً، ناحیه‌بندی به‌واسطه شاخص‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی صورت گرفته است؛ اما در این مقاله عوامل ارزشی و هنجاری برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی ناحیه در اولویت قرار گرفته‌اند.

سیدآبادی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان چهارچوبی برای سنجش شاخص‌های عدالت فرهنگی در استان‌ها و مناطق ایران که با روش اسنادی، دلفی و پرسشنامه انجام شده، به ارزیابی عدالت فرهنگی در استان‌های کشور متمرکز شده است. این مقاله با هدف شناسایی، اعتباربخشی و وزن دهی به شاخص‌های عدالت فرهنگی در ایران نگارش شده است و در آن، ضمن اینکه تلاش شده تا مسئله عدالت فرهنگی با کمک نظریه‌های اجتماعی و سیاسی شرح داده شود، با مرور اسناد بالادستی و نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی که به این مسئله پرداخته‌اند، سعی نویسندگان بر آن است که مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای سنجش وضعیت عدالت فرهنگی در استان‌ها و مناطق ایران ارائه شود.

پوراصغر سنگاچین و همکاران (۱۳۹۹) طرحی با عنوان «مطالعات سند ملی آمایش سرزمین، مروری بر تحولات منطقه‌بندی فضایی و سیاسی در ایران» برای مرکز

پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه‌بودجه کشور ارائه کرده‌اند. این طرح پیشینه و مفاهیم آمایش سرزمین، تعریف منطقه‌بندی، قوانین و مقررات ناظر به تقسیمات کشوری و پیشینه منطقه‌بندی فضایی و سیاسی در ایران را در برمی‌گیرد. یکی از مهم‌ترین ارکان برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین برای تمرکززدایی و توسعه فراگیر و همه‌جانبه در پهنه سرزمین تقسیم و پهنه‌بندی کشور به واحدهای سازمانی مشخص است که معمولاً بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قومی، جغرافیایی و بوم‌شناختی و حتی الزامات بین‌المللی (کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها) صورت می‌گیرد. بررسی‌های انجام‌شده در این گزارش نشان می‌دهد که در خلال یک سده اخیر، اغلب تقسیمات کشوری برمبنای توجیهات و ملاحظات سیاسی شکل گرفته است که برمبنای آن استان‌ها و مناطق مختلف طی دوره‌های مختلف شکل گرفته‌اند.

ذوالفقاری و شیرینی (۱۳۹۹) در کتاب **باورهای عامیانه مردم ایران** ادبیات عامیانه مردم ایران را بررسی کرده‌اند. در این کتاب، به شیوه فرهنگ‌نامه‌ای بیش از ۱۱۰۰۰ باور عامیانه و خرافات رایج در نواحی گوناگون ایران در قالب ۶۵۰ مدخل گردآوری شده است. در هریک از مداخل‌ها، نمونه‌های شعر و نثر فارسی مربوط به هر باور ذکر شده‌اند. به علاوه، منطقه جغرافیایی‌ای که خرافه مد نظر در آنجا رایج است نیز ذکر شده که این امر راه را برای مطالعات تاریخ محلی و فرهنگ اقوام هموار می‌کند. همچنین با مقایسه باورهای مناطق گوناگون و بسامد جغرافیایی هر باور، می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی میان اقوام مختلف ایران و گستره باورهای عامیانه و خرافات را از نظر زمانی و مکانی بررسی کرد. باورهای مردم به‌عنوان معیار و مؤلفه تشابهات و تمایزات مد نظر بوده است؛ اما منطقه‌بندی آن‌ها از منظر شاخص‌های فرهنگی و هویتی حائز اهمیت است که در کنار سایر شاخص‌ها و مؤلفه‌های مربوط به اقلیم‌بندی فرهنگی ایران روشمند و کاربردی است.

اقلیم‌بندی از منظرهای مختلفی صورت می‌گیرد و یکی از دلایل این گوناگونی، برداشت سلیقه‌ای از مفهوم اقلیم و مفاهیم نزدیک به آن است. ابهام در مفهوم‌شناسی که گام اول اقلیم‌بندی فرهنگی است، امکان ورود دقیق‌تر به حیطه روش و نظریه را دچار اختلال و سردرگمی می‌کند. به همین دلیل، در تاریخ آمایش سرزمین کشور با تکرر و چندگانگی نواحی فرهنگی مواجهیم. از این رو، تبیین و تدقیق مفهوم اقلیم فرهنگی باعث تسهیل در انتخاب مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای سنجش وضعیت عدالت فرهنگی در اقلیم‌های فرهنگی ایران خواهد شد.

## ادبیات نظری و چهارچوب مفهومی

در علوم جغرافیایی همواره سه عنصر کلیدی «مکان»، «فضا» و «ناحیه» مورد توجه جغرافی دانان برای هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است. در این زمینه، شکل‌گیری و تکوین «برنامه‌ریزی فضایی»<sup>۱</sup>، «آمایش سرزمین»<sup>۲</sup> و «برنامه‌ریزی ناحیه‌ای»<sup>۳</sup> با محوریت سه عنصر یادشده بوده است. سیاست‌ها و برنامه‌هایی که در این رویکردهای جغرافیایی ارائه می‌شوند، در واقع، بر اساس «منطق فضایی» زیست‌بوم یا اقلیمی خاص و در توجیه ضرورت‌ها و اقتضائات محلی و با هدف «آمایش محلی» است. برنامه‌ریزی آمایش به‌صورت مضاف‌های گوناگونی همچون آمایش گردشگری و آمایش جمعیت و آمایش فرهنگ که برحسب ارجحیت نوع فعالیت‌ها یا مؤلفه‌هاست، مطرح می‌شود. آمایش همچنین می‌تواند متناسب با مقیاس جغرافیایی ابعادی وسیع‌تر تا کوچک‌تر را دربرگیرد، مانند آمایش سرزمین، آمایش ناحیه‌ای، آمایش شهری، آمایش روستایی.

ازاین‌رو، نباید در فرایند سیاست‌گذاری اقلیم‌ها به دو نمونه یادشده بی‌توجه بود؛ چراکه هم فعالیت مرجح و هم سطح و ابعاد جغرافیایی از مؤلفه‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری است. همچنان‌که در سیاست‌گذاری فرهنگی مؤلفه‌های «فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی» و «ارزش‌ها و هنجارها» و «نمادهای بومی و محلی» این دو حیطه را پوشش می‌دهند. هدف از سیاست‌گذاری فرهنگی اقلیم‌محور یا بوم‌محور تقویت و ارتقای اقلیم‌های فرهنگی برای ایجاد اقتدار و عزت ملی است. چنین اقتداری با لحاظ «عدالت فرهنگی» و مدیریت نحوه توزیع امکانات و فضاها، فرهنگی و هنری و میزان دسترسی برابر و عادلانه در نواحی کشور به‌دست می‌آید. چنین نگرشی در سیاست‌گذاری منطقه‌محور در چهارچوب آمایشی در نظر گرفته می‌شود.

در اقلیم‌بندی فرهنگی، باید به عناصر فرهنگی اقلیم فرهنگی که مردم را به هم پیوند می‌دهد و هویت آن‌ها را نشان می‌دهد، توجه کرد؛ این بدین معناست که برآیند فرهنگی و معرفتی اشتراکات زبانی، جغرافیایی، تقسیمات سیاسی و اداری و... در اندیشه، فلسفه، ادبیات، هنر و معرفت یک منطقه تجلی می‌یابد و به هویت اقلیم فرهنگی منجر می‌شود. عامل زبان می‌تواند مردم را به قلمروی زندگی خود پیوند زند. مردم با نام‌گذاری مکان‌ها مدعی مالکیت آن‌ها می‌شوند. جاکوتا هاوکس (۱۹۵۱) می‌نویسد: «نام مکان‌ها ازجمله چیزهایی است که انسان را با قلمروی او مرتبط می‌سازد» (به

1. Spatial Planning
2. Land Use Planning
3. Regional Planning

نقل از رلف، ۱۳۸۹: ۲۳). نام‌گذاری نواحی و مکان‌ها، درحقیقت، بخشی از ساختار پایه فضای زیستی است (همان: ۲۳). این عامل به‌همراه عامل جغرافیایی آن در اقلیم‌بندی در ایران مشهود است؛ مثلاً، زاگرس‌نشینان در چند منطقه تقسیم می‌شوند: زاگرس شمالی و زاگرس میانی و زاگرس جنوبی. مثال دیگر در دوره صفویه استان گیلان است که به دو بخش بیه پیش با مرکزیت لاهیجان و بیه پس با مرکزیت رشت تقسیم می‌شده است. این تقسیم‌بندی از طریق سفیدرود که سمت شرق آن را بیه پیش و سمت غرب آن را بیه پس می‌گفتند، انجام شده است.

می‌توان با ناحیه‌شناسی کشور هم به ظرفیت‌ها و هم به مسائل و چالش‌هایی پی برد که نواحی مختلف با آن‌ها مواجه‌اند. بدیهی است وقوف به قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و نیازهای ناحیه‌ای و نیز اشکالات و ضعف‌های آن محمل سیاستی مناسبی در جهت اقدامات لازم خواهد بود؛ بنابراین، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نیازمند شناخت اقتضائات بومی است؛ به‌طوری‌که هرچقدر این شناخت بیشتر و دقیق‌تر باشد، دستیابی به اهداف آسان‌تر و دقیق‌تر خواهد بود.

در برنامه‌های توسعه به ظرفیت‌های جغرافیای فرهنگی کم‌توجهی می‌شود. یکی از دلایل آن سازمان برنامه‌بودجه مربوط است که نگاه اغلب اقتصادمحور به برنامه‌ها دارد و فرهنگ معمولاً در حاشیه باقی می‌ماند. توجه به فرهنگ، یعنی مردم‌محوری و مردمی‌سازی مدیریت کشور. برای قدرتمندتر شدن در حکمرانی مطلوب باید به مقوله فرهنگ و مردم توجه شود؛ بنابراین، برنامه هفتم توسعه را باید با رویکردی مردم‌محوری، یعنی «رویکرد جغرافیای فرهنگی و مردم‌شناسانه» نگاشت.

تفاوت‌ها و تمایزهای مناطق مختلف ایران برنامه‌های آمایش در کشور را ضروری می‌کند. این نوع برنامه‌ریزی بر اساس سه عنصر فضا و فعالیت و انسان انجام می‌گیرد. در زمینه آمایش فرهنگ، استفاده از مطالعات سه حوزه دانشی جغرافیا و تاریخ و فرهنگ ضروری است. به بیان دیگر، تغییر و تحولات مکانی - فضایی برنامه‌ریزی، زمانمندی و توجه به اقتضائات دوره‌های مختلف و سیر تحولات در زیست‌بوم‌ها و عناصر و ابعاد فرهنگ (ذهنی و اجتماعی و مادی) در این پژوهش مورد توجه است. در موضوع «آمایش فرهنگ» سه رکن مکان و فرهنگ و زمان را خواهیم داشت. به تعبیر دیگر، آمایش فرهنگ نیازمند بهره‌گیری از سه حوزه دانشی جغرافیا و تاریخ و فرهنگ است. در مفهوم اقلیم و اقلیم‌بندی فرهنگی از این سه حوزه استفاده می‌شود و فقدان یکی از آن‌ها این مطالعه اقلیم را مختل می‌کند. اهمیت زمان و مکان در روش

مردم‌نگاری نیز دیده می‌شود. در مردم‌نگاری، درهم‌تنیدگی مکانی-فضایی و پیوستار زمانی لحاظ می‌شود؛ بدین معنا که برای تحلیل مسائل جامعه باید آن‌ها را در بستر مکانی-فضایی و با لحاظ ماهیت تاریخی آن بررسی کرد. در شکل‌گیری جغرافیای فرهنگی، سه مؤلفه مکان (جغرافیا) و زمان (تاریخ) و فرهنگ (جغرافیا و تاریخ) نقش اساسی دارند. ادغام مکان و زمان به ایجاد فضا منجر می‌شود. ازاین‌رو، می‌توان فضا را ترکیبی از دگردیسی زمان در مکان دانست که توسط جریان زمان هر لحظه تغییر شکل می‌یابد.

ازسوی دیگر، فرهنگ از سه عنصر بنیادین برخوردار است که بدون هریک از آن‌ها، بی‌معنا می‌شود و به‌نوعی با پایان فرهنگ یا غرق شدن آن در فرهنگ‌های دیگر مواجه می‌شویم. این عناصر عبارت‌اند از: ۱. تاریخی بودن: فرهنگ از مجموعه عناصری برخوردار است که به‌واسطه آن در مسیر و فرایند تاریخی بالنده می‌شود و شکل می‌گیرد و به‌نوعی می‌توان گفت استمرار یک امر مهم‌ترین شاهد فرهنگی بودن آن است. ازاین‌رو، فرهنگ امری تاریخی و زمانمند است که بخشی از آن را می‌توان با عنوان «فرهنگ امروز» توصیف کرد؛ اما بخش مهمی از آن برآمده از مسیر تاریخی جامعه است. ۲. عناصر متمایزکننده: فرهنگ از عناصری متمایزکننده برخوردار است و با اجزایی مانند زبان، جغرافیا، آداب‌ورسوم، ارزش‌های اجتماعی و تفاوت‌های مربوط به سبک زندگی از سایر فرهنگ‌ها متمایز می‌شود. ۳. برجستگی و والایی: فرهنگ محصول مفصل‌بندی و پیوند خوردن عناصر متعددی است که ابعاد والا، خاص و برجسته فرهنگ را می‌سازد و جامعه در پرتو آن، با عناصر فرهنگ‌گره می‌خورد و از هویت و ماهویت برخوردار می‌شود. به‌طور حتم، زبان و زمان دو عنصر مهم آن هستند (عاملی، ۱۳۸۷ ب).

## اقلیم

اقلیم در لغت معادل منطقه، ناحیه، قلمرو و محل (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۶: ۴۲۵) آمده است. اقلیم برگرفته از واژه یونانی klima به‌معنای «گرایش [شیب]» و «میل» بخش‌های گوناگون زمین به آفتاب است (لاکوست، ۱۳۹۱: ۱۲۰). ریشه کلمه «اقلیم» نیز که در فارسی معنای خطه، کشور، قلمرو و «منطقه معین آب‌وهوایی یکسان» را دارد، همین کلمه یونانی است (علیجانی، ۱۳۷۱: ۴). واژه اقلیم نه ریشه ایرانی یا هندی، بلکه ریشه‌ای یونانی دارد که از مصدر یونانی «کلینو» به معنی «خم کردن، کج کردن» مشتق شده است

(پاکتچی، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۸). در **التفهیم** آمده است: مردمان این صناعت قسمت کردند آن را که آبادان است از ربع مسکون به هفت پاره دراز از اول و اقلیم نام کردند و هر یکی از مشرق همی گیرد تا به مغرب موازی با خط استوا را... براین اساس، یک چهارم جهان باستان را «ربع مسکون» می نامند (علیمیرزایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۸). اقلیم به زبان انگلیسی همان Region است و علم آن Regionology یا به زبان عربی «علم الاقلیم» شناخته می شود. این مفهوم معادل مفهوم «ناحیه» یا «منطقه» در جغرافیای فرهنگی است. هر اقلیم شامل تعدادی «بلد» و هر بلد معادل شهرستان و شهرها و روستاهای آن است. اقلیم یا آب و هوا یکی از اصطلاحات پرکاربرد در دانش آب و هواشناسی و برگرفته از کلمه یونانی climate است که در ترجمه عربی به «اقلیم» برگردانده شده است. در اصطلاح کنونی، عبارت است از مجموعه ای از عوامل جوئی که در یک منطقه به مدت طولانی دوام دارد و گاه داده های طی زمان هایی طولانی تر، یعنی در یک سال یا ده سال، در نظر گرفته می شوند (لاکوست، ۱۳۹۱: ۱۲۰). بطلمیوس حدود دو قرن بعد از میلاد، براساس تفاوت حرارت، سرزمین های شناخته شده آن روزگار را به هفت اقلیم تقسیم کرد. از آنجا که تقسیم بندی بطلمیوس بر اساس دایره های مدار است، اقلیم های هفت گانه وی را اقلیم های هندسی نیز نامیده اند (علیجانی، ۱۳۷۱: ۵). در کاربرد ثانوی، این واژه مفهوم ناحیه ای یا منطقه ای از زمین را یافته و بدین ترتیب، به مفهوم خود در ترکیب «هفت کلیما» نزدیک تر شده است. نمونه کهن از کاربرد کلیما به مفهوم ناحیه یا منطقه ای از زمین را می توان در آثار ارسطو، فیلسوف نامدار یونانی سده ۴ ق م، یافت (پاکتچی، ۱۳۸۳: ۱۸).

## فرهنگ

در علوم انسانی کمتر واژه ای را می توان یافت که در معنای آن وفاقی وجود داشته باشد؛ واژه فرهنگ نیز چنین است. این کلمه در اصل به معنای «کشت و کار» و «پرورش جسمی» بوده است. در زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمان مشترک است و از واژه لاتین cultura به معنای کشت کردن گرفته شده است. از قرن شانزدهم میلادی معنای گرایش به رشد طبیعی که در کشت و زرع کاربرد داشت، تعمیم یافت و در مورد فراگرد انسانی نیز به کار برده شد (پهلوان، ۱۳۸۷: ۴۵).

در زبان و ادبیات عرب، «ثقف و ثقافه» به معنای مهارت در تشخیص یا انجام دادن چیزی است؛ به همین علت، به معنی فرهنگ یا تسلط ماهرانه بر چیزی نیز

به کار می‌رود و به علم و فرهنگ ثقافه می‌گویند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۳). بنابراین، ثقافه تربیتی است که شیوه پندار و کردار را متناسب با شرایط زمانی و مکانی رشد و اعتلا می‌بخشد (پورعزت، ۱۳۸۵: ۱۹).

در زبان و ادبیات فارسی کاربرد لفظ «فرهنگ» قدمت دیرینه‌ای دارد. این لفظ از دو بخش «فر» - که پیشاوند است و در فارسی هخامنشی و اوستا به صورت FRA (به معنی پیش) آمده است - و «هنگ» - از ریشه اوستایی تینگ (Ting) به معنی کشیدن و با پیشاوند «آ» که به معنی مقید و نیت متداول است - تشکیل شده و در زبان‌های پهلوی نیز «فرهنگ» بوده است (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

یکی از معروف‌ترین و پذیرفته‌ترین تعاریف فرهنگ از تایلر (۱۸۱۷) است. او می‌گوید: فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است شامل معارف، اعتقادات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی که فرد به‌عنوان عضو جامعه خود می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی بر عهده دارد (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۷).

هاگت، جغرافی‌دان مشهور اروپایی، فرهنگ را چنین تعریف کرده است: «فرهنگ الگوهای رفتار آموخته‌شده انسانی را که در قالب مقاومی شکل می‌گیرد بیان می‌کند و به واسطه آن، ایده‌ها و تصورات از یک نسل به نسل دیگر یا از گروهی به گروه دیگر منتقل می‌شود» (هاگت، ۱۳۷۵: ۱۶). فرهنگ در معنای انتزاعی خود سه کاربرد دارد: ۱. فراگرد رشد فکری و معنوی و زیبایی‌شناسانه؛ ۲. پیدا کردن کاربردی عام یا خاص که معرف روش زندگی معینی است؛ ۳. توصیف آثاری که به‌ویژه فعالیت‌های هنری را هدف می‌گیرند (پهلوان، ۱۳۸۷: ۴۸).

تعاریف بسیار متعدد و فراوانی از فرهنگ وجود دارد و نمی‌توان تعریف واحدی از این مفهوم ارائه کرد. به باور زمر، باوجود همه اختلاف‌نظرها در حوزه بررسی‌های فرهنگی، در سه مورد اتفاق نظر وجود دارد:

۱. فرهنگ چیزی عینی و ازپیش موجود و ساختی یکپارچه نیست؛

۲. فقط تجلیات فرهنگ را می‌توان مشاهده کرد نه خود آن را؛

۳. باید به تمایز سه بُعد مادی و اجتماعی و ذهنی توجه کرد.

طبق نظر زمر، فرهنگ سه بُعد دارد: ذهنی، اجتماعی و مادی. بُعد مادی فرهنگ، یعنی آن قسمت از فرهنگ که می‌توان مشاهده کرد، مانند هنر، نمایش فیلم، مصنوعات و معماری. بُعد اجتماعی فرهنگ جامعه و نهادهایش را شامل می‌شود. بُعد ذهنی

فرهنگ نیز به اعتقادات، باورهای مذهبی و سیاسی، ارزش‌ها و هنجارها مربوط می‌شود. میان این سه بُعد پیوستگی وجود دارد؛ مثلاً، باورها و اعتقادات مذهبی در معماری مذهبی و مقدس بازتاب پیدا می‌کند (پهلوان، ۱۳۸۷: ۸۸ - ۹۱). تقسیم فرهنگ به دو نوع مادی و غیرمادی یک طبقه‌بندی قدیمی است. فرهنگ مادی دربرگیرنده آن عناصری از فرهنگ است که حالت شیء دارند و وسایل حمل و نقل، مسکن، ابزارها، لباس و نظایر آن را شامل می‌شود. در مقابل، مظاهر فرهنگ غیرمادی (یا معنوی) فاقد تظاهر خارجی مستقیم هستند، مانند ایدئولوژی، مذهب، فلسفه، اعتقادات، باورها و ارزش‌های اجتماعی (محسنی، ۱۳۸۶: ۴۲).

بر اساس تعاریف، موضوع «فرهنگ» را باید جزء مفاهیم گسترده‌ای دانست که ابعاد گوناگون زندگی انسان را درگیر خود کرده و در لایه‌های آشکار و پنهان زندگی گروه‌های انسانی جای گرفته است. فرهنگ مهم‌ترین مؤلفه تمایزبخش حیات انسانی از غیرانسانی است. بدیهی است که همه جوامع انسانی دارای فرهنگ و از این طریق دارای هویت هستند؛ لیکن میزان بهره‌مندی و اینکه فرهنگ آن‌ها پیشرو است یا پیرو، خود، مبحث دیگری است.

## اقلیم فرهنگی

نتایج پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که «اقلیم» و «ناحیه» (منطقه) را با تسامح می‌توان به جای هم استفاده کرد؛ اما طبق نظریه‌های مربوط به جغرافیای سیاسی، مفهوم ناحیه برآمده از نظریات سیاسی است و بار سیاسی به خود می‌گیرد. از این رو، در تقسیمات سیاسی و مرزبندی‌های اداری کشور که در وزارت کشور انجام می‌شود، واژه ناحیه به کار می‌رود.

اقلیم فرهنگی حاصل تعامل سه حوزه تاریخ و جغرافیا و فرهنگ و برخاسته از شرایط تاریخی و جغرافیایی یک اقلیم است. این شرایط تاریخی و جغرافیایی در بلندمدت رسوب کرده و بر اثر کلان‌روندهایی به وجود آمده که در درازمدت بر آن اقلیم مسلط بوده است. در واقع، فراتر از تغییرات لحظه‌ای و کوتاه‌مدت که آثار آن موقت است، در اقلیم فرهنگی ما با شرایط تاریخی و جغرافیایی عمیق و ماندگار مواجهیم که در دوره‌های زمانی برند فرهنگی آن اقلیم شده است. یکی از شاخص‌های تعیین‌کننده یک ناحیه یا منطقه توجه به ویژگی‌های غالب بلندمدت است که در شناسایی و طبقه‌بندی اقلیم‌ها کاربرد دارد؛ بنابراین، حکم‌فرمایی و استمرار طولانی مدت یک

پدیده در یک منطقه را که آهسته و پیوسته در زمان و مکان اتفاق می‌افتد اقلیم می‌گویند. گستره جغرافیایی اقلیم وسیع است. حال، اگر نیروهای فرهنگ و عناصر فرهنگی در یک فضای جغرافیایی با لحاظ خصوصیات مذکور وجود داشته باشد، اقلیم فرهنگی شکل می‌گیرد. برخی از مهم‌ترین عناصر عبارت‌اند از: خلیقات، شخصیت‌شناسی، ظرفیت‌های تاریخی و جغرافیایی؛ بنابراین، در اقلیم به ساختارهایی توجه می‌شود که در بافتاری اجتماعی و فرهنگی و تاریخی در درازمدت شکل می‌گیرد.

در میان مفاهیم و سنت‌های جغرافیایی ایران که اعراب گرفته‌اند، مهم‌تر از همه تصور هفت کشور یا هفت اقلیم است که طبق آن زمین به هفت دایره هندسی مساوی تقسیم شده که هر کدام یک کشور یا یک اقلیم است. دایره چهارم ایران شهر نام دارد و در قسمت مرکزی ایران شهر «سواد» قرار گرفته است و شش کشور یا اقلیم دیگر گرداگرد آن واقع‌اند (مقبول، ۱۳۴۶، ۹۲)؛ اما مسلمانان تصور می‌کردند که زمین پیوسته تحت تأثیر کوه افسانه‌ای قاف است و هفت اقلیم زمینی تصاویری است از آنچه در آسمان است و در واقع، برابر با هفت آسمان است. در علم نجوم، برای آن تعبیر دیگری بیان شده است و هر اقلیم همانند یکی از سیارات و یکی از بروج منطقه البروج است و اقلیم قرینه‌های زمینی هفت آسمان هستند. این عقیده نزد بابلیان و یونانیان نیز معروف بوده است.

## اقلیم فرهنگی و جغرافیا

جغرافی‌دانان فرهنگی معتقدند که کلیت و صورت فرهنگ نمی‌تواند بدون مراجعه به محیطی که در آن شکل گرفته کامل درک شود. جغرافی‌دانان فرهنگی تجزیه و تحلیل زمینی همچون مطالعات آب‌وهوا، گیاهان، خاک و زندگی حیوانی را در مطالعات خود وارد می‌کنند؛ زیرا این عوامل بر فرهنگ اثر می‌گذارد و به تشریح و تفسیر الگوهای فرهنگی کمک می‌کند (Pitzl, 2004: 43). همچنین، فرهنگ شیوه‌هایی را دربرمی‌گیرد که مردم فضا و مکان و محیط را درک می‌کنند و نشان می‌دهند چگونه آن‌ها را در هنر و رسوم و رسانه‌ها نمایش می‌دهند (شورمر اسمیت، ۱۳۹۲: ۲۸).

در مقابل، فرهنگ و شیوه زندگی نیز مکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. انسان با فرهنگ خویش به مکان روح و جان می‌بخشد؛ به طوری که «انسان منابع طبیعی سیاره زمین را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد تا در برابر سیاره فیزیکی یک سیاره فرهنگی خلق کند» (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۰). مکان تحت تأثیر فرهنگ و اجزا و عناصر آن، مانند

اعتقادات دینی، هنر، فناوری، ارزش‌ها، سیاست و اقتصاد، ساخته می‌شود. اینکه انسان خانه را از چه مصالحی بسازد، در قسمت‌های گوناگون آن، چه نمادهایی به کار ببرد، اعتقادات و ارزش‌های خود را چگونه در کالبد و فضای درون آن به کار گیرد و از چه هنرهایی برای تزئین فضای داخلی یا بیرونی آن استفاده کند نمونه‌ای از اثر فرهنگ بر مکان است. جغرافی‌دانان فرهنگی فرهنگ را از راه‌های متعددی مطالعه می‌کنند: تقسیم جهان به مناطق عمده فرهنگی، بررسی توسعه فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها، ترسیم نقشه نواحی کانونی و مرکز و پیرامونی یا حاشیه فرهنگ‌ها و مطالعه نواحی گسسته فرهنگ به مثابه جزایر فرهنگ (Sills, 1968: 129-130). مجموعه بی‌شماری از فرهنگ‌ها، به صورت موزاییک نواحی کوچک و بزرگ فرهنگی، جهان خاکی را پوشانده است. دگرگونی فرهنگ‌ها نسبت به همدیگر یکی دیگر از ابعاد تغییر فرهنگی است. این تغییر در طول تاریخ بیشترین و مهم‌ترین نقش را در تغییر ساختار فرهنگی جهان و نواحی فرهنگی جهان ایفا کرده است. امروزه، این دگرگونی فرهنگی به حد فراتر از انتظار رسیده و با حیطه وسیع و سرعت عمل آن هر فرهنگی را در مقیاس‌های کوچک و بزرگ و در ابعاد و مؤلفه‌ها و خصیصه‌های مختلف متأثر کرده و استحاله و از خود بیگانگی فرهنگی را به همراه دارد. هر فرهنگی در محیط متولد می‌شود و به تدریج از طریق کنش متقابل مداوم برای سازگاری، پیوند استوارتری با محیط می‌یابد. این پیوند امری همیشگی است و اگرچه شاید با فرازونشیب‌های بسیاری روبه‌رو شود، هیچ‌گاه از بین نخواهد رفت.

حوزه‌های فرهنگی، به تبع فرهنگ‌ها، در حال تغییر، جابه‌جایی، توسعه و نفوذ در حوزه‌های فرهنگی دیگر یا در حال عقب‌نشینی و افول هستند. مینینگ، در زمینه جابه‌جایی فرهنگ‌ها، مدل نفوذ مبتنی بر گسترش ناحیه فرهنگی به صورت پوسته‌های نامنظم حلقوی از کانون به طرف پیرامون را ارائه داد. این مدل چگونگی گسترش فرهنگ‌های قدیمی را تحلیل می‌کند. تلاش در زمینه مطالعات مذکور به شکل‌گیری مدل انتشار فرهنگ‌ها انجامید که با طرح اولیه هاگراستراند و تلاش‌های تکمیلی جغرافی‌دانان سوئدی ارائه شد. این مدل برای تفسیر شیوه گسترش فرهنگ‌ها در دنیای کنونی قابلیت بیشتری دارد.

هر ناحیه فرهنگی متشکل است از مرکز، نواحی کانونی، نواحی پیرامون فرهنگی و... و هر بخش پایداری خاصی در تغییر و فرهنگ‌پذیری دارد. از کانون به طرف خارج، به تدریج فرهنگ ناحیه با فرهنگ‌های مجاور امتزاج بیشتری می‌یابد و در نهایت، به

فرهنگ حاشیه تبدیل می‌شود. گاهی، فرهنگی، اضافه بر محدوده جغرافیایی خود، محدوده‌ای را به‌عنوان حوزه نفوذ فرهنگی به خود اختصاص می‌دهد.

## ناحیه فرهنگی

جغرافی‌دانان فرهنگی معتقدند کلیت و صورت فرهنگ نمی‌تواند بدون مراجعه به محیطی کاملاً درک شود که در آن شکل گرفته است. آنان به تجزیه و تحلیل‌های زمینی همچون مطالعات آب‌وهوا، گیاهان، خاک و زندگی حیوانی می‌پردازند و این‌ها را در مطالعات خود وارد می‌کنند؛ زیرا، این عوامل بر فرهنگ اثر می‌گذارند و به تشریح الگوهای فرهنگی کمک می‌کنند (Pitzl, 2004: 43).

بنابراین، جغرافیای فرهنگی ناظر به حضور فرهنگ در سرزمین‌های گوناگون است. از نظرگاه جغرافیا، تنوع فرهنگی و موزائیک فرهنگی از جلوه‌گاه «نواحی فرهنگی» حکایت دارد.

میان مردم‌شناسان مرسوم است که منطقه جغرافیایی تخصص خود را مشخص کنند. مثلاً، جنوب شرق آسیا، افریقای جنوب صحرا، امریکای مرکزی یا واحدهای کوچک اجتماعی، مثل قبیله مشخص و با تعیین دوره‌های زمانی مثل دوره باستان (داگلاس، ۱۳۷۳: ۸-۹). جغرافی‌دان فرهنگی نیز می‌تواند مطالعات خود را بر مردم یک ناحیه و اقلیمی مشخص و با تعیین محدوده زمانی مشخص متمرکز کند. در کتب تاریخی همواره می‌توانیم مباحث مربوط به ملت‌ها، قومیت‌ها، عادات، آداب و رسوم و... را مشاهده کنیم.

ناحیه فرهنگی دارای مؤلفه‌های فرهنگی و جغرافیایی و حیثیت مکانی-فضایی و زمانی است. نواحی فرهنگی طی دوره‌های زمانی مختلف شکل گرفته‌اند و محتوا و کالبد فیزیکی و انسانی آن‌ها یک ناحیه را شکل داده‌اند؛ بنابراین، هویت و اعتبار فرهنگی یک ناحیه متأثر از مؤلفه‌های فرهنگی و تاریخی و جغرافیایی است. فرهنگ و عناصر آن به‌مثابه محتوای آن، سرزمین و قلمروی جغرافیایی آن به‌عنوان بستر فیزیکی و قلمروی آن و زمان و رویدادهای تاریخی-اجتماعی آن به‌عنوان بُعد زمانی آن؛ تعامل این سه بدین‌گونه است که فرهنگ در کالبد زمین و مکان تجسد و تجلی یافته و طی دوره‌های زمانی در آن کالبد رسوب کرده است. روح فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی به ناحیه فرهنگی دمیده می‌شود و به آن هویت می‌بخشد و درنهایت، به‌عنوان یک شخصیت در میان نواحی دیگر معرفی می‌شود. حال اگر ارزش‌های فرهنگی و عناصر

مشترک فرهنگی (اسلامی و ایرانی) در نواحی متجلی باشد، هم‌گرایی را به‌رغم وجود تنوع نواحی فرهنگی می‌بینیم و مشترکات اتحاد نواحی را به همراه دارد. جغرافی‌دانان فرهنگی اغلب در تلاش‌اند تا محدوده نواحی فرهنگی را با استفاده از مجموعه‌ای از خصایص معرف یک فرهنگ تعیین کنند. اصطلاح منطقه فرهنگی اکثر اوقات به چنین نواحی‌ای اطلاق می‌شود. به‌سبب پیچیدگی ویژگی‌ها، مناطق فرهنگی اغلب، در مقایسه با نواحی فرهنگی رسمی، به‌طور اختیاری محدود می‌شوند. این مناطق اغلب، به‌عوض تکیه بر حقایق مهم و پیچیده، بر درک مستقیم و عینی جغرافی‌دان از منطقه بنیان نهاده شده‌اند (جردن و راونتري، ۱۳۸۰: ۱۷). ناحیه فرهنگی فضایی است که در آن نوعی همگنی در ویژگی‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی وجود دارد و این فضا از طریق این همگنی به یک محدوده جغرافیایی خاص از محیط‌های مجاور مجزا و به یک ناحیه فرهنگی تبدیل شده است (نوری، ۱۳۷۹: ۳۹۵). ناحیه یا پهنه فرهنگی نواحی جغرافیایی هستند که در آن‌ها الگوهای فرهنگی مشخص‌اند. این امر ممکن است به‌واسطه پیوستگی مکرر مختصات فرهنگی باشد؛ اما معمولاً به‌سبب شیوه یا شیوه‌هایی است که فرهنگ برای بقا در محیط مخصوص به خود در پیش می‌گیرد (جلالی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۴۶).

طبق تعاریف و توضیحات مذکور، ناحیه فرهنگی دارای ویژگی‌های فرهنگی متجانس و یکدست است و بدین طریق، از نواحی مجاور متمایز می‌شود. ناحیه فرهنگی مفهومی کلیدی در جغرافیای فرهنگی است که مرزهای آن الزاماً بر مرزهای سیاسی یا جغرافیایی منطبق نیست؛ بنابراین، ممکن است یک استان شامل دو یا چند ناحیه فرهنگی باشد یا چند استان در ناحیه فرهنگی یکسانی قرار بگیرند.

## زیست‌بوم فرهنگی

مفهوم دیگر در ارتباط با مفهوم اقلیم، زیست‌بوم است که در آن به بازیگران و کنشگران زیست‌بوم و روابط آن‌ها با محیط اشاره دارد. این همان تعریف سنتی از جغرافیا، یعنی رابطه انسان و محیط، است. اگر زیست‌بوم طبیعی مد نظر باشد، اصطلاحاً از مفهوم «باشندگان» آن محیط استفاده می‌شود؛ اما اگر مقصود زیست‌بوم انسانی باشد، در این زیست‌بوم با رویکرد کل‌نگرانه بر همه موجودات گیاهی، حیوانی و انسانی و روابط و زنجیره میان عناصر طبیعی و زیستی با عناصر انسانی و زندگی انسان تأکید می‌شود. اگر گفته می‌شود زیست‌بوم فرهنگی خراسان؛ یعنی همه بازیگران این زیست‌بوم

و روابط نهادها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و دستگاه‌های دولتی و مؤسسات اقتصادی و... و نسبت میان آن‌ها. این عناصر در زیست‌بوم تغییر می‌یابد و ممکن است تا حد نیستی و نابودی یک عنصر طبیعی، مثلاً یک گونه حیوانی، هم پیش برود؛ اما در اقلیم، این موضوع از ثبات بیشتری برخوردار است. زیست‌بوم بر اقلیم مبتنی است و سیاست‌گذاری باید بر اساس زیست‌بوم باشد؛ به طوری که زیست‌بوم ذیل اقلیم قرار می‌گیرد. در جمهوری اسلامی ایران «سند زیست‌بوم» با همین رویکرد نوشته شده است.

سند زیست‌بوم فرهنگی سندی بنیادین در سیاست‌گذاری فرهنگی است که مهم‌ترین منابع و مسائل فرهنگی یک ناحیه فرهنگی را، با هدف فراهم آوردن زمینه آبادانی و بر محور اقتضائات ادراک‌شده توسط جامعه محلی، تشریح می‌کند.

## حوزه فرهنگی

مجموعه فضایی است که بیانگر سلسله‌مراتب کمی جغرافیایی گوناگونی است که می‌توان آن را قلمروی توسعه فضایی بخشی از گونه‌ها، پاره‌ای از ویژگی‌های فرهنگی یا برخی پدیده‌ها به حساب آورد، مثل حوزه انتشار یک زبان یا حوزه‌های فرهنگی جهان اسلام (لاکوست، ۱۳۹۱: ۳۴)، مثل حوزه شام، حوزه فارس، حوزه حجاز. مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی میان بسیاری از جوامع مشترک است و این مجموعه‌های فرهنگی با دیگر مجموعه‌ها دارای وجه تمایز نیز هستند. به عبارت دیگر، بعضی از اقوام و جوامع که در نزدیکی هم زندگی کرده‌اند، به تدریج از مجموعه عناصر فرهنگی واحدی برخوردار می‌شوند که عموماً از کانون فرهنگی مشترک به پیرامون آن اشاعه یافته است. این مجموعه را حوزه فرهنگی نام نهاده‌اند.

برخی از متفکران حوزه فرهنگی را در مقیاس کوچک‌تر در نظر می‌گیرند و آن را درون یک سرزمین و کشور قرار می‌دهند. زمانی که کشورها تنوع و تکثر فرهنگی دارند، ممکن است دو منطقه در یک سرزمین، با اینکه فرهنگ کاملاً مشابهی ندارند، نقاط مشترک و ترکیب‌های فرهنگی مشابه فراوانی بین آن‌ها وجود داشته باشد. این تشابه و همسانی درباره مناطق همسایه‌ای که امکان اقتباس فراوانی از یکدیگر دارند، گاه به حدی است که می‌توان مرز آن مناطق را نادیده گرفت. به عبارت دیگر، مناطقی را که دارای ترکیب‌های فرهنگی مشابه باشند، حوزه فرهنگی می‌گویند (نوربخش، ۱۳۸۷: ۷۲). بنابراین، حوزه فرهنگی عبارت است از دو یا چند ناحیه

فرهنگی - متشکل از زیرناحیه‌های فرهنگی آن‌ها - که به سبب عناصر فرهنگی مشابه در مجاورت فیزیکی و معنوی هم قرار دارند.

در مقیاس بزرگ‌تر و با لحاظ مؤلفه‌های کلان، حوزه فرهنگی گستره جغرافیایی وسیع‌تری را در برمی‌گیرد. از این منظر، می‌توان گفت که حوزه‌های فرهنگی مختلفی روی کره زمین شناسایی و گروه‌بندی شده است؛ همچنان که در دوره‌های مختلف تاریخی تمام یا بخشی از کشورهای افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، نواحی کردنشین عراق، ترکیه، سوریه و پاکستان جزء حوزه تمدن ایرانی محسوب می‌شده‌اند. با این رویکرد، مفهوم حوزه به معنای ویژگی‌های مشترک و خویشاوند بین دو یا چند فرهنگ است که به شکل گیری حوزه فرهنگی تمدنی می‌انجامد.

### بومی‌نگری در اقلیم‌بندی فرهنگی ایران

پارادایم‌های گوناگونی در عرصه آمایش سرزمین وجود دارد که کشورهای جهان هریک به تناسب شرایط و اقتضائات خود آن‌ها را برگزیده‌اند و اجرایی کرده‌اند. بنیان‌های فلسفی و زمینه‌های تکنیکی برنامه‌ریزی منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با جهان توسعه یافته متفاوت است. در جمهوری اسلامی ایران، عدالت فضایی، توزیع متناسب امکانات و خدمات، توجه به بنیان‌های فرهنگی و زیرساخت‌های اقتصادی، رفع شکاف میان مناطق و... در سیاست‌های کلان دیده می‌شود؛ هرچند این سیاست‌ها با ضعف برنامه‌های عملیاتی و اجرایی مواجه است و همچنان توجه جدی به برنامه‌ریزی‌ها لازم است. به لحاظ نظری، اصول اعتقادی محور تمام سیاست‌ها و برنامه‌های کشور است که در برنامه‌های توسعه کشور مورد توجه قرار می‌گیرد.

پارادایم‌ها و نظریه‌های مرتبط با اقلیم‌بندی و آمایش در اینجا آمده است.

جدول ۱. پارادایم‌ها و نظریه‌های مرتبط با اقلیم‌بندی و آمایش (منبع: نگارنده)

پارادایم	هدف	تیین
برنامه‌ریزی ناحیه‌ای	زیست منطقه	نبود تعادل زیست منطقه به سبب نبود تعادل جمعیتی و فقدان تعادل در ظرفیت تولیدی هر زیست منطقه است.
توسعه	توسعه پایدار	نیازهای نسل کنونی بدون آسیب رساندن به منابع طبیعی که حیات نسل‌های آینده بدان وابسته است، تأمین شود.
مدیریت سرزمینی	تمرکززدایی	توجه به مقوله آمایش سرزمین با رویکرد آمایشی

تیین	هدف	پارادایم
توجه به طرح‌های کالبدی در مراکز جمعیتی به‌ویژه شهرهای بزرگ	توسعه کالبدی	برنامه‌ریزی کالبدی
تنظیم و سامان‌دهی و مدیریت کاربری‌های مختلف شهری و تعادل بخشی به آن‌ها	کاربری اراضی	برنامه‌ریزی شهری و منطقه شهری
توجه عادلانه به مناطق مختلف و دسترسی برابر به امکانات و خدمات	عدالت و برابری	عدالت اجتماعی و فضایی

در سال‌های اخیر، در شورای فرهنگ عمومی این موضوع مطرح شده است که مسائل و چالش‌ها و ظرفیت‌های محلی هر زیست‌بوم یا اقلیم به خود همان اقلیم واگذار شود. بر اساس این دغدغه، «سند زیست‌بوم» نوشته شده است؛ هرچند این امر تحقق پیدا نکرد و اجرایی نشد. چون هم‌زمان با این طرح، ایده بدیل دیگری در شورای عالی انقلاب فرهنگی با عنوان «برش استانی نقشه مهندسی فرهنگی کشور» پیگیری و برای هر استانی مجزا نوشته می‌شد؛ اما ممکن بود به تعارض این دو طرح بینجامد.

طرح دیگری که مشابه طرح زیست‌بوم ارائه شد «نقشه تحول حوزه هنری استان‌ها» بود. این طرح نیز، همانند سند زیست‌بوم، در زمینه چالش‌ها و فرصت‌های هنری استان‌ها تهیه گردید. طرح مزبور در حال تدوین در استان‌هاست و سند پشتیبان آن نیز سند زیست‌بوم هر استان است.

دستگاه‌هایی که این طرح را پیگیری می‌کنند عبارت‌اند از شورای عالی انقلاب فرهنگی با طرح «برش استانی نقشه مهندسی فرهنگی کشور» و شورای فرهنگ عمومی با طرح «سند زیست‌بوم» که در آن بر رویکرد «زیست‌بوم‌گرایی» تأکید شده است. حوزه هنری استان‌ها نیز طرح «نقشه تحول حوزه هنری استان‌ها» را بر عهده گرفته است. آخرین فعالیت‌ها در این حیطه به تهیه طرح «آمایش فرهنگ» کشور مربوط می‌شود که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در حال تهیه است. از آنجاکه در طرح‌های آمایش سرزمین به بخش‌های اجتماعی و فرهنگی کشور کم‌توجهی شده بود، لازم بود طرحی با در نظر گرفتن ابعاد مذکور تهیه شود که ویژگی‌های فرهنگی اقلیم‌های مختلف کشور را در نظر بگیرد. باتوجه به جدول ۲، پنج مؤلفه اصلی در هویت اسلامی ایرانی تشخیص داده شده که هر یک به مؤلفه‌های خردتر تقسیم می‌شود:

۱. دیانت (دین و مذهب)؛ ۲. زبان ملی و بومی؛ ۳. تاریخ (میراث مادی و معنوی)؛ ۴. جغرافیای فرهنگی (قومیت‌ها و اقلیت‌ها)؛ و ۵. نظام اجتماعی-فرهنگی (نظام آموزشی،

نظام زن و خانواده، نظام اقتصادی، نظام حقوقی و سیاسی (حکومت)، نظام فرهنگی).

جدول ۲. مؤلفه‌های مهم هریک از شاخصه‌های هویتی

مؤلفه‌ها	شاخصه‌ها
باورها و ارزش‌ها	دیانت
دین	
مذهب	
نوشتاری	زبان ملی
گفتاری	
میراث مادی	تاریخ فرهنگی
میراث معنوی	
قومیت، زبان، محیط طبیعی، نوع معیشت و شیوه زندگی	جغرافیای فرهنگی
نظام آموزشی، نظام زن و خانواده، نظام اقتصادی، نظام حقوقی و سیاسی (حکومت)، نظام فرهنگی	نظام اجتماعی فرهنگی

ایران اسلامی نه تنها در داخل مرزهای خود هویت مشترکی دارد و اقوام و قومیت‌ها را به دور محورهای اصلی هویت ایرانی جمع کرده است؛ بلکه در خارج از مرزهای جغرافیایی خود این اشتراکات نیز دیده می‌شود. به سختی می‌توان بین موضوع‌های ایرانی و هندی و حتی موضوع‌های شرقی ترکیه مرزی قائل شد. اگر برخی از عناصر فولکلور ایران را بین‌المللی بنامیم اغراق نکرده‌ایم؛ چراکه آمیزه‌ای از این عناصر را می‌توان در مناطق مختلف مشاهده کرد. اختلاط و امتزاج ملت‌ها در آسیای میانه به حدی است که در این مناطق کمتر آداب و رسوم یا موضوعی را می‌توان یافت که از عناصر ابتدایی و اولیه فولکلور ساکنان ایران زمین متأثر نشده باشد. این عناصر معمولاً به مناطق شرقی ترکیه نیز انتقال یافته‌اند (سپیک، ۱۳۸۴: ۷).

دوره صفویه با تلفیق سه عنصر مهم هویت‌ساز، یعنی مذهب و اسطوره و سرزمین، پایه‌گذار عصر جدیدی در فرایند هویت‌یابی ایرانیان به شمار می‌آید. دوره قاجاریه سرآغاز مداخله همه‌جانبه اروپاییان در جهان ایرانی و تأثیر عمیق آن بر هویت ایرانی است. مؤلفه‌های فرهنگی در تکوین هویت فرهنگی ایرانیان عبارت‌اند از: مدارای دینی، دین‌مداری، مهمان‌نوازی، علم‌آموزی، شعردوستی، دل‌بستگی به مؤلفه‌های هویت ایرانی، مرجعیت روحانیت در بین مردم و رواج فرهنگ عفاف در میان توده‌ها (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۱).

زبان مشترک مانند پرچم مشترک عامل یکپارچگی ملت است. زبان عامل

یکپارچگی و مفاهمه و قرابت فرهنگی ملت به شمار می‌آید؛ همچنان‌که زبان فارسی در ایران این انسجام را در کل مناطق فرهنگی فراهم آورده است. تمدن ایرانی بدون زبان فارسی متصور نیست. این بدان معناست که مشاهیر و متفکران ایرانی در اقلیم‌های مختلف این سرزمین با زبان فارسی به یکدیگر پیوند می‌خورند. ایرانیان با شاهنامه به اصالت ایرانی خود می‌بالند و با مثنوی معنوی عرفان و معنویت را فهم می‌کنند و با آثار نظامی گنجوی اسطوره‌های ایرانی را تصور می‌کنند و با غزل حافظ نوای قرآنی را گوش می‌دهند. این نام‌آوران چیزی جز انسجام و وحدت ایران‌زمین نسروده‌اند و در جای‌جای اقلیم‌های ایران، فرهنگ و تاریخ و تمدن این سرزمین را ساخته‌اند.

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای کنگره شهدای نیشابور و سبزوار به بحث اقلیم‌های فرهنگی اشاره کرده است: «نیشابور و سبزوار دو گنجینه‌اند؛ گنجینه تاریخ اسلام و تمدن اسلامی ما و تمدن ایرانی ما. دو گنجینه‌اند که باید حفظ بشوند، بایستی معرفی بشوند. حالا در گزارش‌های آقایان بود که دانشنامه این شهرها تهیه شود؛ بله [باید] تهیه شود، شناخته شود. جوان نیشابوری، جوان سبزواری [باید] بدانند که وارث چه حقایقی، چه زیبایی‌هایی، چه شکوه و عظمتی از لحاظ معنوی، از لحاظ علمی، از لحاظ تاریخی است؛ این را جوان‌های ما باید بدانند تا احساس هویت کنند، احساس شخصیت کنند. این جور نیست که ما به چشم دو آبادی قدیمی یا دو شهر قدیمی و تاریخی به این‌ها نگاه کنیم؛ نه این‌ها - هم نیشابور، هم سبزوار - دو راوی صادق و عینی تمدن اسلامی ما هستند؛ راوی تمدن‌اند، راوی فرهنگ‌اند. آن‌هم نه راوی زبانی؛ راوی عینی، راوی محسوس و مشهود».

مقام معظم رهبری بر جغرافیای معرفتی و تمدنی نواحی ایران تأکید کردند و فرمودند که این درخشش فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی در شهرهای اثرگذار مثل نیشابور و سبزوار کاملاً مشهود است. دوره‌های تاریخی و اثرگذاری‌های فرهنگی و تمدنی در این شهرها به دست شخصیت‌های علمی و مذهبی تکوین و بسط یافته است. در شهرهای اصفهان و شیراز و تبریز هم این‌گونه است و این شخصیت‌ها در جغرافیای معرفتی ایران می‌درخشند.

بنابراین، تاریخ و فرهنگ اقلیم در این زمینه‌ها از مؤلفه‌های مهم محسوب می‌شوند. جغرافیای معرفتی اقلیم‌ها باید از لحاظ معنوی و علمی و تاریخی مطالعه شود تا یک الگوی علمی از آن استخراج شود.

## اسناد بالادستی

شاخص‌های فرهنگی مبتنی بر اسناد بالادستی (قانون اساسی، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، سند سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قوانین توسعه و احکام فرهنگی رهبر معظم انقلاب) و نیز بر پایه تحقیقات و پژوهش‌های دولتی و حاکمیتی در حوزه فرهنگ پنج موضوع کلان را شامل می‌شود: دیانت (دین و مذهب)؛ زبان ملی و بومی؛ تاریخ (میراث مادی و معنوی)؛ جغرافیای فرهنگی (قومیت‌ها و اقلیت‌ها)؛ و نظام اجتماعی (نظام آموزشی، نظام زن و خانواده، نظام اقتصادی، نظام حقوقی و سیاسی (حکومت)، نظام فرهنگی). در اینجا فرهنگ واسطه ارتباط بین فرد و جامعه است. این پنج شاخص در سازمان‌دهی فرهنگ جامعه ستون فقرات کشور قلمداد می‌شوند؛ به نحوی که آسیب به هر یک از این مهره‌ها ضربه به روح جامعه خواهد بود.

### سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴

آمایش فرهنگی یکی از زمینه‌های تحقق اهداف بلندمدت پیش‌بینی شده در افق ۱۴۰۴ و از برنامه‌های مؤثر سیاست‌های راهبردی است که زمینه رشد و تعالی فرهنگ را فراهم می‌کند و آسیب‌شناسی این حوزه را شناسایی می‌کند. تردیدی نیست که تحقق اهداف کلان اجتماعی به تعلقات فرهنگی و مطلوبیات اعتقادی جامعه و بهره‌برداری از ظرفیت خلاق مردم و علایق و تمایلات اعضای آن جامعه بستگی تام دارد. برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز، راهبرد اصلی داشتن «رویکرد فرهنگی فرابخشی» به همه ابعاد فرهنگ جامعه است. فرهنگ مقدمه هر نوع تغییر و تحول در جامعه و سنگ‌بنای توسعه و تقریب به هر نوع «چشم‌انداز» محسوب می‌شود (واعظی، ۱۳۸۶: ۴۷).

### عناصر فرهنگی و وحدت‌بخش

#### وحدت دینی

یکتاپرستی و دین‌داری ایرانیان قبل از اسلام وجود داشته و پس از اسلام نیز ارزش‌های اسلامی و آموزه‌های دینی در متن زندگی آن‌ها قرار گرفته است؛ به طوری که با آداب دین کام اطفال خود را برداشته‌اند، زندگی کرده‌اند، خدای یگانه را پرستیده‌اند و مرده‌های خود را به خاک سپرده‌اند. تاریخ، ادبیات، سیاست، قضاوت، دادگستری، فرهنگ، تمدن، شئون اجتماعی و سرانجام همه‌چیز ایشان با این دین توأم بوده است. به اعتراف همه مطلعان، ایرانیان در این مدت خدمات ارزنده و فوق‌العاده و

توصیف‌ناپذیری به تمدن اسلامی کرده‌اند و در ترقی و تعالی این دین و نشر آن در میان سایر مردم جهان، از سایر ملل مسلمان - حتی خود اعراب - بیشتر کوشیده‌اند. هیچ ملتی به اندازه ملت ایران در نشر و اشاعه و ترویج و تبلیغ این دین فعالیت نداشته است (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱۴: ۵۴).

دین و مذهب ذاتی فرهنگ اسلامی ایرانی است<sup>۱</sup> و در نظام عقیدتی و ارزشی مردم سهم بسزایی دارد و در شکل‌دهی به سلوک فردی و مناسک اجتماعی ایشان جایگاه ممتازی دارد. این معنا در سخنان امام (ره) و مقام معظم رهبری نیز برجسته است: هویت جمعی و ملی ملت ایران نظام اسلامی است که حتی کارایی و جذابیت بیشتر و حوزه تأثیر وسیع‌تری از ملیت ایرانی دارد. از این حیث، مقوله دین و مذهب، به‌عنوان عنصری مهم، نقش مهمی در استحکامات فرهنگی جامعه دارد.

## زبان

پس از ورود اسلام، زبان فارسی، به‌سبب گستردگی کاربردش در میان ایرانیان، جایگاهی ممتاز داشت؛ چراکه هم‌زمان با تشکیل سلسله‌های محلی (سامانیان، طاهریان، صفاریان و...) در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر و سیستان در شرق و شمال شرقی ایران، به‌صورت زبان شعر و نثر درآمد و رسمیت یافت و زبان دوم امپراتوری اسلام شد (مسکوب، ۱۳۷۸: ۱).

این شاخص فرهنگی به دو حوزه زبان نوشتاری و زبان گفتاری تقسیم می‌شود: ۱. **زبان نوشتاری** یا خط یکی از عوامل مهمی است که در فرهنگ جامعه تأثیرگذار است؛ از این رو، همواره مورد توجه سیاست‌مداران بوده است. ۲. **زبان گفتاری** نسبت به زبان نوشتاری در فرهنگ از پویایی و خلاقیت بیشتری برخوردار است.

زبان فارسی هویت مشترک ایرانیان تلقی می‌شود. هر جا بحث ایران به میان آمده، زبان فارسی هم نقش مهمی ایفا کرده است. در قانون اساسی و در اصل پنزدهم بر این نکته تأکید شده که تمامی متون و اسناد رسمی ما باید به زبان فارسی باشد و شورای نگهبان هم به‌عنوان صیانت‌کننده از قانون و اصل پانزدهم، وظیفه دارد که از زبان فارسی صیانت کند. حمایت قانون اساسی کشور از زبان‌های اقلیم‌ها مزیتی برای صیانت از قابلیت‌های آن‌هاست. تنوع فرهنگی در جامعه ما بیانگر وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است و احترام به گوناگونی‌های فرهنگی در قانون اساسی و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی و مواضع رهبران کشور نهادینه شده و اصل توجه به تنوع فرهنگی در قانون نهفته است.

## میراث فرهنگی و حافظه تاریخی

«گذشته تاریخی و میراث فرهنگی را نمی‌توان به راحتی کنار گذاشت. میراث مادی و معنوی ایران در انباشتی که در طول تاریخ داشته باید حفظ شود. این گذشته تاریخی به چه دردی می‌خورد؟ اهمیت این شجره‌نامه از این جهت است که نشان می‌دهد این منطقه به هر دلیلی - یا به دلیل اقلیمی، یا به دلیل جغرافیایی، یا به دلیل تاریخی - منطقه‌ای است که استعداد در آن پرورش پیدا می‌کند؛ یعنی، جوان امروز... می‌تواند این امید را داشته باشد که بشود ابن سینا، بشود رشیدالدین فضل‌الله و...» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان و نخبگان استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۲۲).

## جغرافیای فرهنگی و تمدنی ایران

جغرافیای فرهنگی ایران با مرزهای سیاسی امروزی جدا نمی‌شود. عوامل تعیین مرزهای فرهنگی ایران دین اسلام، زبان فارسی، تاریخ و فرهنگ مشترک، آداب و رسوم، مفاخر و متفکران علمی و ادبی است که به عنوان مؤلفه وحدت جوامع فارسی‌زبان و جغرافیای فرهنگی ایران نقش‌آفرینی می‌کنند.

جغرافیا و فرهنگ پیوندی ناگسستنی دارند. انسان به لحاظ جغرافیایی و مکانی با محیط زندگی خود ارتباط برقرار می‌کند. این بستگی جغرافیایی در فرهنگ ما نیز نقش مهمی دارد؛ در واقع، همان‌طور که شرایط اقلیمی در مناسک و آداب و رسوم تأثیرگذار است، این شاخص به‌طریق‌اولی بر ذهنیت افراد نیز مؤثر است؛ از این حیث، جغرافیای فرهنگی از چگونگی حیات فرهنگ‌های مختلف در اوضاع جغرافیایی گوناگون سخن می‌گوید. در این رابطه، هویت یک ملت طی سالیان طولانی متأثر از ویژگی‌های سرزمینی است که در آن زیسته‌اند و به آن تعلق پیدا کرده‌اند؛ بنابراین، هویت ملی هر ملت در درجه نخست زاینده محیط جغرافیایی آن ملت است و فلات ایران، بدون تردید، گاهواره هویت ایرانی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۶۴). توجه به مناطق کمتر توسعه‌یافته و محروم کشور که از اولویت‌های اصلی آمایش سرزمین است، می‌تواند خرده‌فرهنگ‌های اقلیم‌های فرهنگی کشور را با سلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسی گوناگون دور هم جمع کند. با کاهش شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی و با برآورده شدن نیازهای مناطق و حل مسائل آن‌ها، شکوفایی و پیشرفت ایران مقتدر رقم خواهد خورد.

## نتیجه‌گیری

جغرافیای فرهنگی ایران برآیند فرهنگ اقلیم‌های گوناگونی است که هزاران سال در این سرزمین زیسته‌اند و در طول تاریخ در این جغرافیا و سرزمین، فرهنگ و تمدن ایرانی را رقم زده‌اند و به تعبیری، «جهان فرهنگی» را به وجود آورده‌اند. این جهان فرهنگی برای استمرار و حفظ و شکوفایی و پویایی به خودآگاهی مردمش نیاز دارد که این مهم مبتنی بر آگاهی به جهان اجتماعی و فرهنگی ایرانیان است. در سطوح ملی و ناحیه‌ای اقلیم‌بندی فرهنگی ایران باید بر اساس اصول اسلامی و توحیدمبنا انجام پذیرد. در این میان، چند عنصر فرهنگی دخیل‌اند. مهم‌ترین عنصر از عناصر اشتراکات اقلیم‌های فرهنگی و نقطه اشتراک فرهنگ فارسی، ترکی، عربی، کردی، بلوچی و... تبار توحیدی آن است. تنوع فرهنگی گنجی بزرگ برای ایران اسلامی در راه رسیدن به قله‌های تمدنی است. در تمدن توحیدی، وحدت در عین تنوع محقق می‌شود و غایت تمدن اسلامی گرد هم آوردن تنوعات گوناگون انسانی و فرهنگی حول ارزش‌های مشترک و متعالی است. نگاه تمدن‌ساز تنوع و کثرت فرهنگی را نه به مثابه تهدید که فرصتی برای قوام صراط توحیدی می‌بیند. جمهوری اسلامی ایران نیز، بر اساس آموزه‌های حیات‌بخش اسلام، تنوع را به رسمیت شناخته است. به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و حقوق اقوام و زبان‌های مختلف در قانون اساسی برآمده از اصول اسلامی و اراده ملت ایران و در سایه‌سار اندیشه‌های امام و رهبری انقلاب اسلامی بیان شده است.

یکی از ارکان اساسی جغرافیای فرهنگی تأکید بر تکثر و تنوع فرهنگی و حراست از آن و اصالت بخشیدن به آن است. نحوه زندگی انسان‌هایی که در یک مکان جغرافیایی متمرکزند به نظام فرهنگی وابسته است که در قالب الگوهای فضایی به وجود آمده است. مفهوم الگوی فضایی به بررسی تفاوت‌ها و تشابه‌ها میان یک ناحیه با ناحیه دیگر اشاره دارد. عناصر مشابه در نظام فرهنگی به شکل‌گیری گروه‌های فرهنگی در قالب الگوهای فضایی منجر می‌شود. به وسیله این الگوها می‌توان به مقایسه نواحی پرداخت. سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی صیانت از تنوع فرهنگی در ایران اسلامی است و رسیدن به نظم تمدنی باتکیه بر گنجینه تنوع فرهنگی ایرانی ممکن است. سیاست رسمی جمهوری اسلامی پاسداشت تنوع فرهنگی است. امپریالیسم فرهنگی به دنبال از بین بردن ارزش‌های اخلاقی مشترک میان ایرانیان از فرهنگ و زبان و مذاهب مختلف است. دشمنان ملت ایران در پی اضمحلال فرهنگ‌های متنوع و ارزش‌مدار در دل فرهنگ به اصطلاح واحد جهانی بر پایه

ارزش‌های ضدانسانی خود هستند (امامی، ۱۴۰۲).

در اقلیم‌بندی فرهنگی ایران باید به خصیصه‌ها و تنوع زبانی، اقلیم خشک و نیمه‌خشک و کوهستانی، موزاییک قومی و نظایر آن توجه شود و به مناطق و اقلیم‌های فرهنگی به‌شکل متعادل توجه شود. الگوی توسعه بوم‌مبنا مبتنی بر تاریخ و جغرافیای هر بوم شکل می‌گیرد و پایه‌گذار و مجری اصلی آن کنشگران بومی هستند؛ بنابراین، الگو و سند توسعه بوم‌مبنا در هر ناحیه به مقدار زیادی به خود آن ناحیه اختصاص دارد و نمی‌توان آن را به نواحی دیگر تعمیم داد.

ناحیه‌بندی فرهنگی به معنای جزء کردن و مجزا کردن از یک کل نیست؛ چون در آن صورت، اتحاد ملت و تمامیت ارضی دچار چالش می‌شود و تجزیه سیاسی و فرهنگی اتفاق می‌افتد. همچنین، چنین نگاهی به تبعیض و بی‌عدالتی، چه از نظر اندیشه‌ای و چه از نظر فیزیکی و سرزمینی، منجر می‌شود. جداسازی و مجزا انگاشتن فیزیکی و سرزمینی و محروم کردن یک گروه از مردم از یک ملت به معنای تبعیض نژادی و قومی و مذهبی خواهد بود؛ همان چیزی که در آفریقای جنوبی و فلسطین اشغالی توسط رژیم غاصب صهیونیستی اتفاق افتاده است. آنچه مدّ نظر اسلام است تکثر فرهنگی در عین وحدت است.

## منابع و مأخذ

- احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۳۸۸). نگرشی بر آمایش فرهنگی سرزمین و جایگاه آن در برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی. *مجله راهبرد توسعه*، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۷.
- اعظمی، هادی و دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۰). تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۷(۲)، ۱۴۷-۱۸۱.
- امامی، سید مجید (۱۴۰۲). پاسداشت تنوع فرهنگی. *روزنامه ایران*، ۱ خرداد، س ۲۹، ش ۸۱۹۰.
- آذرباد، نسرین (۱۳۹۲). روش‌های نوین ناحیه‌بندی در فضاهای جغرافیایی. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۳(۱۲)، ۹۳-۱۰۲.
- آیور، داگلاس (۱۳۷۳). *مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی*. ترجمه علی برزگر. چاپ دوم. گناباد: مردنیز.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان و نخبگان استان همدان (۱۳۸۳/۴/۲۲).
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۳). اندیشه هفت اقلیم و ارزیابی یادکردهای آن در احادیث. *نشریه مطالعات اسلامی*، ۶(۶۵) و ۶۶، ۱۷-۴۲.
- پوراصغر سنگاچین، فرزاد، ابراهیمی خوسفی، محسن و کاشف مبارکه، مهرداد (۱۳۹۹). *مطالعات سند ملی آمایش سرزمین، مروری بر تحولات منطقه‌بندی فضایی و سیاسی در ایران*. گروه پژوهشی آمایش سرزمین، توسعه و توازن منطقه‌ای. تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری.
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۵). *شناسایی مبانی و شاخص‌های پایدار تدوین چشم‌انداز فرهنگ کشور*. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۷). *فرهنگ و تمدن*. تهران: نی.
- جلالی مقدم، م (۱۳۷۷). گفتارهایی در باب فرهنگ. *کیهان فرهنگی*، ۱۴۶، ۶۶-۶۸.
- حاجبانی، ابراهیم، زمانی مقدم، افسانه و سیدآبادی، ملوک (۱۳۹۶). چهارچوبی برای سنجش شاخص‌های عدالت فرهنگی در استان‌ها و مناطق ایران مطالعات راهبردی زمستان ۱۳۹۶، شماره ۷۸.
- ذوالفقاری، حسن و شیرینی، علی‌اکبر (۱۳۹۹). *باورهای عامیانه مردم ایران*. چاپ پنجم. تهران: چشمه.
- رلف، ادوارد (۱۳۸۹). *مکان و بی‌مکانی*. ترجمه محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری و زهیر متکی. تهران: آرمان‌شهر.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۴). *زمینه فرهنگ‌شناسی*. چاپ دوم. تهران: پیام نور.
- سیپک، ییری (۱۳۸۴). *ادبیات فولکلور ایران*. ترجمه محمد اخگری. تهران: سروش.
- شکویی، حسین (۱۳۷۵). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. جلد ۱. تهران: گیتاشناسی.
- شورمر اسمیت، پاملا (۱۳۹۲). *جغرافیای فرهنگی*. ترجمه علی احمدی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۷). فرهنگ‌شناسی و علم‌شناسی زبان، زمان و جغرافیای فرهنگ و ضرورت نگاه پارادایمی به فرهنگ ایرانی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱(۱)، ۱-۹.
- علیجانی، بهلول و کاویانی، محمدرضا (۱۳۷۱). *مبانی آب‌وهواشناسی*. تهران: سمت.

علیمیرزایی، بهناز، کزازی، میرجلال‌الدین و سرور یعقوبی، علی (۱۴۰۰). رمزگشایی از نمادهای هفت اقلیم هفت پیکر. *متن‌پژوهی ادبی*، ۲۵ (۸۷)، ۳۴-۶۱. DOI: ۱۰/۲۲۰۵۴: ۲۰۱۹/۳۷۱۸۷/۲۴۹۹.ltr

کریمی، علی (۱۳۸۶). بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۸ (۲۹)، ۳۱-۶۲.

لاکوست، ایو (۱۳۹۱). *از ژئوپلیتیک تا چشم‌انداز؛ فرهنگ جغرافیا*. ترجمه سیروس سهامی. مشهد: پاپلی.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶). *دموکراسی و هویت ایرانی، بحثی در ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی ایران و ایران‌شناسی سیاسی*. تهران: کویر.

مجموعه مصوبات شورای فرهنگ عمومی (۱۴۰۱).

محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). بررسی در جامعه‌شناسی ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۸). *هویت ایرانی و زبان فارسی*. تهران: نشر و پژوهش فرزانه.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. جلد‌های ۱۳ و ۱۴، تهران: صدرا.

مقبول، احمد (۱۳۴۶). *علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام*. ترجمه احمد آرام.

نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۸۶). فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی. چاپ سوم. تهران: نی.

نوری، سیدهدایت‌الله (۱۳۷۹). ارتباط «گفت‌وگویی فرهنگ‌ها» و «محیط جغرافیایی». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا، جغرافیا بستری برای گفت‌وگویی تمدن‌ها*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

واعظی، بهروز (۱۳۸۶). *آمایش فرهنگی و چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴*. مهندسی فرهنگی، شماره ۸ و ۹.

Ahmadi Shapoorabadi, Mohammad Ali (2009). An attitude on the cultural development of the land and its place in cultural development planning. *Development Strategy Magazine*, Spring 2009, No. 17. [In Persian]

Alijani, Bahloul and Kaviani, Mohammadreza (1992). Basics of meteorology. Tehran: Side. [In Persian]

Alimirzaei, Behnaz, Kezazi, Mirjalaluddin and Sarwar Yaqoubi, Ali (2021). Decoding the symbols of seven climates (regions) and seven bodies. *Literary textual research*, 25(87), 61-34. DOI: 10.22054/ltr.2019.37187.2499. [In Persian]

Ameli, Saeedreza (2007). Philology and science of language, time and geography of culture and the necessity of a paradigmatic view of Iranian culture. *Iranian Cultural Research Quarterly*, 1(1), 9-1. [In Persian]

Azami, Hadi and Dabiri, Ali Akbar (2010). Analysis of the political space division system in Iran. *Geopolitics Quarterly*, 7(2), 181-147. [In Persian]

Azarbad, Nasreen (2012). New methods of zoning in geographical spaces. *Regional Planning Quarterly*, 3(12), 102-93. [In Persian]

Collection of approvals of the General Culture Council (2022). [In Persian]

- Emami, Seyed Majid (2023). Protecting cultural diversity. Iran newspaper, June 1, p. 29, p. 8190. **[In Persian]**
- Hajjani, Ebrahim, Zamani Moghadam, Afsana and Seyedabadi, Moluk (2016). A framework for measuring the indicators of cultural justice in the provinces and regions of Iran, Strategic Studies Winter 2016, No. 78. **[In Persian]**
- Jalali Moghadam, M. (1998). Speeches about culture. Cultural keyhan, 146, 66-68. **[In Persian]**
- Karimi, Ali (2007). Reflection of cultural identity of Iranians in Safavid and Qajar era travelogues. National Studies Quarterly, 8(29), 62-31. **[In Persian]**
- Lacoste, Yves (2012). From geopolitics to perspective; The culture of geography. Translation of Siros Sahami. Mashhad: Popli. **[In Persian]**
- Maqbool, Ahmed (1967). The science of geography and its developments in the Islamic world. Translated by Ahmad Aram. **[In Persian]**
- Maskob, Shahrukh (1999). Iranian identity and Persian language. Tehran: Farzan publishing and research. **[In Persian]**
- Mohseni, Manouchehr (2007). A study in Iranian sociology. Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication. **[In Persian]**
- Mojtahedzadeh, Pirouz (2007). Democracy and Iranian identity, a discussion in geopolitics and political geography of Iran and political Iranology. Tehran: Kavir. **[In Persian]**
- Motahari, Morteza (1979). A collection of works by Shahid Motahari. Volumes 13 and 14, Tehran: Sadra. **[In Persian]**
- Nouri, Seyyed Hedayatullah (1979). The relationship between “dialogue of cultures” and “geographical environment”. The collection of articles of the international conference on cultural approach to geography, geography is a platform for the dialogue of civilizations. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. **[In Persian]**
- Nowrozi Khabani, Mehdi (2006). A comprehensive dictionary of political concepts and terms. Third edition. Tehran: Ney. **[In Persian]**
- Oliver, Douglas (1994). An introduction to anthropology. Translated by Ali Barzegar. second edition. Gonabad: Marandiz. **[In Persian]**
- Pahlavan, Changis (2008). culture and civilization. Tehran: Ney. **[In Persian]**
- Paktchi, Ahmad (2013). The thought of seven climates (regions) and the evaluation of its mentions in hadiths. Journal of Islamic Studies, 6(65 and 66), 42-17. **[In Persian]**
- Pitzl, G. R. (2004). *Encyclopedia of human geography*. Greenwood Publishing Group.
- Pourasghar Sangachin, Farzam, Ebrahimi Khosfi, Mohsen and Kashif Mobarakeh, Mehrdad (2019). Studies of the national land survey document, an overview of spatial and political zoning developments in Iran. Research group of land surveying, development and regional balance. Tehran: Development and Foresight Research Center. **[In Persian]**

- Pourezat, Ali Asghar (2006). Identifying the foundations and sustainable indicators of developing the country's culture landscape. Tehran: Secretariat of the High Council of Cultural Revolution. **[In Persian]**
- Ralph, Edward (2010). Place and placelessness. Translated by Mohammad Reza Qalada Mohammadi, Kazem Mandgari and Zuhair Mutaki. Tehran: Armanshahr. **[In Persian]**
- Rohol Amini, Mahmoud (1995). Cultural field. second edition. Tehran: Payam Noor. **[In Persian]**
- Shakoui, Hossein (1996). New thoughts in the philosophy of geography. Volume 1. Tehran: Gitasani. **[In Persian]**
- Shurmer Smith, Pamela (2012). Cultural geography. Translated by Ali Ahmadi. Tehran: Imam Sadiq University (AS). **[In Persian]**
- Sills, D. (Ed.) (1968). *International Encyclopedia of the Social Sciences* Vol. 17). New York: The Macmillan Company and The Free Press.
- Sipak, Yiri (2004). Iranian folklore literature. Translated by Mohammad Akhgari. Tehran: Soroush. **[In Persian]**
- Vaezi, Behrooz (2006). cultural landuse and vision of Iran 1404. Cultural engineering, numbers 8 and 9. **[In Persian]**
- Zulfiqari, Hassan and Shiri, Ali Akbar (2019). Popular beliefs of Iranian people. Fifth Edition. Tehran: Cheshme. **[In Persian]**

## Urbanization and the Necessity of Multi-Level Cultural Governance in Supporting Linguistic Diversity in Iran

*Ebrahim Oloumi, Phd in International Relations from University of Tehran, Researcher of Center for Graduate International Studies of University of Tehran. Email: eoloumi@ut.ac.ir*

### Abstract

The growth of urbanization in Islamic Republic of Iran has been associated with rapid social and cultural changes, which its first victims are the native languages of the immigrants to the cities. According to this, the local and native languages in Iran, whose main focal points are villages and small towns, have been exposed to gradual destruction. With the intensification of the challenge, the question arises, what strategy should be adopted in the cultural governance of the Islamic Republic of Iran to support linguistic diversity? The hypothetical answer with a prescriptive approach is that, considering the speed of urbanization and growing threat to linguistic diversity in Iran, the country's cultural governance strategy should be to support linguistic diversity by using multi-level cultural governance: transnational institutions, nation-state, transnational networks, sub-national governments, civil society and place-based participation. The findings of the research, which were obtained using the descriptive-analytical method, while proving the proposed hypothesis, show that with paying attention to the growing threat against linguistic diversity and the existence of a legal vacuum regarding the central government's support for linguistic diversity, the country's cultural governance should not only use the capacity of governmental institutions in policy-making, but should also take a multifaceted view of the capacity of non-governmental, domestic and international organizations as well as international cultural organizations such as UNESCO to take advantage of their facilities and material benefits and spiritual support in order to support linguistic diversity in Iran.

### Key words

Multi-Level Governance, Cultural Governance, Urbanization, Linguistic Diversity.





## شهرنشینی و ضرورت حکمرانی فرهنگی چندسطحی در حمایت از تنوع زبانی در ایران

ابراهیم علومی<sup>۱</sup>

### چکیده

رشد شهرنشینی در ایران با تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی همراه بوده است، تغییراتی که نخستین قربانیان آن، زبان‌های بومی مهاجران به شهرهاست. بر این اساس زبان‌های محلی و بومی ایران که کانون اصلی آن‌ها روستاها و شهرهای کوچک است در معرض نابودی تدریجی قرار گرفته‌اند. با تشدید چالش پیش‌آمده، این پرسش مطرح می‌شود که در حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از تنوع زبانی چه راهبردی باید اتخاذ شود؟ پاسخ فرضی که با رویکرد تجویزی به آزمون داده‌ها گذاشته شد این است که با توجه به سرعت رشد شهرنشینی و گستره تنوع زبانی در ایران، راهبرد سیاست‌گذاری فرهنگی کشور باید حمایت از تنوع زبانی با استفاده از حکمرانی فرهنگی چندسطحی باشد که در سطوح نهادهای فراملی، حکومت - ملت، شبکه‌های فراملیتی، دولت‌های فرو ملی، جامعه مدنی و مشارکت مبتنی بر مکان قابل اجراست. یافته‌های پژوهش که با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به دست آمد، ضمن اثبات فرضیه مطرح‌شده، نشان می‌دهد که با توجه به تهدید فزاینده علیه تنوع زبانی و وجود خلأ قانونی در مورد حمایت حکومت از تنوع زبانی، حکمرانی فرهنگی کشور نه تنها باید در سیاست‌گذاری‌ها از ظرفیت نهادهای حکومتی استفاده کند، بلکه باید با نگاهی چندوجهی از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی و بین‌المللی و نیز سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی همچون یونسکو بهره‌گیرد تا از امکانات و مزایای مادی و پشتیبانی‌های معنوی آن‌ها در جهت حمایت از تنوع زبانی در ایران برخوردار شود.

### واژگان کلیدی

حکمرانی چندسطحی، حکمرانی فرهنگی، شهرنشینی، تنوع زبانی.



## مقدمه و بیان مسئله

زبان شناسان درباره تعداد زبان‌های موجود در دنیا اختلاف نظر دارند به نحوی که وگلین و وگلین<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۷ م. ۴۵۰۰ زبان مرده و زنده را فهرست کردند و رولن<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۷ تعداد زبان‌های زنده را ۵۰۰۰ زبان برشمرد. همچنین گرایمسز<sup>۳</sup> در ۱۹۸۸ از ۶۰۰۰ زبان در دنیا نام برد و کراوس نیز وجود ۶۰۰۰ زبان در دنیا را معقول دانست (Cited in Kraus, 1992: 5). با وجود این، درباره افول تنوع زبانی نگرانی‌های جدی وجود دارد. هرچند زبان شناسان هنگام بررسی تنوع زبانی در دنیا، اهمیت آن را با تنوع زیستی مقایسه می‌کنند، اما طبق شواهد زبان‌ها بسیار سریع‌تر از موجودات دیگر از بین می‌روند. درحالی که میزان خطر انقراض ماهی‌ها ۵٪، گیاهان ۸٪، پرندگان ۱۱٪ و پستانداران ۱۸٪ است، اما این میزان در مورد زبان‌ها به بیش از ۴۰٪ می‌رسد (Harrison, 2007: 7). تحقیقات کراوس نشان می‌دهد که ۹۰٪ زبان‌های دنیا تا پایان قرن ۲۱ از بین خواهند رفت یا در چرخه انقراض قرار می‌گیرند. این بدان معنی خواهد بود که فقط ۶۰۰ زبان از حدود ۶۰۰۰ زبان موجود در دنیا از خطر درامان‌اند (Kraus, 1992: 7). بر اساس گزارش مجمع دائمی سازمان ملل متحد در مورد مسائل بومیان<sup>۴</sup>، حدود ۴۰ درصد از ۶۷۰۰ زبانی که تا سال ۲۰۱۶ صحبت می‌شده در خطر ناپدید شدن قرار دارند (Unesco, 2021: 2). همسوبا تغییرات زبانی در دنیا، افول تنوع زبانی در ایران نیز بحثی جدی است. طبق برآورد اطلس زبان‌های در معرض خطر جهان<sup>۵</sup> که زیر نظر یونسکو منتشر می‌شود بیش از ۲۰ زبان در ایران در معرض نابودی و انقراض کامل هستند. طبق برآورد یونسکو و اطلس مزبور از ۷۶ زبان زنده ایران حدود نیمی از آن‌ها در معرض خطر هستند. در این میان ۲ زبان: لشان ددان و هولالولا منقرض شده‌اند، ۳ زبان سنایا، مانداییک، کوروشی در شرایط بحرانی هستند، ۲ زبان: نطنزی، نایینی به شدت در خطر نابودی قرار دارند، ۱۴ زبان: تاتی، آرامی، هورامی، جیدی، وفسی، آشتیانی، سمنانی، خوانساری، گزی، دری زرتشتی، سوی، بشاگردی، اچمی، سیوندی، در معرض خطرند و ۳ زبان تالشی، خلجی، ترکی خراسانی در وضعیت آسیب‌پذیرند (Wikipedia, 2023 & Atlas of Unesco, 2010: 45-46). ایران در زمره کشورهایی است که جمعیت شهرنشین آن در دهه‌های اخیر بر اثر

1. Voegelin &amp; Voegelin

2. Ruhlen

3. Grimes

4. UN's Permanent Forum on Indigenous Issues

5. Atlas of the World's Languages in Danger

مهاجرت روستائیان به شهرها به سرعت رشد کرده است. شهرنشینی فقط افزایش جمعیت در شهرها نیست، بلکه فرایندی پویا همراه با دو نوع حرکت و تغییر است: نخست، حرکت و جابجایی جمعیت از مناطق روستایی به شهری همراه با تغییر در کارکردها به ویژه کارکرد اقتصادی مهاجرین؛ و دیگری، تغییر در شیوه زندگی، نظام ارزشی و هنجاری و به عبارت بهتر فرهنگ آن‌ها (ازکیا، غفاری، ۱۳۷۷: ۵۴). زبان نیز یکی از عناصر فرهنگی است که به سبب کارکرد ارتباطی اش تحت تأثیر شهرنشینی، دچار دگرگونی شده و قربانی مهاجرت می‌شود. زبان‌های بومی محلی در ایران که روستاها و شهرهای کوچک، کانون اصلی آن‌هاست با رشد سریع شهرنشینی در معرض افول تدریجی قرار گرفته‌اند. با توجه به اهمیت تنوع زبانی در کشور از یک سو و در معرض تهدید قرار گرفتن بسیاری از زبان‌های بومی - محلی در اثر شهرنشینی لجام گسیخته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷) از دیگر سو، این پژوهش تلاش دارد تا با تکیه بر تجربیات جهانی، راهکار عملیاتی متناسب با زیست‌بوم کشور را برای حفظ تنوع زبانی شناسایی و معرفی کند.

اهمیت پژوهش حاضر به درک این موضوع بازمی‌گردد که تنوع زبانی از ارکان بنیادین غنای فرهنگی کشور است که در معرض طوفان سهمگین شهرنشینی قرار دارد. برنامه‌ریزی هدفمند و سازمان‌یافته برای مقابله با چنین مسئله‌ای مستلزم آن است تا زبان‌های بومی - محلی که در نظام حکمرانی کشور متولی مشخصی ندارند و رها شده‌اند، از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی و بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته و از افول و فراموشی آن‌ها جلوگیری شود.

### پیشینه پژوهش

ملت‌دوست و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی متغیرهای اجتماعی و مهاجرت بر کاربرد تنوعات گویشی و زبانی در شهر تهران از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی» نتیجه می‌گیرند که کاربرد زبان معیار در میان مهاجران به شهر تهران رشد صعودی داشته و کاربرد گونه‌های مختلف زبان غیرمعیار در میان آنان رو به افول نهاده است. بر اساس یافته‌های این مقاله «قدرت اقتصادی، سیاسی و نیز آموزشی گونه معیار زبان فارسی، کاربرد گونه غیرمعیار را به شدت کاهش داده است».

صباغیان و علومی (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «جهانی‌شدن، تشدید شهرنشینی و افول تنوع زبانی»، پیامدهای منفی جهانی‌شدن از رهگذر شهرنشینی را بر تنوع زبانی بررسی

کرده و نشان می‌دهند که چگونه شهرنشینی بر زبان‌های بومی محلی تأثیر منفی می‌گذارد. باقری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی هویت زبانی مهاجرین قوم لک ساکن تهران» نشان می‌دهند که نسل دوم مهاجران لک ساکن در تهران در مقایسه با نسل اول آنان علاقه کمتری به هویت زبانی خود نشان می‌دهند. بشیرنژاد (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «تحلیلی اجتماعی - زبان‌شناختی بر جایگاه و کاربرد مازندرانی و فارسی در استان مازندران» به این نتیجه می‌رسد که در مناطق شهری مازندران زبان فارسی بیش از مناطق روستایی رواج دارد و شهرنشینان نسبت به روستائیان تمایل بیشتری به استفاده از زبان رسمی و معتبر و انتقال آن به نسل بعد دارند.

محمد گل‌فراز عباسی<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۲۰) در مقاله «تعیین افول زبانی و فرهنگی: تحلیلی از شهرنشینی و مهاجرت در پاکستان» به چگونگی تأثیر شهرنشینی بر افول زبان و فرهنگ بومی مهاجران موری<sup>۲</sup> پرداخته‌اند. مصاحبه‌های قوم‌نگارانه از این مهاجران نشان می‌دهد که کل فرهنگ پاهاری<sup>۳</sup> و زبان پاهاری در نتیجه این شهرنشینی در خطر است. ترین<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) در مقاله «شهرنشینی و تغییر زبان در ویتنام» با بررسی تغییر زبان در جوامع روستایی هانوی در فرایند شهرنشینی، کاهش شدید استفاده از گونه‌های زبانی و واژگان روستایی و افزایش انواع خاصی از گونه‌های شهری را نشان می‌دهد.

در مقام مقایسه، پژوهش‌های اشاره شده با پژوهش حاضر اشتراک موضوعی دارند و بررسی تأثیر منفی شهرنشینی بر زبان‌های بومی محلی دغدغه مشترک آن‌هاست، لیکن رویکرد زبان‌شناختی یا زبان‌شناسی اجتماعی غالب بر پژوهش‌های مزبور نقطه افتراق آن‌ها با این نوشتار است. علاوه بر این، پژوهشگران یادشده در نقطه بررسی تأثیر منفی شهرنشینی بر زبان‌های بومی محلی متوقف مانده و راهکاری برای حمایت از تنوع زبانی ارائه نمی‌دهند؛ اما نویسنده این سطور تلاش دارد راهکاری سیاست‌گذارانه برای حمایت از تنوع زبانی در چارچوب تحلیلی حکمرانی چندسطحی ارائه دهد که بدیع و نوآورانه است.

1. Muhammad Gulfranz Abbasi  
2. Murree  
3. Pahari  
4. Trinh

## هدف، پرسش، فرضیه و روش پژوهش

هدف این پژوهش ارائه راهکاری برای مقابله با نابودی زبان‌های بومی- محلی در ایران با استفاده از چارچوب تحلیلی حکمرانی چندسطحی است. متناظر با این هدف، پرسش محوری آن است که حکمرانی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از تنوع زبانی مستلزم اتخاذ چه راهبردی است؟ فرضیه‌ای که با رویکرد تجویزی با محک داده‌ها به سنجش گذاشته می‌شود، بر این نکته اشاره دارد که راهبرد سیاست‌گذاری فرهنگی کشور برای حمایت از تنوع زبانی در معرض خطر رشد سریع شهرنشینی باید استفاده از حکمرانی فرهنگی چندسطحی باشد. چراکه به نظر می‌رسد، تحول از حکمرانی دولتی به حکمرانی چندسطحی می‌تواند مشارکت مادی و معنوی سازمان‌های دولتی و غیردولتی داخلی و بین‌المللی را برای احیاء و حفظ تنوع زبانی به همراه داشته باشد و ظرفیت و حجم فعالیت‌های مربوطه را ارتقاء بخشد. روش پژوهش در این مقاله توصیفی- تحلیلی است و از داده‌های کتابخانه‌ای و دیجیتال و اسناد نهادهای بین‌المللی به‌ویژه یونسکو استفاده می‌شود.

## ۵. چارچوب تحلیلی: حکمرانی فرهنگی چندسطحی

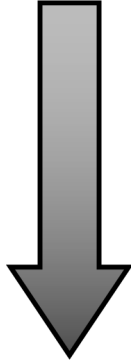
در مقام تعریف، «حکمرانی» به ایجاد، ترویج و حمایت از نوع خاصی از رابطه بین بازیگران دولتی و غیردولتی در فرایند حکمرانی اطلاق می‌شود (Cited in Fukuyama, 2016:95). حکمرانی چگونگی تعامل دولت‌ها و دیگر نهادهای اجتماعی و نحوه ارتباط آن‌ها با شهروندان و چگونگی اتخاذ تصمیمات در دنیایی پیچیده است؛ بنابراین، حکمرانی فرایندی است که از طریق آن جوامع و نهادها تصمیمات خود را اتخاذ و تعیین می‌کنند چه کسانی و چگونه در این فرایند دخیل هستند (Graham, et al 2003:1). حکمرانی ناشی از روابط متقابل و مشترک میان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است و روابط این سه گروه باعث تقویت سازوکارهای قابل اجرا می‌شود. با توجه به اینکه حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و روندی است که طی آن تصمیمات اتخاذ و اجرایی می‌شوند، تجزیه و تحلیل حکمرانی بر بازیگران رسمی و غیررسمی مشارکت‌کننده در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و ساختارهای رسمی و غیررسمی برای پیاده‌سازی تصمیمات متمرکز است (قوام، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۲). استوکر معتقد است که هرچند تعریف روشنی از حکمرانی وجود ندارد اما «اجماعی درباره نسبت دادن آن به توسعه سبک‌های حکمرانی وجود دارد که مرزهای بین و درون بخش‌های عمومی و خصوصی را درمی‌نوردد. بدین ترتیب، حکمرانی به منزله رویکردی چندبعدی و وابسته به متن

تعبیر می‌شود» (به نقل از وحدانی‌نیا و درودی، ۱۳۹۸: ۱۴۶). از این رو با توجه به بستر و حوزه موضوعی، گاه سخن از حکمرانی زیست‌محیطی، گاه حکمرانی امنیتی و گاه حکمرانی جهانی به میان می‌آید و در این مقاله با توجه به موضوع، سخن از حکمرانی فرهنگی در میان است.

## ۱-۵. حکمرانی فرهنگی

حکمرانی فرهنگی را می‌توان دخالت مستقیم یا غیرمستقیم دولت در تقویت و مدیریت برنامه‌های نهادهای فرهنگی در مرزهای جغرافیایی خاص با ترتیبات مالی و اداری واحد دانست (cited in King & Schramme, 2019: 7). حکمرانی فرهنگی به بازیگران اجتماعی، سازوکارها و شرایط تولید اجتماعی فرهنگ مانند اشکال فرهنگی و هنری بیان، نمادها، معنا و مفاهیم جمعی مربوط می‌شود (Schmitt, 2009: 104). در مفهوم محدود آن، حکمرانی فرهنگی با مباحث سیاسی درباره نهادهای فرهنگی یا اشکال فرهنگی مستقر مثل تئاتر، موسیقی، اپرا و کنترل و تعریف تولید اجتماعی آثار فرهنگی مرتبط است. مفهوم گسترده‌تر حکمرانی فرهنگی بر صنایع فرهنگی و نحوه تعامل بازار، اقتصاد فرهنگ و تولیدات فرهنگی تمرکز دارد. مفهوم حکمرانی فرهنگی همچنین به معنی اقدامات انجام شده توسط حکومت در مورد انواع بیان‌های فرهنگی، نمادها و نظام‌های جهت‌گیری فرهنگی در مورد اقلیت‌ها و به‌خصوص اقلیت‌های تحت فشار و خرده‌فرهنگ‌های ناسازگار است (Schmitt, 2009: 105). مباحث اجتماعی و کنترل تولید معنا و مفهوم اجتماعی، سیستم‌های جهت‌گیری فرهنگی و نمادهایشان و اشکال مختلف بیان‌های فرهنگی و هنری در مرکز رهیافت حکمرانی فرهنگی هستند (Schmitt, 2009: 105). از نگاه یونسکو «حکمرانی فرهنگی شامل چارچوب‌ها و سیاست‌های عمومی استانداردساز از یکسو و توانمندی‌های نهادی و زیرساخت‌های فرهنگی از سوی دیگر است. همه اینها به‌عنوان ابعاد غیر قابل انفکاک برای خلق شرایط مطلوب است که فرهنگ را قادر می‌سازد به‌طور کامل در توسعه انسانی سهیم باشد» (Unesco, 2014: 64).

مفهوم محدود از حکمرانی فرهنگی

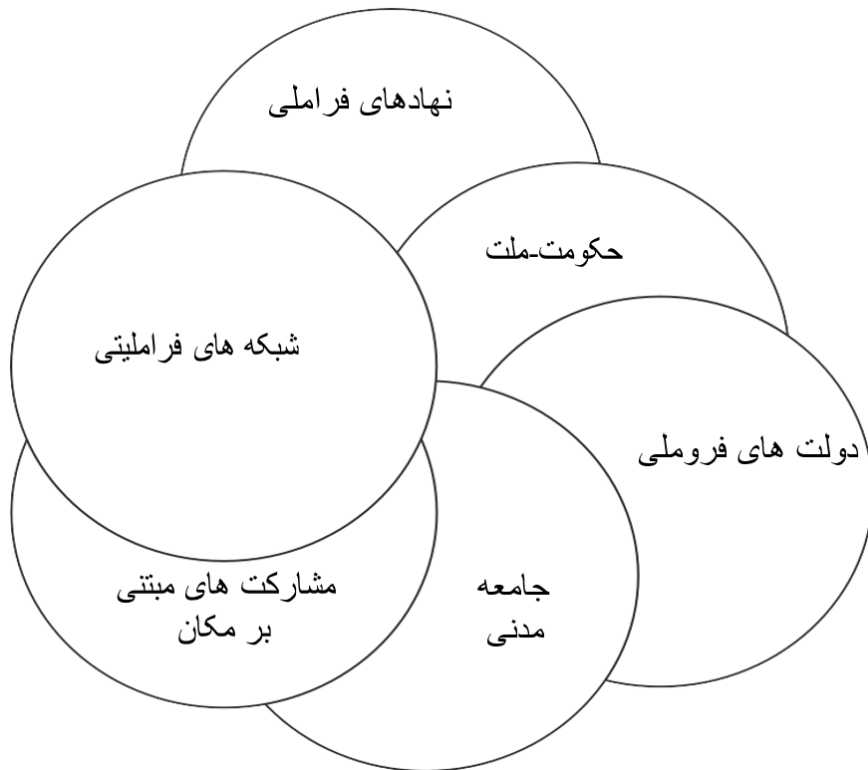


مفهوم گسترده از حکمرانی فرهنگی

- موسسات و اجراهای مربوط به فرهنگ عالی مستقر (موزه ها، تئاتر، اپرا) معماری، میراث فرهنگی و هنرهای کوچک مستقر
- فرهنگ عمومی، انواع بیان های فرهنگی سنتی، انواع فرهنگی میان افشار پایین جامعه
- مذهب و انواع بیان های مذهبی
- "صنایع فرهنگی" یا اقتصاد فرهنگی: اقتصاد تلویزیون، رسانه، فیلم، موسیقی
- زبان ها و انواع بیان های فرهنگی در جوامع چند قومی، چند فرهنگی، چند مذهبی یا جوامع مستعمره از جمله سنتهای حاشیه ای و سرکوب شده
- تولید معنا، مفهوم و نماد در حوزه های اجتماعی غیر فرهنگی متناسب با درک دائمی از سیاست و اقتصاد

## ۲-۵. حکمرانی چندسطحی<sup>۱</sup>

ماهیت متغیر حکمرانی منجر به بازنگری در شیوه های مشروعیت و اقتدار بین دولت های ملی و محلی، نهادهای فراملی و ملی، بازیگران دولتی و غیردولتی شده است. در نتیجه جغرافیای حکمرانی جدید را می توان با بازتوزیع عملکردهای دولت به سمت بالا به سوی سازمان های بین المللی و فراملی، به سمت پایین به سوی مناطق و شهرها و به خارج به سوی بازیگران غیردولتی شناسایی کرد (Bulkeley, et al, 2003: 237) بر این اساس، امروزه از حکمرانی چندسطحی صحبت می شود.



(Bulkeley, et al, 2003: 239)

حکمرانی چندسطحی شامل بازیگران دولتی و غیردولتی است که در سطوح مختلف محلی (فرو ملی)، ملی، جهانی (فراملی) قرار دارند. بر اساس نظریه حکمرانی چندسطحی، دولت‌ها دیگر بازیگران انحصاری یا حتی بازیگران محوری سیاستگذاری نیستند؛ در عوض قدرت دولت بین بازیگرانی که در سطوح چندگانه عمل می‌کنند، تقسیم و بدین صورت نقش دولت متحول شده است (Saito-Jensen, 2015: 2). سیستم‌های چندسطحی همچنین دربردارنده صلاحیت‌های کارکردی و غیرسیاسی هستند که اقتدار آن به وظیفه‌ای خاص محدود است؛ به عبارت دیگر، حکمرانی چندسطحی، مجموعه‌ای از اهداف کلی یا عملکردی سازمان‌های صاحب صلاحیت تعریف می‌شود که دارای درجاتی از خودمختاری در چارچوب ترتیبات حکمرانی مشترک هستند و بازیگران آن‌ها ادعا می‌کنند در تعامل پایدار در تعقیب خیری مشترک مشارکت دارند (Enderlein, et al, 2010: 3-4). حکمرانی چندسطحی به تصمیم‌گیرندگان

اجازه می‌دهد مقیاس حکمرانی را برای انعکاس ترجیحات متنوع شهروندان تنظیم کنند (Hooghe and Marks, 2002: 7). این نوع حکمرانی که نشانگر پراکندگی اقتدار است بر دو نوع است: نوع نخست<sup>۱</sup>، ترتیبات حکمرانی با هدف کلی و تعداد معدودی از مرزهای غیرهمپوشان صلاحیتی. چنین ترتیبات حکمرانی از معماری نسبتاً پایدار در سراسر سیستم پیروی می‌کند. این نوع از حکمرانی ایدئال، سیستم یا سیاست‌های فدرال را شامل می‌شود اما ممکن است محدود به آن نباشد. در مقابل، نوع دوم<sup>۲</sup>، مجموعه‌ای پیچیده و سیال از حوزه‌های صلاحیتی بی‌شمار، همپوشان و از نظر عملکرد، تخصصی و خاص را توصیف می‌کند. این ساختار حکمرانی وظیفه‌ای خاص دارد و بنابراین نهادینه شده و ثابت و پایدار نیست (Enderlein et al, 2010: 4). با توجه به اهمیت نوع دوم حکمرانی چندسطحی، مباحث این مقاله حول محور آن می‌چرخد. مهم‌ترین ویژگی‌های نوع دوم حکمرانی چندسطحی عبارت‌اند از:

**الف) صلاحیت‌های کارکردی خاص<sup>۳</sup>:** در نوع دوم حکمرانی چندسطحی، صلاحیت‌ها متعدد، مستقل و از لحاظ کارکردها متمایز و خاص هستند. در این نظام حکمرانی، شهروندان خدمات را فقط از دولت دریافت نمی‌کنند بلکه از صنایع خدماتی عمومی مختلف مانند صنعت پلیس، صنعت آتش‌نشانی، صنایع بهداشتی، صنعت حمل‌ونقل و ... دریافت می‌کنند (Hooghe and Marks, 2001:6).

**ب. صلاحیت همپوشان قلمروی<sup>۴</sup>:** «امروزه صلاحیت‌ها حدود مرز خود را رها کرده و حوزه‌های صلاحیتی تا حدودی همپوشان شده و صلاحیت‌های سلسله‌مراتبی دولت - ملت، هیچ منطق اقتصادی آشکاری ندارند.» فری و ایشنبرگر<sup>۵</sup> از اصطلاح FOCJ<sup>۶</sup> (صلاحیت‌های کاربردی، همپوشان و رقابتی) برای توضیح ماهیت این نوع حکمرانی استفاده می‌کنند. همچنین استرم و همکاران<sup>۷</sup> از واژه «چند محوری»<sup>۸</sup> برای شرح همزیستی مراکز متعدد تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند که به‌طور رسمی از یکدیگر مستقل هستند (Cited in Hooghe and Marks, 2001:7).

**تعداد زیاد حوزه‌های صلاحیتی:** هر اقدام جمعی گروهی از شهروندان برای

1. Type I
2. Type II
3. Task-Specific Jurisdiction
4. Territorial Overlapping Jurisdiction
5. Bruno Frey and Reiner Eichenberger
6. Functional, Overlapping and Competing Jurisdictions
7. Vincent Ostrom and his collaborators
8. polycentric

مسئله‌ای می‌تواند سبب ایجاد صلاحیت جدیدی شود؛ بنابراین تعداد حوزه‌های صلاحیت بسیار زیاد است.

**سطوح صلاحیتی متعدد:** به‌جای تصور اقتدار در لایه‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، هر کالا یا خدمات عمومی باید توسط صلاحیتی عرضه شود که به‌طور مؤثر مزایا و منافع آن را درونی می‌کند. مقیاس‌ها، سطوح یا طبقات منظم ناپدید می‌شوند. آن‌ها در هم ادغام می‌شوند و هیچ بالا یا پایین، یا پایین‌تر و بالاتری وجود ندارد و هیچ طبقه بازیگر غالب وجود ندارد. بلکه طیف گسترده‌ای از بازیگران دولتی و خصوصی در ائتلاف‌های در حال تغییر، رقابت و همکاری می‌کنند. عدم تمایز واضح مسائل داخلی و خارجی و ملی و فراملی باعث سطوح مختلف صلاحیتی برای موضوعات مختلف شده است (Hooghe and Marks, 2001: 6-8).

**نظام صلاحیتی منعطف:** صلاحیت‌های نوع دوم برای پاسخگویی به ترجیحات متغیر شهروندان و الزامات کارکردی، به انعطاف بیشتر از ثبات تمایل دارند. در این نوع، واحدهای منعطف هرگاه لازم باشد به وجود می‌آیند و در صورت عدم نیاز تداوم نمی‌یابند و شامل خودمختاری پراکنده گروه‌های داوطلب در کنش جمعی در عرصه‌های ناهمگون است (Hooghe and Marks, 2001: 6-8).

همان‌گونه که در نمودار فوق نشان داده شده است، حکمرانی چندسطحی در سطح نهادهای متداخل فراملی، حکومت - ملت، شبکه‌های فراملیتی، دولت‌های فرو ملی، جامعه مدنی و مشارکت مبتنی بر مکان قابل اجراست. در فرازهای بعدی مقاله به نمونه‌هایی از حضور هر یک از سطوح فوق در عرصه تنوع زبانی اشاره خواهد شد. اگرچه به نظر می‌رسد به کارگیری این نوع حکمرانی در عرصه تنوع زبانی در ایران و حصول پیامدهای مطلوب، نیازمند تسهیل چالش‌ها و انطباق با شرایط محیطی، کارآمدسازی ساختاری و مدیریتی، ظرفیت‌شناسی سیستمی، مداخلات راهبردی سازنده و بهینه‌سازی سازوکارها در جهت حفظ تنوع زبانی در کشور باشد.

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۱-۶. گسترش شهرنشینی

مهاجرت از مناطق روستایی به شهری عامل گسترش و تثبیت شهرنشینی به شکل امروزی آن در جهان است. اگر فرهنگ را شیوه زندگی تعریف کنیم در این صورت شهرنشینی و رشد چشمگیر شهرها مهم‌ترین دگرگونی فرهنگی قرن حاضر خواهد بود

(World Commission on Culture and Development, 1995: 216). با نگاهی تاریخی، صنعتی شدن جوامع و نیاز به نیروی کار ارزان، مهاجرت روستاییان به شهرها را باعث شده است. از آنجاکه در کشورهای درحال توسعه، درآمد هر فرد شهری شاغل ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بالاتر از درآمد روستائیان است، حرکت نیروی کار از مناطق روستایی کم بازده به بخش های صنعتی و خدماتی شهری دارای درآمد بهتر را افزایش داده است (اوبرای، ۱۳۷۰: ۸۲-۷۶؛ شکوئی، ۱۳۷۳: ۱۰۴). از منظر سازمان بین المللی مهاجرت<sup>۱</sup> «شهرنشینی اغلب بر اساس جمعیت تعریف می شود و افزایش سهم جمعیتی که در نواحی شهری زندگی می کنند. این افزایش ناشی از سه عامل رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت خالص از روستا به شهر و گسترش مرزهای شهری و ایجاد مراکز شهری جدید است» (IOM, 2105:19).

شهرنشینی فقط افزایش جمعیت در نقاط شهری نیست، بلکه فرایندی پویاست که طی آن، شاهد نوعی جابجایی و حرکت هستیم که حداقل دربردارنده دو نوع حرکت و تغییر است: یکی، حرکت و انتقال جمعیت از مناطق روستایی به شهری همراه با تغییر در کارکردها به ویژه کارکرد اقتصادی؛ و دیگری، تغییر در شیوه زندگی، نظام ارزشی و هنجاری (ازکیا، غفاری، ۱۳۷۷: ۵۴). اگرچه پیشینه شهر و شهرنشینی به حدود ۵-۷ هزار سال پیش از میلاد می رسد، اما معنای جدید شهرنشینی و توسعه فزاینده آن متعلق به سده کنونی است. به رغم سابقه نسبتاً طولانی شهرنشینی، تحولات آن تا قرن ۱۹ م. چشمگیر نبود و تا سال ۱۹۰۰ از هر ۸ نفر فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی می کرد؛ اما در پایان قرن بیستم حدود نیمی از جمعیت جهان شهرنشین شده اند و دوسوم از جمعیت ۳ میلیارد نفری شهرنشین در جهان سوم زندگی می کنند (نقدی، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۷). مسئله مهم در جهان امروز رشد لجام گسیخته و بسیار سریع شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته است. به عنوان مثال، کشور امریکا حدود سه قرن طول کشید تا از جامعه ای روستایی به شهری تبدیل شود. درحالی که در ایران این فاصله زمانی حدود ۵۰ سال بوده است (نقدی، ۱۳۸۲: ۱۲۱).

جدول ۰۱. درصد رشد شهرنشینی در جهان ۱۹۵۰-۲۰۵۰

سال	۱۹۵۰	۱۹۷۰	۲۰۱۱	۲۰۳۰	۲۰۵۰
جهان	۲۹/۴	۳۶/۶	۵۲/۱	۵۹/۹	۶۷/۲
مناطق توسعه یافته	۵۴/۴	۶۶/۶	۷۷/۷	۸۲/۱	۸۵/۹
مناطق درحال توسعه	۱۷/۶	۲۵/۳	۴۶/۵	۵۵/۸	۶۴/۱

(DESA, 2012)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان شهرنشینی در ایران طی ۵۰ سال از ۳۱/۶۷ در سال ۱۳۳۵ به ۶۸/۴۶ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. هر چند در سال ۱۳۵۹ حجم جمعیت مناطق شهری و روستایی برابر بود لیکن بعد از این سال به تناوب از جمعیت نقاط روستایی کم و به جمعیت شهری اضافه شد. به طوری که در سال ۱۳۷۵ جمعیت شهری به ۶۱/۳ و در سال ۱۳۸۵ به ۶۸/۴۶ درصد رسید (ساعی ارسی، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۶). طی دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ تعداد شهرهای ایران از ۶۱۴ شهر به ۱۰۱۸ شهر افزایش یافت یعنی، طی ۱۰ سال، ۴۰۴ نقطه شهری جدید و هر سال حدود ۴۰ شهر و به عبارت بهتر هر ۹ روز یک شهر در ایران به وجود آمد که فرایندی غیرطبیعی است و تنها به وسیله دولت و اراده آن امکان‌پذیر است (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۵۵). نتایج سرشماری‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرنشین ایران از مرز دوسوم کل جمعیت کشور فراتر رفته و به ۷۴ درصد رسیده است. پیش‌بینی می‌شود این روند صعودی در سال ۱۴۳۰ به حدود ۸۵ درصد برسد (فتحی، ۱۳۹۴: ۸).

## ۲-۶. پیامدهای شهرنشینی: نابودی تنوع زبانی

شهرنشینی با دو نوع تغییر همراه است: نخست، تغییرات جمعیتی که عینی، ملموس و قابل‌سنجش است و بیشتر موضوع مطالعه جمعیت‌شناسان است و دوم، تغییر در شیوه زندگی و نظام ارزشی که نیازمند تحلیل جامعه‌شناختی است (ازکیا، غفاری، ۱۳۷۷: ۵۴). در فرایند رشد شتابان شهرنشینی، شهرها به‌منزله «مکان تراکم فرهنگی» (ربانی و وحید، ۱۳۸۱: ۲۷) با افزایش ارتباطات و کنش‌های فرهنگی میان افراد و گروه‌های انسانی، دچار تغییر و تحول می‌شوند. در چنین فرایندی، زبان، این مهم‌ترین ابزار ارتباطی از تغییرات مصون نمی‌ماند و دستخوش دگرگونی تدریجی ولیکن عمیق و گسترده می‌شود که ابعاد آن طی چند نسل ظهور و بروز می‌یابد. مهاجرت و شهرنشینی از پدیده‌های اجتماعی است که به همراه خود پیامدهای زبانی متفاوتی را در پی دارد. گسترش شهرنشینی طی دهه‌های اخیر در نقاط مختلف جهان و ایران، تأثیرات منفی زیادی بر تنوع زبان‌ها گذاشته و باعث همگونی زبانی بیشتری در دنیا شده است. شهرنشینی از طریق تغییر «نگرش زبانی»<sup>۱</sup> گویشوران یک‌زبان، نگاه آن‌ها را نسبت به زبان برتر و غالب مثبت و نسبت به زبان بومی منفی می‌کند و بدین طریق، آن‌ها را به سوی استفاده یا عدم استفاده از یک‌زبان سوق می‌دهد (صباغیان، علومی، ۱۴۰۰: ۷۶۷). مفهوم نگرش‌های زبانی ریشه در نظریه کلی «نگرش» دارد و «تمایل مثبت یا منفی نسبت به یک شیء، فرد، نهاد یا رویداد» تعریف

می‌شود. هر نگرش متشکل از سه جزء احساس، شناخت و رفتار است. بر این اساس، نگرش زبانی چنین تعریف می‌شود: «هر شاخص احساسی، شناختی یا رفتاری در واکنش نسبت به گونه‌های مختلف زبان و سخنگویان آن» (به نقل از داوری اردکانی و جلیلیان، ۱۳۹۲: ۱۳۶). این نگرش‌ها هستند که به انگیزه‌ها شکل می‌دهند و متقابلاً انگیزه‌ها نیز بر نگرش‌ها تأثیرگذارند. نگرش «مکانیسم پنهانی» است که رفتار را هدایت می‌کند. نگرش خودپاسخ‌های آشکار نیست، بلکه متغیری مداخله‌گر است که بین محرک و پاسخ عمل می‌کند (نقل از داوری اردکانی و جلیلیان، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

تغییر زبان، نتیجه انتخاب جمعی و بلندمدت‌گوشوران آن است و این انتخاب از ابتدا تحت تأثیر نگرش‌های زبانی گوشوران است. مجموعه‌ای از عوامل برون زبانی مانند عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...، در شکل دادن به نگرش‌های زبانی و انتخاب و کاربرد زبان دخالت دارند. این انتخاب در نهایت به حفظ یا تغییر زبان منجر می‌شود. پس «تغییر نگرش‌ها مقدمه و لازمه تغییر زبان است.» پیامد نگاه منفی نسبت به زبان محلی، افزایش کاربرد و آموزش زبان قدرتمند و معتبر است. از سوی دیگر، کاربرد هر چه بیشتر زبان معتبر نگرش منفی نسبت به زبان بومی را افزایش می‌دهد (بشیرنژاد، ۱۳۹۰: ۵۳). شهرنشینی عامل مؤثری در تقویت زبان معتبر و قدرتمندتر و به حاشیه راندن زبان‌های محلی و در نتیجه تغییر زبان است. بدین معنی که افراد ساکن در مناطق شهری بیش از روستاییان تمایل به استفاده از زبان معتبرتر و انتقال آن به‌عنوان زبان اول به فرزندان خود دارند. برای مثال، طبق پژوهش انجام شده در استان مازندران شهرنشینان بیشتر از روستاییان تمایل به استفاده از زبان فارسی دارند و بیش از دو برابر روستاییان، فارسی را به‌عنوان زبان اول (به جای زبان مازندرانی) به نسل بعدی خود منتقل کرده‌اند (بشیرنژاد، ۱۳۹۷: ۱۴۰). همچنین، تحقیق دیگری درباره هویت زبانی مهاجرین لک ساکن تهران نشان می‌دهد که علاقه نسل اول مهاجران به زبان لکی در نسل‌های بعد کمتر مشاهده می‌شود (باقری و همکاران، ۱۳۹۹). در پژوهشی دیگر در مورد فرسایش زبان کردی کلهری در میان ایلامی‌های ساکن ایلام و ایلامی‌های ساکن تهران نشان می‌دهد که میزان توانایی زبانی مهاجران ساکن تهران کمتر از کردزبان‌های ساکن ایلام است. همچنین بیشترین فرسایش زبانی در زمینه واژگان در میان گروه سنی زیر ۲۰ سال یعنی نسل دوم یا سوم مهاجران است که نشان از افول زبانی در میان آنان دارد (فراستی و همکاران، ۱۳۹۸).

به طور کلی مهاجرت و شهرنشینی و پیامدهای آن به دو صورت بر زبان‌ها تأثیر

می‌گذارد: نخست از طریق تطبیق‌پذیری و همانند شدن مهاجران با جامعه میزبان؛ و دوم، غرق شدن جمعیت میزبان در جمعیت مهاجر. البته این دو گونه تأثیرگذاری بستر تغییر نگرش زبانی گویشوران زبان اتفاق می‌افتد که در هر صورت، پیامد آن کاهش تنوع زبانی است (صباغیان، علمی، ۱۴۰۰: ۷۶۳-۷۸۸).

### ۳-۶. تنوع زبانی و جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رکن اساسی قوانین کشور که ساختار اداری اجرایی کشور بر اساس آن شکل گرفته است، در اصل پانزدهم درعین‌حال که زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران را فارسی می‌داند که اسناد و مکاتبات و کتب درسی باید به این زبان باشد، لیکن استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی را آزاد اعلام می‌کند. در واقع، در این اصل ضمن تأکید بر زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی و مشترک، تنوع زبانی موجود در کشور را به رسمیت می‌شناسد. بررسی اصل ۱۵ قانون اساسی نشان می‌دهد که «بخش مهم اصل ۱۵ که به زبان فارسی اختصاص دارد... در قامت حکم است و نه حق؛ از این رو بخش آخر اصل که به زبان‌های محلی و قومی اشاره دارد به نظر می‌رسد از منظر حق نباید مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا اگر از نظر قانون‌گذار حق به شمار می‌رفت باید در فصل سوم قانون اساسی نیز حداقل بدان اشاره می‌شد. با این توضیح به نظر می‌رسد «مسئله استفاده از زبان محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس آن‌ها در مدارس» یک آزادی است نه حق و البته نه اصل» (هوشنگی، ۱۳۹۹: ۱۱).

این نگاه به زبان‌های بومی محلی کشور در اسناد فرهنگی کشور نیز منعکس شده است. اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی هدف آن را «حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به‌عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران» و از وظایف آن «حفظ میراث زبانی و ادبی فارسی» و «رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه و قلمرو آن در داخل و خارج از کشور» می‌داند. در بند ۷ ماده ۲ با زبانی مبهم «بهره‌برداری صحیح از زبان‌های محلی (در داخل و خارج از ایران) به‌منظور تقویت و تجهیز این زبان [فارسی] و غنی ساختن و گستردن دامنه کارکرد آن» را مطرح می‌سازد. در «نقشه مهندسی فرهنگی کشور» در عین اینکه در ماده ۱۸ فصل دوم «تنوع و تفاوت‌های فرهنگی اقوام ایرانی» را «امری طبیعی و پذیرفته شده» می‌داند اما در متن این سند هیچ اشاره‌ای به زبان‌های بومی محلی ندارد و هدف را ارتقاء و گسترش

خط، زبان و ادب فارسی بیان می‌کند. سند ملی حقوق کودک<sup>۱</sup> که ماده ۴ آن با عنوان «حق هویت» است در بند ۵ آن به حق کودک و نوجوان برای آشنایی و حفظ هویت اسلامی و ایرانی از جمله زبان و خط فارسی اشاره می‌کند و در بند ۶ می‌گوید: «کودک و نوجوان در استفاده از زبان، گویش، پوشش و اجرای آداب و سنت‌های قومی و محلی با رعایت موازین اسلامی، قوانین و انسجام ملی آزاد است». بر اساس این نگاه قانون اساسی است که ادارات حقوقی وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و همچنین فرهنگ و ارشاد اسلامی که می‌توان هر دو را به نوعی دست‌اندرکار امر آموزش زبان در کشور دانست، در پاسخ به هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، الزام و تکلیفی را برای دولت از اصل ۱۵ قانون اساسی در مورد تنوع زبانی استنباط نمی‌کنند و اصل را بر آزادی تدریس ادبیات قومی محلی می‌دانند که دولت نباید مانع از انجام آن شود (مهرپور، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۱۳). همچنین پاسخ شورای نگهبان قانون اساسی به سؤال وزیر وقت آموزش و پرورش در مورد قرار گرفتن درس ادبیات قومی و محلی در دروس رسمی مدارس بر غیررسمی بودن آن تأکید دارد و اصل ۱۵ قانون اساسی را حاوی تکلیف برای نهادهای کشور به‌ویژه آموزش و پرورش برای برنامه‌ریزی جهت آموزش رسمی این زبان‌ها ندانسته است (به نقل از هوشنگی، ۱۳۹۹: ۱۲).

از این رو به نظر می‌رسد اسناد بالادستی حوزه فرهنگ نیز هیچ وظیفه‌ای را برای نهادهای دولتی در ترویج تنوع زبانی قائل نیستند و بر این اساس هیچ نهادی در کشور مسئولیت مستقیم در این زمینه ندارد. در اسناد توسعه‌ای کشور نیز الزامی به این مسئله وجود ندارد به‌نحوی که در ماده ۱۹ بند ج برنامه پنجم توسعه آمده است: «آموزش و پرورش مجاز است در حدود مقرر در اصل ۱۵ قانون اساسی گویش محلی و ادبیات محلی را در مدارس تقویت نماید» (م. ۱۹، قانون پنجم توسعه). با این تفسیر و با تأکید بر عدم تکلیف دولت و نبود نهادی مسئول در زمینه احیاء و حفظ تنوع زبانی در کشور به‌خصوص عدم تکلیف و الزام آموزش و پرورش در حمایت از تنوع زبانی، نقش سازمان‌های غیردولتی بسیار اهمیت می‌یابد تا از آزادی داده شده در قانون اساسی، استفاده نموده و در خدمت تنوع زبانی کشور باشند.

#### ۴-۶. جامعه مدنی و حفظ تنوع زبانی

جامعه مدنی دربردارنده مجموعه‌ای از حوزه‌های عمومی خودمختار است که در آن نهادهای مدنی با مشارکت عموم مردم به امور خود سامان داده و منافع خود را دنبال می‌کنند. جامعه مدنی از پایه‌های اساسی دموکراسی است و وقتی قوام می‌یابد که

علاوه بر استقلال از قدرت سیاسی بر نهادهای حکومتی نیز اعمال قدرت نماید (بشیریه، ۱۳۸۰: ۹۳-۹۲). جامعه مدنی در ایران از نیمه دوم حکومت صفویه با حضور علمای شیعه و بازاریان به وجود آمد و انقلاب مشروطه را می‌توان عامل گسترش جامعه مدنی در ایران دانست اما حکومت پهلوی و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ باعث دوره‌ای دیگر از استبداد و محدود شدن جامعه مدنی شد. پیروزی انقلاب اسلامی باعث گسترش جامعه مدنی شد اما منازعات داخلی و جنگ تحمیلی فضای سیاسی جامعه را رو به انسداد برد. پایان جنگ و روی کار آمدن دولت هاشمی امید به گسترش جامعه مدنی را افزایش داد. با این حال مفهوم جامعه مدنی به شکل امروزی آن نخستین بار توسط سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ مطرح شد و امروزه حوزه فعالیت این سازمان‌ها و میزان آن‌ها به شدت افزایش یافته است (بنایی بابازاده، ۱۳۹۶: ۹۱-۹۴). با توجه به تهدید زبان‌های بومی محلی بر اثر تحولات جهانی شدن (علمی، ۱۳۹۵) امروزه حمایت از فرهنگ و زبان‌های بومی یکی از حوزه‌های تخصصی است که مؤسسات غیردولتی فعالیت خود را جهت احیاء و حفظ آن‌ها آغاز کرده‌اند که در ذیل به بررسی فعالیت دو مؤسسه می‌پردازیم.

#### ۱-۴-۶. خانه فرهنگ گیلان

سازمانی غیردولتی است که در سال ۱۳۷۹ در رشت تأسیس شد و در حوزه‌های مختلف فرهنگی فعالیت دارد. آنچه در کارنامه دو دهه فعالیت این مؤسسه جلب توجه می‌کند تلاش آن در زمینه حفظ فرهنگ و زبان بومی گیلان است که می‌توان به برگزاری کارگاه نقد و بررسی شعر گیلکی از سال ۱۳۸۰ اشاره کرد که ماهی دو بار برگزار می‌شود و تاکنون بیش از ۵۲۰ جلسه برگزار شده است. همچنین کارگاه ماهانه نقد و بررسی داستان گیلکی که از سال ۱۳۸۵ آغاز شده و تاکنون بیش از ۲۰۰ جلسه از این کارگاه برگزار شده است. برگزاری ۴۰ جلسه کارگاه آیین نگارش زبان گیلکی از ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ یکی دیگر از برنامه‌های این مؤسسه بوده است. انتشار دو کتاب شعر گیلکی «برازه» و «تی تی» و برگزاری سه همایش درباره زبان گیلکی در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۵ از دیگر فعالیت‌های این مؤسسه در حوزه حمایت از زبان گیلکی در دو دهه فعالیت بوده است (خانه فرهنگ گیلان، ۱۴۰۲).

#### ۲-۴-۶. مؤسسه سَمَن بویان سمنان

این مؤسسه که در سال ۱۳۹۰ در سمنان تأسیس شد، هدفش ارتقاء فرهنگی جامعه و حمایت از محققان و نویسندگان است. با این حال آنچه در فعالیت این مؤسسه

برجسته است، توجه به فرهنگ بومی محلی به خصوص زبان سمنانی و حمایت از آثار نویسندگان و شعرای سمنانی است به نحوی که طی ۱۲ سال از تأسیس تاکنون ۷۴ عنوان کتاب درباره و یا به زبان سمنانی با حمایت این مؤسسه منتشر شده است که ۱۴ عنوان از اینها مربوط به شعر و داستان کودکان است. برگزاری ۱۵ نشست در زمینه رسم الخط زبان سمنانی، طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱، برگزاری ۱۶ نشست نقد و بررسی کتاب‌های زبان سمنانی طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱، برگزاری دو کنسرت موسیقی به زبان سمنانی در سال ۱۳۹۰ از برنامه‌های برگزار شده توسط این مؤسسه است. شاید عمیق‌ترین و مؤثرترین فعالیت این مؤسسه را همکاری با آموزش و پرورش سمنان و انتشار کتاب برای کودکان پیش‌دبستانی و همچنین برای دانش‌آموزان پایه اول تا ششم ابتدایی جهت آشنایی با زبان و ادبیات سمنانی دانست که اقدامی تأثیرگذار برای حفظ زبان سمنانی در میان کودکان به‌عنوان گویشوران آتی زبان سمنانی است (سمن بویان، ۱۴۰۲). همه این موارد نشانگر فعالیت بی‌نظیر این مؤسسه در زمینه حفظ زبان سمنانی است.

## ۵-۶. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی<sup>۱</sup> و تنوع زبانی

یکی از پیامدهای جهانی شدن، گسترش جامعه مدنی جهانی و اهمیت یافتن و توانمند شدن سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی است که عامل تحولات مهمی در عرصه بین‌المللی به خصوص در ارتباط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بوده‌اند. جامعه مدنی جهانی از دهه ۱۹۶۰ ویژگی فوق‌سرزمینی یافته است. بر اساس شواهد، لستر سالامون از «انقلاب جهانی اتحادیه‌ها» سخن می‌گوید «که شاید به اندازه سربرآوردن دولت ملی در نیمه دوم سده نوزدهم، برای نیمه دوم سده بیستم اهمیت داشته باشد» (نقل از شولت، ۱۳۸۹: ۳۹۶). سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بخشی از شبکه‌های فرامرزی هواداری هستند که دسترسی و حضور شهروندان را در عرصه نظام بین‌المللی افزایش داده و در روندهای سیاست داخلی و بین‌المللی تأثیرگذار هستند. این شبکه‌ها مرزهای موجود میان سیاست داخلی و بین‌المللی را مبهم ساخته و رویه‌های حاکمیت ملی و دولت‌محوری را در سیاست جهان به چالش کشیده‌اند (کک، سیکینک، ۱۳۸۹: ۳۲۱-۳۲۰). در تعریف، این سازمان‌ها را دارای اعضای داوطلب از یک یا چند جامعه می‌دانند که بر اساس علائق‌شان و بر اساس وابستگی حرفه‌ای، مذهبی، فرهنگی و... اعضایشان فعالیت می‌کنند (Dichter, 1999: 38).

حوزه و گستره سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی به طرز چشمگیری در دهه‌های اخیر افزایش

یافته است. بر اساس آمار موجود تعداد سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در سال ۱۹۰۹ فقط ۱۷۶ بود (Held et al, 1999: 53) که در سال ۱۹۳۰ به ۳۷۵، در ۱۹۴۰ به ۴۲۷ و در ۱۹۵۰ به ۷۵۵ و در ۱۹۶۰ به ۱۳۲۱ که این میزان در سال ۱۹۷۰ به ۲۲۹۶ افزایش یافت که نشانگر افزایش پنج برابری در ظرف سی سال است (Iriye, 1999: 426, 428). آمارها نشانگر ۶۰۰۰ سازمان غیردولتی بین‌المللی در ۱۹۹۰ است که به بیش از ۲۵۰۰۰ سازمان در ۲۰۰۲ افزایش یافته است (Choudhary, 2004: 2).

افزایش تعداد و تنوع بازیگران غیردولتی ناشی از عوامل مختلفی است که می‌توان تضعیف دولت‌ها را مهم‌ترین عامل آن دانست. بازیگران غیردولتی مشروعیت خود را مدیون ناکارآمدی دولت به‌عنوان بازیگر انحصاری هستند. این ناکارآمدی در حوزه‌هایی نظیر بهداشت و توسعه به‌مراتب مشهودتر بوده است. از سوی دیگر گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات و شبکه‌های اطلاع‌رسانی ناشی از آن، جهان و محل را به هم پیوند داده و آگاهی نسبت به این نارسایی‌ها را افزایش داده است (قوام، ۱۳۸۲: ۹۹-۱۰۲). به‌نحوی که اکنون گروه‌های کوچک از نظر مالی و ساختاری می‌توانند با افراد و گروه‌های دورتر از خود در نقاط مختلف جهان ارتباط برقرار کرده و با هم همکاری داشته باشند. از این رو فراملی عمل کردن برای سازمان‌های غیردولتی به‌واسطه ارتباطات بسیار آسان شده است (ویلتز، ۱۳۸۳: ۸۳۵). پایان جنگ سرد و رها شدن دولت‌ها از ایدئولوژی و حساسیت‌های آن دوران نیز عامل دیگری است که فضای تنفسی را برای سازمان‌های غیردولتی فراهم کرده و باعث افزایش تعداد و تنوع آن‌ها در عرصه بین‌المللی شده است (قوام، ۱۳۸۲: ۹۹).

سازمان‌های غیردولتی به‌طور بین‌المللی در چند سطح عمل می‌کنند. کار در زمینه موضوعات ملی با فعالیت مشترک با دیگر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، با کار کردن با سازمان‌های غیردولتی و شاخه‌های ملی آن‌ها، از طریق شعبه‌های منطقه‌ای و از طریق شبکه افراد، سازمان‌ها و دولت‌های هوادار، به فعالیت خود مشروعیت یا وجهه بین‌المللی می‌دهند و از طریق فعالیت‌های هماهنگ، روابط سیاسی بین دولت‌ها را تحت نفوذ قرار می‌دهند. آن‌ها قادر به جمع‌آوری و انتشار اطلاعات و استفاده از رسانه‌های جمعی برای بالا بردن آگاهی مردم در موضوعات مختلف در سطوح ملی و بین‌المللی هستند. این سازمان‌ها با برپایی پویش‌ها و شرکت در کنفرانس‌های مهم بین‌المللی با هدف تغییر دستورکارهای جهانی تلاش می‌کنند (Choudhary, 2004: 15). اهمیت این سازمان‌ها به‌گونه‌ای است که دارای مقام مشورتی در سازمان ملل هستند و نفوذ آن‌ها در طول زمان

در این سازمان نیز افزایش یافته به نحوی که از ۴۰ سازمان غیردولتی در سال ۱۹۴۸ به ۳۳۴۵ سازمان در سال (UN NGOs, 1948-2010) و در سال ۲۰۲۲ به ۶۳۴۳ رسیده است (UN, 2022).

تحولات صورت گرفته در عرصه بین‌الملل و فعال شدن سازمان‌های غیردولتی در این گستره، نشان از تحول نقش، اقتدار و کار ویژه دولت به‌وسیله جهانی شدن دارد. تغییرات صورت گرفته باعث شده که قدرت سیاسی در بالا، پایین و در کنار دولت پراکنده شود. حکمرانی ایدئال و ستفالی به‌وسیله دولت شبکه‌ای یا بازتابی<sup>۱</sup> متحول شده است. این دولت در پی بازسازی قدرت خود در پیوند با دستگاه‌های محلی، فراملی، منطقه‌ای و جهانی است. در این بستر سخن گفتن از تحول یا پیکربندی دوباره قدرت دولت بیشتر مفهوم دارد تا افول آن (Mc Grew, 2000: 163-164).

در زمینه حمایت از تنوع زبانی نیز سازمان‌های غیردولتی فعالیت‌های خود را چه به‌طور مستقل و چه با کمک یونسکو به انجام رسانده‌اند که یکی از آن‌ها باشگاه بین‌المللی قلم<sup>۲</sup> است. این باشگاه، سازمانی غیردولتی است که ۱۹۲۱ در لندن ایجاد شد که طیف وسیعی از فرهنگ‌ها و زبان‌ها را دربر می‌گیرد و دارای ۱۴۷ مرکز در بیش از ۱۰۰ کشور جهان است و دارای مقام مشورتی در سازمان ملل و یونسکو است. این انجمن از ۲۰۱۵ جهت حمایت از حقوق زبانی و ترجمه در سطح محلی، ملی و بین‌المللی فعالیت خود را باهدف و شعار «همه جوامع زبانی محترم هستند و به رسمیت شناخته می‌شوند تا احساس کنند ارتباط دارند و می‌توانند رشد کنند» آغاز کرد. از جمله فعالیت‌های آن را می‌توان حمایت از زبان‌های بومی و محلی در نقاط مختلف جهان، همکاری با سازمان‌های مرتبط در زمینه حقوق زبانی از جمله یونسکو، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌های زبانی، انجام پروژه‌های گوناگون جهت ترغیب معلمان به ادبیات و زبان محلی برشمرد. (Pen, 2023) (Pen Report, 2015-2019: 31-34), این سازمان غیردولتی با توجه به نفوذی که کسب کرده است در حال حاضر از حمایت آژانس همکاری توسعه بین‌المللی سوئد، وزارت خارجه نروژ، صندوق دموکراسی ملل متحد برخوردار است (Pen, 2023).

نمونه دیگر از فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی تصویب اعلامیه جهانی حقوق زبانی<sup>۳</sup> است که توسط سازمان‌های غیردولتی مطرح و تصویب شد. این اعلامیه با

1. Reflexive State
2. PEN International Club
3. Universal Declaration on Linguistic Rights

حضور ۶۱ سازمان غیردولتی ۴۱ باشگاه قلم و بیش از ۴۰ متخصص حقوق زبانی از نقاط مختلف جهان از ششم تا نهم ژوئن ۱۹۹۶ در بارسلونا با ابتکار عمل گروه حقوق زبانی و ترجمه باشگاه بین‌المللی قلم و مرکز بین‌المللی اسکارا<sup>۱</sup> برای اقلیت‌ها و ملل قومی و با حمایت‌های معنوی و فنی یونسکو تصویب شد و کمیته‌ای نیز جهت پیگیری تصویب آن در یونسکو تشکیل شد. بدین ترتیب حوزه مشورتی سازمان‌های غیردولتی متنی را به یونسکو پیشنهاد داد که می‌تواند نقطه آغاز کار کارشناسان دولتی باشد و البته همه این کارها با همکاری مشترک با یونسکو و بر اساس پروژه لینگوآپاکس<sup>۲</sup> اجرایی شد (Udlr, 1998:11,15). لینگوآپاکس<sup>۲</sup> یک پروژه آموزشی است که به وسیله یونسکو در ۱۹۸۷ ایجاد شد و از سال ۲۰۰۱ در بارسلونا با توجه به تحولات ساختاری و سیاسی در یونسکو به‌عنوان یک سازمان مستقل به مقام مشورتی ارتقاء یافت که مأموریت آن تشویق و ابداع راه‌هایی جهت تنوع زبانی در دنیا است. در سال ۲۰۰۶ شبکه بین‌المللی لینگوآپاکس<sup>۳</sup> در همه قاره‌ها ایجاد شد. جایزه بین‌المللی لینگوآپاکس<sup>۴</sup> که به‌طور سالانه از سال ۲۰۰۲ باهدف حفظ تنوع زبانی، احیاء و فعال‌سازی جوامع زبانی و ارتقاء چندزبانی در دنیا در روز ۲۱ فوریه همزمان با روز جهانی زبان مادری به فعالان دانشگاهی یا جوامع مدنی که در این حوزه فعالیت‌های شایانی انجام داده باشند اهداء می‌شود. از فعالیت‌های آن به انتشار کتب، برگزاری کنفرانس‌ها و سمپوزیوم‌های بین‌المللی، انتشار سالنامه حاوی مقالات علمی<sup>۵</sup> در زمینه حمایت از تنوع زبانی از ۲۰۱۰ می‌توان اشاره کرد (Linguapax, 2023 & Jalt, 2023).

## ۶-۶. سازمان‌های دولتی بین‌المللی و تنوع زبانی

از میان سازمان‌های دولتی بین‌المللی، یونسکو<sup>۶</sup> مهم‌ترین سازمان فرهنگی دولتی بین‌المللی است که از ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ باهدف کمک به صلح و امنیت بین‌المللی از طریق ترویج تشریک‌مسابی میان ملل در امور تعلیم و تربیت، علوم و فرهنگ فعالیت خود را آغاز کرد. در واقع، رسالت اصلی یونسکو ارتقاء صلح از طریق آموزش، علم و فرهنگ است. اقدامات این سازمان در حوزه فرهنگ در طول زمان تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است به‌نحوی که با حمایت از آثار هنری و انتشار شاهکارهای ادبی جهان

1. Escarre International Centre for the Ethnic Minorities and Nations

2. Linguapax

3. International Linguapax Network

4. International Linguapax Award

5. Linguapax Review

6. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

شروع و توجه یونسکو به ابعاد فرهنگی توسعه، حفظ میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، هویت فرهنگی و با توجه به جهانی شدن و خطر از بین رفتن تنوع زبانی و فرهنگی به حمایت از تنوع فرهنگی و زبانی معطوف شده است. اعلام سال «۲۰۰۸ به عنوان سال بین‌المللی زبان‌ها»<sup>۱</sup> توسط سازمان ملل را می‌توان ناشی از تلاش یونسکو از طریق این سازمان مهم بین‌المللی جهت توجه دادن همه جهانیان به مسئله مهم زبان‌ها و وضعیت بغرنج آن‌ها دانست (UN, 2007). فعالیت‌های یونسکو در حوزه هنجارسازی یعنی تدوین کنوانسیون‌ها، بیانیه‌ها و توصیه‌نامه‌ها نشان می‌دهد که با تلاش این سازمان از ابتدای تأسیس ۱۷ سند هنجارساز بین‌المللی جهت ارتقاء تنوع زبانی و فرهنگی تدوین شده است که مهم‌ترین آن کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی (۲۰۰۵) است (علوم، ۱۳۹۵). فعالیت یونسکو در مورد تنوع زبانی شکل‌های گوناگونی چون: ظرفیت‌سازی، پژوهش و تحلیل، آگاه‌سازی، حمایت از پروژه‌ها و اشاعه اطلاعات در ۵ حوزه آموزش، علم، علوم انسانی و علوم اجتماعی، اطلاعات و ارتباطات و فرهنگ را شامل می‌شود (Unesco, 2008: 4). اطلس زبان‌های در معرض خطر<sup>۲</sup> یکی دیگر از برنامه‌های یونسکو در زمینه حمایت از تنوع زبانی است که نخستین ویرایش آن در سال ۱۹۹۶ منتشر شد که هدف از آن ارائه هشدار و آگاهی بخشی درباره ۶۰۰ زبان در خطر انقراض جهان بود و ویرایش دوم آن ۹۰۰ زبان را شامل می‌شد و ویرایش سوم آن در مورد ۲۵۰۰ زبان در معرض خطر جهان است و نسخه آنلاین آن نیز از ۲۰۰۹ در اینترنت موجود است. این اطلس که با کمک دانشمندان کشورهای مختلف جهان به نگارش در آمده است نشانگر وضعیت زبان‌های در معرض خطر یا در حال انقراض در جهان است و به گونه‌ای هشدارآمیز برای جهانیان وضعیت زبان‌های دنیا را رصد می‌کند (Atlas of Unesco, 2010: 4-5). یونسکو از دسامبر ۲۰۲۱ تعداد ۲۷۴۷ پروژه، در ۱۷۷ کشور و در ۲۳ بخش به میزان ۹۰۵/۶۶۰/۳۴۷ دلار هزینه کرده است (Unesco Transparency, 2021) که ۲۹۳/۷۰۳/۸۰۸ دلار در بخش آموزش، ۱۲۲/۵۹۸/۹۲۵ دلار در بخش فرهنگ و ۴۶/۴۳۹/۴۶۰ دلار در بخش ارتباطات بوده که در همه این موارد طرح‌های مرتبط با تنوع زبانی نیز به چشم می‌خورد (Unesco Transparency, 2021a).

## نتیجه‌گیری

امروزه عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی از یک‌سو شاهد ظهور سازمان‌های غیردولتی است و از سوی دیگر پیچیده و گسترده شدن موضوعات و مسائل مربوط به حکمرانی و توان ناکافی حکومت‌ها در مواجهه و حل این مسائل، استفاده از پتانسیل این سازمان‌ها را ضروری ساخته است. از این رو شاهد شکل‌گیری شیوه‌های جدیدی از حکمرانی هستیم به نحوی که بازیگران غیردولتی در کنار حکومت‌ها نقش مهمی در حکمرانی یافته‌اند و می‌توانند نقش مکمل را برای کمک به آن‌ها در انجام وظایف خود ایفاء کنند. بر این اساس مطرح شدن شیوه حکمرانی چندسطحی نشانگر این است که در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تنها حکومت‌ها نیستند که تصمیم‌گیر و مجری برنامه‌های خود هستند بلکه در کنار آن‌ها نهادهای فراملی، ملی، فراملی و جامعه مدنی نیز در حکمرانی مشارکت دارند.

حمایت از تنوع زبانی با توجه به خطر افول تنوع زبان‌ها در جهان موضوعی است که امروزه توجه دولت‌ها و انواع سازمان‌های دولتی و غیردولتی داخلی و بین‌المللی را به خود جلب کرده است. این مطلب در مورد کشورمان نیز صدق می‌کند. امروزه تنوع زبانی در ایران بر اثر شهرنشینی به مخاطره افتاده است. با توجه به گستره تنوع زبانی در ایران و نیاز به امکانات مادی و فنی قابل ملاحظه جهت حفظ، احیاء و ترویج زبان‌های بومی و همچنین فقدان ساختار حقوقی و نهادی مسئول، ضرورت تحول حکمرانی فرهنگی از حکمرانی دولتی به حکمرانی فرهنگی چندسطحی برای حفظ تنوع زبانی به چشم می‌خورد. از این رو شایسته است با توجه به اهمیت حفظ گنجینه زبان‌های بومی و محلی ایران، حاکمیت با نگاهی صرفاً فرهنگی بستر و زمینه فعالیت بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی را فراهم کرده به نحوی که این مؤسسات بتوانند علاوه بر منابع مالی و امکانات داخلی، از همکاری‌های مادی و فنی مؤسسات غیردولتی و دولتی بین‌المللی همچون یونسکو جهت حمایت از تنوع زبانی کشورمان بهره‌مند شوند. با توجه به فقدان الزام قانونی دولت برای حمایت از حفظ تنوع زبانی در کشور و همچنین نبود ساختارهای نهادی و حقوقی دولتی مناسب برای این امر، این خلاءها می‌تواند بستر و فرصت مناسبی را برای سازمان‌های غیردولتی فراهم آورد تا آن‌ها با نظارت دولت، بار این مسئولیت سنگین فرهنگی را بر دوش کشند. این سازمان‌ها که عموماً به‌طور تخصصی در این زمینه فعالیت می‌کنند، با توجه به ماهیت‌شان بهتر و بیشتر از نهادهای دولتی می‌توانند زمینه‌ساز اعتماد متخصصان و مردم فرهنگ

دوست را فراهم کرده و با جلب مشارکت مادی و معنوی آن‌ها در این حوزه از فرهنگ، درزمینه حفظ و احیاء تنوع زبانی در کشور گام بردارند؛ همان‌طور که فعالیت‌های خانه فرهنگ گیلان و مؤسسه سمن بویان سمنان در حمایت از تنوع زبانی کارنامه موفق و درخشانی از دو سازمان غیردولتی را به نمایش می‌گذارد. هرچند نقطه ضعف فعالیت آن‌ها را می‌توان، عدم تعامل با سازمان‌های دولتی و غیردولتی بین‌المللی و استفاده از حمایت‌های آن‌ها در حوزه تنوع زبانی دانست، امری که باید از سوی نهادهای دولتی به‌عنوان تسهیلگر این امر مدنظر قرار گیرد و فعالیت جدی و جدیدی نیز از سوی این مؤسسه‌های مردم نهاد صورت گیرد.

## منابع و مأخذ

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: مؤسسه نشر کلمه.
- اوبرای، ا.س. (۱۳۷۰). مهاجرت، شهرنشینی و توسعه. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- باقری، رحمان؛ اسفندیاری، غفار؛ احمدی، حبیب؛ عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۹۹). «مطالعه جامعه‌شناختی هویت زبانی مهاجرین قوم لک ساکن تهران»، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی دانشگاه پیام نور. ۲ (۱۰).
- DOI: 10.30473/IL.2020.47104.1273
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۹۰). مرگ زبان: مبحثی در جامعه‌شناسی زبان. آمل: نشر شمال پایدار.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۹۷). «تحلیلی اجتماعی - زبان‌شناختی بر جایگاه و کاربرد مازندرانی و فارسی در استان مازندران». فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء. ۱۰ (۲۷)، ۱۴۵ - ۱۱۹.
- DOI:10.22051/JLR.2017.12396.1218
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). درس‌های دموکراسی برای همه. تهران: نگاه معاصر
- بنائی بابازاده، امین (۱۳۹۶). سازمان‌های مردم‌نهاد، از توسعه انسانی تا مشارکت مدنی. تهران: نشر نگاه معاصر.
- خانه فرهنگ گیلان (۱۴۰۲). کارنامه، نگاهی به دو دهه فعالیت‌های فرهنگی - هنری خانه فرهنگ گیلان. رشت: خانه فرهنگ گیلان.
- داوری اردکانی، نگار و جلیلیان، آذردهخت (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی زبان: برنامه‌ریزی زبان فارسی و نگرش‌های زبانی. تهران: جامعه‌شناسان.
- ربانی، رسول؛ وحید، فریدون (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهری تهران: سمت، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۸). «دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران)». جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای. پیش شماره پاییز و زمستان. ۱۴۳ - ۱۶۵.
- ساعی ارسلی، ایرج (۱۳۹۲). «تحلیل روند تحولات شهرنشینی در استان‌های ایران (۱۳۳۵ - ۸۵)». مطالعات علوم اجتماعی ایران. ۱۰ (۳۷)، ۷۲ - ۴۲.
- سمن بویان (۱۴۰۲). بررسی دوازده سال فعالیت مؤسسه سمن بویان (۱۳۹۰ - ۱۴۰۲). سمنان: مؤسسه سمن بویان.
- شکویی، حسین (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. جلد اول تهران: سمت
- شولت، یان آرت. (۱۳۸۹) «جامعه مدنی جهانی» در ریچارد لیتل و مایکل اسمیت (ویراستار) دیدگاه‌هایی درباره سیاست جهان. ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۳۹۱ - ۴۰۶.
- صباغیان، علی و علومی، ابراهیم (۱۴۰۰). «جهانی‌شدن، تشدید شهرنشینی و افول تنوع زبانی». فصلنامه سیاست. ۳ (۳) ۷۸۸ - ۷۶۳. [https://jppq.ut.ac.ir/article\\_84604.html](https://jppq.ut.ac.ir/article_84604.html)
- علومی، ابراهیم (۱۳۹۵). جهانی‌شدن و تحول سیاست‌های زبانی یونسکو. رساله دکتری روابط بین‌الملل. تهران: دانشگاه تهران.
- فتحی، الهام (۱۳۹۴). «روند شهرنشینی در ایران»، دو ماهنامه تحلیلی پژوهشی آمار، ۳ (۲)، ۸ - ۱۵.
- <https://amar.srtc.ac.ir/article-1-32-fa.html>

## شهرنشینی و ضرورت حکمرانی فرهنگی [...] |

فراستی، شهلا؛ صابری، کورش و هیوا ویسی (۱۳۹۸) «فرسایش و تغییرات زبانی در کردی کلهری ایلامی‌های مقیم تهران»، فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۷، ۲۵:۹۵-۱۱۰.  
[https://jllw.razi.ac.ir/article\\_1075.html](https://jllw.razi.ac.ir/article_1075.html)

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). کاربرد نظریه‌های روابط بین‌الملل، سیاست بین‌الملل در عرصه تئوری و عمل. تهران: نشر دنیای اقتصاد.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲). جهانی‌شدن و جهان سوم، روند جهانی‌شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کک، مارگارت و سیکینک، کاترین (۱۳۸۹). «شبکه‌های فرامرزی هواداری در سیاست بین‌الملل» در ریچارد لیتل و مایکل اسمیت (ویراستار). دیدگاه‌هایی درباره سیاست جهان. ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۳۴۲-۳۱۵.

ملت دوست، سولماز؛ احمدخانی، محمدرضا؛ شعیری، حمیدرضا و کریمی فیروزجایی، علی (۱۴۰۲). «بررسی متغیرهای اجتماعی و مهاجرت بر کاربرد تنوعات گویشی و زبانی در شهر تهران از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی». فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، ۱(۲۵)، ۶۹-۸۲.

<https://doi.org/10.30473/il.2024.64109.1545>

مهرپور، حسین (۱۳۸۴). وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی. تهران: ثالث.

نقدی، اسدالله (۱۳۸۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری: انسان و شهر. همدان: فناوران.

وحدانی نیا، ولی‌الله و درودی، مسعود (۱۳۹۸) «سیاست‌گذاری عمومی متأخر؛ گذار از «حکومت‌محوری» به «حکمرانی»». فصلنامه دولت پژوهی، ۵(۱۸)، ۱۳۱-۱۷۰.

<https://doi.org/10.22054/tssq.2019.32329.499>

ویلتز، پیتر (۱۳۸۳). «بازیگران فراملی و سازمان‌های بین‌المللی در سیاست جهانی» در جان بیلپس و استیو اسمیت. جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر جدید. جلد اول. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۸۵۴-۷۹۵.

هوشنگی، حمید (۱۳۹۹). «برداشت‌های سیاستی و اجرایی از اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات ملی، ۴(۸۴)، ۲۴-۳.  
[https://www.rjnsq.ir/article\\_120486.html](https://www.rjnsq.ir/article_120486.html)

Abbasi, M. G.; Ahsan, M.; Hussain, Z. (2020). "Determining Linguistic and Cultural Diminution: An Analysis of Urbanization and Migration in Pakistan" *Sir Syed Journal of Education & Social Research*. 3(3), 400-407. [https://doi.org/10.36902/sjesr-vol3-iss3-2020\(400-407\)](https://doi.org/10.36902/sjesr-vol3-iss3-2020(400-407))

Atlas of UNESCO. (2010). *Atlas of the World's Languages in Danger*. Paris: UNESCO.

Azkiya, Mostafa & Qolamreza Qafari. (1998). *Sociology of Development*. Tehran: Kalameh. [in Persian]

Bashirnezhad, Hassan. (2011) *Language Death (A course in Sociolinguistics)*. Amol: Shomal-e-paydar. [in Persian]

Bashirnezhad, Hassan. (2018). "A Socio-linguistic Analysis on the Status and Usage of Mazandarani and Persian in Mazandaran". *Journal of Language Research*. 10(27). 119-145. [https://jlr.alzahra.ac.ir/article\\_2755\\_c32aa079276dfc497b930c3732643b3f.pdf?lang=en](https://jlr.alzahra.ac.ir/article_2755_c32aa079276dfc497b930c3732643b3f.pdf?lang=en) [in Persian]

- Bashiriye, Hossein. (2001). *Democracy Lessons for All*. Tehran: Negah e Moaser. **[in Persian]**
- Banayi Babazadeh, Amin. (2017). *NGOs, from Human Development to Civil Partnership*. Tehran: Negah e Moaser. **[in Persian]**
- Bagheri, Rahman; Ghafarinasab, Esfandiar; Ahmadi, Habib & Abbasi-Shavazi, Mohammad Taghi. (2020). "A Sociological Study on Linguistic Identity of Lak Migrant in Tehran". *Iranian Journal of Sociolinguistic*. 2(10). 49-59. [http://journals.pnu.ac.ir/article\\_6681.html](http://journals.pnu.ac.ir/article_6681.html) **[in Persian]**
- Bulkeley, H; Davies, A.; Evans, B.; Gibbs, D.; Kern, K.; Theobald, K. (2003). "Environmental Governance and Transnational Municipal Networks in Europe". *Journal of Environmental Policy and Planning*. 5(3), 235-254.
- Trinh, Cam Lan. (2019). "Urbanization and Language Change in Vietnam: Evidence from a Rural Community in Hanoi". *European Journal of Literature and Linguistics*.4. 23-30. <https://doi.org/10.29013/EJLL-19-4-23-30>.
- Choudhary, K. (2004). "Global Civil Society, Globalization and Nation-State", *Paper presented at the ISTR Conference 2004 held at Toronto, Canada*.1-23.
- DESA. (2012) *World Urbanization Prospects: The 2011 Revision*. New York: UN.
- Dichter, T. (1999) "Globalization and Its Effect on NGOs: Efflorescence or a Blurring of Roles and Relevance?" *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*. 28(4),38-58. DOI: 10.1177/089976499773746429
- Enderlein, H.; Wälti, S.; Zürn, M. (2010). *Handbook on Multi-level Governance*, USA: Edward Elgar Publishing.
- Fukuyamam, F. (2016). "Governance: What Do We Know, and How Do We Know It?" *The Annual Review of Political Science*. 19.89-105. <https://doi.org/10.1146/annurev-polisci-042214-044240>
- Farasati, Shahla; Saberi, Kouroush & Weisi, Hiwa. (2019) "Language Attrition among Kalhori Kurdish Speakers Living in Tehran", *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*.Vol 7, No 25. 95-110. [https://jlw.razi.ac.ir/article\\_1075.html](https://jlw.razi.ac.ir/article_1075.html) **[in Persian]**
- Ghavam, Abdolali. (2014) *The Application of Theories of International Relations*. Tehran: Donyay e Eghtesad. **[in Persian]**
- Ghavam, Abdolali (2003) *Globalization and Third World*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Press. **[in Persian]**
- Graham, J.; Amos, B.; Plumptre, T. (2003) "Principles for Good Governance in the 21<sup>st</sup> Century", *Policy Brief*. No.15. Ottawa: Institute on Governance.
- Gilan Culture House. (2023) *Record, Review of Two Decades of Cultural and Art Activities of Gilan Culture House*, Rasht: Gilan Culture House. **[in Persian]**

- Harrison, D. K. (2007) *When Languages Die: The Extinction of the World's Languages and the Erosion of Human Knowledge*. Oxford, New York: Oxford University Press.
- Held, David; Mc Grew, Anthony; Goldblatt, David & Perraton, Jonathan. (1999) *Global Transformations: Politics, Economics and Culture*. Stanford: Stanford University Press.
- Hooghe, L & Marks G. (2001) "Types of Multi-Level Governance," *European Integration Online Papers*. 5(11),1-24. <https://eiop.or.at/eiop/pdf/2001-011.pdf>.
- Hooghe, L & Marks (2002) "Types of Multi-Level Governance," *Les Cahiers européens de Sciences Po*. No 03.1-30.
- Hooshangi, Hamid. (2020) "Policy and Executive Perceptions of Article 15 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran" *National Studies Quarterly*. 21(4). 3-24. [https://www.rjnsq.ir/article\\_120486.html](https://www.rjnsq.ir/article_120486.html) [in Persian]
- IOM. (2015) *World Migration Report 2015: Migrants and Cities: New Partnerships to Manage Mobility*. Geneva: IOM.
- Iriye, Akira (1999) "A Century of NGOs," *Diplomatic History*, 23(3),421-435.DOI: 10.1111/0145-2096.00175
- Jalt. (2023) <https://jalt-publications.org/ltl/articles/2054-linguapax-languages-and-peace> (Accessed:4,July,2023).
- Oberai,A.S. (1991) *Migration, Urbanization and development*, Translated by F. Ershad, Tehran: Labour and Social Security Institute. [in Persian]
- Oloumi, Ebrahim. (2017) *Globalization and Development of UNESCO's Language Policies*. PhD Thesis in International Relations, Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Keck, Margaret & Sikink, Kathryn. (2010) "Transnational Advocacy Networks in International Politics" in Richard Little & Michael Smith, eds *Perspectives on World Politics*, Translated by: A. Tayeb. Tehran: Elmi va Farhangi Press. 315-342. [in Persian]
- King,I. & Schramme,A.,eds. (2019) *Cultural Governance in a Global Context*. Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Krauss, Michael. (1992) "The World's languages in Crisis" *Language*. 68(4), 4-10. DOI: 10.1353/lan.1992.0075.
- Linguapax.(2023) <https://www.linguapax.org/en/>(Accessed:4,July,2023).
- Mc Grew, Anthony (2000) "Power Shift: From national government to global governance?" in David Held. ed. *A Globalizing World? Culture, Economics, Politics*, London and New York: Routledge in association with The Open University. 128-169.

- Mehrpour, Hossein. (2005) *The Difficult Task of Monitoring the Implementation of the Constitution*, Tehran: Sales. [in Persian]
- Naghdi, Asadollah. (2003) *An Introduction to Urban Sociology: Human and City*. Hamedan: Fanavaran. [in Persian]
- Rabani, Rasoul & Vahida, Freidou. (2002) *Urban Sociology*. Tehran: SAMT and Isfahan: University of Isfahan. [in Persian]
- Rahnamayi, Mohammad Taghi. (2009) "State and Urbanization in Iran (Basics and General Principles of the Theory of City Development and Urbanization in Iran)," *Geography and Regional Planning*. No Fall and Winter. 143-165. <https://www.sid.ir/paper/465464/fa> [in Persian]
- Sabbaghian, Ali and Oloumi, Ebrahim. (2021) "Globalization, Intensification of Urbanization and Decline of Linguistic Diversity," *Journal of Politics Quarterly*. 51(3). 788-763. [https://jppq.ut.ac.ir/article\\_e\\_84604\\_cce804f5bcb4dc12776a9aa733d2a5d2.pdf?lang=en](https://jppq.ut.ac.ir/article_e_84604_cce804f5bcb4dc12776a9aa733d2a5d2.pdf?lang=en) [in Persian]
- Saeed Arasi, Iraj. (2013) "Analysis of Urbanization Trends in the Provinces of Iran (1956-2006)" *Social Science Studies of Iran*. No37.42-72. <https://www.sid.ir/paper/255064/fa> [in Persian]
- Samanbooyan. (2023) *12 Years Activities of Samanbooyan Institute*, Semnan: Samanbooyan Institute. [in Persian]
- Scholte, Jan Aart. (2010) "Global Civil Society" in Richard Little and Michael Smith, eds, *Perspectives on World Politics*. Translated by: A. Tayeb. Tehran: Elmi va Farhangi Press. 391-406. [in Persian]
- Pen Report. (2015-2019) *Pen International Impact and Learning Report 2015-2019*. London: Pen International
- Pen. (2023) <https://www.peninternational.org/> (Accessed:19,June,2023)
- Saito-Jensen M. (2015) *Theories and Methods for the Study of Multilevel Environmental Governance. Guideline*. Bogor, Indonesia: CIFOR.
- Schmitt, T. (2009) "Global Culture Governance. Decision Making About World Heritage Between Politics and Science" *Erdkunde*, 63(2), 103-121. DOI: 10.3112/erdkunde.2009.02.01
- Shokuyi, Hossein. (1994) *New Perspective in Urban Geography*. Tehran: SAMT. 1<sup>st</sup> Vol. [in Persian]
- UDLR. (1998) *Universal Declaration of Linguistic Rights*, Orlando (Florida): Harcourt Brace & Company.
- UN NGOs. (1948-2010) *NGOs in Consultative Status with ECOSOC by Category (1948-2010)*, available at: [https://www.globalpolicy.org/images/pdfs/NGOs\\_in\\_Consultative\\_Status\\_with\\_ECOSOC\\_by\\_Category.pdf](https://www.globalpolicy.org/images/pdfs/NGOs_in_Consultative_Status_with_ECOSOC_by_Category.pdf)

UN. (2007) *Resolution adopted by the General Assembly on 16 May 2007. A/Res/61/266*. New York: UN.

UN. (2022) *List of non-governmental organizations in consultative status with the Economic and Social Council as of 31 December 2022*, E/2022/INF/5

UNESCO Transparency (2021a) <https://opendata.unesco.org/en/what-are-our-funds-being-spent-on/sector>

UNESCO Transparency. (2021) <https://opendata.unesco.org/en/>

UNESCO. (2008). *International Year of Languages*. Paris: UNESCO

UNESCO. (2014) *UNESCO Culture for Development Indicators*, Paris: UNESCO.

UNESCO. (2021) *The International Year of Indigenous Languages*. Paris: UNESCO.

Wikipedia. (2023) [https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86\\_%D8%AF%D8%B1%D8%AE%D8%B7%D8%B1](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86_%D8%AF%D8%B1%D8%AE%D8%B7%D8%B1) (Accessed: 19, June, 2023)

World Commission on Culture and Development. (1995) *Our Creative Diversity*, Paris: UNESCO.

Willets, Peter. (2004) "Transnational Actors and International Organization in Global Politics" in John Baylis and Steve Smith, eds *The Globalization of World Politics (An Introduction to International Relations)*. Translated by: A. Rahchamani and Others. Tehran: Tehran International Studies and Research Institute. Vol 1. 795-854. [in Persian]



## A study of cultural cartography in cultural development and planning

**Maryam Hossein Yazdi**, Associate Professor of Faculty of Social Sciences, University of Tehran.  
(Corresponding Author). Email: [mhoseinyazdi@ut.ac.ir](mailto:mhoseinyazdi@ut.ac.ir)

**Ebrahim Fayaz**, Associate Professor, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.  
Email: [efayaz@ut.ac.ir](mailto:efayaz@ut.ac.ir)

### Abstract

Cultural mapping involves the participation of local community members in identifying and recording the cultural values of the neighborhood; And it offers a new way to record cultural affairs, places and communities . This is very important because the identification of cultural capacities and capitals is the main factor in the regeneration of society. In this research, we are trying to answer the question, what is the relationship between cultural mapping and cultural planning and development of the society? And how does cultural mapping help society? This research is descriptive and analytical, and information has been collected in a documentary way. The purpose of the research is to study cultural mapping through similarities and differences with cultural development and cultural planning. From the point of view of the theoretical approach, it focuses on the theory of Stephen Mower, who believes that with cultural development and planning in the central core, cultural mapping causes the power of societies, and then related themes and categories are extracted and then analyzed and formed. The results of the research show that cultural mapping is a bottom-up process and is focused on participation and meaning. Through the sense of place and the meanings of place, it documents the information and identifies the tangible and intangible assets of the place for cultural development; This means that indigenous people, like experts and planners, are involved in recording and writing local culture, and weaknesses are identified and strengths are preserved and added to.

### Keywords

Cultural mapping, cultural development, cultural planning, diversity, equality and sustainability.





## مطالعه نقشه‌نگاری فرهنگی در فرایند توسعه و برنامه‌ریزی فرهنگی

مریم حسین یزدی<sup>۱</sup>، ابراهیم فیاض<sup>۲</sup>

### چکیده

نقشه‌برداری فرهنگی باعث مشارکت اعضای جامعه محلی در شناسایی و ثبت ارزش‌های فرهنگی محله می‌شود؛ و روش جدیدی را برای ثبت امور فرهنگی، مکان‌ها و جوامع ارائه می‌دهد. این امر بسیار اهمیت دارد چراکه شناسایی ظرفیت‌ها و سرمایه‌های فرهنگی عامل اصلی در بازآفرینی جامعه است. در این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که نقشه‌برداری فرهنگی چه ارتباطی با برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی جامعه دارد؟ و نقشه‌برداری فرهنگی چگونه به جامعه کمک می‌کند؟ این تحقیق توصیفی تحلیلی بوده و با شیوه اسنادی، اطلاعات جمع‌آوری شده است. هدف پژوهش مطالعه نقشه‌برداری فرهنگی از طریق شباهت‌ها و تفاوت‌ها با توسعه فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی است. از منظر رویکرد نظری تمرکز بر نظریه استفان موور دارد که باور دارد با توسعه و برنامه‌ریزی فرهنگی در هسته مرکزی، نقشه‌برداری فرهنگی سبب قدرت جوامع می‌شود و سپس مضامین و مقولات مرتبط استخراج و بعد تجزیه و تحلیل آنان شکل گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که نقشه‌نگاری فرهنگی فرایندی از پایین به بالا است و متمرکز بر مشارکت و معنا است. از طریق حس مکان و معانی مکان، اطلاعات را مستندسازی می‌کند و سرمایه‌های مشهود و نامشهود مکان برای توسعه فرهنگی را شناسایی می‌کند؛ بدین معنا که مردم بومی، همانند متخصصان و برنامه‌ریزان در ثبت و نگارش فرهنگ محلی دخیل هستند و نقاط ضعف شناسایی شده و نقاط قوت، حفظ و بر آن افزوده می‌شود.

### واژگان کلیدی

نقشه‌برداری فرهنگی، توسعه فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی، تنوع، برابری و پایداری.



## مقدمه

فرهنگ مفهومی گسترده، شامل مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها، رفتارها، سنت، آداب و رسوم و هنجارها است که مورد پذیرش مردم جامعه یا گروه می‌باشد و نسبت به حفظ و اجرای آن پایبند هستند. بخشی از فرهنگ، ملموس و به راحتی رؤیت پذیر است و بخشی دیگر ناملموس، اما در عین حال دارای جامعی یا گروه محسوب می‌شود. راهکار نسبتاً جدیدی که سبب ثبت فرهنگ، به صورت جامع و کامل می‌شود، نقشه‌نگاری فرهنگی است. نقشه‌ها با اهداف گوناگونی تولید می‌شوند و کاربردهای متفاوتی دارند. از جمله نقشه‌هایی که جنبه‌های فرهنگی را بازنمایی می‌کند، نقشه‌نگاری فرهنگی است. نقشه‌نگاری فرهنگی، خوانش فرهنگی یک منطقه را فراهم می‌سازد که هم در حفظ آثار فرهنگی مؤثر است و هم ابزاری برای برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی را فراهم می‌آورد.

نقشه‌ها به عنوان مصنوعات بصری در نظر گرفته می‌شوند و مطالعه آن‌ها از جنبه‌های زیبایی‌شناختی، نکات ساختاری و دیدن آن‌ها به عنوان معماری پیچیده‌ای از نشانه‌ها و معماری بصری از فضای بازنمایی شده اهمیت دارد؛ البته همه نقشه‌ها اهداف یکسانی ندارند و برخی از آنان به شناخت جنبه‌های جامعه‌شناختی و فرهنگی نیز می‌پردازند. برای درک فرهنگ نقشه‌برداری باید هدف نقشه‌ها و راه‌هایی که آن‌ها در جامعه معین مورد استفاده قرار می‌گیرند، فهمیده شود (Jacob, 1996).

نقشه‌برداری فرهنگی یک ابزار سیستماتیک است که سبب مشارکت و درگیر شدن جوامع در شناسایی و ثبت دارایی‌های فرهنگ محلی می‌شود، با این مفهوم که این دانش برای استراتژی‌های اطلاع‌رسانی جمعی، فرایندهای برنامه‌ریزی یا ابتکارات دیگر استفاده خواهد شد. نقشه‌برداری فرهنگی روش‌های جدیدی را برای توصیف، حسابداری، کنار آمدن با امور فرهنگی، منابع جوامع و مکان‌ها را نوید می‌دهد. این منابع هم محسوس و هم کمی و هم ناملموس و کیفی هستند (Duxbury, 2015). پیوند بین نقشه و فرهنگ، در نظر گرفتن نقشه به عنوان زبان ارتباط و ابزار قدرت و پیوند بین ادراک، منطق و یادگیری از موضوعات مهمی هستند (Jacob, 1996) که در تحقیقات نقشه‌نگاری فرهنگی باید مورد توجه قرار بگیرد.

منابع فرهنگی می‌توانند بخش جدایی‌ناپذیر از سطح چشم‌انداز در برنامه‌ریزی حفاظتی باشند (Chan & Satterfield, Gregory, Klain, Roberts, 2013). این دارایی‌ها نشان‌دهنده ارتباط بین مردم و مکان‌ها است جایی که آن‌ها زندگی می‌کنند، کار می‌کنند و بازآفرینی می‌کنند. آن‌ها همچنین نشان‌دهنده ارتباط بین جامعه امروزی

و افراد و رویدادهای گذشته هستند. گره و اتصال مکان و تاریخ می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای حفاظت از سرزمین و مشارکت ذینفعان در برنامه‌ریزی، باشد اما اغلب در تلاش‌های برنامه‌ریزی نادیده گرفته می‌شود (Bryan, Raymond, Crossman, & Macdonald, 2010). این حذف کلی است که به دلیل مشکل بودن شناسایی منابع فرهنگی و اهمیت نسبی آن در چشم‌انداز بزرگ‌تر انجام می‌شود (Chan, K. M. A., Goldstein, J., Satterfield, T., Hannahs, N., Kikiloi, K., Naidoo, R., ... Woodside, U 2011).

نواک<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) اشاره می‌کند که پروژه‌های توسعه اجتماعی پررونق، بر اساس دارایی‌ها و نقاط قوت موجود در یک جامعه ساخته شده‌اند و (Kretzmann and McKnight, 1996) نیز نسبت به این موضوع موافق هستند. آن‌ها بیان می‌کنند: «فرایند شناسایی ظرفیت‌ها و دارایی‌ها، اعم از فردی و سازمانی، اولین گام در مسیر بازآفرینی جامعه است» (ص ۵). بسیاری از پروژه‌ها با نقشه‌برداری غیررسمی شروع می‌شوند که به صورت شخصی برای همکاران ایجاد شده است؛ نقشه‌برداری دارایی فرهنگی، این فرایند غیررسمی را انجام می‌دهد و تلاش می‌کند تا فهرست یا نقشه کامل از جامعه را ایجاد کند. رهبران در این زمینه توافق دارند که دسته‌های اولیه اطلاعاتی که باید جمع‌آوری شوند عبارت‌اند از ظرفیت‌های فردی و ظرفیت‌های سازمانی (نگاه کنید به Kretzmann and McKnight, 1996؛ Stern & Seifert, 2007).

ادبیات توسعه فرهنگی جامعه، به دلیل تعاریف گسترده‌ای که از آن شده است، به‌ندرت به نقشه‌برداری فرهنگی به‌عنوان بخشی از میدان می‌پردازد. برای اهداف تحقیق نقشه‌برداری فرهنگی، فرایند شناسایی و بیان، در یک فهرست نوشتاری یا تصویری که همه دارایی‌های فرهنگی در یک منطقه جغرافیایی خاص انجام شده است، ضروری است. نقشه‌برداران فرهنگی بدون اینکه بدانند دارایی‌ها چگونه با جامعه ارتباط دارند، فهرست‌هایی را خودشان تولید می‌کنند. این عمل، نقشه‌های خودشان را فقط برای کسانی که بیرون از جامعه به آن نگاه می‌کنند، نه برای اعضای داخل جامعه، مفید ارائه می‌دهد، بنابراین نقشه‌برداری فرهنگی در وهله اول به همین دلیل تولید شده است (Moore, 2011).

نقشه‌برداری فرهنگی شیوه‌ای از تحقیق و ابزار روش‌شناختی است که هدف آن نشان دادن راه‌هایی است که داستان‌ها، شیوه‌ها، روابط، خاطرات و آیین‌های محلی مکان‌ها

را به عنوان مکان‌های معنادار تشکیل بدهد. اگرچه هنوز در مرزهای این حوزه ابهامی وجود دارد، اما نقشه‌برداری فرهنگی عموماً در امتداد دو شاخه اصلی تکامل یافته است: ابتدا با سرمایه‌های فرهنگی، آغاز می‌شود، به دنبال شناسایی و مستندسازی از سرمایه‌های مشهود و نامشهود مکان برای توسعه منبع فرهنگی یا نقشه‌برداری از سرمایه فرهنگی است. شاخه دوم با رویکرد انسانی فرهنگی آغاز می‌شود، به دنبال بیان «حس مکان»، «معانی مردم- مکان» و عناصر متمایز است. رویکرد اول بر مستندسازی اطلاعات تأکید می‌کند و رویکرد دوم بیشتر بر «مشارکت» و «معنا» تمرکز دارد، آن‌ها به‌طور فزاینده‌ای رویکردهای اطلاع‌رسانی متقابل دارند. نقشه‌برداری فرهنگی با نقشه‌برداری عمیق، نقشه‌برداری جامعه، نقشه‌برداری سرمایه مشارکتی، نقشه‌برداری متقابل، GIS<sup>1</sup> کیفی و نقشه‌برداری احساسی همراه و متحد شده است. اینها از طریق تمرکز بر فرایندهای پایین به بالا برای قابل مشاهده کردن دانش ساکنان و موضوعات مشترک از روایت‌ها، هویت، تاریخ‌ها و شیوه‌های محلی که به مکان‌ها معنا می‌دهند، مرتبط می‌شوند. نقشه‌برداری فرهنگی از تمرکز بر سرمایه و دارایی‌های فرهنگی ملموس به جنبه‌های ناملموس مکان تغییر کرده است، با هدف کشف آنچه یک مکان را متمایز می‌سازد. محصولات فرهنگی مانند ادبیات، فیلم و موسیقی از معانی فرهنگی یک مکان می‌آیند و به آن کمک می‌کنند؛ و نقشه‌برداری از اینها بر روی یک قلمرو نیز شاخه‌ای نقشه‌برداری فرهنگی را شکل می‌دهد. این اثر همچنین در زمینه‌های جغرافیا یافت می‌شود. سنت‌های نقشه‌هنرمندان همچنین بر حوزه نقشه‌برداری فرهنگی تأثیر می‌گذارند، با هنرمندانی که نقش رهبری را در بسیاری از طرح‌های نقشه‌برداری فرهنگی درگیر جامعه به عهده می‌گیرند. نقشه‌برداری فرهنگی از طریق جامعه بین‌المللی با فرمول‌بندی ضعیف متشکل از محققان، متخصصان در جامعه و آژانس‌های سیاست (مانند یونسکو، وزارتخانه‌های فرهنگی ملی، مقامات محلی) به‌طور مشترک توسعه یافته است. مجموعه بین‌المللی از نقشه‌برداری فرهنگی و همچنین نمونه‌هایی از پروژه‌های نقشه‌برداری فرهنگی عبارت‌اند از: مشارکت جامعه، مشارکت و توانمندسازی؛ نقشه‌برداری فرهنگی بومی، نقشه‌برداری صنایع فرهنگی و خلاق؛ برنامه‌ریزی فرهنگی محلی و حکمروایی؛ رویکردهای هنری؛ نقشه‌برداری ادبی و فیلم؛ و رویکردهای فناوری (Duxbury, 2020).

بنابراین پژوهش حاضر قصد دارد به این پرسش‌ها پاسخ بدهد:

چگونه نقشه‌برداری فرهنگی در سطح محلی می‌تواند جامعه قوی را ایجاد و پرورش دهد؟ نقشه‌برداری فرهنگی چگونه بر توسعه جامعه فرهنگی و نظریه‌های برنامه‌ریزی فرهنگی تأثیر می‌گذارد؟

### پیشینه پژوهش

در مقاله به سوی «تاریخ فرهنگی نقشه‌نگاری»<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) نویسنده پژوهش از نقشه‌های «شفاف» و نقشه‌های «مات» صحبت می‌کند و این مفاهیم را از نظر ساختاری (استانداردهای نمایش گرافیکی، طراحی، هندسه، متن)؛ هم‌چنین از طریق جامعه‌شناسی نقشه (نقشه‌سازان، نهادها، مردم) و از طریق دیدن نقشه‌ها در بافت فرهنگی و تاریخی آن‌ها (رویکردی که مسائل مربوط به مرزهای تعریفی تاریخ نقشه‌کشی را مطرح می‌کند و مسلماً یکی از محرک‌ترین دیدگاه‌های امروزی است که به‌ویژه توسط مشارکت‌کنندگان در تاریخ نقشه‌نگاری تقویت شده است)، مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت، توجه به سه موضوع مهم برای دستور کار تحقیق جلب می‌شود: پیوند بین نقشه‌ها و فرهنگ؛ نقشه‌ها به‌عنوان زبان ارتباط و ابزار قدرت؛ و پیوندهای بین ادراک، منطق و یادگاری.

در پژوهش دیگری به نام «چارچوبی برای منابع نقشه‌برداری فرهنگی در چشم‌انداز برنامه‌ریزی حفاظت»<sup>۲</sup> S. Scott Ogletree, Robert B. Powell, Robert F. Baldwin, Paul B. Leonard (2019) تلاش می‌کنند تا چارچوبی برای نقشه‌برداری از منابع فرهنگی ارائه بدهند یعنی ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی در ابزارهای برنامه‌ریزی موردتوجه قرار بگیرد. در واقع بیان می‌شود که منابع فرهنگی می‌تواند ابزار مهمی از ارتباط مردم برای تلاش‌های حفاظتی باشد. در حال حاضر شناسایی و ترسیم جنبه‌های ملموس و ناملموس چشم‌انداز مشکل است؛ لذا چارچوبی را برای گنجاندن منابع فرهنگی در برنامه‌ریزی حفاظت فضایی که مقیاس‌های مختلف از اهمیت و مدیریت سایت‌ها را تصدیق می‌کند، پیشنهاد می‌دهند. از طریق طبقه‌بندی و نقشه‌برداری سایت‌های ملی، ایالتی، محلی، گروه‌دینفع و مدیریت جامعه، منابع فرهنگی می‌تواند اندازه‌گیری شده و در ابزارهای برنامه‌ریزی موجود، گنجانده شده باشد. داده‌های منابع فرهنگی، محدودیت اولیه به دلیل در دسترس بودن و پراکندگی را دارا می‌باشند. نویسنده معتقد است که تا زمانی که منابع داده بهبود یابد، چارچوب ما نقطه توقف

1. Toward a Cultural History of Cartography

2. A framework for mapping cultural resources in landscape conservation planning

فراهم می‌کند که اجازه می‌دهد به منابع فرهنگی تا در تلاش‌های برنامه‌ریزی حفاظتی گنجانده شوند.

«نقشه‌برداری فرهنگی<sup>۱</sup>» تحقیق دیگری است که داکسبری<sup>۲</sup> در سال ۲۰۲۰ انجام داده است که مقدمه و مروری بر حوزه بین‌رشته‌ای نقشه‌برداری فرهنگی ارائه می‌دهد. فصل‌ها به موضوعات، فرایندها، رویکردها و روش‌های تحقیق می‌پردازند که نمونه‌هایی در استرالیا، کانادا، استونی، بریتانیا، مصر، ایتالیا، مالزی، مالت، فلسطین، پرتغال، سنگاپور، سوئد، سوریه، امارات متحده عربی، ایالات متحده و اوکراین را اشاره می‌کند.

«نقشه‌برداری فرهنگی و بازآفرینی شهری: تحلیل روایت‌های نواحی در خصوص بیلباتو» پژوهشی است که در سال ۲۰۱۵، توسط اورتگا نوئره، کریستینا و فرناندو بایون<sup>۳</sup> انجام شده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر مطالعه موردی شهر بیلباتو (کشور اسپانیا، ایالت باسک) انجام شده است. بخش نخست تحلیل حول محور تفسیر اهمیتی می‌چرخد به زیرساخت‌های فرهنگی در نواحی داده شده که بشدت در معرض تغییر قرار گرفته‌اند که در عرصه بین‌الملل با نام «تأثیر گوگنهام» از آن یاد می‌کنند. این پژوهش به‌طور ویژه به بررسی تنش بین دگرگونی‌ها و تغییرشکل‌های امروزی و مدیریت خاطرات و یادگاری‌های گذشته می‌پردازد. در بخش دوم اقدامات صورت گرفته در جهت نقشه‌برداری فرهنگی مورد تحلیل قرار می‌گیرند که تمرکزی نوین بر طرح توسعه شهری است. همان‌طور که ملاحظه شد منابع خارجی یا به‌صورت جزئی بر روی یک شاخص از نقشه‌برداری فرهنگی تمرکز کرده‌اند و یا یک شاخص را به‌صورت مقایسه‌ای در چندین فرهنگ مورد تحقیق قرار داده‌اند. منابع فارسی که دقیقاً مرتبط با موضوع باشد و مفهوم نقشه و مفهوم فرهنگ را با هم در بر داشته باشد، انجام نشده است. مفهوم نقشه‌برداری فرهنگی، مفهوم بسیار جدیدی است و آثاری که در حال حاضر وجود دارد اغلب مرتبط با مهندسی، نقشه‌برداری و جغرافیا است و در بستر فرهنگی مورد مطالعه قرار نگرفته است. لذا در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا نقشه‌برداری فرهنگی از خلال توسعه فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی شناسایی و مورد بررسی قرار بگیرند. در واقع منابع ذکر شده و بسیاری از منابع دیگر که استفاده خواهد شد، به شاخص‌های فرهنگی اشاره کرده‌اند و نحوه مطالعه شاخص‌ها را با روش نقشه‌برداری فرهنگی را شرح داده‌اند. در این پژوهش فرایندی که برنامه‌ریزی فرهنگی و

1. Cultural Mapping

2. Duxbury

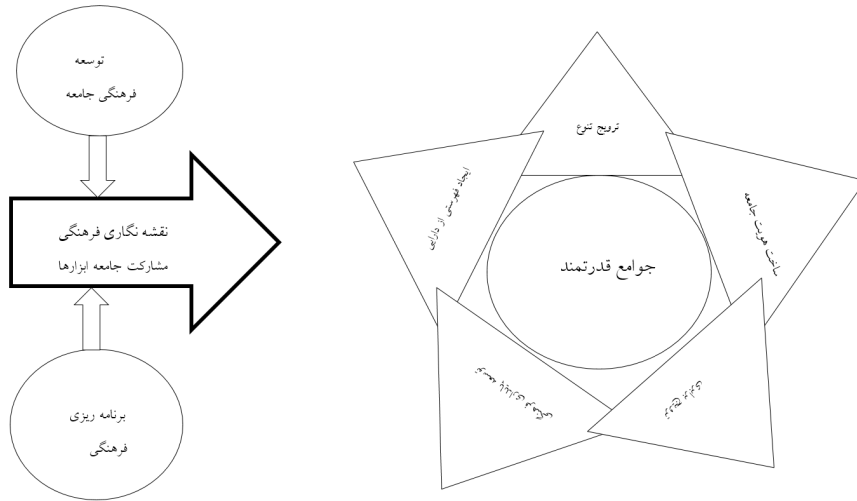
3. Ortega Nuere, Cristina and Fernando Bayón

توسعه فرهنگی که منجر به نقشه‌برداری فرهنگی می‌شود را شرح می‌دهد.

## چارچوب مفهومی

ارتباط و عدم ارتباط بین نقشه‌برداری فرهنگی، توسعه فرهنگی جامعه و برنامه‌ریزی فرهنگی نیاز به مطالعه دارد. بسیاری از محققین از نقشه‌برداری فرهنگی به عنوان گامی بزرگتر در طرح فرهنگی یا ابتکار توسعه استفاده می‌کنند. چارچوب مفهومی در این پروژه نشان می‌دهد که نقشه‌برداری فرهنگی برای ایجاد جامعه قوی است با ارجاع به (Goldbard, 2006) هفت اصل وحدت‌بخش: ۱. مشارکت فعال در زندگی فرهنگی از اهداف اساسی توسعه فرهنگی جامعه است. ۲. تنوع، سرمایه اجتماعی، بخشی از مشترک‌المنافع فرهنگی، مستلزم حفاظت و تغذیه است. ۳. همه فرهنگ‌ها اساساً برابر هستند و جامعه نباید هیچ یک را برتر از دیگری بداند. ۴. فرهنگ، بومه مؤثری برای تحول اجتماعی است که می‌تواند پیوندهای عمیق‌تر از سایر عرصه‌های تغییر اجتماعی ایجاد کند. ۵. بیان فرهنگی وسیله‌رهایی است نه هدف اولیه. فرایند به‌اندازه محصول مهم است. ۶. فرهنگ پویا است و در ایجاد مرزهای مصنوعی درون آن ارزشی نیست. ۷. هنرمندان نقش‌هایی به عنوان عوامل دگرگونی دارند که از نظر اجتماعی ارزش بیشتری نسبت به نقش‌های جریان اصلی جهان هنر دارند. و قطعاً از نظر مشروعیت برابر است (ص ۴۳).

این هفت اصل ارزش‌های عمده‌ای هستند که محققین هنگامی که در کار خودشان بررسی می‌کنند، استفاده می‌کنند. (Burnham, Durland, and Ewell (2004) و Cleveland (2005;2002) هنگام نقشه‌برداری میدان، کار توسعه جوامع فرهنگی را به بسیاری از این اصول اساسی متصل کنید. این ارتباط برای آگاهی محققین فرهنگی است و مبنایی برای گونه‌شناسی رو به رشد در تلاش‌های جامعه فرهنگی توسعه ارائه می‌دهد. موور<sup>۱</sup> این اصول را به پنج هدف اصلی برای پروژه نقشه‌برداری فرهنگی تقطیر کرده است. باور دارد که با توسعه فرهنگی جامعه و نظریه برنامه‌ریزی فرهنگی در هسته مرکزی، ۱. نقشه‌برداری فرهنگی ۲. ترویج تنوع ۳. ساختن هویت جامعه ۴. ترویج برابری ۵. توسعه پایداری فرهنگی؛ فهرستی از سرمایه‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند. این چارچوب مفهومی این امکان را می‌دهد تا درک عمیق‌تری از میدان و اینکه چگونه جوامع مجموعه‌ای از دانش در طول فرایند نقشه‌برداری فرهنگی ایجاد می‌کنند.



چارچوب مفهومی (موور، ۲۰۱۱).

## مفاهیم اساسی

«فرهنگ به هنرها، میراث، باورها و محیط‌هایی که هویت فرد را می‌سازند، اطلاق می‌شود. جامعه به گروهی از مردم که درون یک منطقه جغرافیایی خاص هستند، اطلاق می‌شود؛ یعنی شهرها، محله‌ها، ایالات یا مناطق. سرمایه‌ها امکانات، سازمان‌ها، مردم، ایده‌ها و آداب و رسوم هستند که به یک شیوه زندگی در یک مکان خاص کمک می‌کنند. نقشه برداری فرهنگی، فرایند شناسایی و بیان، در یک فهرست نوشتاری یا تصویری، همه دارایی‌های فرهنگی در یک منطقه جغرافیایی خاص. توسعه فرهنگی جامعه، به فرایند شناسایی، حمایت محلی و توانمندسازی همه افراد که برای هدایت جامعه خود اقدام می‌کنند، اشاره دارد. برنامه‌ریزی فرهنگی، یکپارچگی در سطح جامعه از هنر و منابع فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری است و از منابع برای توسعه هویت جامعه استفاده می‌کند» (Moore: 2011, 14-15).

## روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با تأکید بر گردآوری داده و با استفاده از شیوة کتابخانه‌ای انجام شده است. جامعه تحقیق شامل منابع دست اول در خصوص نقشه‌برداری فرهنگی و منابع دست دوم (کتاب، مقالات و مستندات مرتبط با موضوع پژوهش) است که ابتدا مضامین و محتوای مرتبط شناسایی و سپس طبقه‌بندی شدند. در نهایت از طریق تجزیه و تحلیل مطالب، نتایج ارائه شده به دست آمده است.

## نقشه‌نگاری

انسان‌ها از آغاز کوشیده‌اند تصویری از مکان جغرافیایی زندگی‌شان و نیز آنچه در مسیر سفرهای زمینی و دریایی دیده‌اند در ذهن خود ثبت کنند. با گذشت زمان و افزایش دانش و ظرفیت تولیدی انسان، ابزارهایی برای اندازه‌گیری فاصله‌ها ابداع شد. ظهور نقشه‌برداری علمی به قرن هجدهم برمی‌گردد، از حدود سال ۱۹۳۰ استفاده از عکس هوایی کمک شایانی به عملیات تهیه نقشه مناطق مختلف زمین نمود و پس از اینکه رایانه در اواخر دهه ۱۹۵۰ به صحنه نقشه‌برداری پای نهاد، تحولی شگرف در توسعه این علم ایجاد کرد (مقرب نیا، ۱۳۹۴).

کاربرد روزافزون نقشه در خانه‌ها، مراکز آموزشی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و حتی خودروها و هواپیماها نشانگر اعتماد عمومی به عنوان یک مرجع کسب اطلاعات و شناخت موقعیت‌های محیط پیرامون است؛ اما باید دانست که نقشه جغرافیایی چیزی بیش از نمایش عوارض سطح زمین با نگاه عمودی از بالا می‌باشد؛ و انتقال‌گزینی اطلاعات جغرافیایی به روی سطح صاف (کاغذ و رایانه) است. (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۴۱-۱۴۳). نقشه مهم‌ترین ابزار شناخت در جغرافیا و عالی‌ترین وسیله جهت به نمایش درآوردن اطلاعات و معلومات جغرافیایی است (گنجی، ۱۳۸۰: ۴۳۵).

اما نقشه‌نگاری فرهنگی، بازنمایی فرهنگ در نقشه است. به تصویر کشیدن فرهنگ یک منطقه جغرافیایی با روش‌ها و ابزارهای گوناگون شکل می‌گیرد؛ و منظور از فرهنگ آن چیزی است که «انسان یاد می‌گیرد و نیز نحوه رفتار او را تعیین می‌کند. در مورد اینکه فرهنگ چگونه به وجود می‌آید، باید گفت که فرهنگ پدیده‌ای است که با توجه به خواسته‌های طبیعی و نیروهای اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. فرهنگ پدیدار شده به واسطه بوم‌شناختی (شرایط اقلیمی، ویژگی‌های جغرافیایی، روش‌های تشکیل زندگی) از جایی به جای دیگر متفاوت است. فرهنگ یک پدیده پیچیده، گسترده و

یک کل به هم پیوسته است که تغییر یک بخش از آن بقیه بخش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این رو تغییر فرهنگ بسیار زمان‌بر است» (احمدی ندوشن، ۱۳۹۴: ۳).

## توسعه فرهنگی

برای آنکه در جامعه‌ای به توسعه فرهنگی دست یابیم یکی از راهکارهای آن این است که فرهنگ باید در متن زندگی مستقر و جایگزین باشد، نه آنکه بر آن مزید شود و به صورت پیوست زندگی درآید، چه در این صورت سیاست توسعه فرهنگی و همگانی کردن فرهنگ شکست می‌خورد. سیاست توسعه فرهنگی به معنای راستین کلمه، تلاشی است برای آنکه فرهنگ جایی را که به حق از آن اوست دوباره به چنگ آورد، یعنی در زندگی روزانه حضور یابد (بژی، ۱۳۸۶: ۱۲).

توسعه فرهنگی جامعه<sup>۱</sup>، زمینه‌ای است که در بسیاری از کشورهای جهان شناخته شده است. ابتکارات عمده توسعه فرهنگی جامعه و سازمان‌ها را می‌توان در سراسر اروپا و استرالیا یافت. استرالیا حتی یک شبکه توسعه فرهنگی جامعه در سال ۱۹۸۷ توسعه داده است. متأسفانه، به دلیل کاهش منابع مالی، این سازمان در سال ۲۰۰۶ منحل شد (Goldbard, 2006). هر پروژه توسعه فرهنگی جامعه باید درون جامعه ریشه داشته باشد. این جوهر کار محقق است. در سراسر ادبیات چندین اهداف عمده برای پیگیری کار توسعه فرهنگی جامعه وجود دارد که شامل توسعه اقتصادی، پایداری، تنوع ارتقاء، مشارکت همه سنین و ساختن هویت جامعه می‌شود (Goldbard, 2006, Borrup, 2006). Borrup (۲۰۰۶) همچنین اهداف مشخصی را بیان می‌کند که ایجاد شغل، تحریک گردشگری، افزایش ارزش ملک و جذب سرمایه‌گذاری را شامل می‌شود (Moore, 2011).

تعریف توسعه فرهنگی جامعه برای هر کسی که حتی اگر در این حوزه کار کند، می‌تواند دشوار باشد. این از عدم تئوری توسعه یافته در توسعه فرهنگی جامعه ناشی می‌شود (Burnham, L. F., Durland, S., & Ewell, M. G, 2004) بیان می‌کنند که یک سنخ‌شناسی (تیپولوژی) برای این رشته ضروری است؛ سپس دوباره، از آنجایی که هر کسی نکات مرجع متفاوتی برای بحث می‌آورد، واژگان استاندارد شده دشوار خواهد بود. محققان توسعه فرهنگی جامعه با (Kretzmann and McKnight, 1996) موافق هستند که بیان کردند توسعه جامعه زمانی اتفاق می‌افتد که افراد جامعه محلی متعهد به سرمایه‌گذاری خود و منابعشان در تلاش باشند (ص ۴).

توسعه فرهنگی جامعه، نامش، به‌طور کامل ویژگی‌های اصلی کار را مشخص می‌کند. همان‌طور که گلدبارد (۲۰۰۶) اشاره می‌کند: «جامعه» مشارکتی بودن این اثر را تشخیص می‌دهد و بر همکاری هنرمندان و فعالان اجتماعی تأکید دارد: «فرهنگی» نشان‌دهنده اهمیت همه هنرها، میراث و فعالیت‌های علوم انسانی است که به‌عنوان مبنای این کار استفاده می‌شود؛ و «توسعه» به طرحی اشاره دارد که کار توسعه فرهنگی جامعه را انجام خواهد داد و کمک می‌کند به ساختن و هدایت آینده جامعه‌ای که در آن انجام می‌شود.

توسعه فرهنگی جامعه، یک فرایند ارگانیک در بسیاری از جوامع است که لزوماً از زیرساخت‌های محکم برای آن استفاده نمی‌شود؛ با این حال، پس از مرور و از طریق ابزارهای مختلف و منابع در کار توسعه فرهنگی جامعه، مهم است که یک زیرساخت محکم داشته باشد. بسیاری از پروژه‌های توسعه فرهنگی جامعه باید ابتدا قبل از شروع آن زیرساخت را ایجاد کنند (Moore, 2011).

بدون گوش دادن به نیازها و ایده‌های اعضا جامعه، پروژه توسعه فرهنگی جامعه نخواهد توانست به اهداف خود برسد. هنگامی که با اعضای جامعه از طریق جلسات بزرگ و کوچک درگیر می‌شوید، این اهمیت دارد که نیاز به سؤالاتی که پایان باز دارد، برای هیجان دادن به گفتگو درک شود. بسیاری از مردم پاسخ کوتاهی به شما خواهند داد مگر اینکه پرسش‌ها و پاسخ‌ها دلگرم‌کننده و خوشایند باشد. اطمینان از اینکه همه شرکت‌کنندگان بدانند که برای پروژه حیاتی هستند به تداوم همکاری پس از اتمام جلسات کمک خواهد کرد. این ادامه کار و تداوم، همان چیزی است که زمان‌های زیادی موفقیت تلاش‌های توسعه فرهنگی جامعه را حکم می‌کند (Moore, 2011).

حوزه توسعه فرهنگی اجتماعی شاهد کمبود شبکه‌ها یا نشریات اختصاصی برای متخصصان برای به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و نظریه‌ها بوده است. گلدبارد (۲۰۰۶) ذکر می‌کند این را به‌عنوان یکی از دلایلی که این رشته به‌طور مشروع و قانونی توسط سرمایه‌گذاران و سایر متخصصان هنر هنوز شناخته نشده است. بسیاری اوقات، کار توسعه فرهنگی جامعه به عنوان هنر جامعه‌محور و ثانویه نسبت به فعالیت هنرهای سنتی نوشته شده است. شبکه هنر جامعه (توسعه فرهنگی جامعه) تلاش کرد تا این مشکل را از طریق، انتشارات و همکاری‌ها و همایش‌ها رسیدگی کند؛ با این حال، در طول یازده‌ساله خود (۱۹۹۹ تا ۲۰۱۰) این مشکل همچنان ادامه دارد.

## تنوع در توسعه فرهنگی جامعه

در طراحی نقشه‌برداری فرهنگی، شاخص‌های زیادی باید در نظر گرفته شود تا اطلاعات جامع و کاملی از بستر فرهنگی ارائه بشود؛ درحالی‌که مفهوم تنوع از بوم‌شناسی می‌آید (Odum, 1953)، در رشته‌های وسیع‌تری از علوم اجتماعی گرفته تا علم اطلاعات برای اندازه‌گیری تنوع فرهنگی و جمعیتی نیز استفاده می‌شود. (Stirling, 2007) تنوع فرهنگی یا چندفرهنگی از نظر ملیت، مفهوم مهمی در تحقیقات اجتماعی است (Morén-Alegret and Wladyka, 2020).

زیادی برای اندازه‌گیری تنوع فرهنگی در مقیاس‌های مختلف با استفاده از منابع داده‌های مختلف صورت گرفته است (Simon and Piché, 2012, Fearon, 2003). برخی از افراد به دلیل ارزش‌های فرهنگی، سن و سبک زندگی‌شان درحالی‌که از داده‌ها و پلتفرم‌های تولیدشده توسط کاربر استفاده می‌کنند، نظرات خود را ارائه نمی‌کنند (Edelmann, N., 2013, Wilson, A., Murphy, H., Fierro, J.C., 2012) لذا دستیابی به داده‌های حقیقی به‌آسانی امکان‌پذیر نیست و گاهی تحقیقات میدانی نیاز است تا محققین در بستر فرهنگی بتوانند اطلاعات جامع و کاملی کسب کنند. اقدام عمده‌ای که محققان توسعه فرهنگی جامعه بر روی آن تمرکز می‌کنند، ترویج تنوع در درون خود جامعه است. تنوع اصطلاحی است که در درجه اول ایده قومی یا مفهوم نژادی را به کار می‌گیرد، باین‌حال می‌توان از آن برای توصیف سن، طبقه اقتصادی، توانایی، گرایش جنسی و تفاوت‌های مذهبی استفاده شود (Congdon, 2008). هنگامی که درگیر یک پروژه توسعه جامعه هستید مهم است که ذینفعان کلیدی با پیشینه‌های مختلف داشته باشید. هنگامی که شما یک گروه متنوع از شرکت‌کنندگان توانمند دارید، این نشان‌دهنده فضای باز و دعوت‌کننده برای کل جامعه است (Moore, 2011).

دفاع از تنوع فرهنگی یک الزام اخلاقی است و از احترام به شأن انسان جدایی‌ناپذیر است. این متضمن تعهد به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، به‌ویژه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها و افراد بومی است. هیچ‌کس نمی‌تواند تنوع فرهنگی را برای نقض حقوق بشر که توسط حقوق بین‌الملل تضمین شده باشد و نه محدود کردن دامنه‌های آن، استناد کند (Moore, 2011).

## برابری در توسعه فرهنگی جامعه

با توجه دیدگاه‌های متنوعی که در هر پروژه توسعه اجتماعی گرد هم می‌آیند، مهم است که بدانیم همه برابر هستند. ایده‌های هیچ‌کسی بهتر یا بدتر از دیگری نیست. درک این درس دشوار است زیرا از همه ما خواسته می‌شود تا نظرات خود را به اشتراک بگذاریم. کلید ترویج برابری در مکالمه و برنامه‌ریزی این است که واقعاً به هر آنچه همه می‌گویند گوش بدهید. فریرا<sup>۱</sup> (۱۹۷۴) ادعا می‌کند که گفتگو تنها ابزار واقعی ارتباط است. او بیان می‌کند، «دیالوگ به رابطه افقی بین افراد است» (ص ۴۰). نقطه مقابل آن، ضد دیالوگ است یا یک رابطه عمودی بین افراد که به بیان سلسله مراتبی، بیان عقیده بدون گوش دادن کمک می‌کند. ورود به گفتگو با ذهن و گوش باز این امکان را به شما می‌دهد که تفاهم بین دو طرف ایجاد شود و به نوبه خود زمینه بازی برابر ایجاد می‌کند (Moore, 2011).

در سطح کلان، گلدبارد (۲۰۰۶) اشاره می‌کند که «فرهنگ‌ها اساساً برابر هستند و جامعه نباید کسی را برتر از دیگری معرفی کند» (ص ۵۰). این ایده از زمان تأسیس اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ توسط سازمان ملل متحد حمایت شده است. دادن «حق فرهنگ» به همه به معنای ایجاد فضایی برای همه است تا بدون تعصب در ایده‌هایشان از فرهنگ شرکت کنند. این چیزی است که محققان توسعه فرهنگی جامعه به‌طور مداوم برای آن؛ از طریق گفتگوی باز بین گروه‌های اقلیت و اکثریت مبارزه می‌کنند. گاهی اوقات این به معنای دفاع برای به رسمیت شناختن عبارات فرهنگی است که توسط اکثریت مورد حمایت قرار نمی‌گیرند (Goldbard, 2006, Flood, 1998). این هرگز کار آسانی نیست، اما آن را تضمین می‌کند که گفتگو درباره فرهنگ هر کس ادامه دارد.

## پایداری در توسعه فرهنگی جامعه

پایداری را می‌توان در سطوح خرد و کلان در کار توسعه فرهنگی جامعه نشان داد. بررسی اثرات پایدار یک پروژه یا ارزش‌های یک جامعه است که اهمیت دارد تا کار مورد سختگیری، مورد انتظار و ثابت واقع شود (Cleveland, 2005). پایداری یک پروژه گاهی اوقات برای طراحی آن ضروری است؛ اما اگر شرکت‌کنندگان درون برنامه نباشند به این برنامه ادامه نخواهند داد. از طریق مطالعات مختلف، کلیولند<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) متوجه شد که برنامه‌ها و پروژه‌های طولانی‌مدت به‌طور مداوم از شرکت‌کنندگان

خواسته می‌شود تا در ایجاد کاری که آن‌ها را به چالش می‌کشاند و به اشتیاق آن‌ها دامن می‌زند، سرمایه‌گذاری کنند. این پروژه‌ها به‌طور مستمر تأثیر پایداری بر زندگی شرکت‌کنندگان دارند و چرخه‌ای از یادگیری ایجاد می‌کنند که شرکت‌کنندگان قادر خواهند بود به مدافعان برنامه تبدیل شوند.

پایداری در سطح کلان، اصطلاحی است که در درجه اول در سه چارچوب اصلی درک می‌شود: اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی. هاکس<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) چارچوبی را برای پایداری که شامل بخش چهارم است توسعه می‌دهد: پایداری فرهنگی. بسیاری از محققان فرهنگی از این متن به‌عنوان راهی برای توضیح اینکه چگونه فرهنگ می‌تواند به فعالیت‌های پایداری جامعه کمک بکند استفاده کرده‌اند. فرهنگ یک جامعه از ارزش‌ها و باورهای مشترک تشکیل شده است. تصدیق این ارزش‌های مشترک همراه با همراه با تنوع موجود در یک جامعه، ساکنان را قادر می‌سازد تا محیط مثبت بسازند. یکی از باورهایی که بسیاری از محققان فرهنگی دارند این ایده است که فرهنگ یک زندگی پویا است، وجودی که جزء لاینفک شیوه زندگی یک جامعه است (Goldbard, 2006, 1996; Kretzmann and McKnight).

ناکس و مایر<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) بیان می‌کنند «از طریق هنر و فرهنگ، ساکنان و هنرمندان می‌توانند آینده‌ای متفاوت برای یک جامعه یا مکان را تصور کنند و آن‌ها می‌توانند یک‌بار تغییر پارادایم را معرفی کنند و از طریق خلاقیت توانمند می‌شوند» (ص ۱۴۶). انجام این نوع از کار به همه اجازه می‌دهد که در جامعه احساس کنند تا بخشی از آینده جامعه را در اختیار دارند. احساس مالکیت مشترک در آینده چیزی است که از طریق نسل‌ها منتقل می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، تصدیق بیان فرهنگی از اعضای جامعه، ساختن آینده‌ای مبتنی بر ارزش‌های مشترک که متعلق به همه است را تسهیل خواهد کرد. (Moore, 2011).

### نقشه‌برداری فرهنگی و توسعه فرهنگی جامعه

نقشه‌برداری فرهنگی چیزی است که بسیاری از محققان توسعه فرهنگی جامعه، به‌طور مرتب درگیر آن هستند؛ گاهی اوقات بدون اینکه دانش و اطلاع آن را داشته باشند. این مجموعه‌ای از دارایی‌های مشهود و نامشهود در یک منطقه جغرافیایی خاص است (Moore, 2011). شبکه شهر خلاق از کانادا (۲۰۰۹) بیان می‌کند که «نقشه‌برداری

1. Hawkes

2. Knox and Mayer

فرهنگی ما را قادر می‌سازد تا فرهنگ را درک کنیم و به اشتراک بگذاریم؛ تجدید نظر در تاریخ برای ارتقاء خلاقیت و توسعه» (ص ۳). این فرایندی است که هر محقق فرهنگی قبل از شروع پروژه جدید، برای انجام آن تلاش می‌کند.

جمع‌آوری اطلاعات در مورد جامعه و تشویق مشارکت کامل در حین کار، نسبت به یک هدف مشترک، جوهر نقشه‌برداری فرهنگی است. این یک روش استاندارد است که توسط بسیاری از سازمان‌های جامعه‌محور دنبال می‌شود. در مورد مثالی که ذکر شد، نقاشی دیواری می‌تواند نمایش نقشه فرهنگی جامعه باشد. آن تاریخ جامعه را شامل می‌شود و ارزش‌ها و باورهای جامعه را برجسته می‌کند (Moore, 2011).

یونسکو (۲۰۱۱) از نقشه‌برداری فرهنگی برای کمک به حفظ زبان، باورها و سنت‌های فرهنگ‌هایی که در سراسر جهان در حال ناپدید شدن هستند، استفاده می‌کند. این نوع نقشه‌برداری فرهنگی، محصولات نهایی متنوعی از جمله «نقشه‌های جغرافیایی، نمودارها، دیاگرام‌ها، عکس‌های هوایی، تصاویر ماهواره‌ای، پایگاه‌های اطلاعاتی آماری و غیره را تولید می‌کند» (بند ۵). این نقشه‌ها مفید هستند زیرا اسنادی ایجاد می‌کنند که می‌توانند فرهنگ‌های در حال ناپدید شدن را حفظ کنند. رایج‌ترین استفاده از این اصطلاح، این است که نقشه‌برداری فرهنگی، پیشنهاد می‌کند که جامعه یک نقشه از دارایی‌های فرهنگی‌اش که برای اهداف گردشگری و فرایندهای توسعه و برنامه‌ریزی استفاده می‌کند، ایجاد کند. در این اجتماعات (جوامع) حسی، اطلاعات مربوط به فرهنگ مشترک را جمع‌آوری می‌کنند و آن‌ها را روی نقشه جغرافیایی با اطلاعاتی در مورد تاریخ و اهمیت ساختمان‌های خاص و اطلاعاتی در مورد هنرمندانی که در آن جامعه خلق می‌کنند، قرار می‌دهند. این نقشه‌های می‌تواند به ایجاد شبکه‌های اجتماعی جدید در میان ساکنان کمک کند و دیدگاه خودی از جامعه را به افراد خارجی ارائه بدهد (Moore, 2011).

## برنامه‌ریزی فرهنگی

ایوانزا<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) اشاره می‌کند که امر ذاتی بین عمل فرهنگ و برنامه‌ریزی وجود دارد. شهر و برنامه ریزان شهری و همچنین محققان فرهنگی این تنش را ایجاد می‌کنند. برنامه ریزان دائماً در برابر تغییر استانداردها و روش‌هایی که به‌طور سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مقاومت می‌کنند و محققان فرهنگی به‌طور مستمر آرمان‌های حقوق فرهنگی و برابری در بخش فرهنگی

بدون درک سیستم برنامه‌ریزی را مطرح می‌کنند. برنامه ریزان شهری و جغرافیدانان تا همین اواخر به نیازهای هنر در برنامه‌ریزی تسهیلات، برنامه‌ریزی کاربری زمین، یا تلاش‌های حفاظتی توجه نکرده بودند؛ بنابراین، هر زمان که فرهنگ برنامه‌ریزی شود، انجام می‌شود زیرا جامعه معتقد است که هنر و فرهنگ برای خیر و صلاح جامعه ضروری است. بسیاری از فعالیت‌ها برای آغاز برنامه‌ریزی فرهنگی از هیاهوی اطراف شهر خلاق ناشی می‌شود؛ با این حال، محققان همچنین برای یکپارچه‌سازی مکان برای هنر و برنامه‌ریزی فرهنگ تلاش کرده‌اند. بانک جهانی (۱۹۹۹) در خط مقدم این باور بوده است که فرهنگ می‌تواند هویت‌های گروه اجتماعی را بسازد و تقویت عزت‌نفس بیشتر در بین افراد را ایجاد کند و پل‌های ارتباطی در سراسر فرهنگ را بسازد. هاکس<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) با تحقیقات خود در ستون چهارم پایداری نشان داده است که فرهنگ برای جامعه کاملاً پایدار ضروری است. او بیان می‌کند که «نتیجه‌گیری اصلی (از کار او) این است که پارادایم‌های جدید حکمرانی و دیدگاه‌هایی درباره آنچه جامعه پایدار و سالم را تشکیل می‌دهد اگر نشاط فرهنگی به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی در آن گنجانده شود، بیشتر مؤثر خواهد بود» (ص ۲).

به‌منظور کامل پذیرش برنامه‌ریزی فرهنگی، برنامه ریزان، سیاست‌گذاران، متخصصان و اعضای جامعه در بخش فرهنگ و هنر که تعامل ایجاد کردند، باید به‌وضوح هنجارها و اهداف پروژه را قبل از شروع فرایند بیان کنند، در غیر این صورت آن‌ها هرگز قادر به ارزیابی نخواهند بود که آیا طرح به جامعه کمک می‌کند یا مانع آن می‌شود (Moore, 2011). توسعه و تدوین اهداف و مقاصد در آغاز برنامه‌ریزی فرهنگی همچنین ضروری است تا از صنایع فرهنگی جامعه حفاظت شود. بسیاری از برنامه ریزان شهری در گذشته همستگی بین توانایی بخش فرهنگی برای بازسازی جامعه و نیاز به برنامه‌ریزی تسهیلات و فضای باز برای هنر و فرهنگ را تشخیص نداده‌اند (Evans, 2001). بدون استراتژی‌های مشخص و قابل‌دستیابی و نتایج برای فرایند برنامه‌ریزی فرهنگی، هم شهر و هم اعضای جامعه نمی‌توانند پیشرفت خود را اندازه‌گیری کنند و از فعالیت‌های روزانه موردنیاز برای دستیابی به اهداف مأموس خواهند شد (Moore, 2011).

متصدیان، برنامه‌ریزی فرهنگی را به دو صورت عمده تعریف کرده‌اند. این می‌تواند ادغامی از هنر و بیان فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری یا استفاده از منابع فرهنگی برای توسعه مکان باشد. بسیاری از پژوهشگران برنامه‌ریزی فرهنگی معتقدند برای اینکه برنامه‌ریزی فرهنگی واقعاً مؤثر

باشد، شامل هر دو تعاریف لازم است (Evans, 2001, Dreeszen, 1998) درین‌ا (۱۹۹۸) در ادامه اشاره می‌کند که «فرایند برنامه‌ریزی فرهنگی یک فرایند حقیقت‌یاب و فرایند اجماع‌سازی در سطح جامعه برای ارزیابی نیازهای جامعه است و برنامه عملی را توسعه می‌دهد که هنرها و منابع فرهنگی را برای رفع این نیازها هدایت کند» (ص ۹).

با اجماع‌فزاینده در میان متصدیان برنامه‌ریزی فرهنگی، اینکه فرایند در سطح جامعه باشد، ضروری است تا اطمینان حاصل شود که همه می‌توانند از زبان مورد استفاده در آن برای برنامه‌ریزی بفرهمنند. برنامه‌ریزان به‌طور سنتی از اصطلاحات فنی تکنوکراتیک استفاده می‌کنند و این باید به‌منظور ایجاد یک فرایند مشورتی و مشارکتی بیشتر تغییر بکند (Evans, 2001). این می‌تواند توسط توسعه زبان برنامه‌ریزی با شرکت‌کنندگان در جامعه اتفاق بیافتد. با همکاری بین حکومت شهری، رهبران فرهنگی محلی و اعضای جامعه، واژگان کارآمد می‌توان تصمیم‌گرفته شود که متناسب با نیازها و انتظارات جامعه باشد (Moore, 2001).

پیشرفت‌های اخیر در برنامه‌ریزی فرهنگی نیز، شروعی برای کنکاش در ارتباطات بین برنامه‌ریزی فرهنگی و برنامه‌ریزی شهری هستند. بیکرا (ارتباط شخصی) این احساس را دارد که گام بعدی در مشروعیت بخشیدن به برنامه‌ریزی فرهنگی به‌عنوان یک حوزه، با مطالعه دقیق از ارتباط بین شیوه‌های برنامه‌ریزی فعلی در هر دو بخش فرهنگی و عمومی خواهد بود. اساساً توسط اتصال نقاط بین این شیوه‌ها، محققان فرهنگی این توانایی را خواهند داشت تا بحث کنند که چگونه برنامه‌ریزی فرهنگی جزء ضروری و مرتبط هر طرح شهرداری است. یکی از راه‌های ایجاد ارتباط با برنامه‌ریزی شهری، تعریف مجموعه‌ای از اصول است که با مسائل اجتماعی و برنامه‌ریزی مرتبط است و اخیراً توسط برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار می‌گیرد. چهار دغدغه‌ای که در برنامه‌ریزی فرهنگی برای شروع گفتگو می‌توان به آن پرداخت در زیر شرح داده می‌شود (Moore, 2001).

## تنوع در برنامه‌ریزی فرهنگی

جوامع در سراسر جهان به‌طور فزاینده‌ای متنوع‌تر می‌شوند، مانند مردم که به‌طور مداوم برای فرصت‌های بهتر، نزدیک شدن به خانواده یا برای تجربه‌های جدید حرکت می‌کنند.

1. Dreezen
2. Backer

بیاتچینی و پارکینسون<sup>۱</sup> متوجه شده‌اند که برنامه‌ریزی فرهنگی در سطح شهرداری بیشتر پاسخگوی تنوع رو به رشد جوامع نسبت به طرح‌های برنامه‌ریزی ملی است (Baeker & Cardinal, 2001). شهرداری‌ها ارتباط نزدیک‌تری با مسائل خاصی که ناشی از این تنوع فزاینده است، در صلاحیتشان از سیاست سطح ملی و استفاده از برنامه‌ریزی فرهنگی دارند که می‌تواند شروع گفتگویی باشد که به دیدگاه‌های متنوع هر گروه فرهنگی می‌پردازد. باین‌حال، این یک چالش است که نباید توسط هیچ شهرداری بدیهی تلقی شود (Hawkes 2001). اطمینان از اینکه همه فرصتی برای شنیده شدن دارند، آسان نیست، اما برای ادامه رشد و پایداری ضروری است. هاکس (۲۰۰۱). اظهار داشت: «ارزش‌های متنوع را نباید صرفاً احترام گذاشت به این دلیل که ما مردمی مداراگر هستیم بلکه ما باید برای بقا، مجموعه‌ای از دیدگاه‌های متنوع داشته باشیم تا با شرایط متغیر سازگار شود برای اینکه بتواند آینده را در آغوش بکشد» (ص ۱۴).

برجسته کردن تنوع در فرایند برنامه‌ریزی فرهنگی، زمان و تعهد می‌خواهد اما همیشه باید هدف برنامه ریزان باشد. در کتاب راهنمای برنامه‌ریزی فرهنگی دریزن<sup>۲</sup> (۱۹۹۸)، او نشان می‌دهد که برخی از شهرداری‌ها به‌طور خاص برنامه‌های فرهنگی را توسعه می‌دهند که چندفرهنگی پیشرفت کند. از طریق برنامه‌ریزی قابل مشاهده است که محققان فرهنگی، سازمان‌ها و همکاری‌ها می‌توانند هم برای اعضای جامعه و هم برای افراد غیربومی قابل بهبود باشند. در شناخت سرمایه‌های فرهنگی اخیر در یک جامعه می‌توان هویت فرهنگی قوی‌تری را شکل داد و محیطی مناسب برای تلاش‌های فرهنگی می‌توان ایجاد کرد. تشویق به ادامه گفتگو بین ذینفعان مختلف در بخش فرهنگی نیز می‌تواند، توسعه محیط را که برابری میان ارائه‌دهندگان فرهنگی و دسترسی به فرهنگ برای همه ساکنان را ترویج می‌کند، تضمین کند (Moore, 2011).

## برابری در برنامه‌ریزی فرهنگی

برنامه‌ریزی فرهنگی سؤالاتی در مورد برابری منابع فرهنگی در جامعه ایجاد می‌کند. برابری در برنامه‌ریزی نه تنها باید به همه انواع سازمان‌های فرهنگی توجه یکسان داشته باشد بلکه مسائل مربوط به دسترسی به فعالیت‌های فرهنگی مختلف را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. این برای مبارزه با طرد اجتماعی در جامعه مهم است که ممکن است توسط سازمان‌های فرهنگی آغاز شود (شبکه شهر خلاق کانادا، ۲۰۰۹). دسترسی به منابع فرهنگی موضوعی است که زمانی

به وجود می‌آید که به مردم فرصتی برای گفتگوی آشکار درباره اینکه آن‌ها چگونه جامعه خود را احساس می‌کنند، داده شود. این گفتگو فرایند ایجاد اعتماد بین سازمان‌های فرهنگی و افرادی که به آن‌ها مراجعه می‌کنند را شروع می‌کند. دسترس‌پذیری تنها به معنای ایجاد قانون امریکایی‌های دارای معلولیت مطابق با امکانات نیست؛ بلکه به معنای ایجاد محیطی است که برای همه خوشایند باشد. به عبارت دیگر، امکانات فرهنگی باید به‌عنوان فضای عمومی طراحی شوند. گروداچ<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) پنج راه برای فضاهای فرهنگی که می‌توانند به‌عنوان فضای عمومی عمل کنند، تشریح می‌کند؛ اول، به دلیل تنوع برنامه‌نویسی، فضاهای فرهنگی به طیف گسترده‌ای از مردم خدمت می‌کنند و مراکز فرهنگی مختلف را در یک جامعه لمس می‌کنند. دوم: از آنجایی که این فضاها دارای تنوع برنامه‌نویسی هستند، آن‌ها می‌توانند فرصت‌هایی برای گروه‌های مختلف مردم برای تعامل با یکدیگر ایجاد کنند؛ فضاهای فرهنگی نیز می‌توانند فضایی را برای گروه‌های کمتر دیده‌شده ایجاد کنند تا برای جامعه وسیع‌تر قابل مشاهده باشند. این فضاها همچنین می‌توانند رویکرد متفاوت اتخاذ کنند و ساختن جامعه‌ای از افراد شخصی شده را اختصاصی کنند؛ و آخرین روشی که فضاهای فرهنگی به‌عنوان فضاهای عمومی عمل می‌کنند، نحوه عملکرد آن‌هاست که می‌تواند در جامعه برای تقویت نشاط اقتصادی محله قرار بگیرد. اگر برنامه ریزان و رهبران فرهنگی مایل هستند که فضاهایی ایجاد بکنند که هم به آرمان‌های اقتصادی و اجتماعی شهر کمک بکنند پس باید دسترسی در برنامه‌ریزی، طراحی و برنامه‌نویسی از طریق کمک مردم ساکن در این منطقه ایجاد شود تا توسعه شکل بگیرد (Moore, 2011).

هدف اصلی برنامه‌ریزی فرهنگی شهرداری، همانطور که توسط بیکر (ارتباطات شخصی) مشخص شده است، این است که شهرداری‌ها باید برای تقویت مشارکت‌های بین‌بخشی و همکاری‌های بین رهبران تجاری و فرهنگی تلاش کنند. در اصل، ایجاد محیطی که برای کسب‌وکارها و سازمان‌های فرهنگی، شرکای برابر در اقتصاد جامعه در نظر گرفته بشود. توسعه این شرایط برابر نه تنها در هنگام ایجاد برنامه فرهنگی، ضروری است بلکه توسط جامعه و همچنین توسط دولت‌شهر باید تأیید شده باشد. زمانی که مسئولان شهرداری مشاهده می‌کنند که بنگاه‌های فرهنگی برای بافت جامعه از نظر اجتماعی و اقتصادی ضروری هستند، متعاقباً فرایندهای برنامه‌ریزی بعدی شهرداری همیشه شامل بخش فرهنگی که نقش ضروری در پایداری جامعه دارد، می‌شود (Moore, 2011).

## پایداری در برنامه‌ریزی فرهنگی

مفهوم پایداری در ساده‌ترین شکل خود، مظهر آرزویی است که نسل‌های آینده، وارث دنیایی هستند که حداقل به اندازه دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم پربرکت است. با این حال، چگونه می‌توان به آنجا رسید، بحث بر سر ارزش‌هاست؛ یک بحث فرهنگی است (Hawkes, 2001: 11). پایداری به دلایل خوبی یک کلمه رایج در بخش فرهنگی است. همان‌طور که هاکس در بالا ذکر کرد، همه می‌خواهند اطمینان حاصل کنند که نسل‌های آینده دنیایی به همین خوبی، یا بهتر از دنیای کنونی ما خواهند داشت. تضمین پایداری فرهنگی برای ایجاد پایداری جامعه ضروری است. اگر فرهنگ جامعه از بین برود به دلایلی که در آن زمان نمی‌شد آن را حفظ کرد، هر چیز دیگری نیز ناپدید می‌شود (Hawkes, 2001).

یک مفهوم کلیدی در بحث پایداری، شهروندی و مشارکت فعال است. هاکس (۲۰۰۱) تأیید می‌کند که امروزه بیشتر از همیشه افراد بیشتری نسبت به جامعه احساس بی‌ارتباطی می‌کنند. این مدل مناسب برای ساختن جامعه پایدار نیست. اعضای جامعه باید این فرصت را داشته باشند که بخشی از تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در جامعه باشند. این موضوع مشارکت را می‌توان از طریق رویکرد مشارکتی در برنامه‌ریزی فرهنگی مورد توجه قرار داد. بیکرا<sup>۱</sup>، دریزن<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) و ایوانز<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) همگی موافق هستند که برنامه‌ریزی باید سرمایه‌گذاری کاملاً مشارکتی را جذب و درگیر کند اگر قرار است برنامه فرهنگی مکانیز معتبری برای تقویت و ساخت جامعه باشد. به این ترتیب، برنامه‌ریزی فرهنگی می‌تواند، اولین گام برای ایجاد پایداری جامعه‌ای باشد که بتواند تنوع در حال تغییر جهان را تحمل کند.

## هویت جامعه و مکان در برنامه‌ریزی فرهنگی

برنامه‌ریزی فرهنگی هویت جامعه را با برجسته ساختن سازمان‌های فرهنگی که در حال حاضر بخشی از جامعه هستند و محیطی را ایجاد می‌کنند که سایر تلاش‌های فرهنگی به موفقیت برسند، تقویت می‌کند. ایوانز<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) اظهار می‌کند که شهرها به‌طور فزاینده‌ای به دنبال آن هستند که فرهنگ برای تأیید مجدد هویتشان به مسابقه شهر رقابتی بپیوندند.

1. Baeker
2. Dreeszen
3. Evans
4. Evans

کار ریچارد فلوریدا<sup>۱</sup> بر روی سرمایه خلاق، کیفیت مکان را به‌عنوان عوامل اصلی جذب افراد خلاق به شهر، شناسایی می‌کند. ایجاد هویت اجتماعی، جمعیت‌های متنوع را به تبدیل شدن به ساکنانی که می‌توانند بخشی از طرح برنامه فرهنگی باشند، دعوت می‌کند. بریکر و کاردینال<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) خلاصه می‌کنند که هدف برنامه‌ریزی فرهنگی می‌تواند هر فعالیت یا هر منبعی باشد که به تقویت منحصربه‌فرد یک مکان کمک می‌کند. در تعریف دارایی‌های فرهنگی به‌عنوان چیزی که شهر را منحصربه‌فرد می‌کند، گفتگوی بین افراد مختلف را در منطقه آغاز می‌کند. هر کسی نظر متفاوتی در مورد اینکه چرا شهرش خاص است، دارد و از طریق یک فرایند برنامه‌ریزی دموکراتیک می‌توان هویت چند فرهنگی را برای همه برجسته کرد. این ایده مکان‌سازی یا هویت‌سازی جامعه را می‌توان به طراحی شهری و برنامه‌ریزی ترجمه کرد. شروع استفاده از آن توسط شهرها برای ایجاد محیط ساخته‌شده است تا به نیازهای متنوع جامعه و محیط طبیعی که در حال حاضر وجود دارد، متصل شود.

### نقشه‌برداری فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی

نقشه‌برداری و برنامه‌ریزی فرهنگی در سراسر ادبیات و در تمرین اخیر ارتباط تنگاتنگی دارد. نقشه‌برداری فرهنگی یک پیش‌نیاز برای برنامه‌ریزی است (Baeker, G., & Cardinal, 2001; Dreeszen 1998; Evans, 2001). در بسیاری از موارد نقشه‌برداری فرهنگی با نام‌های دیگری شناخته می‌شود: نقشه‌برداری منابع، ارزیابی نیازهای فرهنگی، ارزیابی فرهنگی (Baeker, G., & Cardinal, 2001; Evans, G. 2001; Evans & Foord, 2008).

همه این اصطلاحات عمل ایجاد یک لیست و نقشه دارایی‌های فرهنگی درون منطقه جغرافیایی خاص را توضیح می‌دهد. به‌طور خاص، نقشه‌برداری فرهنگی می‌تواند تصویری از جامعه، ایجاد کند، فهرست موجود دارایی را در منطقه شناسایی کند و اطلاعات را به‌وسیله تعریف روابط و شناسایی فرصت‌های همکاری تجزیه و تحلیل کند (Baeker, G., & Cardinal, D, 2001).

همانند برنامه‌ریزی فرهنگی، نقشه‌برداری فرهنگی باید فرایند مشارکتی باشد که جامعه گسترده‌تر را درگیر کند. بدون مشارکت چند گروه اجتماعی، نقشه فرهنگی ممکن است این تصور را ایجاد کند که فرهنگ در جامعه غایب است و وجود ندارد،

1. Richard Florida

2. Baeker and Cardinal

به‌ویژه در روستا یا مناطق فراصنعتی (Evans & Foord, 2008). استفاده از یک فرایند مشارکتی که بر روی دارایی‌های نامشهود یا داستان‌سرایی تمرکز می‌کند، دارایی‌های فرهنگی پنهان یک منطقه را به تفصیل شرح می‌دهد. این دارایی‌های پنهان ممکن است به دلیل وضعیت اقتصادی فعلی از بین رفته یا جابجا شوند، اما همچنان در زندگی اعضای جامعه وجود دارند

هنگام تهیه یک نقشه فرهنگی برای اهداف برنامه‌ریزی، لازم است برخی سؤالات اساسی از جامعه پرسیده شود از جمله: منابع فرهنگی فعلی چیست؟ برخی منابع فرهنگی که در شهر ناشناخته هستند، چیست؟ چه منابع فرهنگی با کمک و مشاوره می‌توانند رشد کنند؟ چه منابعی، منابع فرهنگی برای توسعه فردی و اجتماعی هستند؟ (Baeker, G., & Cardinal, 2001).

پرداختن به این سؤالات در فرایند ایجاد فهرستی از دارایی‌های جامعه به نقشه اجازه می‌دهد تا به‌عنوان منبع برنامه‌ریزی برای شهرداری مفید باشد. این امر دلایل مهم بودن دارایی‌های فرهنگی برای جامعه را طرح خواهد کرد (نشان خواهد داد) و چگونگی برنامه‌ریزی فرهنگ را در برنامه‌ریزی شهری نشان می‌دهد (Moore, 2011). برنامه ریزان شهری و شهرداری از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی (GIS) استفاده کرده‌اند تا هم برنامه‌ریزی کنند و هم دارایی‌های ملموس در جوامع را نقشه‌برداری کنند. به‌طور فزاینده‌ای، پایگاه‌های داده‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی شروع به گنجاندن دارایی‌های فرهنگی ملموس در جوامع می‌کنند. مراکز هنری و میراث و کسب‌وکارها بر روی نقشه‌ها جمع‌آوری شده است اما درج دارایی‌های فرهنگی نامشهود در این نقشه‌ها از نظر تاریخی نادیده گرفته شده است. داستان‌های ناملموس از جوامع می‌توانند نقشه‌برداری شوند. از آنجایی که هر داستانی تنظیمات خاص خود را دارد و می‌تواند مثل ساختمان یا بنای تاریخی نقشه‌برداری شود. این سیستم جدید به اعضای انجمن اجازه می‌دهد تا تصاویر، کلیپ‌های صوتی، متن و ویدئوها را به نقشه جامعه‌شان اضافه کند (Moore, 2011).

تهیه فهرستی از دارایی‌های فرهنگی جامعه در نهایت هدف اصلی هر پروژه نقشه‌برداری فرهنگی است. شناسایی هر دو دارایی‌های مشهود و نامشهود برای تکمیل نقشه ضروری هستند (Moore, 2011). (موور، ۲۰۱۱). بروپ (۲۰۰۶)، کرتیزمن و مک نایت (۱۹۹۶)، همگی این موضوع را تأیید می‌کنند. ایجاد نقشه تنها از طریق دارایی‌های مشهود، نقشه‌ای را ایجاد می‌کند که فاقد واقعیت از فردیت منطقه است.

## نتیجه‌گیری

ماهیت نقشه‌برداری فرهنگی متمرکز بر این اصل است که جامعه از درون نگریده بشود به‌جای اینکه از بیرون برنامه‌ریزی شود؛ بنابراین فرایندی را ایجاد می‌کند تا سرمایه‌های ملموس و ناملموس از طریق اعضای داخل جامعه شناسایی و ثبت شود. هدف نقشه‌برداری فرهنگی تقویت مشارکت افراد بومی و جامعه محلی است تا از طریق آنان روایت‌ها، آئین‌ها و خاطرات شناسایی شود و در نهایت مکان‌ها معنا می‌یابند و حس مکان ثبت می‌شود. زمانی که جامعه محلی در پروژه‌های فرهنگی از جمله نقشه‌برداری فرهنگی دخیل باشند، مشارکت معنادار حاصل می‌شود و نتیجه بسیار کاربردی و مطلوب برای جامعه می‌شود؛ زیرا نگاه بالا به پایین در فرایند تصمیم‌گیری وجود نداشته است و تصمیمات بر اساس بستر فرهنگی اتخاذ شده است.

با توجه به رویکرد نظری موور، نقشه‌برداری فرهنگی عملی است که تئوری‌ها و شیوه‌های مختلف را دربرمی‌گیرد. بررسی‌های قبلی هر دو متون توسعه فرهنگی جامعه و برنامه‌ریزی فرهنگی نشان می‌دهد که در سراسر کار توسعه فرهنگی از نقشه‌برداری فرهنگی استفاده شده است. اینکه چه بخشی از یک پروژه برنامه‌ریزی فرهنگی است یا یک پروژه مستقل، در برجسته کردن هویت جامعه متمرکز شده است. در خصوص اتصال شیوه‌های اخیر در توسعه فرهنگی جوامع و برنامه‌ریزی فرهنگی با پروژه نقشه‌برداری فرهنگی موور باور دارد که نقشه‌برداری فرهنگی می‌تواند به موارد مختلف مسائل اجتماعی مانند تنوع، برابری، پایداری و هویت جامعه رسیدگی کند. نقشه‌برداری فرهنگی می‌تواند با پرداختن به این نیازها، جوامع قوی‌تری را تقویت کند (Moore, 2011).

دانش افراد بومی و محلی، از طریق فرایندهایی که در نقشه‌نگاری فرهنگی شکل می‌گیرد، به منصفه ظهور می‌رسد. دارایی‌های ملموس و ناملموس مکان برای توسعه فرهنگی به‌عنوان سرمایه فرهنگی در نقشه‌برداری فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین معانی‌ای که مردم به مکان می‌دهند و حس مکان خلق می‌شود، از طریق مشارکت در فرایند نقشه‌برداری فرهنگی مستند می‌شود. این پژوهش چگونه رسیدن به جامعه قوی را از طریق نقشه‌برداری فرهنگی این‌گونه بیان می‌کند که نقشه‌برداری فرهنگی با ایجاد ترویج تنوع، ترویج برابری و پایداری فرهنگی در برنامه‌ریزی فرهنگی و توسعه فرهنگی جامعه، سبب خلق هویت جامعه می‌شود و جامعه قوی ایجاد می‌شود. آنچه در این پژوهش اهمیت دارد این است که فرایند شکل‌گیری نقشه‌برداری فرهنگی را در مسیر توسعه فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی شرح می‌دهد. بدین معنا که اگر صرفاً تمرکز بر

توسعه فرهنگی باشد و مشارکت در آن صفر باشد، پایدار نیست و همچنین برنامه‌ریزی فرهنگی نیز، می‌بایست، به اصولی همچون تنوع، برابری و پایداری توجه نماید.

تنوع در توسعه فرهنگی جامعه بدین معناست که شاخص‌های زیادی باید مدنظر باشد تا اطلاعات در بستر فرهنگی همه‌جانبه باشد. همچنین تنوع در برنامه‌ریزی فرهنگی تأکید بر این امر دارد؛ از آنجاکه جهان با سرعت زیاد متنوع‌تر می‌شود، طرح‌های برنامه‌ریزی در سطوح مختلف باید پاسخگوی این تنوع باشد. همچنین برابری در توسعه فرهنگی جامعه، تأکید می‌کند که هیچ فرهنگی نسبت به فرهنگ دیگر برتری ندارد و دیدگاه برابر نگرستن نسبت به همه فرهنگ را تقویت می‌کند. در مقابل، در برنامه‌ریزی فرهنگی، سؤالاتی در مورد برابری فرهنگی ایجاد می‌کند. در سازمان‌های فرهنگی که برنامه‌ریزی فرهنگی انجام می‌شود لازم و ضروری است که به مسئله برابری توجه شود. پایداری در توسعه فرهنگی جامعه اهمیت دارد از این نظر که پروژه فرهنگی باید در سطوح مختلف پایدار باشد و در برنامه‌ریزی فرهنگی اطمینان ایجاد می‌کند که نسل‌های آینده هم از منابع کنونی دنیا بهره‌مند خواهند شد و پایداری فرهنگی برای ایجاد پایداری جامعه ضروری است.

در نهایت نقشه‌برداری فرهنگی بستری را فراهم می‌کند تا برنامه‌ریزی فرهنگی و توسعه فرهنگی جامعه و در نهایت درک فرهنگ ایجاد شود. به بیان دیگر هر پژوهشگر و محقق فرهنگی، لازم است قبل از انجام پروژه فرهنگی خویش، نقشه‌برداری فرهنگی را انجام دهد. با انجام نقشه‌برداری فرهنگی یک لیست از سرمایه‌های فرهنگی (مادی و غیرمادی)، ملموس و ناملموس) از منطقه جغرافیایی خاص به دست می‌آید و در نهایت تصویری از جامعه ایجاد می‌شود که با تجزیه و تحلیل اطلاعات که اغلب توسط افراد بومی و محلی حاصل شده است، می‌توان به‌درستی برنامه‌ریزی فرهنگی انجام داد و توسعه فرهنگی حاصل می‌شود و با هویت‌یابی جامعه، قدرتمندی جامعه نیز شکل می‌گیرد.

نقشه‌برداری فرهنگی یک روش تحقیق نوظهور است و در کشور ایران خیلی شناخته شده نیست. در واقع نگارش این مقاله در راستای پیشبرد تحقیقات فرهنگی بر اساس نقشه‌نگاری فرهنگی است؛ زیرا که این ابزار روش شناختی در برنامه‌ریزی شهری، پایداری فرهنگی و توسعه جامعه بستری را فراهم می‌آورد تا ارزش‌های ناملموسی همچون خاطرات، آیین‌های محلی، روایت‌ها و داستان‌ها مشاهده‌پذیر شوند؛ تا با شناخت منابع فرهنگی، مشکلات حل شوند و بر نقاط قوت آنان افزوده شود. در واقع در آمایش سرزمین و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی که در کشور انجام می‌شود، شایسته است تا اهمیت ویژه‌ای به نقشه‌نگاری فرهنگی بشود و از این روش در علوم مختلف بهره برده شود.

## منابع و مأخذ

- احمدی ندوشن، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی نظری نقش فرهنگ و چگونگی اثرگذاری مؤلفه‌های فرهنگی بر مدیریت استراتژیک منابع انسانی صنعت نفت، مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما، تهران.
- بژی، خدارحم (۱۳۸۶). تأملی بر فرهنگ و اثرگذاران در توسعه، چشم‌انداز جغرافیایی، ۲(۴)، ۱۲.
- گنجی، محمدحسن (۱۳۸۰). جغرافیا در ایران. تهران: گیتاشناسی.
- مقرب‌نیا، بهمن (۱۳۹۴). مبانی نقشه‌برداری، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، تهران. میرحیدر، دره (۱۳۸۶). کالبد شکافی نقشه و نقش آن در اعمال قدرت و القاء سیاست، نشریه علوم جغرافیایی، ج ۶، شماره ۸ و ۹.
- Backer, G., & Cardinal, D. (2001). *Beyond garrets and silos: Bringing communities together through cultural planning?* Ontario, CA: Municipal Cultural Planning Project.
- [https://www.researchgate.net/publication/279444445\\_Cultural\\_Mapping\\_Building\\_and\\_Fostering\\_Strong\\_Communities](https://www.researchgate.net/publication/279444445_Cultural_Mapping_Building_and_Fostering_Strong_Communities)
- Borrupt, T. (2006). *The creative community builder's handbook: How to transform communities using local assets, art, and culture*. Saint Paul, MN: Fieldstone Alliance.
- <https://www.amazon.com/Creative-Community-Builders-Handbook-Communities/dp/0940069474>
- Bryan, B. A., Raymond, C. M., Crossman, N. D., & Macdonald, D. H. (2010). Targeting the management of ecosystem services based on social values: Where, what, and how? *Landscape and Urban Planning*, 97(2), 111-122. [Doi.org/10.1016/j.landurbplan.2010.05.002](https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2010.05.002)
- Burnham, L. F., Durland, S., & Ewell, M. G. (2004). *The CAN report: The state of the field of community cultural development: Something new emerges*. Saxapahaw, NC: Art in the Public Interest.
- Bianchini, F., & Parkinson, M. (1993). *Cultural policy and urban regeneration: The West European experience*. Manchester: Manchester University Press. <https://doi.org/10.1080/00420989420080461>
- Chan, K. M. A., Goldstein, J., Satterfield, T., Hannahs, N., Kikiloi, K., Naidoo, R., ... Woodside, U. (2011). Cultural services and non-use values. In P. Kareiva, H. Tallis, T. Ricketts, G. Daily, & S. Polasky (Eds.), *Natural capital*. Oxford, England: Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199588992.003.0012>
- Creative City Network of Canada (Organization). (2009). *Cultural mapping toolkit: A partnership between 2010 legacies now and creative city network of Canada*. Vancouver, B.C., Canada: Author
- Cleveland, W. (2005). *Making exact change: How U.S. arts-based programs have made a significant and sustained impact on their communities*. Saxapahaw, NC: Art in the Public Interest.
- Cleveland, W. (2002). *Mapping the field: Arts-based community development*. Retrieved from [http://www.communityarts.net/readingroom/archivefiles/2002/05/mapping\\_the\\_fie.php](http://www.communityarts.net/readingroom/archivefiles/2002/05/mapping_the_fie.php).
- Congdon, K. (2008). In D. Blandy & G. Carpenter (Ed.), *Arts and cultural programming: A leisure perspective* (pp. 65-78). Champaign, IL: Human Kinetics. <https://doi.org/10.1080/193715>

- 6x.2009.11949642
- Dreeszen, C., Bulick, B., & Americans for the Arts (Organization). (1998). *Community cultural planning: A guidebook for community leaders*. Washington, D.C: Americans for the Arts
- Duxbury, N. and E. Redaelli (Forthcoming in 2020). "Cultural Mapping." Annotated bibliography for Oxford.
- <https://doi.org/10.1093/obo/9780199756841-249>
- Edelmann, N., 2013. Reviewing the definitions of "lurkers" and some implications for online research. *Cyberpsychology, behavior and social networking* 16 (9), 645-649. <https://doi.org/10.1089/cyber.2012.0362>
- Evans, G. (2001). *Cultural planning, an urban renaissance?*. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203459744>
- Evans, G., & Foord, J. (June 01, 2008). *Cultural mapping and sustainable communities: planning for the arts revisited*. *Cultural Trends*, 17, 2, 65-96. <https://doi.org/10.1080/09548960802090634>
- Freire, P. (1973). *Education for critical consciousness*. New York: Seabury Press. <https://doi.org/10.5040/9781350190184.ch-004>
- Flood, B. (1998). What is community cultural development and how do we practice it. *CultureWork*, 2(4). Retrieved from <http://aad.uoregon.edu/culturework/culturework7.html>
- Fearon, J.D., 2003. *Ethnic and cultural diversity by country*. *Journal of Economic Growth* 8 (2), 195-222 <https://doi.org/10.1023/a:1024419522867>
- Goldbard, A. (2006). *New creative community: The art of cultural development*. Oakland, CA: New Village Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctt21pxmht>
- Hawkes, J. (2001). *The fourth pillar of sustainability: Culture's essential role in public planning*. Melbourne, Vic: Cultural Development Network.
- Jacob, Christian (1996) *Toward a Cultural History of Cartography*. Published by: *Imago Mundi, Ltd*, Vol. 48, pp. 191-198. <https://doi.org/10.1080/03085699608592842>
- Jackson, M.-R., & Herranz, J. (2002). *Culture counts in communities: A framework for measurement*. Washington, D.C.: Urban Institute. <https://doi.org/10.1037/e717932011-001>
- Kretzmann, J. P., & McKnight, J. (1996). *Mapping community capacity*. Evanston, IL: Center for Urban Affairs and Policy Research, Neighborhood Innovations Network, Northwestern University. <https://doi.org/10.36019/9780813553146-012>
- Kretzmann, J. P., & McKnight, J. (1993). *Building communities from the inside out: A path toward finding and mobilizing a community's assets*. Evanston, IL: Center for Urban Affairs and Policy Research, Neighborhood Innovations Network, Northwestern University
- Nowak, J. (2007). *Creativity and neighborhood development: Strategies for community*. <https://repository.upenn.edu/handle/20.500.14332/46306>

- Morén-Alegret, R., Wladyka, D., 2020. *International Immigration, Integration and Sustainability in Small Towns and Villages*. Palgrave Macmillan UK, London. <https://doi.org/10.1057/978-1-137-58621-6>
- Moore, Stephanie (2011) *Cultural Mapping: Building and Fostering Strong Communities*, University of Oregon. <http://hdl.handle.net/1794/11203>
- Ogletree S. Scott, (2019) A framework for mapping cultural resources in landscape conservation planning, *Conservation Science and Practice*, wileyonlinelibrary.com/journal/csp2. <https://doi.org/10.1111/csp2.41>
- Odum, E.P., 1953. *Fundamentals of ecology*. xii, 387 pp. W. B. Saunders Co., Philadelphia, Pennsylvania, and London, England. <https://doi.org/10.12987/9780300188479-022>
- Satterfield, T., Gregory, R., Klain, S., Roberts, M., & Chan, K. M. (2013). Culture, intangibles and metrics in environmental (management. *Journal of Environmental Management*, 117, 103-114. <https://doi.org/10.1016/j.jenvmann.2021.033>
- Simon, P., Piché, V., 2012. Accounting for ethnic and racial diversity: the challenge of enumeration. *Ethnic and Racial Studies* 35 (8), 1357-1365 <https://doi.org/10.1080/01419870.2011.634508>
- Stern, M. J., & Seifert, S. C. (2007). *Cultivating "natural" cultural districts*. Philadelphia: University of Pennsylvania, Social Impact of the Arts Project.
- Wilson, A., Murphy, H., Fierro, J.C., 2012. *Hospitality and travel: The nature and implications of user-generated content*. *Cornell hospitality quarterly* 53 (3), 220-228. <http://sci-hub.tw/10.1177/1938965512449317>
- UNESCO Bangkok. (2011). *Cultural mapping*. Retrieved from <http://www.unescobkk.org/culture/cultural-diversity/cultural-mapping>
- Ahmadi Nadushan, Alireza (2014) *theoretical study of the role of culture and how cultural components influence the strategic management of human resources in the oil industry*, Center for International Broadcasting Conferences, Tehran. **[In Persian]**
- Bezzi, Khodarahm (2006) *Reflection on culture and its impact on development*, Geographical Perspective, second year, number 4. **[In Persian]**
- Ganji, Mohammad Hassan (1380) *Geography in Iran*. Tehran: Gitashani. **[In Persian]**
- Moqrab Nia, Bahman (2014) *Basics of Mapping*, Textbook Publishing Company, Tehran. **[In Persian]**
- Mirhaidar, Dere (2006) *The body of the map and its role in exercising power and inducing politics*, *Journal of Geographical Sciences*, Vol. 6, No. 8 and 9. **[In Persian]**



## A New Cultural Model of Good Governance in Institutions Overseeing Government Performance

**Heidar Mohammadi**, PhD Student in Public Administration, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: [hft1349@yahoo.com](mailto:hft1349@yahoo.com)

**Siyamak Kurang beheshti**, Assistant Professor, Department of Public Administration, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).  
Email: [sk.beheshti@khuisf.ac.ir](mailto:sk.beheshti@khuisf.ac.ir)

**Hamid Davazhaemami**, Assistant Professor, Department of Public Administration, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: [h.12emami@khuisf.ac.ir](mailto:h.12emami@khuisf.ac.ir)

### Abstract

The concept of good governance has permeated all levels of public and private organizations, serving as the foundation for the optimal implementation of affairs based on social responsibilities. This research aims to present a cultural model of good governance within institutions that oversee government performance. The research employs an inductive method and is fundamental in its objective. It is descriptive and correlational in terms of data collection and qualitative in data processing. The study's statistical community comprised experts from institutions overseeing government performance, including the country's audit court, the Ministry of Finance, and the General Inspection Organization. Twelve participants were selected through purposive sampling, using a snowball approach until theoretical saturation was achieved. Data was collected via semi-structured interviews and analyzed using MAXQDA11 software. The reliability and validity of the interview questions were assessed using the Delphi technique, and Cronbach's alpha coefficient was calculated to be higher than 0.7. The research identified six categories: causal factors, central phenomenon, strategy, intervening factors, contextual factors, and consequences of the cultural implementation of good governance. The results suggest that the cultural implementation of good governance can be improved by applying the concepts presented in the research's paradigm model.

### Keywords

Good governance, culture, good cultural governance





## ارائه الگوی فرهنگی حکمرانی خوب در دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت

حیدر محمدی<sup>۱</sup>، سیامک کورنگ بهشتی<sup>۲</sup>، حمید دوازده امامی<sup>۳</sup>

### چکیده

مفهوم فرهنگی حکمرانی خوب در کلیه لایه‌های سازمانی دولتی و خصوصی نفوذ نموده و مبنایی برای اجرای بهینه امور مبتنی بر وظایف اجتماعی است. هدف از انجام پژوهش حاضر، ارائه الگوی فرهنگی حکمرانی خوب در دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت است. پژوهش حاضر از منظر روش تحقیق از نوع استقرایی و از منظر هدف، بنیادی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی و از نوع همبستگی، به لحاظ نحوه پردازش داده‌ها کیفی محسوب می‌گردد. جامعه آماری پژوهش، شامل خبرگان دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت (دیوان محاسبات کشور، وزارت دارایی، سازمان بازرسی کل کشور) بودند که تعداد ۱۲ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند، با رویکرد گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری، انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته و مبتنی بر داده بنیاد بود. پایایی و روایی پرسشنامه توسط تکنیک دلفی و پایایی سؤالات پرسشنامه توسط ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ برآورد شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA11 استفاده شده است. یافته‌های پژوهش ۶ مقوله را به عنوان عوامل علی، پدیده محوری، راهبرد، عوامل مداخله‌گر و زمینه‌ای و پیامدهای حاصل از اجرای فرهنگی حکمرانی خوب معرفی نمود. بر اساس نتایج پژوهش، می‌توان گفت که با توجه به مفاهیم ارائه شده در الگوی پارادایمی تحقیق حاضر، می‌توان روند اجرای فرهنگی حکمرانی خوب را ارتقا بخشید.

### واژگان کلیدی

حکمرانی خوب، فرهنگ، حکمرانی فرهنگی خوب.



## مقدمه

بر اساس رویکرد غالب در توسعه، در چند دهه اخیر، مسیر رشد، در سطوح مختلف خرد و کلان از طریق تولید و تمرکز بر صنایع با ارزش افزوده بالا نظیر صنایع فرهنگی می‌گذرد. برنامه‌ریزی و مدیریت در فرایند تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی از شناخته‌شده‌ترین و مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در سطح جهان است که از آن به‌عنوان محور اصلی در توسعه اقتصاد فرهنگ جوامع یاد می‌شود (صالحی امیری ۱۳۸۹). طبق رویکردهای جدید، نقش‌آفرینی دولت در اقتصاد فرهنگ نیازمند شاخصه‌هایی است تا از این طریق فرایند توسعه تسهیل گردد (یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۹۶). یکی از مهم‌ترین این شاخصه‌ها که مبتنی بر وجود زیرساخت‌های نهادی است، شاخص‌های ترکیبی حکمرانی خوب می‌باشد. حکمرانی، مفهوم جدید نبوده و عمری به درازای تمدن بشری دارد. این مفهوم مرتبط با مفاهیمی از قبیل: «دولت»، «حکومت» و «حاکمیت» است. موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید محیط‌زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود (محمد فاضل، ۱۳۹۴). در حکمرانی خوب شراکت بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیت‌ها وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است (Das et al. 2007). شش شاخص حکمرانی خوب در سایت بانک جهانی برای تمام کشورها، برای سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۰ موجود است. مقایسه این شش شاخص بین ایران و سه کشور سوییس، فنلاند و سوئد نشان می‌دهد که وضعیت ایران از نظر حکمرانی خوب نسبت به کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و همچنین کشورهای تازه توسعه‌یافته آسیای جنوب شرقی، ضعیف است (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۶). کشور سوییس زیرساخت‌های فرهنگی را به‌گونه‌ای نهادینه نموده است که در فرآیند جامعه‌پذیری کارکنان و نیروی انسانی در بدنه سازمان‌های خدماتی‌اش، همواره تأکید بر حکمرانی فرهنگی و مؤکدات این موضوع را مورد بحث قرار می‌دهد و آن را برای نیروی انسانی تبیین می‌نماید. فنلاند در دانشگاه‌های علوم انسانی همواره به توسعه مفهوم حکمرانی خوب پرداخته و آن را با باورهای دانش جویان عجین نموده است. سوئد همواره دوره‌های توانمندسازی مبتنی بر حکمرانی فرهنگی را جهت ارتقاء مدیران و سرپرستان سازمان‌های دولتی و خصوصی محور قرار داده و به دنبال ارتقای آن می‌باشد (Johansson and Raunio, 2020). حکمرانی ریشه در واژه یونانی «Kubernan» به معنی راهبری یا هدایت کردن دارد.

واژه‌ای که افلاطون آن را برای چگونگی هدایت يك نظام حکومتی درون یک کشور به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به واژه "Gubernane" تبدیل شده است که بر راندن، حکمروایی کردن، دلالت داشت. در اینجا حکمرانی «عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت» است (Fukuyama, 2016). در تعریف دیگر علی محمد حق‌شناس<sup>۱</sup> حکمرانی را معادل واژه انگلیسی "Governance" قرار می‌دهند و آن را به معنای حکومت، فرمانروایی و راهبری تعریف می‌کنند (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۷۹: ۶۸۹). حکمرانی خوب رویکردی است که در نتیجه ناکامی سیاست‌های دولت رفاه و اقتصاد لیبرالی شکل گرفت و نظریه‌ای است که در آن بر ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو، تأکید می‌شود (سردار نیا، ۱۳۸۸). الگوی حکمرانی خوب پس از اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری مورد نظر بانک جهانی و تشویق کشورهای در حال توسعه به خصوص سازی، مقررات زدایی و سایر اصلاحاتی که عمدتاً رویکرد اقتصادی داشتند و با شخصی شدن نتایج این سیاست‌ها و ناکامی‌ها در تحقق اهداف مورد نظر، معرفی شد (برک‌پور، ۱۳۸۱: ۱۷). به‌طور کلی حکمرانی خوب به ویژگی‌هایی اشاره دارد که در قرن بیستم در جوامع غربی کمتر به آن‌ها توجه شده است (بشیریه، حسین، ۱۳۷۹). بدین منظور جوامع غربی سعی می‌کنند با طرح و به‌کارگیری این نوع از الگوی حکمرانی (منظور الگوی حکمرانی خوب) راه برون‌رفت از وضعیت نابسامان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خویش را طی کنند (صانعی، ۱۳۸۵) (حشمت زاده ۱۳۹۶). آنچه محرز می‌باشد این است که در کشورهای توسعه‌یافته به این باور رسیده‌اند که حکمرانی خوب نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن ارزش‌ها و باورهای هر کشوری به‌خوبی اجرا گردد و در حقیقت استفاده از یک الگوی جهان‌شمول در کل دنیا کارایی ندارد.

بررسی ارتباط بین فرهنگ و حکمرانی خوب در کشورهای حاشیه اقیانوس آرام نشان داد که مفاهیم حکمرانی خوب در سطح بین‌المللی در حال تغییر است. این تحقیق نشان داد که حکمرانی خوب می‌تواند با به‌کارگیری ارزش‌ها و اصول فرهنگی محلی، این عمل را تقویت کند و درس‌هایی از این کشورها وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به‌طور گسترده‌تر به اشتراک گذاشت. اورتون و پاپولیل (۲۰۲۲) بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و با استناد به تحقیقات نیکلسون، اسپیلر و پیو (۲۰۱۰) در مورد فرهنگ‌گرایی و تغییرات پارادایم اخیر در تفکر حکمرانی خوب، استدلال می‌کند که

این کشورها فعالانه در حال تطبیق و نوآوری حاکمیت شرکتی هستند (Janggu, 2014) الگوی شرایط اجتماعی و فرهنگی محلی این تحقیق نشان می‌دهد که اصول حکمرانی خوب می‌توانند پویا و پاسخگو باشند و می‌توانند (و باید) متناسب با موقعیت‌های محلی اصلاح شوند (Haghighi and Takian, 2024). همچنین تلفیق و یکپارچگی و انسجام بین فرهنگ ملی و حکمرانی خوب در بریتانیا در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۹ نشان داد که قوم‌گرایی و ارزش‌های حاکم در یک منطقه شرط لازم برای اجرای شایسته مفهوم حکمرانی خوب می‌باشد (Asaduzzaman and Virtanen, 2022).

اهمیت حکمرانی را در صورتی می‌توان به بهترین نحو تجزیه و تحلیل نمود که مفهوم «سلسله و یا پیوند حکمرانی» را در نظر گرفت. سلسله و یا پیوند حکمرانی به تأثیر رویه‌های حاکمیتی هر سطح (دولت، ناظران، نهادهای مالی و غیرمالی) بر رویه‌های سایر سطوح اشاره دارد (Das et al. 2007): بنابراین، لازمه تحقق حکمرانی خوب در سطح ملی توجه به مفهوم سلسله یا پیوند حکمرانی است که بیانگر چگونگی کیفیت ترتیبات حکمرانی مبنی بر حکمرانی بخش عمومی است (Larsen, Volden and Andersen, 2021).

ارکان حکمرانی خوب که در این پژوهش بر آن تمرکز شده شامل استقلال، پاسخگویی، شفافیت، یکپارچگی می‌باشد. چهار مؤلفه‌ها در سطوح مختلف با هم تعامل دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۵). استقلال و پاسخگویی، دو روی یک سکه هستند. شفافیت ابزاری برای محافظت از استقلال است. با اتخاذ اقدامات و تصمیمات شفاف، فرصت‌های مداخله کم می‌شوند. همچنین شفافیت ابزاری کلیدی برای پاسخگویی است. شفافیت همچنین به ایجاد و حفظ یکپارچگی کمک می‌کند، به این معنی که با رویکردهای مطرح شده از کارکنان نهاد بهتر حمایت می‌کنند. استقلال و یکپارچگی همدیگر را تقویت می‌کنند (محمدباقر جعفری ۱۳۹۶). حمایت حقوقی از کارکنان نهاد در کنار وجود مقررات روشن برای نصب و عزل رؤسای نهاد هم از استقلال و هم یکپارچگی آن‌ها پشتیبانی می‌کند. درنهایت، زوج پاسخگویی - یکپارچگی نیز یکدیگر را تقویت می‌کنند. رؤسا و کارکنان به خاطر ضرورت پاسخگویی، دلایل بیشتری برای حفظ یکپارچگی خود خواهد داشت.

از طرفی فرهنگ نیز به لحاظ ذاتی اجتماعی است و در مقابل دانش فردی قرار می‌گیرد؛ یعنی پدیده‌ای نظام‌مند که در ذهن اعضای اجتماع بازنمایانده می‌شود و در مقابل «بازنمودهای فردی» قرار دارد که فهم و دانشی منحصر به فرد است و در واقع هستی رفتاری و ذهنی فرد را ساختار می‌دهند (ناصرالدین غراب ۱۳۹۰). انسان‌شناسی شناختی

برای صحبت درباره بازنمودهای ذهنی از مدل فرهنگی استفاده می‌کند (وحید و حبیبی، ۱۳۹۵). فرهنگ تنها به معنای چیزی نیست که میان افراد یک جامعه فرهنگی مشترک است بلکه فرهنگ در پیش فرض اعضای این جامعه قرار دارد. از طرفی چون که فرهنگ توزیعی است لذا همه مؤلفه‌های یک نظام فرهنگی میان همه افراد یک گروه فرهنگی به‌طور مساوی تقسیم نشده است بلکه نوعی تقسیم کار هوشمندانه اتفاق افتاده است. به عبارتی هر فرد دارای دانش فردی خاصی است که او را قادر می‌کند تا مشارکتی فردی در اقدامات جمعی یک جامعه فرهنگی داشته باشد (Ganz et al., 2023). ولی این دانش فردی (شامل ساختارهای مفهومی بنیادینی است) که افراد گروه را قادر می‌سازد علی‌رغم تفاوت‌های هر چند جزئی در تلقی خود از یک مدل فرهنگی در یک کار جمعی شرکت کنند و به‌سوی هدف جمعی مورد منظور پیش روند؛ بنابراین چهار رکن حکمرانی خوب در جوامع مختلف دارای مفاهیم متفاوتی می‌باشند و افراد گروه با توجه به تصویر ذهنی خود راجع به مفاهیم کنش دارند لذا به‌منظور طراحی حکمرانی خوب باید نقش فرهنگی را نیز در نظر گرفت (Nations, 2000).

شایسته آن است که نقش دولت در حکمرانی خوب مستلزم توجه به ارزش‌های عمومی (برابری و پاسخگویی) باشد، اما در کشور ایران، نگرش محدود تئوری‌های سنتی و همچنین تأکید بیش‌ازحد بر بازارگرایی و معیارهای اقتصادی و کارایی در تئوری‌های اخیر مدیریت دولتی، چالش‌هایی را برای اندیشمندان و کارگزاران دولتی ایجاد نموده که تا حد زیادی مفهوم فرهنگ و ارزش‌ها و باورهای فرهنگی را در اجرای حکمرانی خوب نادیده گرفته‌اند. همچنین عدم تعامل بین حکومت، بخش خصوصی و مردم که لازمه اجرای صحیح و شایسته حکمرانی خوب است، معضلی است که می‌تواند به نادیده گرفته شدن فرهنگ و اتصال آن به حکمرانی خوب کمک نماید (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۵).

همچنین بر مبنای اسناد بالادستی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تحدید وظایف و اختیارات کارگزاران و برابرشمردن آن‌ها با آحاد ملت و همچنین پیش‌بینی نظارت‌های متعدد بر دولتمردان، اصل حاکمیت قانون را به رسمیت شمرده است، (مصطفی‌اعلایی اردکانی، ۱۳۹۰).

تساوی و برابری افراد در برابر قانون یکی از ابزارهای حاکمیت قانون می‌باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این اصل تأکید اساسی شده است. بند ۶ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف اصلی دولت را محو هرگونه اشکال استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی می‌داند. همچنین در اصل ۱۰۷

قانون اساسی با تأکید کردن بر برابری بالاترین مقام سیاسی و اجرایی کشور با دیگران در برابر قانون، اصل حاکمیت قانون را به صراحت بیان شده است. اصول مختلفی که در قانون اساسی، مبین وظایف و اختیارات مسئولین نظام است را نیز می‌توان از جمله اصول مربوط به حاکمیت قانون دانست. محدوده، ۱۲۵، ۱۱۳، ۷۲، ۷۱، ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۵۶، ۱۴۰، ۱۳۸، ۱۳۳، ۱۲۸ و از جمله مبانی حاکمیت قانون، شناخت مسئولیت زمامداران در صورت تخطی از قوانین می‌باشد که در اصول متعددی به آن اشاره شده است. این مهم در نظام اداری ایران به خوبی مشهود می‌باشد که به درستی و مبتنی بر درک مفاهیم اصلی حکمرانی خوب در حال اجرا نیست و مصادیق عدم اجرای آن با توجه به نارضایتی ارباب رجوع و تنوع فرهنگی موجود و وجود خرده فرهنگ‌های آمیخته بر عرف و عادت به خوبی دیده می‌شود و حتی در برخی از سازمان‌ها به دلیل ماهیت خدمات بیشتر برجسته به نظر می‌رسد، زیرا وجود تعارضات سازمانی بین تیم اداری و عدم وجود وحدت رویه بر روی کلیه کارکردها تأثیر گذارده است که در بخش حکمرانی خوب نیز به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و بارور شدن خرده فرهنگ‌های رایج به این مسئله دامن زده شده است (سمیه شیخ الاسلامی، ۱۳۹۷).

اما به نظر نمی‌رسد که نظام اداری ایران در چارچوب قواعد و مقررات رسمی بدون پشتوانه فرهنگ جامعه و بدون ایجاد فرهنگ‌سازی مناسب بتواند ارکان حکمرانی خوب را در خود اجرایی کنند و به نظر می‌رسد با طراحی یک مدل فرهنگی بتوان ضمن شناخت نقش فرهنگ، نسبت به تعیین اولویت‌های آن تحلیل‌های لازم را ارائه داد. با این تعریف از مدل فرهنگی باید دید که

عوامل علی مؤثر بر الگوی فرهنگی حکمرانی خوب در دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت کدامند؟

حکمرانی خوب در قالب مدل فرهنگی جامعه مورد مطالعه چه معنایی دارد؟ شاخص‌هایش کدامند؟

عوامل بسترساز در اجرای الگوی فرهنگی حکمرانی خوب در دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت کدامند؟

عوامل مداخله‌گر در اجرای الگوی فرهنگی حکمرانی خوب در دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت کدامند؟

راهبردهای اجرایی مؤثر بر الگوی فرهنگی حکمرانی خوب در دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت کدامند؟

پیامدهای الگوی فرهنگی حکمرانی خوب در دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت کدام‌اند؟ با توجه به خلأهای نظری و فکری موجود در خصوص مدل‌های فرهنگی، هدف از اجرای این پژوهش طراحی الگوی فرهنگی حکمرانی خوب است.

## ادبیات پژوهش

بسیاری از نویسندگان درصدد بیان مفهومی مختصر از فرهنگ بوده‌اند. برای مثال طبق بیان گوپتا، فرهنگ می‌تواند تحت عنوان روشی برای زندگی، انباشت اعتقادات، یادگیری رفتارها، تسهیم برنامه‌های ذهنی، بیان ایدئولوژی‌ها و نمادهای درون اجتماعی که برای مردم آن جامعه معنادار است و به‌وسیله آن‌ها استفاده می‌شود تعریف شود. از سویی دیگر به نظر رابینز فرهنگ می‌تواند به‌عنوان یک سری از ارزش‌هایی که می‌تواند در پیش ذهنیت‌های اجتماعی، گرایش‌ها، ترجیحات و پاسخ‌ها نفوذ کند، تعریف شود. درمجموع در این‌باره انبوهی از تعاریف و تفاسیر دیگر موجود است (Stephen P. Robbins, 2019).

در چارچوب بازاریابی، ارزش‌های فرهنگی مصرف‌کنندگان بر انتظارات آن‌ها و ادراکاتشان از محصول و یا خدمات، تأثیر می‌گذارد و بنابراین انتخاب خرید آن‌ها و رفتار خرید آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ بنابراین سازمان‌ها نیاز دارند تا به شیوه تأثیر فرهنگ بر شیوه ارائه خدمات به مشتری توجه کنند. درحقیقت تحقیقات و مطالعات بسیاری وجود دارد که تأثیرگذاری فرهنگ بر تبلیغات، وبسایت شرکت، پذیرش محصول جدید، ادراکات خرده‌فروشان از فروش شخصی محصولات، انتظارات بازیافت خدمات، رفتار مصرف‌کنندگان و شکایات آن‌ها، ارزیابی کیفیت خدمات را تصدیق می‌کنند. در اقدام به مشخص کردن و توضیح تفاوت‌های سیستماتیک میان فرهنگ‌ها در جوامع مختلف، مشخص کردن سطوح فرهنگی و چارچوب فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد (Betancourt *et al.*, 2003).

یکی از ابتدایی‌ترین چارچوب‌ها به‌وسیله هال بیان شده است که تفاوت فرهنگی را در غالب سه بعد زمان، فضا، محتوای ارتباطی و دوستی بحث می‌کند. اخیراً ترومپنارس و هامپدن تونر (۱۹۸۶)، سه بعد را برای فرهنگ پیشنهاد می‌کنند، ارتباط با طبیعت، مردم و زمان. باین‌وجود چارچوب هافستد تنها موردی است که به‌وسیله اقدامات تجربی کار شده است ضمن اینکه حافظ ارزشهای کاری کارکنان، فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد (Rodolaki, Barakos and Hitch, 2023).

## ویژگی‌های فرهنگ

با توجه به تعاریف فرهنگ، نظریه‌های مطرح در جامعه‌شناسی پیرامون فرهنگ، سطح‌بندی‌های مطرح شده در رابطه با لایه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ و بالاخره عوامل و متغیرهای تشکیل‌دهنده نظام فرهنگی جوامع، می‌توان خصوصیات کلی زیر را به‌عنوان ویژگی‌های فرهنگ مطرح نمود:

فرهنگ، امری اکتسابی است که به‌هیچ‌عنوان از نظر بیولوژیکی به ارث برده نمی‌شود.

اجزای فرهنگ با یکدیگر ارتباط ارگانیکی دارند.

هسته اولیه فرهنگ نیازهای ابتدایی برای زندگی بوده و هرگاه گروهی به شکل همگن در محیطی مشترک با استفاده از امکانات محیط به این نیاز پاسخ گویند، جامعه فرهنگی خاص به خود می‌گیرد.

فرهنگ عینیتی مستقل از وجود انسان دارد.

فرهنگ و محصولات آن بر فرد انسانی نظارت دارد و نحوه زندگی او را تعیین

می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۹)

## حکمرانی خوب

لیون (۲۰۰۰)، حکمرانی خوب را، مدیریت اثربخش منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور می‌داند، به گونه‌ای که چنین مدیریتی شفاف، پاسخگو، عدالت‌جو و باز باشد. از نظر داروین (۱۹۹۰)، حکمرانی خوب در حقیقت پارادایم جدید در اعمال حاکمیت محسوب می‌شود که سعی دارد با تجمیع ویژگی‌های خاص، حاکمیت ایدئال را توصیف کند. ظهور حکمرانی خوب را می‌توان، مجموعه جدیدی از ایدئولوژی حاکمیتی در اداره امور عمومی به حساب آورد که سبب شکل‌گیری ایده‌ها و باورهای کلیدی در مدیریت کلان جامعه شده است. بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری. به عبارت دیگر هر اندازه حاکمیت قانون بیشتر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور بهتر است.

## روش اجرای پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

پژوهش حاضر از نوع کیفی- کمی است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی، استراتژیست‌ها و مدیران دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت (دیوان محاسبات کشور، وزارت دارایی، سازمان بازرسی کل کشور) بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، از تکنیک داده بنیاد استفاده شده است. این راهبرد روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطحی گسترده به تبیین فرآیند، کنش یا کنش متقابل موضوعی با هویت شخصی می‌پردازد. از آنجا که فرآیند رخداد تدوین الگوی رهبری اصیل مطلوب این پژوهش است، راهبرد نظریه داده بنیاد با این مطلوب سازگاری دارد. ما در این پژوهش از طرح نظام‌مند راهبرد مزبور استفاده کرده‌ایم که خرد مایه‌گزینش آن روشمندی در بهره‌گیری از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان و نیز اختتام آن به مجموعه‌ای از قضایاست.

روش داده بنیاد به دو شیوه: الف) گلیزر<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) یا کلاسیک، ب) روش گلیزر و اشتراوس<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) انجام می‌شود. در روش دوم، دو بخش کدگذاری محوری و پارادایم کدگذاری به روش اول افزوده شده است. اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) و لی<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) معتقدند حضور این دو مرحله می‌تواند دانش فزاینده‌ای درباره روابط ارائه نماید. لذا این پژوهش از روش دوم استفاده می‌نماید. در این پژوهش به کمک روش گلوله برفی (ارجاع زنجیره‌ای) افراد خبره انتخاب می‌شوند.

مهم‌ترین شرط ورود به تئوری داده بنیاد، نداشتن پیش‌فرض از گذشته است. همچنان‌که گلیزر (۱۹۹۸) معتقد است شروع کار در این حوزه هیچ‌وقت با مسئله از پیش تعیین‌شده و تفکرات گذشته آغاز نمی‌شود. در حقیقت دو قانون مهم در تئوری داده بنیاد مطرح هست: الف) مرور نکردن ادبیات حوزه موردنظر در زمان انجام پژوهش؛ ب) مرور ادبیات موردنظر در زمان مرتب کردن و نگارش نظریه و در زمان اتمام پژوهش گلیزر. گفت‌وگو و مصاحبه‌های ساختار نیافته از ابزارهای شروع بکار این رویکرد به شمار می‌رود. داده‌های مورد استفاده در این روش، بسیار وابسته به مشاهدات پژوهشگر است.

در این مطالعه از ۱۲ نفر افراد خبره، تعداد ۷ نفر به‌مرور برای مصاحبه انتخاب

1. Glaser

2. Glaser & Strauss

3. Lee

شدند. از مصاحبه هشتم به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده گردید، اما برای اطمینان تا مصاحبه ۱۰ ادامه یافت. در ابتدای مصاحبه، ضمن توضیح در خصوص موضوع پژوهش و بعد رفتاری مورد تأکید در پژوهش، مصاحبه آغاز شد و سپس در صورت موافقت مشارکت کننده، ضبط صدا انجام گرفت و در غیر این صورت تنها با یادداشت برداری به گردآوری داده‌ها اقدام گردید. مصاحبه با طرح سؤال «نظر و عقیده شما در خصوص اهداف ...» آغاز شد (مصاحبه باز) و باقی پرسش‌ها بر اساس پاسخ‌های مصاحبه‌شونده، طرح گردید. مدت زمان هر مصاحبه از ۲۵ دقیقه تا ۱۰۰ دقیقه به طول انجامید. همچنین جهت مدیریت داده‌های کیفی از نرم‌افزار آماری MAXqda استفاده شد.

### روایی و پایایی ابزار گردآوری داده‌های پژوهش

تعیین تعمیم‌پذیری، اعتبار و پایایی یافته‌های مصاحبه، مرحله ششم فرایند مصاحبه را تشکیل می‌دهد. اعتبار به همسانی نتایج حاصل از مصاحبه و پایایی، به توانش مصاحبه در سنجش اهداف مورد نظر اطلاق می‌گردد. در علوم انسانی مدرن به سه مفهوم تعمیم‌پذیری، روایی و پایایی، اصطلاح تثلیث اطلاق می‌گردد.

### پایایی (قابلیت اعتماد) مصاحبه

در پژوهش کنونی از پایایی باز آزمون برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شد. برای پایایی باز آزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، چند مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب شده و هرکدام از آن‌ها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص، دو بار کدگذاری شدند. سپس کدهای مشخص شده، در دو فاصله زمانی برای هرکدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه شدند. روش باز آزمایی برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار رفت. در هرکدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی باهم مشابه هستند با عنوان توافق، و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق، مشخص شدند. روش محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام گرفته توسط محقق در دو فاصله زمانی بدین ترتیب است:

تعداد توافقات

درصد پایایی = ۱۰۰\*

تعداد کل کدها

در پژوهش کنونی برای محاسبه پایایی باز آزمون از بین مصاحبه‌های انجام گرفته،

تعداد ۳ مصاحبه انتخاب شده و هرکدام دو بار در یک فاصله زمانی ده روزه کدگذاری شده‌اند. نتایج حاصل از این کدگذاری‌ها در جدول شماره ۲ آمده است. ذکر این نکته ضروری است که تعداد توافقات به صورت کدهای جفتی است. به عنوان مثال در جدول ذیل تعداد توافقات مصاحبه B2، ۲۵ جفت و یا به عبارت دیگر ۵۰ کد است.

جدول ۲. محاسبه پایایی بازآزمون

ردیف	شماره مصاحبه شونده	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی باز آزمون (درصد)
۱	M	۶۲	۲۵	۱۲	۸۰
۲	B	۴۴	۱۸	۸	۸۱
۳	C	۴۲	۱۶	۵	۷۶
	کل	۱۴۸	۵۹	۲۵	۷۹

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق جدول شماره ۲، یافته‌های مربوط به پایایی باز آزمون نشان می‌دهد نتیجه با استفاده از فرمول ذکر شده، برابر ۷۹ درصد است و از آنجایی که پایایی بالای ۶۰ درصد قابل قبول است، می‌توان نتیجه گرفت که کدگذاری‌های انجام گرفته از پایایی مناسبی، برخوردار است.

ضرایب آلفای کرونباخ: مقدار این ضریب نیز بین صفر تا ۱ متغیر است؛ مقادیر بالاتر از ۰/۷ پذیرفته شده و مقادیر کمتر از ۰/۶۰ نامطلوب ارزیابی می‌شود. لازم به ذکر است در مورد متغیرهایی که تعداد سؤالات آن‌ها اندک باشد، مقدار ۰/۶ به عنوان سرحد ضریب آلفای کرونباخ معرفی شده است.

جدول ۳. آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

عنوان	ضرایب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی
هدف گذاری عمیق به لحاظ عملی بودن	۰/۷۳۳	۰/۸۰۹
نظام ارزیابی عملکرد	۰/۷۱۲	۰/۷۶۶
هماهنگی بین مجریان و خط مشی گذاران	۰/۷۴۳	۰/۸۸۲
ارزشمند دیدن جامعه	۰/۷۱۹	۰/۷۹۱
همسویی با فرهنگ بومی	۰/۷۴۸	۰/۷۷۷
عوامل ارزشی و ایدئولوژیک	۰/۷۲۴	۰/۷۹۰

1. Cronbach's alpha

عنوان	ضرایب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی
لوٹ انگاری مسئله توجه به جامعه	۰/۷۳۹	۰/۷۸۱
کنش های شعارگونه مدیران اجرایی	۰/۷۶۷	۰/۸۰۳
هماهنگی واحدها	۰/۷۱۷	۰/۷۹۴
هماهنگی ستاد مرکزی	۰/۷۳۹	۰/۸۰۲
جهت گیری همسوی نهادی	۰/۷۵۷	۰/۸۲۲
فرهنگ سازی و آموزش	۰/۷۷۸	۰/۸۱۹
افزایش آگاهی عمومی	۰/۷۵۰	۰/۸۲۵
ائتلاف اجرایی	۰/۷۶۴	۰/۸۳۱
اجتماعی سازی قوانین	۰/۸۱۱	۰/۷۹۴
ترویج مسؤولیت اجتماعی	۰/۷۹۲	۰/۸۵۳
همبستگی با محیط	۰/۷۲۰	۰/۸۱۷
بازنگری و اصلاح ضعف های قانونی	۰/۷۶۸	۰/۸۲۵
پیگردهای قانونی مؤثر	۰/۷۴۵	۰/۷۸۵
سازگاری خط مشی ها با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی	۰/۷۵۳	۰/۷۹۴
شناخت نگرش ها و تمایلات و میزان پذیرش مجریان	۰/۷۰۶	۰/۷۷۲
نهادینه شدن مسؤولیت های اجتماعی	۰/۷۰۴	۰/۷۹۳
تغییر نگرش و رفتار جامعه	۰/۷۰۹	۰/۷۸۸
رویکردهای پاسخگو محوری	۰/۷۱۲	۰/۷۹۰
اعتقاد و الزام به جامعه	۰/۸۰۵	۰/۸۳۳

منبع: یافته های پژوهش

نتایج حاصل از جدول شماره ۳ نشان می دهد که ضریب پایایی ترکیبی و ضرایب آلفای کرونباخ تمامی متغیرهای پژوهش، حاکی از تأیید پایایی مناسب مدل است.

### روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از مصاحبه ها، از تکنیک داده بنیاد استفاده شده است. این راهبرد روشی نظام مند و کیفی برای خلق نظریه ای است که در سطحی گسترده به تبیین فرآیند، کنش یا کنش متقابل موضوعی با هویت شخصی می پردازد. از آنجا که فرایند رخداد تدوین حکمرانی فرهنگی خوب این پژوهش

است، راهبرد نظریه داده بنیاد با این مطلوب سازگاری دارد. ما در این پژوهش از طرح نظام‌مند راهبرد مزبور استفاده کرده‌ایم که خردمایه‌گزینش آن، روش‌مندی در بهره‌گیری از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان و نیز اختتام آن به مجموعه‌ای از قضایاست.

روش داده بنیاد به دو شیوه: الف) گلایزرا<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) یا کلاسیک، ب) روش گلایزر و اشتراوس<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) انجام می‌شود. در روش دوم، دو بخش کدگذاری محوری و پارادایم کدگذاری به روش اول افزوده شده است. اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) و لی<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) معتقدند حضور این دو مرحله می‌تواند دانش فزاینده‌ای درباره روابط ارائه نماید. لذا این پژوهش از روش دوم استفاده می‌نماید. در این پژوهش به کمک روش گلوله برفی (ارجاع زنجیره‌ای) افراد خبره انتخاب می‌شوند.

گفت‌وگو و مصاحبه‌های ساختار نیافته از ابزارهای شروع به کار این رویکرد به شمار می‌رود. داده‌های مورد استفاده در این روش، بسیار وابسته به مشاهدات پژوهش‌گر است. بر این اساس، داده‌ها از طریق مصاحبه چهره به چهره با افراد خبره که شرایط جامعه آماری را داشته باشند، شروع می‌شود. نمونه‌گیری روش داده بنیاد نظری است؛ بنابراین تحلیل‌گر تا رسیدن به کفایت داده‌ها همچنان به مصاحبه با افراد می‌پردازد و زمانی به مصاحبه خاتمه می‌دهد که استدلال نماید مصاحبه‌های بیشتر منجر به افزایش دانش او نمی‌شوند.

مصاحبه‌ها ماهیتی اکتشافی دارند و با مسئله پژوهش مطرح می‌شوند. به منظور غنای پژوهش، تلاش می‌گردد مصاحبه با افرادی که شخصاً موضوع پژوهش را تجربه نموده‌اند، سر لوحه کار قرار گیرد. پس از خاتمه اولین گفت‌وگو، فرایند کدگذاری آغاز می‌شود. در روش تئوری داده بنیاد از سه تکنیک الف) کدگذاری باز، ب) کدگذاری محوری، ج) کدگذاری انتخابی رونمایی می‌شود. در مرحله کدگذاری باز، مطالب خوانده می‌شود و کلمات، جمله‌ها و حتی خط یا پاراگرافی از متن مصاحبه، قابلیت شناسایی به‌عنوان کد را دارد. کدهای موردنظر برحسب اهمیت خود می‌تواند به اصلی یا فرعی دسته‌بندی شوند و تشکیل یک مقوله دهند؛ پس از دسته‌بندی و کدگذاری باز به کدگذاری محوری وارد می‌شویم. در مرحله کدگذاری محوری، نظریه‌پرداز یک مقوله از کدگذاری باز را انتخاب می‌نماید و آن را در مرکز فرایند در حال بررسی، قرار می‌دهد و سپس به ارتباطدهی آن با سایر مفاهیم می‌پردازد. در این ارتباطدهی، با مقوله‌هایی مواجه می‌شویم که ویژگی‌های

خاصی دارند: از جمله مقوله علمی، مقوله اصلی (محوری)، مقوله مداخله گر، راهبردها و پیامدها. در مرحله پایانی، کدگذاری انتخابی اتفاق می افتد که پژوهشگر به طور روش مند به ارتباط بین مقوله‌ها و نگارش نظریه می پردازد (کایر ۱۳۸۶). همچنین نرم افزار مورد استفاده در پژوهش حاضر، MAXQDA11 بود.

### رویه کدگذاری عملیاتی

در این قسمت فرآیند کدگذاری و استخراج مدل از داده‌های حاصل از مصاحبه تشریح می شود. با توجه به نوع تحقیق، تحلیل داده‌ها با استفاده از نظریه داده بنیاد صورت می گیرد. در جداولی که در پی ارائه می شود، نحوه دستیابی به مقوله‌های تحقیق از طریق کدگذاری باز، کدگذاری ثانویه و طبقه فرعی، طبقه محوری مشخص شد. به همین منظور در ابتدا نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها و نحوه کدگذاری آن‌ها ارائه گردید. به دلیل مشخص بودن مسیر حرکت پژوهشگر از متن مصاحبه به طبقات بالاتر، در روش نظریه پردازی داده بنیاد، ابتدا نکات کلیدی مصاحبه با نفر اول و متن مصاحبه‌ای که کد اولیه از آن انتزاع شده است، در قالب جدول نمایش داده می شود و سپس تحلیل آن در قالب جداول بعدی خواهد آمد.

شکل گیری مفاهیم پژوهش در مصاحبه نخست (کدگذاری باز)

به منظور دسته بندی و کدگذاری، پس از تهیه مستندات حاصل شده از طریق مصاحبه، با استفاده از نرم افزار MAXQDA کار دسته بندی و کدگذاری باز آغاز شد. قابل ذکر است مصاحبه اول در قالب ۹۶ کد اولیه سازمان دهی شد:

جدول ۴. نکات کلیدی حاصله از کدگذاری باز توسط نرم افزار MAXQDA

ردیف	شاخص	منبع
۱	هدف گذاری عمیق به لحاظ عملی بودن نظام ارزیابی عملکرد هماهنگی بین مجریان و خط مشی گذاران	F7-T2- C8- S1- b2- s3- G5- C8 B1 E5-k3 S8
۲	ارزشمند دیدن جامعه همسویی با فرهنگ بومی عوامل ارزشی و ایدئولوژیک	K6-G6-G8-J1 G7 C7 A13

ردیف	شاخص	منبع
۳	لوژ انگاری مسئله توجه به جامعه کنش های شعارگونه مدیران اجرایی	A9-A6- B1 -F3 C3- H2- D7 - I1 - J3
۴	هماهنگی واحدها هماهنگی ستاد مرکزی جهت گیری همسوی نهادی	Q6- T11-S12-C13-H4- A9-A10- K7-L3- c17
۵	فرهنگ سازی و آموزش افزایش آگاهی عمومی	E9-O1-P5-E10-K4- k8- p4-p5- q3- q4- N8
۶	ائتلاف اجرایی اجتماعی سازی قوانین	H5-B5 - F6-F5 - M1- E8- J3 I10- - I7
۷	ترویج مسؤولیت اجتماعی همبستگی با محیط	A3- B5-J7 D3- C7- G1-J5-H4-F4- J1
۸	بازنگری و اصلاح ضعف های قانونی پیگردهای قانونی مؤثر	A2-B2-C1-D1 - F2- E5- J4- G1- H5
۹	سازگاری خط مشی ها با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی شناخت نگرش ها و تمایلات و میزان پذیرش مجریان	A5-B4-E1-D4- C1-D9
۱۰	نهادینه شدن مسؤولیت های اجتماعی تغییر نگرش و رفتار جامعه	K5-N7- N2-Q7-C12- C18-C20- T4- S15- C19- J10- P2
۱۱	رویکردهای پاسخگو محوری اعتقاد و الزام به جامعه	T3-S13-F10-M8-E6-C5- O5- R12-P6- N6

منبع: یافته های پژوهش

### شکل گیری مفاهیم پژوهش در مرحله دوم (کدگذاری محوری)

با بررسی و تحلیل مصاحبه اول، ۹۶ نکته کلیدی استخراج شد. با بررسی و تحلیل ۹۶ نکته کلیدی از مصاحبه اول و دوم، در مرحله بعدی توسط نرم افزار کیفی MAXQDA اقدام به کدگذاری محوری شد که بر اساس تشخیص میزان مشابهت و قرابت معنایی و با مشورت از استادان، ۶ بُعد و ۱۱ شاخص دریافت شد. طبقات استخراج شده از این نکات کلیدی در جدول شماره ۵، نشان داده شده است:

## جدول ۵. شکل گیری طبقات پژوهش بر اساس کدگذاری محوری توسط نرم افزار MAXQDA

طبقات فرعی پژوهش	مفاهیم پژوهش
تدوین فکورانه	هدف گذاری عمیق به لحاظ عملی بودن نظام ارزیابی عملکرد هماهنگی بین مجریان و خط مشی گذاران
اولویت مسائل اجتماعی و همسویی ارزشی	ارزشمند دیدن جامعه همسویی با فرهنگ بومی عوامل ارزشی و ایدئولوژیک
سیاست های نمادین	لوث انگاری مسئله توجه به جامعه کنش های شعارگونه مدیران اجرایی
هماهنگی و هم راستایی نهادی	هماهنگی واحدها هماهنگی ستاد مرکزی جهت گیری همسوی نهادی
توسعه دانش اجتماعی	فرهنگ سازی و آموزش افزایش آگاهی عمومی
حمایت عمومی و مشارکت همگانی	ائتلاف اجرایی اجتماعی سازی قوانین
مدیریت اجتماعی	ترویج مسؤلیت اجتماعی همبستگی با محیط
الزامات قانونی	بازنگری و اصلاح ضعف های قانونی پیگردهای قانونی مؤثر
شناخت پیشینه فرهنگی	سازگاری خط مشی ها با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی شناخت نگرش ها و تمایلات و میزان پذیرش مجریان
اعتلای فرهنگ اجتماع محوری	نهادینه شدن مسؤلیت های اجتماعی تغییر نگرش و رفتار جامعه
ارزش مداری جامعه	رویکردهای پاسخگو محوری اعتقاد و الزام به جامعه

منبع: یافته های پژوهش

شکل گیری مفاهیم پژوهش در مرحله دوم (کدگذاری گزینشی) نتایج کدهای مصاحبه نخست، در ۱۱ طبقه اصلی تجمیع و مفهوم سازی شده اند. سایر مصاحبه های انجام شده به ترتیبی که ذکر شد پیاده سازی و سپس تحلیل گردید و در قالب جدول شماره (۶) ارائه شد.

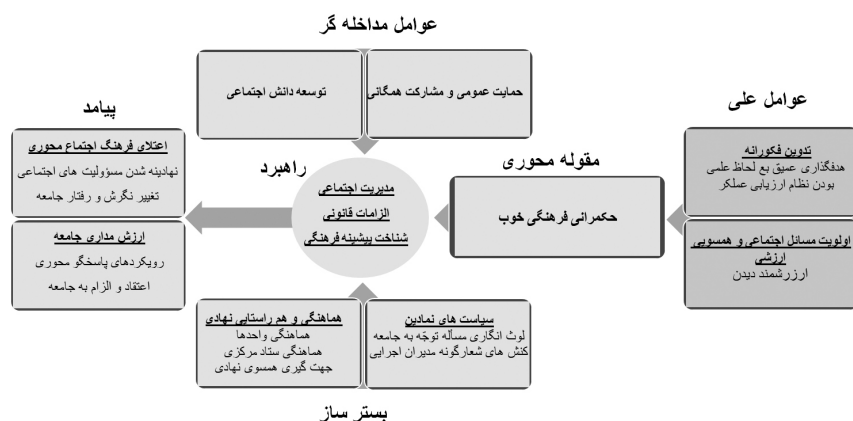
جدول ۶. شکل‌گیری طبقات پژوهش بر اساس مفاهیم رویکرد داده بنیاد

طبقه اصلی	طبقه فرعی	مفهوم
عوامل علی	تدوین فکورانه	هدف‌گذاری عمیق به لحاظ عملی بودن نظام ارزیابی عملکرد هماهنگی بین مجریان و خط‌مشی‌گذاران
	اولویت مسائل اجتماعی و همسویی ارزشی	ارزشمند دیدن جامعه همسویی با فرهنگ بومی عوامل ارزشی و ایدئولوژیک
بستر ساز	سیاست‌های نمادین	لوث‌انگاری مسئله توجه به جامعه کنش‌های شعارگونه مدیران اجرایی
	هماهنگی و هم‌راستایی نهادی	هماهنگی واحدها هماهنگی ستاد مرکزی جهت‌گیری همسوی نهادی
مداخله‌گر	توسعه دانش اجتماعی	فرهنگ‌سازی و آموزش افزایش آگاهی عمومی
	حمایت عمومی و مشارکت همگانی	ائتلاف اجرایی اجتماعی سازی قوانین
راهبردها	مدیریت اجتماعی	ترویج مسؤلیت اجتماعی همبستگی با محیط
	الزامات قانونی	بازنگری و اصلاح ضعف‌های قانونی پیگردهای قانونی مؤثر
	شناخت پیشینه فرهنگی	سازگاری خط‌مشی‌ها با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی شناخت نگرش‌ها و تمایلات و میزان پذیرش مجریان
بناها	اعتلای فرهنگ اجتماع محوری	نهادینه شدن مسؤلیت‌های اجتماعی تغییر نگرش و رفتار جامعه
	ارزش‌مداری جامعه	رویکردهای پاسخگو محوری اعتقاد و الزام به جامعه

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از تحلیل مفاهیم کل مصاحبه‌ها، این مفاهیم در قالب شش مقوله (مفاهیم انتزاعی‌تر) دسته‌بندی شد. این مقوله‌ها شامل:  
در این پژوهش با بررسی یافته‌ها مشخص شد که مقوله‌های فرعی از مطالعه هفتم به بعد تغییری جزئی داشته‌اند؛ ضمن اینکه پس از مطالعه دهم، مقوله فرعی تغییری

نیافت و با ادامه مصاحبه‌ها، مقوله‌های اصلی، به‌خوبی به غنای لازم رسید. با توجه به غنی شدن مقوله‌های فرعی و اشباع مقوله‌های اصلی، می‌توان گفت که چارچوب مفهومی پژوهش به کفایت نظری رسیده است؛ بنابراین می‌توان الگوی فرهنگی حکمرانی خوب برآمده از داده‌ها را ارائه کرد:



شکل ۱. طراحی الگوی اولیه پژوهش

## سنجش روایی و تأیید خبرگان با تکنیک دلفی

در این پژوهش از روش پیشرفته دلفی استفاده شد. برخلاف روش سنتی دلفی که هدف اجماع است، در روش پیشرفته، هدف تجزیه و تحلیل کامل با استفاده از یک گروه بزرگ متشکل از خبرگان است. در پژوهش حاضر تعداد ۱۶ نفر از خبرگان تجربی و فلسفی که در بخش کیفی نیز با آن‌ها نظرسنجی به عمل آمده بود، تکنیک دلفی اجرایی شد. سنجش دلفی در ابعاد و متغیرهای این تحقیق با استفاده از پرسشنامه برای هر متغیر در مقیاس لیکرت OIL و طیف ۹ درجه‌ای در یک گروه ۱۶ نفره از خبرگان انجام پذیرفت که طی ۲ مرحله اجرا شد. سپس تحلیل و درنهایت، پرسشنامه اصلی پژوهش استخراج گردید.

۱. فراوانی پاسخ به هر گزینه در هر شاخص مشخص می‌شود.
۲. مجموع فراوانی هر گزینه در وزن آن ضرب می‌شود.
۳. مجموع حاصل ضرب‌ها با هم جمع می‌شود.
۴. عدد به‌دست‌آمده بر تعداد افراد پاسخ‌دهنده تقسیم و میانگین وزنی که حاصل

می‌شود، امتیاز آن شاخص محسوب می‌گردد.

جدول شماره (۷) نحوه محاسبه میانگین وزنی شاخص (سنجه) پرسشنامه دلفی را که برای اندازه‌گیری متغیر «شناخت پیشینه فرهنگی» است، به صورت نمونه نشان می‌دهد.

جدول ۷. نحوه محاسبه میانگین وزنی شاخص

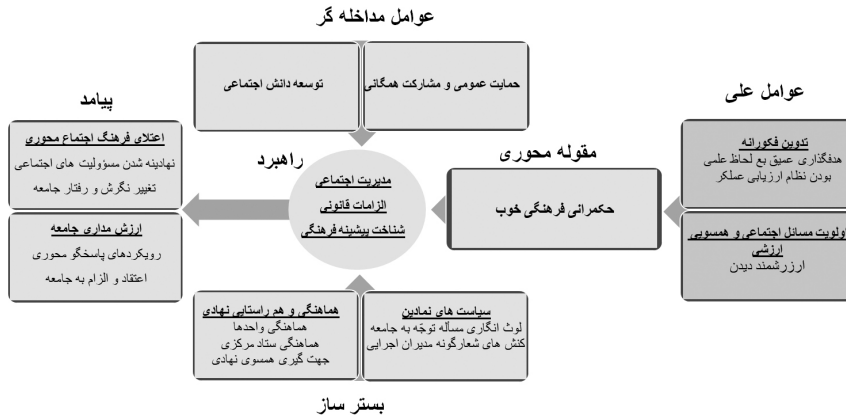
میانگین وزنی شاخص	وزن کلی شاخص	فراوانی گزینه‌ها									تعداد افراد پاسخ دهنده	شاخص (عوامل علی)
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹		
۶/۷۵	۳۲+۲۸+۴۸	۰	۰	۰	۰	۰	۸	۴	۴	۰	۱۶	شناخت پیشینه فرهنگی

منبع: یافته‌های پژوهش

فرایند مذکور برای تمامی ۹۶ شاخص (سنجه) پرسشنامه مرحله اول به انجام رسید و امتیاز مربوط به هر شاخص مشخص شد. پس از محاسبه امتیاز هر شاخص باید میزان مطلوب بودن آن مشخص شود. تعیین میزان مطلوب بودن به محقق امکان انتخاب شاخص‌هایی با قدرت اندازه‌گیری بالاتری می‌دهد. برای افزایش توان اندازه‌گیری پرسشنامه فقط شاخص‌هایی که مطلوب بودن آن‌ها بین ۶-۹ طیف (یعنی در محدوده مطلوب) قرار گرفت، انتخاب شدند و به پرسشنامه دلفی مرحله دوم راه یافتند. به این ترتیب، از ۹۶ شاخص مورد بررسی، تعداد ۸۲ شاخص در محدوده مطلوب طیف قرار گرفتند و تعداد ۵ شاخص دیگر حسب نظر خبرگان اضافه شد. به این ترتیب پرسشنامه دلفی مرحله دوم با ۸۷ شاخص (که البته در هیچ مؤلفه‌ای کمتر از ۲ شاخص نبود) در همان نمونه آماری و به همان تعداد، اجرا شد و مجدداً فرایند محاسباتی مذکور برای تمامی شاخص‌های پرسشنامه دلفی مرحله دوم انجام پذیرفت که فقط ۱۰ شاخص حذف شدند و ۷۷ شاخص باقی ماند. به این دلیل که تعداد آن بسیار اندک بود از اجرای مرحله سوم صرفه نظر شد.

## الگوی نهایی پژوهش

در این بخش الگوی نهایی پژوهش پس از تجزیه و تحلیل روش دلفی به همراه ابعاد و شاخص‌ها، ارائه داده شده است:



شکل ۲. الگوی نهایی پژوهش

## بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده و مطالعه متون تخصصی مرتبط با ادبیات حکمرانی فرهنگی خوب و نتایج حاصل از کدگذاری انتخابی، عوامل مرتبط به اجرای حکمرانی فرهنگی خوب عبارت‌اند از:

۱. عوامل علی (تدوین فکورانه و اولویت مسائل اجتماعی و همسویی ارزشی)؛
  ۲. مقوله محوری (اجرای خط‌مشی عمومی مبتنی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی)؛
  ۳. راهبرد (مدیریت اجتماعی و الزامات قانونی و شناخت پیشینه فرهنگی)؛
  ۴. عوامل مداخله‌گر (توسعه دانش اجتماعی و حمایت عمومی و مشارکت همگانی)؛
  ۵. عوامل بسترساز (سیاست‌های نمادین و هماهنگی و هم‌راستایی نهادی)؛
  ۶. پیامد (اعتلای فرهنگ اجتماع محوری و ارزش‌مداری جامعه).
- بعد عوامل علی مؤثر بر اجرای حکمرانی فرهنگی خوب شامل تدوین فکورانه و اولویت مسائل اجتماعی و همسویی ارزشی است. عموماً اجرای حکمرانی فرهنگی خوب وابستگی زیادی به تدوین خط‌مشی دارد و چنانچه خط‌مشی‌های تدوین‌شده

در بطن خود توجه به مسائل اجتماعی را مدنظر قرار دهند، قاعدتاً اجرای حکمرانی خوب راحت‌تر صورت خواهد گرفت؛ در حقیقت مجریان خط‌مشی‌های تدوین‌شده در قالب یک‌جهت مشخص و مسیر تعیین‌شده، حرکت خواهند نمود. همچنین اولویت‌بخشی به مسائل اجتماعی باید در منشور اخلاقی هر سازمانی نهادینه شده باشد، اما سازمان‌های ناظر بر عملکرد دولت نگاه گسترده‌تری به مسائل اجتماعی دارند که قاعدتاً با همسان‌سازی ارزشی در بطن این سازمان، معنا و مفهوم بهتری پیدا خواهد کرد. راهبردهای شناسایی شده در حوزه اجرای حکمرانی فرهنگی خوب، شامل: مدیریت اجتماعی، الزامات قانونی و همچنین شناخت پیشینه فرهنگی بود. به‌منظور اجرای شایسته خط‌مشی مبتنی بر مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، باید مدیریت این حوزه به افرادی محول‌گردد که سابقه و تخصص لازم را در حوزه تبیین و درک مفاهیم فرهنگی داشته باشند و با توجه به ادراکی که از مفهوم مسائل اجتماعی و عجز شدن آن با اهداف سازمانی دارند، حکمرانی خوب را اجرایی نمایند.

توسعه دانش اجتماعی و حمایت عمومی و مشارکت همگانی به‌عنوان عوامل مداخله‌گر در حوزه اجرای حکمرانی فرهنگی خوب شناسایی گردید. تا زمانی که دانش و آگاهی عمومی نسبت به مسائل اجتماعی در داخل سازمان و در سطح جامعه وجود نداشته باشد، نه عاملان اجرای خط‌مشی درک درستی از مفاهیم اجتماعی دارند و نه دریافت‌کنندگان خدمات، قادر به تشخیص اجتماعی بودن خدمت دریافتی خواهند بود.

سیاست‌های نمادین و هماهنگی و هم‌راستایی نهادی به‌عنوان عوامل بسترساز برای اجرایی شدن حکمرانی فرهنگی خوب، شناسایی شده‌اند. همواره نقش دولت در حمایت از طرح‌های اجتماعی، بسیار دارای اهمیت است و چنانچه حمایت‌های دولتی در قالب قوانین یا ارائه بودجه‌های تخصصی برای انجام طرح‌های ویژه برای سازمان‌ها وجود داشته باشد، بهتر و توانمندتر از اتکای به منابع خویش خواهند توانست به اهداف مدنظر دست پیدا کنند. همچنین هماهنگی و هم‌راستایی نهادی به معنای داشتن یک هدف واحد و یکپارچه که در تمامی سطوح یک سازمان در حال اجراست، معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

## منابع و مأخذ

اسماعیلی، سمیه، و شیخ الاسلامی، راضیه (۱۳۹۷). تبیین علیّی خلاقیت بر اساس ارزش‌های فرهنگی: نقش واسطه‌ای انگیزش و هیجان. روشها و مدل‌های روان‌شناختی، ۹(۳۲)، ۴۱-۶۲.

SID. <https://sid.ir/paper/227571/fa>

بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، آینده پویان.

برک‌پور، ناصر (۱۳۸۱). گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری، پایان‌نامه دکتری شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

حشمت‌زاده، محمدباقر، طالبی، محمدعلی و حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۶). بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران. جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸(۱): ۲۴-۱.

حیدری، فرشاد و رجیبی، زینب (۱۳۹۵). تدوین الگوی پارادایمی حکمرانی نظارتی کارا و اثربخش بر شبکه بانکی. مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، سال دوم، شماره ۳.

حق شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر هزاره، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر

رزمی، محمدجواد، صدیقی، سمیه، رضاییان، سمانه (۱۳۹۴). الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی سال: ۱۳۹۴ دوره: ۴ شماره: ۲

سردارنیا، خلیل‌اله، قدرتی، حسین و اسلام، علیرضا (۱۳۸۸). تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی: شهرهای مشهد و سبزوار. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۵(۱)، ۱۳۵-۱۶۵.

صالحی امیری، سیدرضا و چاوش باشی، فرزانه (۱۳۸۹). مجموعه مقالات مدیریت و برنامه‌ریزی شهری مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

صانعی، مهدی. (۱۳۸۵). حکمرانی خوب: مفهومی نو در مدیریت دولتی. تدبیر، ۷(۱۷۸)، ۰-۰.

SID. <https://sid.ir/paper/436468/fa>

غراب، ناصرالدین (۱۳۹۰). اصول و مبانی برنامه‌ریزی فرهنگی. چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، پژوهشگاه مدیریت شهری و روستایی.

مقیم، سید محمد، و اعلائی اردکانی، مصطفی (۱۳۹۰). سنجش شاخص‌های حکمرانی خوب و نقش دولت الکترونیک در ارتقای آن. مدیریت فناوری اطلاعات، ۳(۸)، ۱۷۱-۱۸۸.

مولوی، زینب، حسینی، معصومه و جعفری، محمدباقر (۱۳۹۶). ارتقای اعتماد عمومی شهروندان: بررسی نقش حکمرانی خوب و خدمات دولت الکترونیکی. ۴(۴)، ۵۷۱-۵۹۴

یان، سمیه، صانعی، مهدی و صدری، محمد فاضل (۱۳۹۴). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان نسبت به دولت. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

Asaduzzaman, M. and Virtanen, P. (2022) 'Governance Theories and Models', in Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance. Cham: Springer International Publishing, pp. 5947-5958. Available at: [https://doi.org/10.1007/978-3-030-66252-3\\_2612](https://doi.org/10.1007/978-3-030-66252-3_2612).

Bark-Pour, Naser (2002). *Transition from Urban Government to Urban Governance*. PhD thesis in Urban Planning, Faculty of Fine Arts, University of Tehran. [in persian]

- Bashiriyeh, Hossein (2000). *Theories of Culture in the Twentieth Century*. Ayandeh Pouyan. [in persian]
- Betancourt, J.R. et al. (2003) 'Defining cultural competence: A practical framework for addressing racial/ethnic disparities in health and health care', *Public Health Reports*, 118(4), pp. 293-302. Available at: [https://doi.org/10.1016/S0033-3549\(04\)50253-4](https://doi.org/10.1016/S0033-3549(04)50253-4)
- Benardo, G. and Demank, V. (2019). *Cultural models: Emergence, Methods and Tests*. Translated by Leila Ardabili, Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication.
- Das, S. Udaibir, and Marc G. Quintyn (2007): *Crisis Prevention and Crisis Management: The Role of Regulatory Governance*, in R. Litan, M. Pomerleano and V. Sundararajan, (eds), *Financial Sector Governance: the Role of the Public and Private Sectors*, (Washington D.C: Brookings Institution Press).
- Esmacili, Samieh, and Sheikh Al-Eslami, Razieh (2018). *Explaining the Causes of Creativity Based on Cultural Values: The Mediating Role of Motivation and Emotion*. *Psychological Methods and Models*, 9(32), 41-62. SID. <https://sid.ir/paper/227571/fa>. [In Persian]
- Fukuyama, F. (2016) 'Governance: *What Do We Know, and How Do We Know It?*', *Annual Review of Political Science*, 19, pp. 89-105. Available at: <https://doi.org/10.1146/annurev-polisci-042214-044240>.
- Ganz, M. et al. (2023) 'Crafting Public Narrative to Enable Collective Action: A Pedagogy for Leadership Development', *Academy of Management Learning & Education*, 22(2), pp. 169-190. Available at: <https://doi.org/10.5465/amle.2020.0224>.
- Ghorab, Nasereddin (2011). *Principles and Fundamentals of Cultural Planning. First Edition, Organization of Municipalities and Village Administrations Publications*, Urban and Rural Management Research Center. [In Persian]
- Haghsheenas, Ali Mohammad, et al. (2000). *Contemporary Millennium Dictionary*. Tehran: Farhang Mo'aser Publications. [In Persian]
- Haghighi, H. and Takian, A. (2024) 'Institutionalization for good governance to reach sustainable health development: a framework analysis', *Globalization and Health*, 20(1), pp. 1-12. Available at: <https://doi.org/10.1186/s12992-023-01009-5>.
- Heshmatzadeh, Mohammad Bagher, Talebi, Mohammad Ali, and Haji Yousefi, Amir Mohammad (2017). *Examining the Obstacles to the Realization of Good Governance in Iran's Political Culture*. *Contemporary Political Essays*, Institute for Humanities and Cultural Studies, 8(1), 1-24. [In Persian]
- Heidari, Farshad, and Rajabi, Zeynab (2016). *Developing a Paradigmatic Model for Efficient and Effective Supervisory Governance of the Banking Network*. *Islamic Financial and Banking Studies*, 2(3). [In Persian]
- Janguu, T., Darus, F., Mohamed Zain, M., Sawani, Y. (2014). *Does good corporate governance lead to better sustainability reporting? an analysis using structural equation modeling*. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 145, 138 - 145.
- Johansson, K.M. and Raunio, T. (2020) 'Centralizing Government Communication? Evidence from Finland and Sweden', *Politics and Policy*, 48(6), pp. 1138-1160. Available at: <https://doi.org/10.1111/polp.12370>.

- Kayer, A M (2006). Sovereignty (key concepts). *Translation: Ebrahim Golshan and Ali Adosi*, Higher Institute of Management and Planning Education and Research, Tehran.
- Larsen, A.S.A., Volden, G.H. and Andersen, B. (2021) 'Project governance in state-owned enterprises: The case of major public projects' governance arrangements and quality assurance schemes', *Administrative Sciences*, 11(3). Available at: <https://doi.org/10.3390/admsci11030066>.
- Nations, U. (2000) 'No. 30676. United Nations (*Economic and Social Commission for Asia and the Pacific*) and India', pp. 69-70. Available at: <https://doi.org/10.18356/d4072237-en-f>
- Rodolaki, C., Barakos, G. and Hitch, M. (2023) 'The role of intercultural differences and challenges faced in negotiating active mine sites' rehabilitation objectives from Africa to Europe', *Extractive Industries and Society*, 16(October), p. 101362. Available at: <https://doi.org/10.1016/j.exis.2023.101362>.
- Sardarnia, Khalilollah, Ghodrati, Hossein, and Eslam, Alireza (2009). *The Impact of Good Governance and Social Capital on Political Trust: A Case Study of Mashhad and Sabzevar Cities*. *Political Science Research Journal*, 5(1), 135-165. **[In Persian]**
- Salehi Amiri, Seyyed Reza, and Chavosh Bashi, Farzaneh (2010). *Collection of Articles on Urban Management and Planning*. Strategic Research Center of the Expediency Discernment Council. **[In Persian]**
- Sanaei, Mahdi. (2006). Good Governance: *A New Concept in Public Management*. *Tadbir*, 7(178), 0-0. SID. <https://sid.ir/paper/436468/fa>. **[In Persian]**
- Stephen P. Robbins, C.M. (2019) *Management - A Classic Approach*, *Journal of Advanced Management Science*
- Moghimi, Seyyed Mohammad, and Alae Ardekani, Mostafa (2011). *Measuring good governance indicators and the role of e-government in its enhancement*. *Information Technology Management*, 3(8), 171-188. **[In Persian]**
- Moulavi, Zeynab, Hosseini, Masoumeh, and Jafari, Mohammad Bagher (2017). *Enhancing public trust of citizens: Examining the role of good governance and e-government services*. 4(4), 571-594. **[In Persian]**
- Razmi, Mohammad Javad, Sadeghi, Samieh, Rezaeian, Samaneh (2015). *Requirements for Achieving Good Governance to Attain Human Development*. Year: 1394, Volume: 4, Issue: 2. **[In Persian]**
- Yan, Samia, Sanaei, Mahdi, and Sadri, Mohammad Fazil (2015). *Investigating the Impact of Good Governance on Citizens' Trust in Government*. *Tarbiat Modares University, Faculty of Literature and Humanities*. **[In Persian]**

## Identifying and prioritizing decision-making components in locating the cultural places with AHP and TOPSIS methods: the case study of cinema places

**Mohammad Rezaali**, Master's student in business administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: [m.rezaali@isu.ac.ir](mailto:m.rezaali@isu.ac.ir)

**Mahdi Rafiei**, Master's student in business administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: [rafiei.mahdi1378@gmail.com](mailto:rafiei.mahdi1378@gmail.com)

**Hadi Esmaeli**, Master of executive management, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Research Sciences Unit, Tehran, Iran. Email: [hadiesmaeely60@gmail.com](mailto:hadiesmaeely60@gmail.com)

**Abbas Rahimi**, PhD Student of Strategic Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: [abbas\\_rahimi@atu.ac.ir](mailto:abbas_rahimi@atu.ac.ir)

### Abstract

The purpose of this research is to identify and prioritize factors that can help in making decisions to build cultural places such as cinemas in optimal locations. This research is practical in terms of the result of the implementation, and in terms of the research method, it is mixed and follows the inductive logic. In order to identify these decision-making factors, a semi-structured interview was conducted with 13 cinema administration and cinema construction experts whose sample was obtained by snowball method. The information collected by the experts was analyzed and coded using the theme analysis method and with the help of MAX-QDA software. The result of the analysis of the obtained information led to the identification of 197 conceptual themes, which were classified in the form of 18 sub-themes and two main themes (urban and regional). In order to weight and prioritize the identified factors relative to each other, two multi-criteria decision-making methods were used, such as Analytical Hierarchy Process (AHP) and TOPSIS, and the final results were summarized by the average ranking method. Among the final factors identified, in the order of weight and ranking, the indicators of people's acceptance of the city's cinemas, the amount of young people in the city and the city's population can be mentioned as the first three urban indicators, and the indicators of construction in commercial properties, the level of well-being of the people of the region and Proximity referred to population colonies as the first three regional indicators.

### Keywords

Cultural Places, Topsis, Thematic Analysis, Cinema, Locating





## شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های تصمیم‌ساز در مکان‌یابی اماکن فرهنگی با روش AHP و TOPSIS: مورد مطالعه اماکن سینمایی

محمد رضاعلی<sup>۱</sup>، مهدی رفیعی<sup>۲</sup>، هادی اسماعیلی<sup>۳</sup>، عباس رحیمی<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف از این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی عواملی است که می‌تواند در تصمیم‌گیری برای ساخت اماکن فرهنگی مانند سینما در نقاط بهینه کمک کنند. این پژوهش از حیث نتیجه اجرا کاربردی است و از نظر روش تحقیق آمیخته است و از منطق استقرایی پیروی می‌کند. به جهت شناسایی این مؤلفه‌های تصمیم‌ساز، از ۱۳ نفر از خبرگان صنعت سینماداری و سینماسازی که نمونه آن‌ها با روش گلوله‌برفی بدست آمده بودند به شکل نیمه‌ساختاریافته مصاحبه گرفته شد. اطلاعات جمع‌آوری شده خبرگان با استفاده از روش تحلیل مضمون و با کمک نرم‌افزار مکس کیو دی ای مورد تجزیه و تحلیل و کدگذاری قرار گرفت. نتیجه تحلیل اطلاعات بدست آمده منجر به شناسایی ۱۹۷ تم مفهومی شد که در قالب ۱۸ مضمون فرعی و دو مضمون اصلی (شهری و منطقه‌ای) طبقه‌بندی شدند. به جهت وزن‌دهی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های شناسایی شده نسبت به یکدیگر، از دو روش تصمیم‌گیری چندمعیاره مانند فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی و روش تاپسیس کمک گرفته شد و نتایج نهایی نیز با روش میانگین رتبه‌ها جمع‌بندی گردید. از میان مؤلفه‌های نهایی احصا شده، به ترتیب وزن و رتبه‌بندی می‌توان از شاخص‌های میزان استقبال مردم از سینماهای شهر، میزان جمعیت جوان در شهر و جمعیت شهر به‌عنوان سه شاخص اول شهری یاد کرد و به شاخص‌های احداث در مال‌های تجاری، سطح رفاه مردم منطقه و نزدیکی به کلونی‌های جمعیتی به‌عنوان سه شاخص اول منطقه‌ای اشاره کرد.

### واژگان کلیدی

اماکن فرهنگی، تاپسیس، تحلیل مضمون، سینما، مکان‌یابی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران  
m.rezaali@isu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران  
rafiei.mahdi1378@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران  
hadiesmaeely60@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
abbas\_rahimi@atu.ac.ir

## مقدمه

ظهور سینما در اواخر قرن نوزدهم، تأثیر زیادی بر عرصه‌های مختلف زندگی انسانی در مغرب‌زمین داشته است. سینما را می‌توان به‌عنوان مکانی با کارکرد فرهنگی و اقتصادی قلمداد کرد که نقش مؤثری در تغییر و ایجاد فرهنگ جوامع مدرن بازی می‌کند. هنرمندان و اندیشه‌ورزان تا به امروز سعی داشته‌اند از ابزار سینما و فیلم‌های سینمایی برای بیان مسائل اجتماعی و یا ترسیم آرمان‌شهر خود استفاده کنند تا پیام خود را به شکل مصور و داستانی یا در قالب ارائه سبک زندگی به مخاطبین خود منتقل کنند. این امر در زمانی رقم خورده است که ورود مظاهر مدرنیته به فضای اجتماعی، چالش‌های مختلفی را در تنظیم روابط و مناسبات طبقات و گروه‌های مختلف جامعه ایجاد کرده و در اعماق لایه‌های فردی و اجتماعی نفوذ پیدا کرده است (علوی‌پور، ۱۳۹۷).

زمانی کارکرد فرهنگی سینما و اثرگذاری آن نمایان می‌شود که به جوانب اقتصادی این صنعت مانند هر صنعتی توجه شود. سینما به‌عنوان هنر هفتم متأسفانه نتوانسته است آن‌طور که باید و شاید به‌عنوان یک صنعت مدرن شکوفایی لازم را داشته باشد (موسائی و همکاران، ۱۳۹۹). دو بخش مهم از اجزای صنعت سینما که شکل‌دهنده آن است می‌توان به الف. تولید فیلم سینمایی و ب. توزیع و پخش فیلم سینمایی اشاره کرد (Towse, 2019). توزیع و پخش فیلم نقش کلیدی در زنجیره ارزش صنعت سینما بازی می‌کند و می‌تواند به‌عنوان عامل ارتقا سرمایه‌گذاری در صنعت عمل کند (Ulin, 2019). یکی از بخش‌های این زنجیره که عمده وظیفه پخش فیلم‌ها را از گذشته تا به امروز بر عهده گرفته است ابنیه سینماها در سطح شهرها می‌باشد. رشد فناوری این وظیفه سینما را تحت‌تأثیر قرار داده ولی این اولین بار نیست که این صنعت به دلیل معرفی یک فناوری جدید با اختلال مواجه می‌شود. صنعت سینما در اوایل دهه ۱۹۵۰ توانست مدل کسب‌وکار خود را پس از ظهور تلویزیون در سال ۱۹۵۰ گسترش دهد و با فناوری دستگاه ضبط و پخش ویدئو و گسترش شبکه‌های کابلی خود را تطبیق دهد و با سرمایه‌گذاری در امکانات خود مانند استفاده از صندلی‌های راحت‌تر، بهبود فناوری صدا و صفحه‌نمایش، خواسته‌های جدید مصرف‌کنندگان را برآورده کند و هنوز این مکان کارکرد اصلی خود را حفظ کرده است (Charles et al, 2020). با این حال از آنجایی که دیجیتالی‌سازی همچنان صنعت را مختل می‌کند، سینماها راه‌هایی را برای افزایش ارزش پیشنهادی برای مخاطبین خود جستجو می‌کنند

و با استفاده از داده‌ها و کاوش در استراتژی‌های نوآورانه می‌توانند رقابتی باقی بمانند و به ارائه ارزش برای مخاطبان خود ادامه دهند (McKenzie, 2022).

مفهوم و فرآیند مکان‌یابی اقدامی است در طول تاریخ از زمان خلقت بشر تا به امروز مورد توجه بوده است. در گذشته مکان‌یابی ساختمان‌ها و سازه‌ها بر اساس عواملی مانند دسترسی به منابع طبیعی، ایمنی، دفاع‌پذیری، شرایط جغرافیایی و نیازهای اجتماعی انجام می‌شد (مهرآبادی، ۱۳۸۶). پس‌از آن در دوره‌های بعدی با پیشرفت فناوری و علم، عوامل دیگری نظیر دسترسی به مراکز تفریحی، بیمارستان‌ها، مراکز خرید و سایر خدمات عمومی نیز در مکان‌یابی سازه‌ها مورد توجه قرار گرفتند (زوارقی و همکاران، ۱۳۹۳). در اواخر قرن بیستم و با پیشرفت فناوری، ارتباطات و حمل‌ونقل، ارزش استراتژیک مکان‌یابی بیشتر شد. دولت‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌ها در انتخاب مکان برای مجتمع‌ها، مراکز تفریحی، کارخانه‌ها و دفاتر خود عواملی مانند دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، بازارها، تجمع منابع انسانی، قوانین و مقررات محلی، هزینه‌های املاک و مشاغل مشابه در نزدیکی را در نظر می‌گیرند (روستا، احمد؛ دیگران، ۱۳۹۸). در شرایط کنونی مکان‌یابی به‌عنوان یک عمل علمی و استراتژیک برای شروع هر پروژه، کسب‌وکار و فعالیت‌های مشابه بسیار حائز اهمیت است. در نظر گرفتن مکان مناسب برای این فعالیت‌ها قبل از آغاز آن‌ها، به‌عنوان یک عامل کلیدی در موفقیت آن‌ها محسوب می‌شود که گاهی مغفول باقی‌مانده و منجر به بروز مشکلات و ناهماهنگی‌های جدی در طول اجرای آن‌ها می‌شود (سرایبی و دیگران، ۱۳۹۳).

صنعت سینمای ایران در دوره مظفرالدین‌شاه به شکل کاملاً اختصاصی به‌وسیله دربار و اشراف وارد کشور شد و تا انتهای دوره رضاخانی نیز به دلیل عدم وجود زیرساخت کافی و صنعتی نبودن ایران توسعه لازم را پیدا نکرد (رحیمی، ۱۳۹۶)؛ با حرکت ایران در دوره پهلوی دوم به سمت صنعتی شدن و ورود فرهنگ مدرن در کشور، ساخت ابنیه سینما در شهرهای ایران سرعت گرفت و در دهه ۴۰ به اوج خود رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی و فرار تعدادی از سرمایه‌داران دوره پهلوی و مصادره اموال آن‌ها اعم از سینماها، تعداد قابل توجهی از زیرساخت سینماهای کشور در اختیار نهادهای حاکمیتی و دولتی قرار گرفت. نهادهایی مانند بنیاد مستضعفان، وزارت فرهنگ و ارشاد و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی مسئولیت این سینماها را برعهده گرفتند (دیانی، ۱۳۹۷). مطابق با آمار رسمی کشور در سال ۱۳۹۷، حدود ۶۸ درصد از مکان‌های نمایش فیلم در اختیار مالکان دولتی و شبه دولتی قرار دارد و فقط ۳۲ درصد از آن‌ها به مالکین خصوصی اختصاص دارد و این خود مؤید دولتی بودن

این صنعت در ایران است (اربابی و همکاران، ۱۳۹۸). سهم بالای حاکمیت در صنعت سینمای ایران و اختصاص بودجه‌های سالانه توسعه‌ای برای ساخت و بازسازی ابنیه فرهنگی مرتبط با آن و از طرفی تنوع و تفاوت معیارها و نیازهای هر شهر و به نوعی تغییرات فرهنگی که با ورود فناوری و بعد از همه‌گیری کرونا ذائقه مردم را نسبت به سینما دستخوش تغییر کرده است نهادهای مرتبط با سینما را با این سؤال مواجه می‌کند که با چه سیاستی و مبتنی بر چه عواملی، با توجه به اقتضائات این صنعت و نیازهای منطقه‌ای، اقدام به انتخاب مکان برای ساخت یا بازسازی سینما بکنند. بعضاً قابل مشاهده است که اماکن فرهنگی ساخته شده در یک شهر به دلیل عدم تناسب با نیازهای منطقه، نداشتن صرفه اقتصادی و بازگشت سرمایه‌گذاری انجام شده بعد از چند سال بدون استفاده مناسب رها می‌شود و کاربری آن تغییر پیدا می‌کند و استفاده چندانی از زیرساخت ایجاد شده نمی‌شود. بررسی مطالعات این حوزه نیز نشان می‌دهد تقریباً مطالعه‌ای در حوزه شناسایی مؤلفه‌های تعیین‌کننده برای مکان‌یابی ساخت سینما وجود ندارد. این فقدان پیشینه تجربی باعث می‌شود دست مجریان فرهنگی و حتی بخش خصوصی در تصمیم‌گیری علمی در این حوزه بیش از حد خالی بماند. در این پژوهش سعی شده است برای برطرف کردن چالش مطرح شده، عوامل و عناصر مؤثر در مکان‌یابی ساخت سینما را با رجوع به خبرگان شناسایی کرده تا خلا موجود در این زمینه برطرف گردد.

به‌طورکلی این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. عوامل و مؤلفه‌های تصمیم‌ساز در مکان‌یابی مکان فرهنگی مانند سینما چیست؟

۲. اولویت‌های این عوامل نسبت به هم به چه صورت است؟

### پیشینه پژوهش

با بررسی‌های صورت گرفته با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع تحقیق، پژوهشی که مستقیماً موضوع شناسایی مؤلفه‌های تصمیم‌ساز در مکان‌یابی سینماها را مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد؛ لذا در این قسمت سعی شده است تحقیقاتی که مرتبط با حوزه موضوعی هست تا قدری اشاره شود. حسینی و علوی نیاکو (۱۳۹۷) در مقاله مکان‌یابی مساجد شهرستان رشت با بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی<sup>۱</sup> به روش تحلیل سلسله‌مراتبی<sup>۲</sup> (مورد مطالعه منطقه دو رشت) با

1. Geographic Information System (GIS)

2. Analytic Hierarchy Process (AHP)

روش توصیفی تحلیلی به تعیین شاخص‌های موقعیت‌یابی مساجد پرداخته و سپس با کمک روش تحلیل سلسله‌مراتبی وزن هر یک از شاخص‌های احصا شده را تعیین کرده است. از جمله نتایج به‌دست‌آمده می‌توان به نقش مؤثرتر شاخص‌های مذهبی نسبت به شاخص‌های شهرسازی و جمعیتی اشاره کرد. در جایی دیگر آذر، لطیفی و ترکمنی (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان شناسایی و رتبه‌بندی معیارهای مؤثر بر مکان‌یابی مساجد، به تعیین معیارهای مهم در موقعیت‌یابی مساجد بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده در تحقیقات قبلی مکان‌یابی مساجد پرداختند و در ادامه با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی با رجوع به خبرگان وزن هر یک از شاخص‌ها را احصا کردند. در نتیجه آن‌ها به ۲۰ شاخص در چهار بخش جمعیت، مذهب، شهرسازی و اجتماعی دست یافتند و مشخص شد که شاخص‌های مذهب و شهرسازی با اهمیت‌تر از سایر شاخص‌های موقعیت‌یابی ساخت مساجد هستند. گل و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در مقاله تحلیل چندمعیاره برای مکان‌یابی جنگل‌های شهری جدید: نمونه‌ای از شهر اسپارتا<sup>۲</sup>، ترکیه اقدام به مکان‌یابی پارک‌های جنگلی و جنگل‌های شهری کردند. آن‌ها در پژوهشی که انجام دادند از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره<sup>۳</sup> در سه مرحله انتخاب، شایستگی و قابلیت اجرایی‌شدن استفاده کردند. راسلی و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان رویکرد یکپارچه فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و سیستم اطلاعات جغرافیایی برای مکان‌یابی پارک‌های شهری در اسکندر مالزی، بر اساس پارامترهای دسترسی، مطلوبیت، نزدیکی به منابع آب و... به رتبه‌بندی این پارامترها پرداختند و از میان ۶۲۳ نقطه پیشنهادی در شهر اسکندر مالزی برای ساخت پارک‌های شهری، به ۲۷ نقطه برای ساخت این پارک‌ها رسیدند و آن‌ها را به‌عنوان بهترین نقاط برای ساخت پارک‌های شهری در اسکندر مالزی معرفی کردند.

استفاده از تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی در مکان‌یابی ساخت اماکن اقتصادی و فرهنگی امری رایج در تحقیقات این حوزه است. در پژوهش عزت‌پناه و همکاران (۱۳۹۲) محققان با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی، به ساخت مدلی کاربردی برای مکان‌یابی ساخت پارکینگ طبقاتی رسیدند. پیلهور (۱۳۹۵) با بررسی ظرفیت‌های موجود در استان خراسان شمالی برای مکان‌یابی محل‌های اقامت عشایر، با کمک

1. Gul Atila, Gezer Abdullah, Kane Brian
2. Isparta
3. MADM
4. Rasli, F., Kanniah Kasturi Devi, Muthuveerappan Chitrakala

روش تحلیل سلسله‌مراتبی، مکان‌های مناسب جهت استقرار عشایر را تعیین کردند. بزرگمهر و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی از این تکنیک برای شناسایی بهترین موقعیت مکانی ایستگاه‌های سینوپتیک<sup>۱</sup> و البته با استفاده از منطق فازی استفاده کردند. یکی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه فرهنگی، پژوهشی با موضوع بررسی ضوابط و روش‌های جغرافیایی در مکان‌یابی کاربری‌های فرهنگی شهری (نمونه موردی: کتابخانه و فرهنگسرا) است. در این پژوهش یوسفی و باخرزی قرالحصار (۱۴۰۰) با روش توصیفی و مرور روایتی به بررسی معیارهای جغرافیایی مکان‌یابی کاربری فرهنگی شهرها پرداختند. آن‌ها در پایان این پژوهش با بررسی‌های انجام‌شده به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های اصلی مکان‌یابی برای کتابخانه‌ها و فرهنگسراها شامل موارد مرکزیت، سازگاری، اندازه، محیط انسانی، شرایط فیزیکی، تراکم، توزیع جمعیت، دسترسی، امنیت، ایمنی و سلامت است و باید با توجه به این موارد به تعیین مکان موردنظر در این زمینه پرداخت. در جایی دیگر حیدری و همکاران (۱۳۹۶) با توجه به گسترده شدن کلان‌شهرها و شهرستان‌ها و همچنین امکانات موجود در این مناطق، در پژوهش تحلیل مکان‌یابی کاربری فرهنگی با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی و تحلیل شبکه<sup>۲</sup> به مکان‌یابی کاربری فرهنگی در منطقه هشت کلان‌شهر کرج پرداختند. با این روش آن‌ها نهایتاً به این نتیجه رسیدند که در این منطقه به میزان ۴۴۶۶۱۰ متر مربع کمبود سطح فرهنگی وجود دارد لذا در این راستا با استفاده از معیارهای استاندارد که به دست آمد، به تعیین زمین‌های مستعد برای احداث منطق فرهنگی پرداختند. زوارقی و همکاران (۱۳۹۳) با هدف توسعه فرهنگی در شهر با احداث کتابخانه جدید در تبریز انجام شد و با استفاده از تکنیک تاپسیس<sup>۳</sup> - فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی، شاخص‌های اصلی جهت مکان‌یابی کتابخانه‌های عمومی احصا شد. در نتیجه این پژوهش محققان به ۲۱ معیار جهت شناسایی بهینه‌ترین نقاط شهری در ساخت کتابخانه رسیدند که در نهایت به ۳ منطقه از مناطق شهر تبریز به‌عنوان بهترین مناطق معرفی شد. شکورزاده (۱۴۰۱) به واکاوی و بررسی مکان‌یابی بهینه مراکز فرهنگی - هنری در کاربری‌های اراضی شهری شهرستان خوی پرداخت که در این راستا تلاش کرد که با شناسایی فضاهای فرهنگی مورد مطالعه خود، احصای استانداردهای لازم برای مکان‌گزینی مراکز فرهنگی - هنری و شناسایی نیازهای واقعی جامعه، راه‌حلی

1. Synoptic

2. Network analysis

3. TOPSIS

مناسب برای مکان‌یابی ساخت این مجتمع‌ها در این شهرستان پیدا کند. مکان‌یابی حتی در زمینه تعیین مکان شرکت‌های دانش‌محور نیز نفوذ کرده است. در این زمینه استریجاکیویزا (۲۰۱۰) در مقاله عوامل مکان‌یابی صنایع خلاق و دانش‌محور در مناطق شهری اروپا به بررسی عوامل مؤثر بر تعیین مکان شرکت‌های دانش‌محور در شهرهای بزرگ پرداخت و شاخص‌های آن‌ها را احصا کرد. همان‌طور که در موارد یاد شده بیان شد، با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته این نتیجه قابل‌تصور است که عموماً مطالعات انجام‌شده در حوزه مکان‌یابی در صنایع فرهنگی، بیش‌تر به اماکنی مانند پارک، کتابخانه و مسجد مرتبط است و مطالعات قابل‌توجهی در صنعت سینما با در نظر گرفتن اقتضائات بومی انجام نشده است و جای خالی چنین پژوهشی در زمینه فرهنگی احساس می‌شود؛ لذا محققان در این پژوهش تلاش کردند که جای خالی چنین پژوهشی را پر کرده و شاخص‌های مؤثر بر ساخت یک مجتمع فرهنگی با محوریت سینما را شناسایی و تبیین کنند.

### مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش از شاخص جذابیت فرهنگی<sup>۲</sup> به‌عنوان یک مبنای نوین برای توضیح چرایی و چگونگی گسترش تداوم جاذبه‌های فرهنگی کمک گرفته شده است. این مفهوم که در اقتصاد فرهنگی جهانی معنای ویژه‌ای دارد، به سرمایه‌گذاران و محققین کمک می‌کند که بدانند چه مواردی یک شهر را به مکانی جذاب برای افراد تبدیل می‌کند. شاخص جذابیت فرهنگی ابزاری مؤثر برای مدیران مقتصد و متخصصان فرهنگی و گردشگری است تا با استفاده از آن بتوانند ابتکارات پایداری جهت رشد فرهنگی مناطق و یا شهرها انجام دهند. همچنین این شاخص می‌تواند توسط دولت‌ها، هیئت‌های گردشگری و مشاغل فرهنگی برای درک جذابیت فرهنگ مقصد خود به کار گرفته شود. نکته حائز اهمیت این است که این مدل بر خلاف سایر مدل‌های مرسوم از هیچ ارزیابی ذهنی، فرضی و شهودی‌ای استفاده نمی‌کند و تنها بر پایه داده‌های آماری استوار است و همین امر باعث مقرون‌به‌صرفه بودن این مطالعات می‌شود (Zhang et al, 2023). این شاخص می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف یک منطقه کمک کرده و بر اساس آن راهبردهایی را جهت ارتقای فرهنگ، توسعه گردشگری و روابط بین‌الملل ارائه دهد. نکته حائز اهمیت آن است که شاخص جذابیت فرهنگی

1. Strykiewicz

2. Cultural Attractiveness Index (CAI)

به جای آنکه صرفاً بر اهمیت رویدادهای فرهنگی تأکید کند، شاخص‌های اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد. ادعای نظری این شاخص آن است که بهترین رویکرد برای توضیح یک پدیده فرهنگی، تجزیه و تحلیل ویژگی‌های کل زنجیره فرهنگی مربوط به آن است تا بتوان بر آن اساس بهترین تصمیم را ناظر به آن پدیده گرفت. در این شاخص از عوامل مختلفی نظیر اهمیت تاریخی، میراث‌های فرهنگی، دستاوردهای هنری، سنت‌های قدیمی و هنری، تفریحات رایج، جاذبه‌های گردشگری، مسائل فرهنگی و ... کمک گرفته می‌شود. در این راستا روش‌های متعددی توسط این مدل معرفی و توصیه می‌شود که یکی از پرکاربردترین آن‌ها روش قوم‌نگاری و بررسی و تحلیل داده‌های قوم‌نگاری در فرهنگ‌ها جهت شناسایی ویژگی‌های زنجیره فرهنگی مربوطه است. پس از آن نیز می‌توان بر پایه روش قوم‌نگاری به اجرای آزمایش‌های رفتاری پرداخت و در نهایت از مدل‌های ریاضی جهت تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده استفاده کرد (Heintz, 2018).

در این راستا پژوهشی با موضوع شاخص جذابیت فرهنگی برای شهرهای پایدار با بینش گردشگری سال ۲۰۳۰ انجام شده است که در آن سعی شده با استفاده از سه شاخص مکان‌های فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی و فضای فرهنگی به عنوان نمونه‌ای از شاخص‌های سنجش جذابیت فرهنگی در سه شهر لندن، نیویورک و پکن بررسی و مقایسه شوند. در نهایت بر اساس این مدل و با استفاده از داده‌های رسمی موجود در مورد این سه شهر مشخص شد که شهر لندن جذاب‌ترین شهر از نظر کتابخانه‌ها، دانشگاه‌های برتر و فعالیت‌های فرهنگی است؛ شهر نیویورک در زمینه رستوران‌های با غذای لذیذ سرآمد و شهر پکن به عنوان نماینده اقتصادهای در حال توسعه، در زمینه میراث فرهنگی، موزه‌ها و آثار باستانی بوده اما در زمینه ساخت اماکن فرهنگی خاص مثل کتابخانه‌ها و میزبانی جشنواره‌های بین‌المللی عقب مانده است (Zhang et al., 2023). گفتنی است این یافته با آخرین برنامه توسعه فرهنگی پکن مطابقت دارد و بر ضرورت و اهمیت ساخت مکان‌های فرهنگی بیشتر و تخصیص بودجه بیشتر به میزبانی رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی تأکید دارد.

در رابطه با روش‌های مکان‌یابی ساخت اماکن فرهنگی مفاهیم زیر مطرح شده‌اند:

### مکان‌یابی

مکان‌یابی عبارت است از یافتن مکانی مناسب جهت ساخت یک مجتمع، کارخانه، احداث کسب‌وکار و ... (رهبر و دیگران، ۱۳۹۴). در واقع مکان‌یابی فرایندی است که به ارزش‌یابی محیط‌های فیزیکی‌ای که دربرگیرنده شرایط اولیه زندگی انسان‌ها است می‌پردازد. بنایی کاشانی (۱۹۸۹) در پژوهشی با عنوان روشی جدید برای تجزیه و تحلیل مناسب بودن سایت یک فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، محیطی به این نتیجه رسید که مکان‌یابی به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که در آن مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و توانایی‌ها در یک منطقه منحصربه‌فرد، از لحاظ وجود زمین مناسب و کافی و مرتبط بودن آن زمین با سایر کاربری‌های شهر و روستا باشد. لذا مکان‌یابی به تجزیه و تحلیل چنین اطلاعاتی می‌پردازد. این نوع ارزش‌یابی با این هدف است که محققین مطمئن شوند که زمین‌های مورد نظر نهایت هماهنگی و سازگاری با افرادی که قصد فعالیت یا اقامت در آن دارند را داشته باشند (فیروزی و دیگران، ۱۳۹۵). چند مورد از کاربردهای مکان‌یابی عبارت است از حداقل کردن میانگین زمان جابجایی جهت رسیدن به مقصد، حداقل کردن میانگین فاصله جابجایی جهت رسیدن به مقصد، حداکثر کردن پاسخ‌گویی، حداقل کردن هزینه‌ها و حداکثرسازی سود، حداکثرسازی تأثیر فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و ... (Farahani, 2010). امروزه به علت پیچیدگی نیازهای بشری و نظام‌های شهری در استفاده از زمین‌های شهری و روستایی، علاوه بر دیدگاه‌های اقتصادی که باید در استفاده از زمین شهری مورد توجه قرار گیرند، نیازمندی‌های پیچیده انسانی نیز وجود دارد که باید در نظر گرفته شوند لذا با توجه به پیچیدگی نظام‌های شهری، تعریف معیارهای دقیق و نگرش نظام‌مند در استفاده از زمین و مکان‌یابی فعالیت‌ها ضروری است تا بتوان به درستی به نیازهای بشری پاسخ داد. (رحمان‌پور، ۱۳۸۹) در این میان سینما قطبی است که جهت اداره نتیجه‌بخش آن، علاوه بر دیدگاه اقتصادی باید دیدگاه فرهنگی و انسانی را نیز دخیل کرد. بدیهی است که یکی از ابتدایی‌ترین نکات در این زمینه، موقعیت مکانی سینما است.

### اماکن فرهنگی

به‌طور کلی مکان بخشی از محیط است که معنایی مشخص دارد و این معنا برای هر فردی قابل فهم است. مکان گسترده و محیطی است که رویدادها و اتفاقات در آن شکل

می‌گیرند و ایشیا در آن ظهور پیدا می‌کنند (شاه‌چراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴). ویژگی دیگر مکان این است که هر مکانی از سایر اماکن با ویژگی متمایز قابل تفکیک و شناسایی است. در واقع مکان‌ها را می‌توان در دسته‌بندی‌های جداگانه و کلانی نظیر اماکن سیاسی، اماکن تفریحی، اماکن هنری، اماکن فرهنگی و ... دسته‌بندی کرد. اماکن فرهنگی عبارت هستند از اماکنی که در آن‌ها خدمات فرهنگی ارائه می‌شود تا مردم بتوانند از این خدمات فرهنگی استفاده‌های لازم را ببرند. خدمات فرهنگی عبارت هستند از فعالیت‌های قابل استفاده و مفیدی که افراد جوامع برای رفع نیازهای فرهنگی دیگران تولید و ایجاد می‌کنند (Zhang et al, 2023). این فعالیت‌ها بایستی ویژگی‌های مشخصی را در خود بگنجانند تا بتوانند به‌عنوان یک خدمت فرهنگی مناسب عرضه شوند؛ از جمله این ویژگی‌ها عبارت هستند از سازگاری خدمات با یکدیگر، تأمین آسایش افراد استفاده‌کننده، کارایی اقتصادی، مطلوبیت و حفظ عوامل طبیعی و چشم‌اندازها، ایمنی، سلامتی و رعایت استانداردهای اجرایی (اسدی و اخترکاو، ۱۳۹۹).

### سینما

در میان هنرهای هفتگانه، هنر سینما آخرین و هفتمین مورد است. نزدیک به ۱۰۰ سال است که سینما تبدیل به یکی از مهم‌ترین ابزارهای اثرگذار فرهنگی جوامع تبدیل شده است که مورد مطالعه بسیاری از افراد بوده است. سینما را اهل فن، یک رسانه می‌دانند که بر فناوری متکی است. امروزه سینما با عنوان صنعت سینما نیز شناخته می‌شود که یکی از پایه‌های اقتصادی برای هر کشور هم محسوب می‌شود (صادقی گرماوردی، ۱۳۹۸). سینما ابزاری برای روایت داستان‌ها، انتقال احساسات و خلاقیت‌های انسانی است. در واقع سینما به‌عنوان یک ابزار بسیار مهم برای کاوش در جهان، نمایش درگیری‌ها و برانگیختن عواطف و احساسات انسانی، بازگو کردن خاطرات و ایجاد تخیل، به کار می‌رود (Branston, 2000: 152).

مارک شیل خاطر نشان می‌کند که سینما نه تنها توانایی به تصویر کشیدن و بیان پیچیدگی فضایی، تنوع و پویایی اجتماعی را دارد، بلکه نقش کلیدی در اقتصاد فرهنگی شهرها در سراسر جهان ایفا می‌کند؛ بنابراین شیل، سینما را یک نهاد اجتماعی - اقتصادی و نوع خاصی از فضای عمومی در محیط شهری می‌پندارد (Qiliang & Jie, 2021). در این زمینه فدائی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به مطالعه و شناسایی سیاست‌های سینمایی بعد از انقلاب اسلامی و با محوریت سینمای ملی پرداختند. هدف آن‌ها از این پژوهش شناسایی شاخص‌های رشد و تکوین سینمای ملی بوده است که در نهایت به هفت شاخص در این زمینه دست پیدا کردند.

## روش پژوهش

همان‌طور که بیان شد هدف پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های تصمیم‌ساز ساخت اماکن فرهنگی مانند سینما می‌باشد. این پژوهش از حیث پارادایم پژوهشی اثبات‌گرایانه است. پارادایم اثبات‌گرایانه مبتنی بر تجربه به‌عنوان منبع شناخت، بر تفکر استقرایی به جای قیاسی تأکید دارد. در این پارادایم مشاهده و تجربه مبنای اصلی پژوهش قرار می‌گیرد (گائینی و حسین‌زاده، ۱۳۹۱). پژوهش انجام‌گرفته از جنبه نتیجه اجرا کاربردی، از نظر منطق اجرا استقرایی و از نظر روش آمیخته است. روش آمیخته به روشی گفته می‌شود که با به‌کارگیری روش کمی و کیفی به مسئله پژوهش پاسخ می‌دهد (بازرگان هرندی، ۱۳۸۷).

شناسایی و احصای شاخص‌ها از طریق تحلیل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان این حوزه انجام‌گرفته است. برای پیدا کردن این خبرگان از روش گلوله برفی استفاده شده است و این روند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. طبق همین روش در مصاحبه یازدهم اشباع نظری صورت گرفت اما برای اطمینان از احصای کامل شاخص‌ها و غنای اطلاعات، مصاحبه‌ها تا مورد سیزدهم ادامه پیدا کرد. روش گلوله برفی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دسترسی به اشخاص دارای ویژگی‌های مطلوب پژوهش مشکل باشد (عرفان‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸). در انتخاب خبرگان برای مصاحبه، افرادی انتخاب شدند که ویژگی مشترک آن‌ها فعالیت در زیست‌بوم صنعت سینمای کشور در بخش توزیع، سینماداری و یا بخش سینماسازی بوده است. مشخصات افراد مصاحبه شده در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱. اطلاعات خبرگان مصاحبه شده

شماره	کد مصاحبه	مسئولیت و حوزه فعالیت
۱	M1	مدیرعامل زنجیره سینماداری مهر
۲	M2	مدیر سینمای سپاهان اصفهان - فعال حوزه سینمایی
۳	M3	مدیر شرکت پخش و اکران سازمان سینمایی حوزه هنری - عضو شورای راهبردی اکران فیلم کشور
۴	M4	مدیر سینما و مؤسسه آزادی تهران - عضو شورای اکران کشور
۵	M5	مدیر سینمای باغ کتاب تهران - فعال حوزه ساخت سینما
۶	M6	فعال حوزه ساخت سینما - مدیرعامل سابق مؤسسه سینما شهر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شماره	کد مصاحبه	مسئولیت و حوزه فعالیت
۷	M7	کارشناس عمران و ساخت سینما - مجری پروژه‌های سینماسازی
۸	M8	مدیر سابق سینمای ملت - فعال حوزه سینما و تولید فیلم
۹	M9	مدیرعامل مؤسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز
۱۰	M10	معاون امور مالی سازمان سینمایی سوره - عضو هیئت‌مدیره مؤسسه بهمن سبز
۱۱	M11	معاون امور توسعه و منابع حوزه هنری انقلاب اسلامی
۱۲	M12	مدیرعامل مؤسسه سینما شهر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - ناظر ساخت سینماهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۳	M13	مدیر سابق سینما فرهنگ تهران - مدیر سینمای بهمن تهران

از تحلیل مضامین مصاحبه‌های خبرگانی، ۱۸ مضمون فرعی شناسایی و در دو سطح شهری و منطقه‌ای طبقه‌بندی شده‌اند که در شکل ۱ نمایش داده شده است. برای تحلیل مضامین نیز از نرم‌افزار مکس کیو دی ای<sup>۱</sup> کمک گرفته شده است. روش تحلیل مضمون برای ارائه تحلیل و یافتن الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. به عبارتی برای تحلیل داده‌های متنی استفاده می‌شود و داده‌های غیرسازماندهی شده و متنوع متنی را به داده‌های تفضیلی و با غنا تبدیل می‌کند (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). عده‌ای معتقدند روش تحلیل مضمون یکی از مهارت‌های عام در تحلیل کیفی می‌باشد و آن را ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف و نه فقط به‌عنوان روشی خاص معرفی می‌کنند (Boyatzis, 1998). در شناخت مضامین و طبقه‌بندی آن‌ها روش‌های گوناگونی مطرح شده است. در این پژوهش سعی شده از روشی که کینگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) مطرح کرده استفاده کند. الگوی پیشنهادی به نحوی است که روابط میان مضامین به شکل یک ساختار سلسله مراتبی در دو سطح مضمون فرعی و اصلی توسط محقق تعریف می‌شود.

در ادامه با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی<sup>۳</sup> و روش تاپسیس<sup>۴</sup> که از انواع روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره<sup>۵</sup> هستند به اولویت‌دهی و رتبه‌بندی شاخص‌های احصاشده پرداخته شده است. روش تحلیل سلسله مراتبی در دنیایی که به علت پویایی و پیچیدگی، تصمیم‌گیری را تا حدی سخت و دشوار می‌کند به‌عنوان یک رویکرد و راه‌حل

1. MAXQDA  
2. King  
3. AHP  
4. TOPSIS  
5. MADM

برای مسائل تصمیم‌گیری چند معیاره پیشنهاد شده است (Lee & Jiaqin, 1997). این روش زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که تصمیم‌گیری بین چند گزینه رقیب و با یک سری معیارهای تصمیم‌گیری باشد (آذر و معماربانی، ۱۳۷۳). فرایند تحلیل سلسله مراتبی به این صورت است که با قراردادن اجزای مورد نظر در ساختار سلسله مراتبی، مقایسه زوجی اجزا هر سطح بر حسب معیارهای سطوح بالاتر صورت می‌گیرد. این مقایسات تا جایی ادامه می‌یابد که وزن‌های مناسب هر کدام استخراج شود. سپس نرخ سازگاری و ارتباط متغیرها اندازه‌گیری می‌شود (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۹).

روش تاپسیس نیز یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است که بر اساس این منطق که گزینه انتخاب شده باید کم‌ترین فاصله را از راه‌حل ایدئال مثبت و بیش‌ترین فاصله را از راه‌حل ایدئال منفی داشته باشد عمل می‌کند و گزینه مطلوب خود را انتخاب می‌کند (Jahanshahloo et al, 2006). در تاپسیس،  $m$  گزینه به‌وسیله  $n$  شاخص بررسی می‌شود و هر مسئله را می‌توان به‌عنوان یک سیستم هندسی شامل  $m$  نقطه در یک فضای  $n$  بعدی فرض کرد (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۹).



شکل ۱. مراحل پژوهش

در روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره برخلاف روش‌های آماری که باید تعداد زیاد از افراد اقدام به تکمیل پرسش‌نامه کنند، با رجوع به نظر تعداد مشخصی از متخصصین می‌توان به تحلیل داده‌ها پرداخت. به‌طور کلی روش‌هایی که پرسش‌نامه آن‌ها از طریق روش‌های تحقیق در عملیات نرم انجام می‌گیرد نیازی به در نظر گرفتن پایایی آن نیست؛ زیرا در این پرسش‌نامه‌ها نظرات خبرگان لحاظ می‌شود.

در انتهای پژوهش با توجه به نتایج متفاوتی که در خروجی برخی گزینه‌ها به‌دست آمده است، فوننی برای تلفیق رتبه‌بندی پیشنهاد شده است از قبیل روش میانگین رتبه‌ها، روش بردار<sup>۱</sup>، روش پست<sup>۲</sup> و روش کاپلند<sup>۳</sup>. در این پژوهش برای ادغام دو روش از منطق میانگین رتبه‌ها استفاده شده است.

## یافته‌های پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، به جهت شناسایی شاخص‌هایی که در موقعیت‌یابی اماکن سینمایی اهمیت دارد، اقدام به انجام ۱۳ مصاحبه خبرگانی با متخصصین صنعت سینما با تمرکز بر حوزه ساخت سینما شد. انتخاب نمونه افراد به شکل گلوله‌برفی بوده و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرده است. در مصاحبه یازدهم در فرایند پژوهش اشباع نظری حاصل شده است؛ اما برای اطمینان از احصای کامل شاخص‌ها و غنای اطلاعات تا مصاحبه سیزدهم ادامه پیدا کرده است.

## تحلیل مضمون و استخراج مدل

پس از پایان مصاحبه با خبرگان صنعت، برای هر مصاحبه یک کد اختصاصی تعیین شد و اقدام به تحلیل مضامین موجود در متن مصاحبه‌ها شد. تحلیل این بخش با توجه به سؤال اصلی پژوهش یعنی: «شاخص‌های تصمیم‌ساز برای مکان‌یابی ساخت اماکن فرهنگی مانند سینما چیست؟» انجام گرفت. در این قسمت تعداد ۱۸ مضمون فرعی از ۱۹۷ تم شناسایی شده استخراج شد که برای رعایت اختصار قسمتی از آن برای مثال در جدول شماره ۲ ذکر شده است. هر مضمون فرعی نیز با کد C نام‌گذاری شده است.

جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته

کد مصاحبه	گزاره‌های کلامی مصاحبه‌شوندگان	شاخص‌های احصا شده (مضمون فرعی)	کد مضمون
M1	... یک کاری هم می‌شه کرد اینه که بریم ببینیم اون شهر در صنایع مشابه سینما در چه وضعیتی قرار داره. اون شهر تئاتر داره یا کنسرت داره یا مثلاً شهربازی و وضعیت فروششون چطور هست...	وجود مراکز فرهنگی تفریحی در شهر	C1
M2	اینکه کدوم شهر و استان باید انتخاب بشه به چه عاملی برمی‌گرده، اون هم بنظرم باید به شاخص‌های جمعیتی نگاه کنید. من نظرم در این باره به مقدار تک بعدیه و بنظرم اگر خیلی بخوایم شاخص‌ها رو دخیل کنیم گیر می‌کنیم. بنظرم شاخص جمعیت ۸۰ درصده اثرش و شاخص‌های دیگر اثرش ۲۰ درصد هست.	جمعیت شهر	C2

کد مصاحبه	کد مصاحبه	گزاره‌های کلامی مصاحبه‌شوندگان	شاخص‌های احصا شده (مضمون فرعی)	کد مضمون
M3	C3	مثلاً تو رشت کلاً یک سینمای تک سالنه هست ولی درعین‌حال پرفروش‌ترین شهر آکران سیار موقعیت مهدی این شهر شد. با بیش از ۱۲۰، ۱۳۰ میلیون فروش. این یعنی مردم اون منطقه علاقه‌مندی دارند که برن فیلم ببینند. جایی وجود نداره که برن فیلم ببینن. یکی از کارها اینه که بری پیش عمار بگی شما لیست شهرهای پرفروشت رو بهم بده. اینا شهرهایی که داریم داخلش می‌فروشیم ولی سینما نداریم. مردم علاقه‌مندی دارند که فیلم ببینند ولی جایی وجود نداره که برن فیلم ببینند.	میزان استقبال مردم از سینماهای شهر	
M4	C4	اگر بخوام به کار لاکچری [ساخت سینما] کنم می‌رم شمال شهر به چیز خوب ایجاد می‌کنم چون شمال شهر هیچ جای مناسب نداره؛ مثلاً زعفرانیه محدوده نیاوران ما هیچی نداریم. کامرانیه نیاوران جماران. ما هیچی نداریم. چرا؟ چون منطقه‌ای هست که از نظر جمعیتی بسیار متراکمه. شما از محدوده اتوبان ارتش بگیر تا اندرزگو تا محدوده قیطریه بگیر رو به بالا حتی تا دربند. ما شاپینگ سنتر فرهنگی شمال تهران هیچ چیز نداریم.	نزدیکی به کلونی‌های جمعیتی	
M5	C5	اینکه بین این مراکز استان مثلاً کرمان و یزد و... سینمای مناسب نداره و کدوم رو اول شروع بکنیم شاید به این ربطی نداره که کدوم واجب‌تر و مهم‌تر هست، به این ربط داره کدوم زودتر تسهیلات فراهم می‌کنن، استاندار کدوم استان همراه‌تره، یا کدوم مدیر استان فهم بهتری داره و همراهی بهتری با شما می‌کنه. شاخص شما این‌ها می‌شه نه اینکه جغرافیا اونجا مناسب هست یا نیست...	همراهی مدیران استانی و شهرداری	
M6	C6	... وجود کتاب‌خونه ملی نزدیک باغ کتاب یعنی حضور قشر دانشجو و این‌ها مخاطب ما در سینما هستن. فوق لیسانس و دکتری. الان شما تشریف برید قرائت‌خونه خیلی از این دوستان شده باغ کتاب. دوستان فرهنگی هنری از ما کرایه می‌کنن و پول میدن و درس می‌خونن چون کتاب‌خونه ملی اونقدر گنجایش نداره...	میزان جمعیت جوان در شهر	

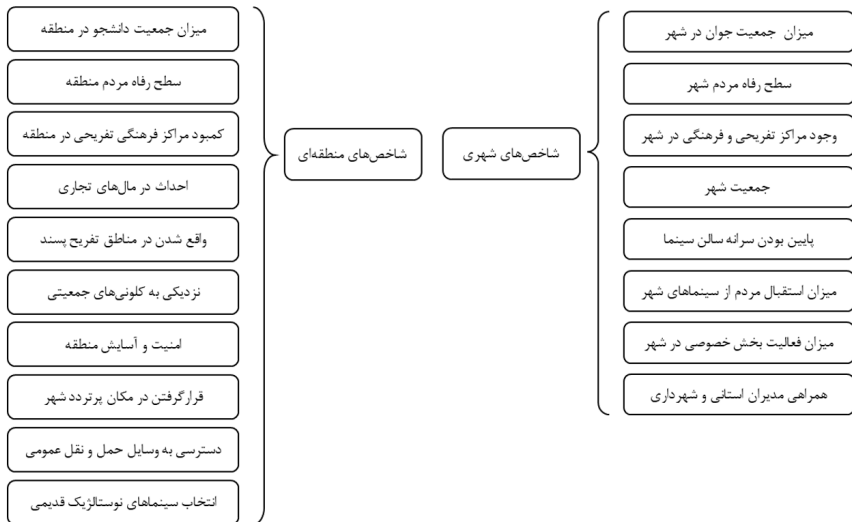
کد مصاحبه	گزاره‌های کلامی مصاحبه‌شوندگان	شاخص‌های احصا شده (مضمون فرعی)	کد مضمون
M7	ساختن سینماهای جدید اگر منظور تون هست اصولاً اینکه شما زمینی بگیری بری توش سینما بسازی اصولاً الان وجود نداره. در هیچ جای دنیا وجود نداره. یه همچین امکانی حداقل در شهرهای بزرگ نیست. تو شهرهای کوچیک زمین ارزونه شما سینما می‌سازی و مشتری هم نداره. تو جایایی ما تصمیم گیر نیستیم. اونی تصمیم گیره که داره اون مال تجاری رو می‌سازه. ما در واقع وظیفمون اینه که اون فردی که بساز و بفروشه و یه پولی گیرش اومده و هر چی هست این رو قانعش کنیم که بره سینما بسازه در مال خودش...	احداث در مال‌های تجاری	C7
M8	... پس یکی دیگه از مسائلی که برای ساخت سینما باید به اون توجه کرد، مسئله پاخور بودن هست. پاخور بودن یعنی مردم در آنجا زیاد تردد کنن و سینمای ما در معرض دید اون‌ها باشه...	قرارگرفتن در مکان پرتردد شهر	C8

بررسی محتوای ۱۸ مضمون فرعی که شاخصی برای مکان‌یابی ساخت مجتمع‌ها هستند، محققین را به دو مضمون اصلی می‌رساند. تعدادی از مضامین احصا شده اشاره به مواردی دارد که باید برای انتخاب شهر مورد نظر لحاظ شود و تعدادی نیز مواردی را ذکر می‌کند که اشاره به موقعیت جغرافیایی در درون شهر دارد و اصطلاحاً منطقه‌ای از شهر را مشخص می‌کند. به همین منظور ۱۸ مضمون فرعی به دو مضمون اصلی شهری و منطقه‌ای تقسیم می‌شوند که در جدول ۳ و شکل ۲ قابل مشاهده می‌باشند.

جدول ۳. مضامین اصلی مستخرج از مضامین فرعی

کد مضمون	مضمون فرعی	مضمون اصلی
C1	وجود مراکز فرهنگی تفریحی در شهر	شاخص شهری
C2	جمعیت شهر	شاخص شهری
C3	میزان استقبال مردم از سینماهای شهر	شاخص شهری
C4	نزدیکی به کلونی‌های جمعیتی	شاخص منطقه‌ای
C5	همراهی مدیران استانی و شهرداری	شاخص شهری
C6	میزان جمعیت جوان در شهر	شاخص شهری
C7	احداث در مال‌های تجاری	شاخص منطقه‌ای
C8	قرارگرفتن در مکان پرتردد شهر	شاخص منطقه‌ای

کد مضمون	مضمون فرعی	مضمون اصلی
C9	پایین بودن سرانه سالن سینما	شاخص شهری
C10	سطح رفاه مردم شهر	شاخص شهری
C11	میزان فعالیت بخش خصوصی در شهر	شاخص شهری
C12	امنیت و آسایش منطقه	شاخص منطقه‌ای
C13	انتخاب سینماهای نوستالژیک قدیمی	شاخص منطقه‌ای
C14	میزان جمعیت دانشجوی در منطقه	شاخص منطقه‌ای
C15	سطح رفاه مردم منطقه	شاخص منطقه‌ای
C16	کمبود مراکز فرهنگی تفریحی در منطقه	شاخص منطقه‌ای
C17	واقع شدن در مناطق تفریح پسند	شاخص منطقه‌ای
C18	دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی	شاخص منطقه‌ای



شکل ۲. شاخص‌های مکان‌یابی ساخت سینما

## رتبه‌دهی و وزن‌دهی به روش تحلیل سلسله مراتبی

در ادامه فرایند پژوهش، پس از احصای شاخص‌ها، با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی اقدام به وزن‌دهی و اولویت‌بندی شاخص‌ها شد. به‌منظور مقایسات زوجی شاخص‌ها در روش تحلیل سلسله‌مراتبی در دو سطح شهری و منطقه‌ای، دو

پرسش نامه به شکل طیف ساعتی در اختیار خبرگان قرار گرفت و پس از تکمیل آن‌ها با استفاده از روش میانگین هندسی اطلاعات خبرگان در هر سطح شهری و منطقه‌ای تجمیع شد و اطلاعات به دست آمده وارد نرم افزار اکسپرت چویس<sup>۱</sup> شده و وزن‌های شاخص‌ها و رتبه‌های آن‌ها و میزان سازگاری هر یک از ماتریس‌ها مورد محاسبه قرار گرفت. میزان سازگاری باید عددی کم‌تر از ۱۰ درصد باشد تا آرای خبرگان قابل اعمال باشد. نرخ سازگاری<sup>۲</sup> در ماتریس نظرات شاخص‌های شهری ۴ درصد و در منطقه‌ای ۲ درصد محاسبه شده است که نشان از اعتبار قابل قبول آن دارد.

رتبه‌بندی و وزن‌های شاخص‌های شهری و منطقه‌ای به صورت زیر است:

جدول ۴. رتبه‌بندی شاخص‌های شهری با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی

رتبه	ایدئال	وزن‌ها	شاخص‌های شهری
۱	۱/۰۰۰	۰/۲۰۷	میزان استقبال مردم از سینماهای شهر
۲	۰/۸۷۴	۰/۱۸۱	میزان جمعیت جوان در شهر
۳	۰/۸۲۶	۰/۱۷۱	جمعیت شهر
۴	۰/۶۳۳	۰/۱۳۱	پایین بودن سرانه سالن سینما
۵	۰/۵۸۵	۰/۱۲۱	سطح رفاه مردم شهر
۶	۰/۳۳۸	۰/۰۷	همراهی مدیران استانی و شهرداری
۷	۰/۲۹۰	۰/۰۶	میزان فعالیت بخش خصوصی در شهر
۸	۰/۲۸۰	۰/۰۵۸	وجود مراکز تفریحی و فرهنگی در شهر

جدول ۵. رتبه‌بندی شاخص‌های منطقه‌ای با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی

رتبه	ایدئال	وزن‌ها	شاخص‌های منطقه‌ای
۱	۱,۰۰۰	۰/۱۳۲	احداث در مال‌های تجاری
۲	۰/۹۷۰	۰/۱۲۸	سطح رفاه مردم منطقه
۳	۰/۸۳۳	۰/۱۱	انتخاب سینماهای نوستالژیک قدیمی
۴	۰/۷۷۳	۰/۱۰۲	دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی
۵	۰/۷۴۲	۰/۰۹۸	نزدیکی به کلونی‌های جمعیتی
۶	۰/۷۳۵	۰/۰۹۷	واقع شدن در مناطق تفریح پسند

1. Expert Choice

2. C.R

رتبه	ایدئال	وزنها	شاخص‌های منطقه‌ای
۷	۰/۷۲۰	۰/۰۹۵	قرارگرفتن در مکان پرتردد شهر
۸	۰/۶۴۴	۰/۰۸۵	میزان جمعیت دانشجو در منطقه
۹	۰/۶۱۴	۰/۰۸۱	امنیت و آسایش منطقه
۱۰	۰/۵۴۵	۰/۰۷۲	کمبود مراکز فرهنگی در منطقه

### اولویت‌بندی و رتبه‌دهی به روش تاپسیس

در گام بعدی مطابق روش تاپسیس از خبرگان (در جدول با حرف X نشان داده شده است) خواسته شد بر اساس میزان اهمیت هریک از شاخص‌ها طبق طیف لیکرت نمره دهند. داده‌های به‌دست آمده طبق ۶ مرحله تعریف شده در روش تاپسیس به رتبه‌بندی شاخص‌ها ختم می‌شود. مراحل ۶ گانه طی شده به شرح زیر است:

۱. بی‌مقیاس‌سازی: ماتریس‌های تصمیم‌گیری D1 و D2 به کمک رابطه ۱ که به نام نرم اقلیدسی شناخته می‌شود به یک ماتریس بی‌مقیاس شده تبدیل می‌شود.

$$nij = \frac{rij}{\sqrt{\sum_{i=1}^m (rij)^2}} \quad \text{رابطه ۱}$$

جدول ۶. ماتریس بی‌مقیاس شده شاخص‌های شهر با نرم اقلیدس

ماتریس بی‌مقیاس شده (D1)	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12
میزان جمعیت جوان در شهر	۰/۱۷۴۱	۰/۴۶۲۶	۰/۳۴۳۶	۰/۴۷۴۱	۰/۳۶۵۶	۰/۴۳۹۲	۰/۴۱۹۱	۰/۴۲۵۲	۰/۴۰۹۶	۰/۲۷۶	۰/۴۰۹۲	۰/۴۴۲۳
سطح رفاه مردم شهر	۰/۶۰۹۳	۰/۳۳۰۴	۰/۳۴۳۶	۰/۲۰۳۲	۰/۲۹۷۵	۰/۳۷۶۵	۰/۳۴۹۲	۰/۲۲۴۳	۰/۲۹۲۶	۰/۲۰۷	۰/۴۰۹۲	۰/۳۶۸۶
وجود مراکز تفریحی و فرهنگی در شهر	۰/۱۷۴۱	۰/۱۳۲۲	۰/۲۸۶۳	۰/۳۳۸۶	۰/۲۹۷۵	۰/۳۷۶۵	۰/۱۳۹۷	۰/۳۰۳۷	۰/۳۵۱۱	۰/۴۱۴	۰/۳۴۱	۰/۲۲۱۲
جمعیت شهر	۰/۲۶۱۱	۰/۲۶۴۳	۰/۴۰۰۸	۰/۴۰۶۴	۰/۵۱۱۹	۰/۴۳۹۲	۰/۴۸۸۹	۰/۴۲۵۲	۰/۴۰۹۶	۰/۴۱۴	۰/۳۴۱	۰/۵۱۶
پایین بودن سرانه سالن سینما	۰/۳۴۸۲	۰/۳۳۰۴	۰/۴۰۰۸	۰/۳۳۸۶	۰/۴۳۸۸	۰/۳۱۳۷	۰/۲۷۹۴	۰/۱۸۲۲	۰/۳۵۱۱	۰/۲۷۶	۰/۲۷۷۸	۰/۲۹۴۹
میزان استقبال مردم از سینماهای شهر	۰/۳۳۵۲	۰/۴۶۲۶	۰/۳۳۳۶	۰/۴۷۴۱	۰/۳۶۵۶	۰/۳۱۳۷	۰/۴۸۸۹	۰/۴۲۵۲	۰/۳۵۱۱	۰/۴۱۴	۰/۴۰۹۲	۰/۴۴۲۳
میزان فعالیت بخش خصوصی در شهر	۰/۲۶۱۱	۰/۳۹۶۵	۰/۲۸۶۳	۰/۲۰۳۲	۰/۲۹۷۵	۰/۱۸۸۲	۰/۳۴۹۲	۰/۳۰۳۷	۰/۲۹۲۶	۰/۳۴۵	۰/۳۴۱	۰/۱۴۷۴
همراهی مدیران استانی و شهرداری	۰/۳۴۸۲	۰/۳۳۰۴	۰/۴۰۰۸	۰/۲۷۰۹	۰/۱۴۶۳	۰/۳۱۳۷	۰/۰۶۹۸	۰/۴۲۵۲	۰/۳۵۱۱	۰/۴۱۴	۰/۲۷۷۸	۰/۲۲۱۲

جدول ۷: ماتریس بی مقیاس شده شاخص های منطقه ای با نرم اقلیدسی

ماتریس بی مقیاس شده (D2)	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12
میزان جمعیت دانشجوی در منطقه	۰/۲	۰/۳۱۱۷۸	۰/۲۹۹۶	۰/۳۸۱۱۳	۰/۲۵۱۵	۰/۲۹۵۷	۰/۰۹۷۱	۰/۳۰۳۸	۰/۳۴۸۷	۰/۲۷۵۲	۰/۳۸۸۹	۰/۳۵۶
سطح رفاه مردم منطقه	۰/۴۶۶۷	۰/۲۶۰۶	۰/۲۴۹۷	۰/۲۱۷۹	۰/۱۸۸۶	۰/۴۱۳۹	۰/۲۰۱۳	۰/۲۵۳۳	۰/۲۹۰۶	۰/۲۷۵۲	۰/۳۸۸۹	۰/۲۹۹۷
کمبود مراکز فرهنگی تفریحی در منطقه	۰/۲	۰/۳۶۴۹	۰/۳۴۹۶	۰/۲۷۲۴	۰/۳۱۴۳	۰/۱۷۷۴	۰/۲۶۸۵	۰/۳۰۳۸	۰/۲۹۰۶	۰/۲۲۰۲	۰/۳۲۴۱	۰/۲۳۷۴
احداث در مال‌های تجاری	۰/۴	۰/۲۶۰۶	۰/۳۴۹۶	۰/۳۲۶۸	۰/۳۷۷۲	۰/۲۹۵۷	۰/۴۶۹۸	۰/۳۵۴۵	۰/۲۳۲۵	۰/۳۳۰۳	۰/۳۲۴۱	۰/۲۳۷۴
واقع شدن در مناطق تفریح پسند	۰/۴	۰/۳۶۴۹	۰/۳۴۹۶	۰/۳۸۱۱۳	۰/۳۷۷۲	۰/۳۵۴۸	۰/۲۶۸۵	۰/۳۵۴۵	۰/۲۹۰۶	۰/۱۶۵۱	۰/۳۲۴۱	۰/۲۹۹۷
نزدیکی به کلونی های جمعیتی	۰/۲۶۶۷	۰/۲۶۰۶	۰/۳۴۹۶	۰/۲۷۲۴	۰/۳۱۴۳	۰/۴۱۳۹	۰/۳۳۵۶	۰/۳۰۳۸	۰/۳۴۸۷	۰/۳۸۵۳	۰/۳۲۴۱	۰/۳۵۶
امنیت و آسایش منطقه	۰/۳۳۳۳	۰/۳۶۴۹	۰/۲۹۹۶	۰/۳۲۶۸	۰/۲۵۱۵	۰/۳۵۴۸	۰/۲۰۱۳	۰/۳۵۴۵	۰/۳۴۸۷	۰/۳۳۰۳	۰/۲۵۹۳	۰/۱۷۸
قرار گرفتن در مکان برتر در شهر	۰/۳۳۳۳	۰/۲۶۰۶	۰/۲۹۹۶	۰/۳۲۶۸	۰/۴۴۰۱	۰/۲۳۶۵	۰/۳۳۵۶	۰/۳۰۳۸	۰/۳۴۸۷	۰/۳۸۵۳	۰/۳۲۴۱	۰/۳۵۶
دسترسی به وسائل حمل و نقل عمومی	۰/۲۶۶۷	۰/۳۱۱۷۸	۰/۲۹۹۶	۰/۳۸۱۱۳	۰/۳۱۴۳	۰/۲۹۵۷	۰/۴۰۲۷	۰/۲۵۳۳	۰/۲۹۰۶	۰/۳۸۵۳	۰/۲۵۹۳	۰/۳۵۶
انتخاب سبناهای نوساز از یک قدیمی	۰/۱۲۳۳	۰/۳۶۴۹	۰/۲۹۹۶	۰/۲۱۷۹	۰/۲۵۱۵	۰/۲۳۶۵	۰/۴۰۲۷	۰/۳۵۴۵	۰/۳۴۸۷	۰/۳۳۰۳	۰/۱۹۴۵	۰/۴۱۵۴

۲. در این مرحله باید ماتریس‌های بی‌مقیاس به دست آمده را موزون کرد. به دلیل اینکه نظرات خبرگان در پژوهش برای پژوهشگران به یک اندازه حائز اهمیت بود، برای همه آن‌ها وزن یکسانی در نظر گرفته شد؛ لذا ماتریس موزون آن‌ها با ماتریس بی‌مقیاس شده آن تفاوتی ندارد.

۳. با استفاده از رابطه ۲ و ۳ راه‌حل ایدئال مثبت  $(+Ai)$  و راه‌حل ایدئال منفی  $(-Ai)$  مشخص می‌شود.

رابطه ۲ گزینه ایدئال مثبت  $A_i^+ = \{(\max v_{ij} | j \in J1), (\min v_{ij} | j \in J2) | i = 1, 2, \dots, m\}$   
 $A_i^+ = (v_{1+}, v_{2+}, \dots, v_{n+})$

رابطه ۳ گزینه ایدئال منفی  $A_i^- = \{(\min v_{ij} | j \in J1), (\max v_{ij} | j \in J2) | i = 1, 2, \dots, m\}$   
 $A_i^- = (v_{1-}, v_{2-}, \dots, v_{n-})$

به طوری که:

$$J1 = \{1, 2, \dots, n \mid \text{به ازای عناصر مثبت شاخص‌ها}\}$$

$$J2 = \{1, 2, \dots, n \mid \text{به ازای عناصر منفی شاخص‌ها}\}$$

مقادیر  $A^+$  و  $A^-$  در جدول ۸ و ۹ به شرح زیر است:

جدول ۸. راه‌حل ایدئال مثبت و راه‌حل ایدئال منفی شاخص‌های شهری

$A^+$	۰/۶۰۹۳	۰/۴۶۲۶	۰/۴۰۰۸	۰/۴۷۴۱	۰/۵۱۱۹	۰/۴۳۹۲	۰/۴۸۸۹	۰/۴۲۵۲	۰/۴۰۹۶	۰/۴۱۴	۰/۴۰۹۲	۰/۵۱۶
$A^-$	۰/۱۷۴۱	۰/۱۳۲۲	۰/۲۸۶۳	۰/۲۰۳۲	۰/۱۴۶۳	۰/۱۸۸۲	۰/۰۶۹۸	۰/۱۸۲۲	۰/۲۹۲۶	۰/۲۰۷	۰/۲۷۲۸	۰/۱۴۷۴

جدول ۹. راه‌حل ایدئال مثبت و راه‌حل ایدئال منفی شاخص‌های منطقه‌ای

$A^+$	۰/۴۶۶۷	۰/۳۶۴۹	۰/۳۴۹۶	۰/۳۸۱۳	۰/۴۴۰۱	۰/۴۱۳۹	۰/۴۶۹۸	۰/۳۵۴۵	۰/۳۴۸۷	۰/۳۸۵۳	۰/۳۸۸۹	۰/۴۱۴۵
$A^-$	۰/۱۳۳۳	۰/۲۶۰۶	۰/۲۴۹۷	۰/۲۱۷۹	۰/۱۸۸۶	۰/۱۷۷۴	۰/۰۶۷۱	۰/۲۵۳۲	۰/۲۳۲۵	۰/۱۶۵۱	۰/۱۹۴۵	۰/۱۷۸

۴. مقدار فاصله بر اساس نرم اقلیدسی به‌ازای راه‌حل ایدئال منفی و گزینه مثبت و همین مقدار را به‌ازای راه‌حل ایدئال مثبت و گزینه منفی با استفاده از رابطه ۴ و ۵ محاسبه می‌شود و در جدول ۱۰ و ۱۱ ذکر شده است.

$$dj^+ = \left\{ \sum_{i=1}^n (vij - vj^+)^2 \right\}^{\frac{1}{2}} \quad \text{رابطه ۴}$$

(i = 1, 2, \dots, m)

$$dj^- = \left\{ \sum_{i=1}^n (vij - vj^-)^2 \right\}^{\frac{1}{2}} \quad \text{رابطه ۵}$$

(i = 1, 2, \dots, m)

جدول ۱۰. فاصله بر اساس نرم اقلیدسی (شهری)      جدول ۱۱. فاصله بر اساس نرم اقلیدسی (منطقه‌ای)

d <sup>+</sup>	d <sup>-</sup>	d <sup>-</sup>	d <sup>+</sup>
۰/۵۵۳۴	۰/۳۸۹۹	۰/۷۷۵۹	۰/۴۹۳۴
۰/۴۷۱۹	۰/۵۰۲۵	۰/۶۶۱۹	۰/۵۲۶۵
۰/۵۱۴۲	۰/۳۳۷۵	۰/۳۸۸۸	۰/۷۸۳۵
۰/۲۹۷۸	۰/۶۰۲۱	۰/۸۴۱۳	۰/۴۱۲
۰/۳۵۰۱	۰/۵۲۰۴	۰/۵۲۵۶	۰/۵۶۳۹
۰/۳۲۶۹	۰/۵۳۶۳	۰/۸۳۹۳	۰/۲۸۲۱
۰/۴۵۸۹	۰/۴۱۷	۰/۴۶۴۱	۰/۷۱۸۷
۰/۳۰۶۴	۰/۵۵۳۴	۰/۴۶۲۴	۰/۷۴۹
۰/۳۳۶۹	۰/۵۲۹		
۰/۵۰۲۷	۰/۴۹۰۷		

۵. با استفاده از رابطه ۶، نزدیکی نسبی  $A_i$  (برای هر گزینه) به راه‌حل ایدئال محاسبه می‌شود. مقادیر آن در جدول ۱۲ و ۱۳ ذکر شده است.

$$Ci = \frac{di^-}{(di^- + di^+)} , (i = 1, 2, \dots, m) \quad \text{رابطه ۶}$$

مقادیر  $C_i$  صفر و یک است؛ لذا هر گزینه  $A_i$  به راه‌حل ایدئال نزدیک‌تر باشد مقدار  $C_i$  آن به یک نزدیک‌تر خواهد بود.

جدول ۱۲. نزدیکی نسبی برای هر گزینه (شهری)

گزینه‌ها	نزدیکی نسبی
میزان جمعیت جوان در شهر	۰/۶۱۱۳
سطح رفاه مردم شهر	۰/۵۵۶۹
وجود مراکز تفریحی و فرهنگی در شهر	۰/۳۳۱۷
جمعیت شهر	۰/۶۷۱۳
پایین بودن سرانه سالن سینما	۰/۴۸۲۴
میزان استقبال مردم از سینماهای شهر	۰/۷۴۸۴
میزان فعالیت بخش خصوصی در شهر	۰/۳۹۲۴
همراهی مدیران استانی و شهرداری	۰/۳۸۱۷

جدول ۱۳. نزدیکی نسبی برای هر گزینه (منطقه‌ای)

گزینه‌ها	نزدیکی نسبی
میزان جمعیت دانشجو در منطقه	۰/۴۱۳۳
سطح رفاه مردم منطقه	۰/۵۱۵۷
کمبود مراکز فرهنگی تفریحی در منطقه	۰/۳۹۶۳
احداث در مال‌های تجاری	۰/۶۶۹۱
واقع شدن در مناطق تفریح پسند	۰/۵۹۷۸
نزدیکی به کلونی‌های جمعیتی	۰/۶۲۱۳
امنیت و آسایش منطقه	۰/۴۷۶۱
قرارگرفتن در مکان پرتردد شهر	۰/۶۴۳۶
دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی	۰/۶۱۱
انتخاب سینماهای نوستالژیک قدیمی	۰/۴۹۴

۶. رتبه‌بندی گزینه‌ها در این مرحله صورت می‌گیرد. بر اساس ترتیب نزولی  $C_i$  می‌توان گزینه‌های موجود را بر اساس بیش‌ترین اهمیت رتبه‌بندی کرد. رتبه‌بندی شاخص‌ها در جدول ۱۴ و ۱۵ نمایش داده شده است.

جدول ۱۴. رتبه‌بندی با تکنیک تاپسیس (شهری)

شاخص‌ها	رتبه	نزدیکی نسبی
میزان استقبال مردم از سینماهای شهر	۱	۰/۷۴۸۴
جمعیت شهر	۲	۰/۶۷۱۳
میزان جمعیت جوان در شهر	۳	۰/۶۱۱۳
سطح رفاه مردم شهر	۴	۰/۵۵۶۹
پایین بودن سرانه سالن سینما	۵	۰/۴۸۲۴
میزان فعالیت بخش خصوصی در شهر	۶	۰/۳۹۲۴
همراهی مدیران استانی و شهرداری	۷	۰/۳۸۱۷
وجود مراکز تفریحی و فرهنگی در شهر	۸	۰/۳۳۱۷

جدول ۱۵. رتبه‌بندی با تکنیک تاپسیس (منطقه‌ای)

شاخص‌ها	رتبه	نزدیکی نسبی
احداث در مال‌های تجاری	۱	۰/۶۶۹۱
قرارگرفتن در مکان پرتردد شهر	۲	۰/۶۴۳۶
نزدیکی به کلونی‌های جمعیتی	۳	۰/۶۲۱۳
دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی	۴	۰/۶۱۱
واقع شدن در مناطق تفریح پسند	۵	۰/۵۹۷۸
سطح رفاه مردم منطقه	۶	۰/۵۱۵۷
انتخاب سینماهای نوستالژیک قدیمی	۷	۰/۴۹۴
امنیت و آسایش منطقه	۸	۰/۴۷۶۱
میزان جمعیت دانشجو در منطقه	۹	۰/۴۱۳۳
کمبود مراکز فرهنگی تفریحی در منطقه	۱۰	۰/۳۹۶۳

## ادغام دو روش رتبه دهی

همان‌طور که در قسمت قبل با دو روش رتبه‌دهی ای‌اچ‌پی<sup>۱</sup> و تاپسیس<sup>۲</sup> اقدام به اولویت‌بندی شاخص‌های احصا شده شد، در این قسمت به جهت جمع‌بندی یافته‌ها و اولویت‌بندی‌های انجام شده، با کمک روش میانگین، اقدام به ادغام نتایج دو روش صورت گرفت و نمره نهایی هر یک از شاخص‌ها محاسبه شد. اگر در یک مسئله از چند روش برای ارزش‌گذاری شاخص‌ها استفاده شود می‌توان با استفاده از روش‌هایی مانند میانگین نتایج به‌دست‌آمده را ترکیب کرد. (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۹) در جداول شماره ۱۶ و ۱۷ نتایج این ادغام به کمک روش میانگین و نمرات نهایی آن برای شاخص‌های شهری و منطقه‌ای ذکر شده است.

جدول ۱۷. میانگین رتبه‌ها (منطقه‌ای)

جدول ۱۶. میانگین رتبه‌ها (شهری)

شاخص‌ها	Topsis	AHP	میانگین	شاخص‌ها	Topsis	AHP	میانگین
میزان جمعیت دانشجویان در منطقه	۹	۸	۸/۵	میزان جمعیت جوان در شهر	۳	۲	۲/۵
سطح رفاه مردم منطقه	۶	۲	۴	سطح رفاه مردم شهر	۴	۵	۴/۵
کمبود مراکز فرهنگی تفریحی در منطقه	۱۰	۱۰	۱۰	وجود مراکز تفریحی و فرهنگی در شهر	۸	۸	۸
احداث در مال‌های تجاری	۱	۱	۱	جمعیت شهر	۲	۳	۲/۵
واقع شدن در مناطق تفریح پسند	۵	۶	۵/۵	پایین بودن سرانه سالن سینما	۵	۴	۴/۵
نزدیکی به کلونی‌های جمعیتی	۳	۵	۴	میزان استقبال مردم از سینماهای شهر	۱	۱	۱
امنیت و آسایش منطقه	۸	۹	۸/۵	میزان فعالیت بخش خصوصی در شهر	۶	۷	۶/۵
قرارگرفتن در مکان پرتردد شهر	۲	۷	۴/۵	همراهی مدیران استانی و شهرداری	۷	۶	۶/۵
دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی	۴	۴	۴				
انتخاب سینماهای نوستالژیک قدیمی	۷	۳	۵				

جدول ۱۸. رتبه‌بندی شاخص‌ها با روش ادغامی میانگین (شهری)

رتبه	میانگین	شاخص‌ها
۱	۱	میزان استقبال مردم از سینماهای شهر
۲	۲/۵	میزان جمعیت جوان در شهر
	۲/۵	جمعیت شهر
۳	۴/۵	سطح رفاه مردم شهر
	۴/۵	پایین بودن سرانه سالن سینما
۴	۶/۵	میزان فعالیت بخش خصوصی در شهر
	۶/۵	همراهی مدیران استانی و شهرداری
۵	۸	وجود مراکز تفریحی و فرهنگی در شهر

جدول ۱۹. رتبه‌بندی شاخص‌ها با روش ادغامی میانگین (منطقه‌ای)

رتبه	میانگین	شاخص‌ها
۱	۱	احداث در مال‌های تجاری
۲	۴	سطح رفاه مردم منطقه
	۴	نزدیکی به کلونی‌های جمعیتی
	۴	دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی
۳	۴/۵	قرارگرفتن در مکان پرتردد شهر
۴	۵	انتخاب سینماهای نوستالژیک قدیمی
۵	۵/۵	واقع شدن در مناطق تفریح پسند
۶	۸/۵	میزان جمعیت دانشجو در منطقه
	۸/۵	امنیت و آسایش منطقه
۷	۱۰	کمبود مراکز فرهنگی تفریحی در منطقه

رتبه‌بندی شاخص‌ها با روش میانگین طبق میانگین رتبه‌های محاسبه شده در جدول ۱۸ و ۱۹ مشخص شده است.

## نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش تدوین الگویی علمی و کاربردی جهت برنامه‌ریزی و مکان‌یابی اماکن فرهنگی به‌خصوص سینماها با نگاه تصمیم‌ساز و بالادستی به‌منظور موفقیت همه‌جانبه آن‌ها در زمینه‌های مختلف مانند زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، مأموریتی و... پس از بهره‌برداری و راه‌اندازی است؛ موضوعی که با وجود اهمیت مکان‌یابی در آن، تاکنون به آن توجهی نشده است. بدیهی است ساخت هر مجتمع یا مکان فرهنگی نیاز به بودجه‌های کلانی دارد که سالانه حجم گسترده‌ای از آن بدون ارزیابی دقیق محیط و مکان‌یابی صرف ساخت سینماهای مختلف در کشور شده که نهایتاً با شکست و تعطیلی روبه‌رو شده‌اند. طبیعی است این حجم از بودجه فرهنگی کشور در سطح کلان از سطح اهمیت بالایی برخوردار است و مدیران بایستی

تمام تلاش خود را به کار ببرند که تمامی بودجه‌های عمومی را در بهینه‌ترین مسیر ممکن مصرف کنند. در این راستا مدیران جهت تصمیم‌گیری صحیح و موفق نیازمند پژوهشی کارا جهت شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار بر ساخت یک مجتمع فرهنگی موفق هستند. در این پژوهش سعی شده است ضمن پاسخگویی به دغدغه مدیران و تلاش برای صرف سرمایه‌های ملی در مسیر صحیح، از تصمیم‌گیری‌های داده‌محور برای مکان‌یابی استفاده شود؛ موردی که تا پیش‌ازین تماماً به‌صورت شهودی بوده است و مدیران بر اساس سلیقه، تجربه، دغدغه شخصی و بعضاً روابط خود اقدام به ساخت مجتمع‌های فرهنگی و سینما می‌کردند، درحالی‌که با استفاده از پژوهش فعلی می‌توانند؛ مانند مدل به کار گرفته شده در شاخص جذابیت فرهنگی تنها با جمع‌آوری داده‌های موردنیاز و استفاده از مدل تبیین شده، کاملاً مبتنی بر عینیات و امور واقعی اقدام به مکان‌یابی مجتمع‌های فرهنگی کنند. طبیعی است که تصمیم‌گیری داده‌محور در این زمینه می‌تواند باعث چابکی نهادهای بالادستی شود و به آن‌ها این امکان را بدهد که بتوانند با سرعتی بالا بهترین تصمیم‌های فرهنگی را با توجه به تغییرات محیطی اتخاذ کنند و به‌سادگی در مورد آینده خود تصمیم‌گیری کنند. در واقع مدیران به‌دوراز هرگونه اسراف منابع و با بیشترین دقت اقدام به انتخاب مکانی مناسب برای ساخت مجتمع‌های فرهنگی و سینما خواهند کرد.

محققان در این پژوهش با در نظر گرفتن تمامی دغدغه‌های مطرح شده سعی کرده‌اند با بررسی مبانی رایجی همچون شاخص جذابیت فرهنگی و به‌کاربردن آن‌ها در شناسایی ویژگی‌هایی که باعث جذاب‌شدن یک مکان می‌شوند، ابتدا مهم‌ترین شاخص‌ها در تعیین اولویت‌بندی شهرهای مناسب جهت ساخت یک مکان فرهنگی در سطح کشور ایران را شناسایی کرده و پس‌از آن مهم‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده در انتخاب بهینه‌ترین منطقه در یک شهر را تعیین کنند تا در مجموع بتوان بهینه‌ترین نقاط از مناسب‌ترین شهرهای کشور را جهت ساخت یک سینمای موفق شناسایی و ارائه کنند. در این راستا محققان ابتدائاً اقدام به تحقیقات بازار و شناسایی مشخصات، نیازها، الزامات و ویژگی‌های یک سینمای فرهنگی با نگاه بالادستی کردند. آن‌ها در این زمینه نیازها و ملزومات فرهنگی، تجاری، اجتماعی، امنیتی، فنی، مالی و... را بررسی کردند. پس‌از آن محققین به‌صورت خاص به شناسایی شهرها و مناطقی که سینمای موفق داشته‌اند تمرکز کردند و عوامل موفقیت‌زای آن‌ها شناسایی شد. در تکمیل این اقدام، محققان اقدام به شناسایی عوامل ضعف و شکست سینماهای ناموفق از نگاه

بالادستی پرداختند و با این اقدام نگاهی جامع و اولیه به وضع موجود بازار پیدا کردند. پس از آن محققان با ۱۳ نفر از خبرگان صنعت سینمایی کشور که همگی از افراد به نام سینمای ایران محسوب می‌شوند به صورت گلوله برفی و نیمه‌ساختار یافته مصاحبه کردند. گفتنی است محققین پس از مصاحبه یازدهم به اشباع نظری رسیدند ولی کار خود را تا مصاحبه سیزدهم ادامه دادند. آن‌ها در ادامه تمامی مصاحبه‌های انجام شده را پیاده‌سازی کرده و با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین اصلی و فرعی را در دو ساحت شهری و منطقه‌ای شناسایی کردند. پس از آن جهت وزن‌دهی، رتبه‌دهی و اولویت‌بندی هر شاخص احصا شده، با کمک خبرگان از روش تحلیل سلسله مراتبی و پس از آن از روش تاپسیس استفاده شد. در نهایت پس از طی تمامی این مراحل مشخص شد که میزان استقبال مردم از سینماهای شهر، میزان جمعیت جوان در شهر و جمعیت شهر به ترتیب سه شاخص اصلی در تعیین بهینه‌ترین شهر برای ساخت سینما و احداث سینما در مال‌های تجاری، بالا بودن رفاه مردم منطقه، نزدیک بودن به کلونی‌های جمعیتی و دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی به ترتیب شاخص‌های اصلی در تعیین بهینه‌ترین نقاط برای ساخت سینما در داخل شهرها است.

در آخر پیشنهاد می‌شود نهادهای بالادستی مؤثر در فرهنگ کشور نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه هنری انقلاب اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، شهرداری‌ها، سازمان صدا و سینمای جمهوری اسلامی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و... با توجه به مأموریتی که ناظر به ارتقای سطح فرهنگ کشور دارند و با توجه به اهمیت بودجه‌های فرهنگی‌ای که در اختیار دارند، بر اساس پژوهش حاضر اقدام به مکان‌یابی پروژه‌های فرهنگی خود نظیر سینما کرده تا بتوانند با انتخاب بهینه‌ترین مکان برای ساخت چنین مجتمعی، بیشترین بازدهی را در زمینه مأموریتی و اقتصادی خود داشته باشند.

## منابع و مآخذ

آریایی، محمود، فرج، محمدحسین، و رضایی، فاطمه (۱۳۹۸). وضعیت سالن‌های سینما در کشور در سال ۱۳۹۷. تهران: معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی، ۱-۳۸.

<https://ircud.ir/Media/PDF/1401/02/11/637870198511329139.pdf>

اسدی، محمدرضا و اختر کاوان، مهدی (۱۳۹۹). مکان‌یابی مراکز فرهنگی. کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و شهرسازی. <https://civilica.com/doc/1135729>

امیری، مهدی و عباسی، رضا (۱۳۹۶). مکان‌یابی تئاتر روباز با محوریت فرهنگ‌سازی و هویت‌بخشی شهرها (مطالعه موردی: شهر زابل). *دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی*، ۸(۶)، ۱۴۳-۱۵۴.

<https://civilica.com/doc/765976>

آذر، عادل و رجب‌زاده، علی (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری کاربردی رویکرد *MADM*. تهران: نگاه دانش.

آذر، عادل، لطیفی، میثم و ترکمنی، مهدی (۱۳۹۲). شناسایی و رتبه‌بندی معیارهای مؤثر بر مکان‌یابی مسجد. *دو فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی*، ۲۱(۲)، ۲۰۵-۲۲۲.

[https://journals.ihu.ac.ir/article\\_201785.html](https://journals.ihu.ac.ir/article_201785.html)

آذر، عادل و معماریانی، عزیزالله (۱۳۷۳). تکنیکی نوین برای تصمیم‌گیری گروهی *AHP*. *دانش مدیریت*، ۲۷(۱)، ۲۲-۳۲.

بازرگان هرندی، عباس (۱۳۸۷). روش تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای مطالعات مدیریت. *دانش مدیریت*، ۲۱(۴)، ۱۹-۳۶.

[https://jmk.ut.ac.ir/article\\_26999.html](https://jmk.ut.ac.ir/article_26999.html)

بزرگمهر، کیا، حکیم دوست، سیدياسر و محمدپورزیدی، علی (۱۳۹۵). مکان‌یابی یهینه ایستگاه سینوپتیک با روش منطق فازی و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (*AHP*) مورد مطالعه: شهرستان تنکابن. *دوفصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱۴(۲)، ۳۸-۲۵.

<https://www.sid.ir/paper/253327/fa>

پیلهور، علی‌اصغر (۱۳۹۵). مکان‌یابی استقرارگاه‌های روستایی با منشأ عشایری در خراسان شمالی. *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۱۶(۱)، ۱۸۹-۲۰۴. Doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jrrp.v5i4.56457>

حیدری، شهر و احمدی، ملیحه (۱۳۹۶). تحلیل مکان‌یابی کاربری فرهنگی با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی (*AHP*) و تحلیل شبکه (*N*). نمونه موردی: منطقه ۸ کلان‌شهر کرج. *فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۸(۱۶)، ۴۹-۶۶. Do: 20.1001.1.25383930.1396.8.16.4.7

دیانی، میکائیل (۱۳۹۷). بر باد رفته (در سال‌های اخیر توزیع سالن‌های سینمایی در تهران تغییر یافته است و سینماهای مرکز شهر متروکه شده‌اند). برگرفته از سایت:

<https://farhikhtegandaily.com/news/18054/%D8%A8%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%AF-%D8%B1%D9%81%D9%80%D9%80%D8%AA%D9%80%D9%87/>

رحمان پور، علی‌اکبر (۱۳۹۸). معیارهای مکان‌یابی مدارس و ارزیابی آن‌ها. *رشد آموزش جغرافیا*، ۹۰(۱)، ۲۴-۳۰. <https://sid.ir/paper/503937/fa>

رحیمی، بهزاد (۱۳۹۶). تکوین تاریخی سینما در ایران: تحلیلی تبارشناسانه از پیدایش و ترویج صنعت سینما

به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی در ایران. مطالعات هنر و فرهنگ، ۲(۲)، ۹۹-۱۱۵.

<https://civilica.com/doc/1352191>

روستا، احمد، سبزعلی یمقانی، کبری و سبزعلی یمقانی، علی (۱۳۹۸). *بازاریابی سیستم اطلاعات جغرافیایی (مکانی): ژئومارکتینگ، روش‌ها و استراتژی‌های بازاریابی*. تهران: انتشارات ماهواره.

رهبر، امیرحسین، لاهوتیان، علی و واحدی مقدم، محمود (۱۳۹۴). *ارائه سامانه پشتیبان تصمیم مکان‌یابی برای کسب‌وکارهای جدید؛ موردکاوری مکان‌یابی واحد اسباب‌بازی*. مدیریت فناوری اطلاعات، ۷(۳)، ۵۷۳-۵۹۴.

Doi: 10.22059/jitm.2015.54001

زوارقی، رسول، سالکی ملکی، محمدعلی، قاسمی خوبی، معصومه و سالکی ملکی، فاطمه (۱۳۹۳). *مکان‌یابی کتابخانه‌های عمومی با استفاده از تکنیک تاپسیس - فازی: بررسی موردی کتابخانه‌های عمومی شهر تبریز*. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۰(۲)، ۲۵۴-۲۷۵.

Dor: 20.1001.1.26455730.1393.20.2.4.3

سرای، محمدحسین، ولی زاده، هاشم و پیرنیا، محمدرضا (۱۳۹۳). *ارائه الگوی بهینه مکان‌یابی پارکینگ با استفاده از مدل تحلیل شبکه و سامانه اطلاعات جغرافیایی فازی در منطقه ۲ شهر یزد*. کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۲(۳)، ۶۳-۸۵.

[https://grd.yazd.ac.ir/article\\_568.html](https://grd.yazd.ac.ir/article_568.html)

شاه‌چراغی، آزاده و بندر آباد، علیرضا (۱۳۹۴). *محاط در محیط: کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی* انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران

شکورزاده، صبا (۱۴۰۱). *واکاوی و بررسی مکان‌یابی بهینه مراکز فرهنگی - هنری در کاربری‌های اراضی شهری (مورد مطالعه: شهرستان خوی)*. پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی زمستان، ۴(۴۱)،

<https://civilica.com/doc/1765647/>

۲۱-۳۸.

شیخ‌زاده، محمد، عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید و فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی*. اندیشه مدیریت راهبردی،

Doi: 10.30497/SMT.2011.163

۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.

صادقی گرماوردی، کیمیا (۱۳۹۸). *هنر سینما چیست؟ برگرفته از سایت:*

<https://rasekhoon.net/article/show/1464775/>

عدالت پرست، مهسا و ناهیدی آذر، فریدون (۱۳۹۵). *بررسی مؤلفه‌های طراحی مجموعه‌های فرهنگی هنری با رویکرد تعامل انسان و روح فضا، نمونه موردی: طراحی مجموعه فرهنگی و هنری تبریز با تأکید بر تعامل انسان و روح فضا*. سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری. <https://civilica.com/doc/470940>

عرفان‌نیا، امین، خیراندیش، مسعود، کارشناسان، علی و محمدی خیاره، محسن (۱۳۹۸). *شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی در صنعت گاوداری شیری استان خراسان جنوبی*. راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی،

Doi: 10.29252/jea.6.11.11

۶(۱۱)، ۱۱-۲۵.

عزت‌پناه، بختیار، شگوری، مصطفی و مددی، اکبر (۱۳۹۲). *مدل‌سازی مکان‌یابی پارکینگ‌های طبقاتی با استفاده از روش AHP و شاخص‌های هم‌پوشانی وزنی در محیط GIS*. آمایش محیط، ۷(۲۷)، ۱-۲۰.

<https://sid.ir/paper/130528/fa>

علوی نیاکو، سید پژمان و حسینی، سید باقر. (۱۳۹۷). *مکان‌یابی مساجد شهرستان رشت با بهره‌گیری از سیستم*

اطلاعات جغرافیایی با روش AHP. مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۲(۴)، ۲۷-۳۸.

[https://www.jget.ir/article\\_69900.html](https://www.jget.ir/article_69900.html)

علوی‌پور، سید محسن (۱۳۹۷). چالش‌های اجتماعی سیاسی ظهور سینما در ایران، پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸(۱)، ۱۳۱-۱۱۳. Doi: <https://doi.org/10.30465/shc.2018.20918.1760>

علی‌زاده، اکبر و امینی بدر، فدرار. (۱۳۹۸). مجموعه‌های فرهنگی هنری در شهرها. کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز. <https://civilica.com/doc/1021211>

فدائی، مجید و آقابابایی، احسان (۱۴۰۰). مطالعه سیاست‌های سینمایی در ایران با محوریت سینمای ملی. سیاست‌گذاری عمومی، ۷(۴)، ۲۰۵-۱۸۵. Doi: [10.22059/JPPOLICY.2021.84829](https://doi.org/10.22059/JPPOLICY.2021.84829)

فیروزی، محمدعلی، رحمانی، پیروز، شه‌پریان، نبی‌الله و فریدون نژاد، مریم (۱۳۹۵). مکان‌یابی مراکز آموزشی با استفاده از مدل ترکیبی منطق بولین و FAHP، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۲(۳)، ۱۵۶-۱۷۷. Doi: [20.1001.1.10174133.1395.32.3.7.7](https://doi.org/10.1001.1.10174133.1395.32.3.7.7)

گائینی، ابوالفضل و حسین‌زاده، امیر (۱۳۹۱). پارادایم‌های سه‌گانه اثبات‌گرایی، تفسیری و هرمنوتیک در مطالعات مدیریت و سازمان. مطالعات راهبردی فرهنگ، ۵(۱۹)، ۱۰۳-۱۳۸. [https://www.jsfc.ir/article\\_43850.html](https://www.jsfc.ir/article_43850.html)

موسائی، میثم، مرادیان دقیق، پروانه و چنگیز، سحر (۱۳۹۹). مطالعه عوامل مؤثر بر تقاضای سینما در مشهد. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۲۱(۵۲)، ۲۰۱-۲۲۱. Doi: <https://doi.org/10.22083/jccs.2020.129674.2421>

مهرآبادی، میترا (۱۳۸۶). تاریخ کامل ایران باستان. تهران: دنیای کتاب.

یوسفی، زینب و باخرزی قزل‌حصار، سید محمد (۱۳۹۰). بررسی ضوابط و روش‌های جغرافیایی در مکان‌یابی کاربری‌های فرهنگی شهری نمونه موردی: کتابخانه و فرهنگسرا. جغرافیا و روابط انسانی، ۴(۱۴)، ۲۱۷-۲۴۵. Doi: [20.1001.1.26453851.1400.4.2.13.7](https://doi.org/10.1001.1.26453851.1400.4.2.13.7)

Adalatparast, M., & Nahidi Azar, F. (2015). Investigating the design components of cultural and artistic collections with the approach of human interaction and the spirit of space, a case example: designing the cultural and artistic collection of Tabriz with an emphasis on the interaction of humans and the spirit of space. *The third international congress on civil engineering, architecture and urban development*. <https://civilica.com/doc/470940> [In Persian]

Alavi Nyako, S. P., & Hosseini, S. B. (2017). Locating mosques in Rasht city using geographic information system with AHP method. *Land Geography Engineering*, 2(4), 27-38. [https://www.jget.ir/article\\_69900.html](https://www.jget.ir/article_69900.html) [In Persian]

Alavipour, S. M. (2017). Social and political challenges of the emergence of cinema in Iran, *Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, 8(1), 113-131. Doi: <https://doi.org/10.30465/shc.2018.20918.1760> [In Persian]

Alizadeh, A., & Amini Badr, F. (2018). Cultural and artistic collections in cities. Conference on civil engineering, architecture and urban planning of the countries of the Islamic world, Tabriz. <https://civilica.com/doc/1021211> [In Persian]

- Amiri, M., & Abbasi, R. (2016). Locating the open air theater with the focus on cultural building and identity of cities (case study: Zabul city). *Bimonthly Research in Art and Human Sciences*, 8(6), 143-154. <https://civilica.com/doc/765976> [In Persian]
- Arbabi, M., Faraj, M.H., & Rezaei, F. (2018), The state of movie theaters in the country in 2017. Tehran: *Vice-Chancellor of Technology Development and Cinema Studies*, 1-38. <https://ircud.ir/Media/PDF/1401/02/11/637870198511329139.pdf> [In Persian]
- Asadi, M.R., & Akhtar Kavan, M. (2019). Locating cultural centers. *National Conference on Civil Engineering, Architecture and Urban Planning*. <https://civilica.com/doc/1135729> [In Persian]
- Azar, A., & Memariani, A. (1373). A novel technique for AHP group decision making. *Management Knowledge*, 27(1), 22-32. [In Persian]
- Azar, A., & Rajabzadeh, A. (2008). *Applied decision making of MADM approach*. Tehran: Negha Danesh. [In Persian]
- Azar, A., Latifi, M., & Turkmani, M. (2012). Identification and ranking of effective criteria on mosque location. *Two Scientific-Research Quarterly Journals of Islamic Management*, 21(2), 205-222. [https://journals.ihu.ac.ir/article\\_201785.html](https://journals.ihu.ac.ir/article_201785.html) [In Persian]
- Banai-Kashani, R. (1989). A new method for site suitability analysis: The analytical hierarchy process. *Environmental Management*, 13, 693-785. doi:<https://doi.org/10.1007/BF01868308>
- Bazargan Herandi, A. (2008). Mixed research method: A superior approach for management studies. *Management Knowledge*, 21(4), 19-36. [https://jmk.ut.ac.ir/article\\_26999.html](https://jmk.ut.ac.ir/article_26999.html) [In Persian]
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*. Sage.
- Bozormehr, K., Hakim Dost, S., & Mohammadpourzidi, A. (2016). Target location of synoptic station with fuzzy logic method and Analytical Hierarchy Process (AHP) studied: Tenkaben city. *Urban Ecology Research Quarterly*, 14(2), 25-38. <https://www.sid.ir/paper/253327/fa> [In Persian]
- Branston, G. (2000). *Cinema and cultural modernity*. Open University Press.
- Charles B. Weinberg; Cord Otten; Barak Orbach; Jordi McKenzie; Ricard Gil. (2020). Technological change and managerial challenges in the movie theater industry. *Journal of Cultural Economics*, 45(2), 239-262. doi: 10.1007/s10824-019-09374-z
- Diani, M. (2017). *Gone (in recent years, the distribution of movie theaters in Tehran has changed and the cinemas in the city center have been abandoned)*. Taken from the site: <https://farhikhtegandaily.com/news/18054/%D8%A8%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%AF-%D8%B1%D9%81%D9%80%D9%80%D8%AA%D9%80%D9%87/> [In Persian]
- Ezzatpanah, B., Shagouri, M., & Maddi, A. (2012). Modeling the location of multi-storey parking lots using the AHP method and weighted overlap indices in the GIS environment. *Amayesh Mohit*, 7(27), 1-20 <https://sid.ir/paper/130528/fa> [In Persian]

- Fadai, M., & Aghababai, E. (1400). A study of cinema policies in Iran with a focus on national cinema. *Public Policy*, 7(4), 205-185. Doi: 10.22059/JPPOLICY.2021.84829 [In Persian]
- Farahani, R., SteadieSeifi Maryam, Asgari Nasrin. (2010). Multiple criteria facility location problems: A survey. *Applied Mathematical Modelling*, 34(7), 1689 - 1709. doi:10.1016/j.apm.2009.10.005
- Firouzi, M. A., Rahmani, P., Shahparian, N., & Fereydoun Nejad, M. (2015). Locating educational centers using the combined model of Boolean logic and FAHP, *Education Quarterly*, 32(3), 156-177 Dor: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.7.7 [In Persian]
- Gaini, A., & Hosseinzadeh, A. (2011). The three paradigms of positivism, interpretation and hermeneutics in management and organization studies. *Culture Strategy Studies*, 5(19), 103-138. [https://www.jsfc.ir/article\\_43850.html](https://www.jsfc.ir/article_43850.html) [In Persian]
- Government, B. M. (2022, May 24). *Cultural development plan of Beijing*. Retrieved from: [http://www.gov.cn/xinwen/2020-04/09/content\\_5500586.htm](http://www.gov.cn/xinwen/2020-04/09/content_5500586.htm)
- Gul Atila, Gezer Abdullah, Kane Brian. (2006). Multi-criteria analysis for locating new urban forests: An example from Isparta, Turkey. *Urban Forestry & Urban Greening*, 57 - 71. doi:10.1016/j.ufug.2006.05.003
- Heintz, C. (2018). Cultural Attraction Theory. *The International Encyclopedia of Anthropology*, 1-10. doi:10.1002/9781118924396.wbiea2311
- Heydari, S., & Ahmadi, M. (2016). Analysis of location of cultural use using hierarchical analysis (AHP) and network analysis (N.), case example: district 8 of Karaj metropolis. *Scientific Quarterly of Urban Ecology Research*, 8(16), 49-66. Dor: 20.1001.1.25383930.1396.8.16.4.7 [In Persian]
- Irfannia, A., Khairandish, M., Makhre, A., and Mohammadi Khayare, M. (2018). Identifying and prioritizing barriers to entrepreneurship development in the dairy industry of South Khorasan province. *Entrepreneurship Strategies in Agriculture*, 6(11), 11-25. Doi: 10.29252/jea.6.11.11 [In Persian]
- Jahanshahloo, G.R., Hosseinzadeh, F., & Izadikhah, M. (2006). Extension of the TOPSIS method for decision-making problems with fuzzy data. *Applied Mathematics and computation*, 181(2), 1545-1551. doi:10.1016/j.amc.2006.02.057
- King, N. (2004). *Using Templates in the Thematic Analysis of Text*. In C. Cassell, & G. Symon, *Essential Guide to Qualitative Methods in Organizational Research*. SAGE, 256-287. doi:10.4135/9781446280119.n21
- Kong, L. (2000). Culture, economy, policy: trends and developments. *Geoforum*, 31(4), 385 - 390. doi: [https://doi.org/10.1016/S0016-7185\(00\)00004-X](https://doi.org/10.1016/S0016-7185(00)00004-X)
- Lee Hwei, Yang Jiaqin. (1997). An AHP decision model for facility location selection. *Facilities*, 15, 241-254. doi:10.1108/02632779710178785
- McKenzie, J. (2022). The economics of movies (revisited): A survey of recent literature. *John Wiley & Sons Ltd*, 37(2), 480-525. doi: <https://doi.org/10.1111/joes.12498>
- Mehrabadi, M. (1386). *Complete history of ancient Iran*. Tehran: Donyaye ketab. [In Persian]

- Mousai, M., Moradian, P., & Cengiz, S. (2019). A study of factors influencing the demand for cinema in Mashhad. *Quarterly Journal of Culture-Communication Studies*, 21(52), 201-221. Doi: <https://doi.org/10.22083/jccs.2020.129674.2421> [In Persian]
- Pilevor, A. A. (2015). Locating rural settlements with nomadic origins in North Khorasan. *Rural Research and Planning*, 6(1), 189-204. Doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jrrp.v5i4.56457> [In Persian]
- Qiliang He, JieTan. (2021). Cinema, colonialism, and contact zone: the movie theater and city governance in early-twentieth-century Shanghai. *International Journal of Asian Studies*, 20(2), 591-609. doi: <https://doi.org/10.1017/S1479591421000346>
- Rahbar, A., Lahotian, A., & Vahedi Moghadam, M. (2014). Providing location decision support system for new businesses; Case study of toy unit location. *Information Technology Management*, 7(3), 573-594. Doi: 10.22059/jitm.2015.54001 [In Persian]
- Rahimi, B. (2016). Historical development of cinema in Iran; A genealogical analysis of the emergence and promotion of the cinema industry as a social phenomenon in Iran. *Art and Culture Studies*, 2(2), 99-115. <https://civilica.com/doc/1352191> [In Persian]
- Rahmanpour, A. (2018). Criteria for locating schools and evaluating them. *Development of Geography Education*, 90(1), 24-30. <https://sid.ir/paper/503937/fa> [In Persian]
- Rasli, F., Kanniah Kasturi Devi, Muthuveerappan Chitrakala. (2016). An integrated approach of analytical hierarchy process and GIS for site selection of urban parks in Iskandar Malaysia. *International Journal of Geoinformatics*, 12(2), <https://journals.sfu.ca/ijg/index.php/journal/article/view/953>
- Rusta, A., Sabzali Yamqani, K., & Sabzali Yamqani, A. (2018). *Geographic Information System Marketing (Spatial): Geomarketing, Marketing Methods and Strategies*. Tehran: mahvare Publications. [In Persian]
- Sadeghi Garmavardi, K. (2018). *What is the art of cinema?* Taken from the site: <https://rasekhoon.net/article/show/1464775/> [In Persian]
- Saraei, M. H., Walizadeh, H., & Pirnia, M. R. (2014). Presenting the optimal parking location model using network analysis model and fuzzy geographic information system in the 2nd zone of Yazd city. *Geographical Explorations of Desert Regions*, 2(3), 63-85. [https://grd.yazd.ac.ir/article\\_568.html](https://grd.yazd.ac.ir/article_568.html) [In Persian]
- Shahcheraghi, A., & Bandar Abad, A. (2014). *Surrounded by the environment: application of environmental psychology in architecture and urban planning*. Publications of Tehran Academic Jihad Organization [In Persian]
- Shakurzadeh, S. (1401). Analysis and investigation of the optimal location of cultural-artistic centers in urban land uses (case study: Khoi city). *New Researches of Geographical Sciences, Architecture and Urban Planning Winter*, 4(41), 21-38. <https://civilica.com/doc/1765647/> [In Persian]
- Sheikhzadeh, M., Abedi Jafari, H., Taslimi, M. S., and Faqih, A. (2019). Theme analysis and theme network: a simple and efficient method to explain patterns in qualitative data. *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. Doi: 10.30497/SMT.2011.163 [In Persian]
- Strykiewicz, T. (2010). Location factors of the creative and knowledge - intensive industries in europe-

an metropolitan regions. *Geographical Journal*, 62(1), 3 - 19. doi: 03121129GC-10-1\_Stryjakiewicz.pdf

Towse, R.(2019). *A Textbook of Cultural Economics 2nd edition*. Cambridge University Press.

Ulin, J. C. (2019). *The Business of Media Distribution - Monetizing Film, TV, and Video Content in an Online World*. Routledge.

Yousefi, Z., & Bakhrezi Ghazal-Hasar, S. M. (2010). Investigating geographical criteria and methods in locating urban cultural uses, case example: library and cultural center. *Geography and Human Relations*, 4(14), 217-245. Dor: 20.1001.1.26453851.1400.4.2.13.7 [In Persian]

Zavarghi, R., Saleki Maleki, M. A., Ghasemi Khoei, M., & Saleki Maleki, F. (2014). Locating public libraries using the TOPSIS-Fuzzy technique: a case study of a public library in Tabriz city. *Scientific Quarterly Journal of Information Research and Public Libraries*, 20(2), 254-275. Dor: 20.1001.1.26455730.1393.20.2.4.3 [In Persian]

Zhang, H., Leung, X.Y. and Bai, B.. (2023) Cultural attractiveness index for sustainable cities: Tourism Agenda 2030. *tourism Review*, 78(2), 411-426. doi:10.1108/TR-05-2022-0255.



## Contents

### **Recognizing Iran's Cultural Regions: Towards a Conceptual and Methodological Framework**

Behrouz Roustakhiz, Somayeh Kazemi .....9

### **An introduction to the conceptualization of cultural region with emphasis on the cultural regions of Iran**

Ali Ahamdi .....53

### **Urbanization and the Necessity of Multi-Level Cultural Governance in Supporting Linguistic Diversity in Iran**

Ebrahim Oloumi.....85

### **A study of cultural cartography in cultural development and planning**

Maryam Hossein Yazdi, Ebrahim Fayaz ..... 117

### **A New Cultural Model of Good Governance in Institutions Overseeing Government Performance**

Heidar Mohammadi, Siyamak Kurang beheshti, Hamid Davazhaemami ..... 147

### **Identifying and prioritizing decision-making components in locating the cultural places with AHP and TOPSIS methods: the case study of cinema places**

Mohammad Rezaali, Mahdi Rafiei, Hadi Esmaeli, Abbas Rahimi ..... 173



# Scientific Quarterly of Strategic Studies of Culture

In the Name of God

Quarterly of –Strategic Studies of Culture

Research Institute of Culture, Art and  
Communication

Ministry of Culture and Islamic Guidance

Vol.4, Series.14, No.2, Summer 2024

**Managing Director:** Zaeri, Ghasem (Ph.D)

**Editor in Chief:** Hajiyani, Ebrahim (Ph.D)

## Editorial Board

- Esfandiari, Shahab (Ph.D)
- Bahnar, Naser (Ph.D)
- Hajiani, Ibrahim (Ph.D)
- Mahdi Hosseinzadeh Yazdi (Ph.D)
- Khanmohammadi, Karim (Ph.D)
- Hossein Hassani (Ph.D)
- Souzanchi, Hossein (Ph.D)
- Ali Rabani Khorasagani (Ph.D)
- Shalchi, Vahid (Ph.D)
- Shahabi, Mahmoud (Ph.D)
- Mansoore FasihRamandi (Ph.D)
- Kabiri, Afshar (Ph.D)
- Yasini, seyedeh Raziye (Ph.D)
- Yousefi, Ali (Ph.D)

## International Editorial Board

- Reza'ee, Mohammad (Ph.D)
- Dagharleh, Aghil (Ph.D)



## Production Manager:

Mehri, Roghayeh

## Persian Editor:

Shafiekhani, Shahnaz

## Layout:

Khalili, Hamed

## Editorial Office

No.9, Dameshgh St. Valiasr Square,  
Tehran, Islamic Republic of Iran

**Tel:** (021) 88919186

**Fax:** (021) 88893076

**website:** <http://scsj.ricac.ac.ir>

## Aims and Scope

The license holder of the quarterly journal of "Strategic Studies of Culture" is the Research Institute of Culture, Art and Communication. The permission to publish this quarterly has been issued by the Deputy of Media Affairs and Publicity of the Ministry of Culture and Islamic Guidance with number 86080. The Iranian Society of Cultural Studies and Communication participates in this quarterly publication. The purpose of this quarterly is to help realize Iran's cultural policies. This quarterly is published in both printed and electronic versions. According to the Ministry of Science, Research, and Technology and Islamic World Science and Technology Monitoring and Citation Institute (ISC) announcement, the Quarterly Journal of Strategic Studies of Culture has been published since Spring 2022 with a "scientific" grade

  
Research Center for Culture,  
Art and Communication  
Ministry of Culture and Islamic Guidance

  
IRANIAN ASSOCIATION  
OF CULTURAL STUDIES &  
COMMUNICATIONS